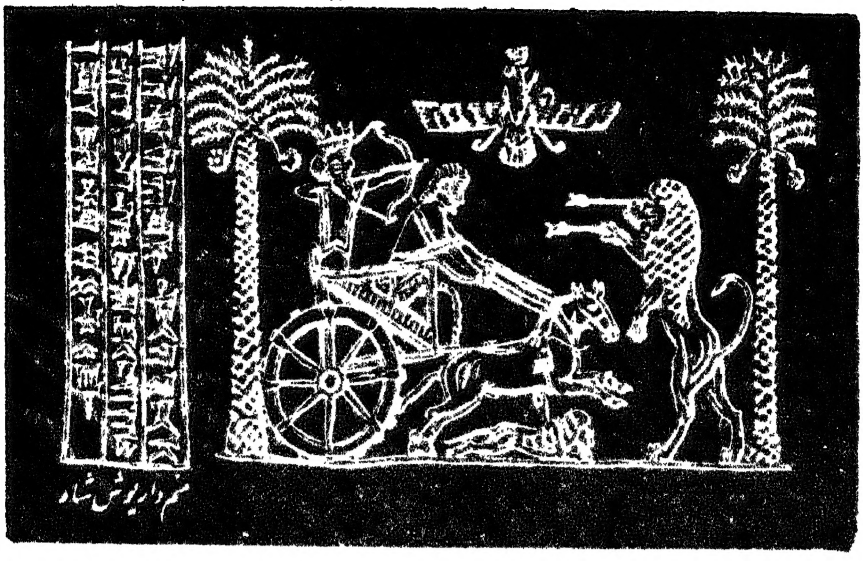

بررسیهای تاریخی

سال پنجم

شماره ٦

بهمن ـ اسفند ۱۳٤۹

(شمارهٔ مسلسل ـ ۳۰)

بفرمان

مطاع شاهنشاه آریا مهر بزرگ ارتشتاران

مجلهٔ بررسی های تاریخی

مجلهٔ تاریخ و تحقیقات ایران شناسی

نشریهٔ ستاد بزرگ ارتشتاران ـ بخش تحقیقات تاریخی

شمارهٔ ٦ سال پنجم — بهمن ـ اسفند ١٣٤٩

شمارهٔ مسلسل ـ ٣٠ — فوریه ـ مارس ١٩٧١

« ذکر تاریخ گذشته از واجبات است بخصوص در
مورد ملتهائی که افتخار داشتن تاریخ کهن ملّی را دارند
جوانان باید بدانند که مردم گذشته چه فداکاریها
کرده و چه وظیفهٔ حساس و فوق العاده بعهدهٔ آنها
است . »

از سخنان شاهنشاه آریامهر

گراورها و کلیشه‌های چاپ شدهٔ در این شماره در گراورسازی چاپخانه ارتش شاهنشاهی تهیه و آماده شده است.

بفرمان مطاع اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر بزرگ ارتشتاران ارکان مدیره

مجلهٔ بررسی‌های تاریخی بشرح زیر میباشد

الف ـ هیئت رئیسهٔ افتخاری :

تیمسار ارتشبد رضا عظیمی	تیمسار ارتشبد فریدون جم	جناب آقای دکتر علینقی عالیخانی
« وزیر جنگ »	(رئیس ستاد بزرگ ارتشتاران)	(رئیس دانشگاه تهران

ب ـ هیئت مدیره :

تیمسار سپهبد غلامرضا ازهاری	جانشین رئیس ستاد بزرگ ارتشتاران
تیمسار سپهبد علی کرمیلو	معاون هم آهنگ کننده ستاد بزرگ ارتشتاران
تیمسار سپهبد حسین رستگار نامدار	رئیس اداره کنترول ستاد بزرگ ارتشتاران

پ ـ هیئت تحریریه

آقای دکتر خانبابا بیانی	استاد تاریخ در دانشگاه تهران
آقای دکتر عباس زریاب خوئی	رئیس گروه تاریخ در دانشکده ادبیات تهران
آقای سید محمد تقی مصطفوی	استاد باستانشناسی
سرهنگ ۲ یحیی شهیدی	مدیر مسئول و سردبیر مجلهٔ بررسیهای تاریخی

« دراین شماره »

صفحه	عنوان مقاله	نویسنده ـ مترجم
۱ـ۵۴	سیمای تاریخ وفرهنگ ایران درموزه های تاریخ وباستانشناسی اتحادجماهیر شوروی	دکترپرویز ورجاوند
۵۵ـ۶۸	آئین‌نامه نظامی(کتاب مشق سرباز)	سرهنگ ۲ یحیی شهیدی
۶۹ـ۸۸	وضع دادرسی وقضاوت در کشورهای باستانی خاورزمین	علی سامی
۸۹ـ۹۸	میترائیسم وسوشیانس مهر	مجید یکتائی
۹۹ـ۱۲۶	روابط ایران وهلند در زمان صفویه	دکتر خانبابا بیانی
۱۲۷ـ۱۴۲	چند فرمان تاریخی	محمد کریم زادهٔ تبریزی
۱۴۳ـ۱۹۲	چند تلگراف تاریخی ازعین‌الدوله به‌والی فارس	سروان محمد کشمیری
۱۹۳ـ۲۴۰	معرفی چند آثار باستانی تبریز	سروان مجید وهرام
۲۴۱ـ۲۵۶	سندی دربارهٔ سفارت جنرال یرملوف به ایران	سرهنگ دکتر جهانگیر قائم مقامی
۲۵۷ـ۲۹۴	گزارشی دربارهٔ بنیادهای تاریخی ارتش خشایارشا	محمدقلی اشتری

بخش دوم

۲۹۵ ـ ۳۰۶ فهرست مقالات واسامی نویسندگان سال پنجم مجلهٔ بررسی های تاریخی

در این شماره

صفحه	عنوان مقاله	نویسنده ـ مترجم
۱ـ۵۴	سیمای تاریخ و فرهنگ ایران درموزه های تاریخ و باستانشناسی اتحادجماهیر شوروی	دکتر پرویز ورجاوند
۵۵ـ۶۸	آئین نامه نظامی (کتاب مشق سرباز)	سرهنگ ۲ یحیی شهیدی
۶۹ـ۸۸	وضع دادرسی و قضاوت در کشورهای باستانی خاورزمین	علی سامی
۸۹ـ۹۸	میترائیسم وسوشیانس مهر	مجید یکتائی
۹۹ـ۱۲۶	روابط ایران وهلند در زمان صفویه	دکتر خانبابا بیانی
۱۲۷ـ۱۴۲	چند فرمان تاریخی	محمد کریم زادهٔ تبریزی
۱۴۳ـ۱۹۲	چند تلگراف تاریخی ازعین‌الدوله به‌والی فارس	سروان محمد کشمیری
۱۹۳ـ۲۴۰	معرفی چند آثار باستانی تبریز	سروان مجید وهرام
۲۴۱ـ۲۵۶	سندی دربارهٔ سفارت جنرال یرملوف به ایران	سرهنگ دکتر جهانگیر قائم مقامی
۲۵۷ـ۲۹۴	گزارشی دربارهٔ بنیادهای تاریخی ارتش خشایارشا	محمدعلی اشتری

بخش دوم

۲۹۵ ـ ۳۰۶ فهرست مقالات واسامی نویسندگان سال پنجم مجلهٔ بررسی های تاریخی

CONTAINS

Author	Title	Page
Dr. VARJAVAND (p.)	Iranian Historical and Cultural Aspects in the Russian Historical and Archeology Museums.	1–54
Lt. Col. SHAHIDI (y.)	Military Regulations (Military Drill of the Soldier).	55–68
SAMY (a.)	The Manner of Justice in the Eastern Ancient Countries.	69–88
YEKTAYE (m.)	Mithraism and Sociance of Mehr.	89–98
Dr. BAYANI (kh.)	Iranian and Dutch Relations in the Safavee era.	99–126
KARIMZADEH TABRIZI (m.a.)	Some Historical Commandments.	127–142
Capt. KESHMIRI(m.)	Some Historical Telegraphs from Einodoleh to the Governer-General of Fars.	143–192
Capt. VAHRAM(m.)	Introducing Some Relics of Tabriz.	193–240
Col. GHAEM–MAGHAMI (j.)	A Document on the Embassy of Gen. Yermolof to Iran.	241–256
ASHTARI (m.gh.)	A Report on Historical Origins of the A Army of Xerxes.	257–294
	Part 2	
	The List of publications for the Historical Research Magazine.	295–306

سیمای تاریخ و فرهنگ ایران

در موزه‌های تاریخ و باستانشناسی اتحاد جماهیر شوروی

نوشته:

پرویز ورجاوند

(دکتر در باستانشناسی)

در مرداد ماه سال جاری بنا بدعوت فرهنگستان علوم شوروی بمنظور آشنائی با فعالیتهای علمی آن کشور در زمینهٔ باستانشناسی و مردم ـ شناسی عازم روسیه شوروی گردیدم. درطی سه‌هفته‌اقامت درآنکشور از برخی شهرها و نواحی آن چون: مسکو ـ لنینگراد ـ تاشکند ـ سمرقند وباکو بازدید بعمل آمد و از نزدیك تعدادی از موزه‌ها و مؤسسات باستان شناسی و کارگاههای تعمیر اشیاء هنری وبناهای تاریخی مورد بازدید قرار گرفت و باچگونگی آنها و شیوهٔ کارشان آشنائی حاصل گشت.

باستانشناسی وایجاد موزه‌های بزرگ وجامع جلب نمایم . شاید که مقامات مسئول را به اقدامی فوری جهت ایجاد سازمانی منطقی و علمی برای فراهم ساختن موجبات انجام یك رشته فعالیت های وسیع در این امور و استفاده از وجود افراد متخصص ، مطلع وباایمان دراداره‌آنچه که مربوط به‌فرهنگ و تاریخ ملت میگردد تشویق و وادار سازد . باشد که دست کم درآینده‌ای نزدیك چهره موزه‌های غیرعلمی کشورتغییر یابد وبگونه‌ای اصولی وصحیح نظیرا کثر موزه‌های پیشرو دنیا تنظیم یابند .

موزهٔ تاریخ مسکو

موزهٔ تاریخ مسکو که بنای آن بهمین منظور در قرن نوزدهم ساخته شده ازتعدادی‌اطاق‌وتالارهای متوسط که بدون اختلاف سطح درپی‌یکدیگر قرار گرفته‌اند ، تشکیل یافته است . دراولین اطاق موزه که درسمت راست راهروی ورودی قرار دارد ، بوسیله چند طرح ، عکس وماکت سعی شده تا براساس نظریات موجود تحول وتکامل نوع انسان‌نشان داده شود . ازاینرو مراحل تکامل میمون انسان‌نما به «پیته‌کانتروپ» ـ «نئاندرتال» و بالاخره انسان «هوموساپین» که انسان کنونی‌ازفرزندان‌آن‌بشمارمیرود ، باتصاویری جالب نموده شده است . دریك قفسه دراین اطاق اندازه وشکل مغزسر ، در موجود انسانی از«پیته‌کانتروپ» ببعد وهمچنین شکل وتحول پنجه دست وپا نموده شده است . درهمین قفسه برروی یك صفحه سعی گردیده تاچگونگی انعکاسها ویاطرزعمل کرد مغزانسان پیته‌کانتروپ ونئاندرتال درموقع‌تراش‌دادن سنگ وساختن ابزار سنگی بامجموعه‌ای ازخطوط متقاطع نشان داده شود . بمنظور نشان دادن آثار خلاقه بشر دوره پالئولیتیك (پارینه سنگی) تعدادی از ابزار سنگی مربوط باین دوران نیز عرضه شده است . برروبهم باید گفت که مجموعهٔ آثار این تالار و نحوه عرضه کردن آنها از نظر جنبه

باوجود کوتاهی مدت اقامت ، سعی گردید تادرجریان بازدیدهای مختلف، یادداشت‌هائی تهیه شود . اینك براساس آن یادداشتهای مختصر ، سعی خواهد گشت تادرطی چند مقاله اطلاعاتی دربارهٔ برخی از موزه‌ها ـ مؤسسات پژوهشی سبك وچگونگی تعمیر بناهای تاریخی و نظایر آن در اختیار علاقه‌مندان قرار دهد .

باتوجه به عظمت واهمیت وحجم کاری که درزمینهٔ تحقیقات باستانشناسی وتعمیر بناهای تاریخی در نواحی مختلف روسیه شوروی صورت می‌پذیرد و اینکه قسمت اعظم این بررسیها باتاریخ و فرهنگ ایران ، وابستگی فراوان دارد ، ایجاب میکند تاآنجا که مقدوراست محققان وعلاقه‌مندان رادرجریان فعالیت‌های مزبورقرارداد . ازاینرو نگارنده کوشش خواهد نمود تادرزمینهٔ مسائلی که به آنها اشاره رفت اطلاعاتی کلی دراختیار قراردهد . ولی از پیش باید یادآورشوم از آنجا که اساس این نوشته ها را یادداشتهای مختصر من تشکیل میدهد وتنها دربرخی موارد از معدودی مدارك استفاده شده است ، بدون شك دارای نواقص فراوان خواهد بود . بنابراین درانتظار آن هستم تا ازنظریات وراهنمائی محققان ارجمندی که تاکنون توفیق دیدار ازاین محلها رابدست آورده اند واطلاعاتی دراختیاردارند باخبر گردم ، باشد که درنوشته‌های بعدی مورد استفاده قرار گیرد .

درنوشته حاضر سعی گردیده است ضمن معرفی کلی چند موزهٔ معتبر چون : موزهٔ تاریخ مسکو ـ موزهٔ هنر ملل شرق ـ موزهٔ ارمیتاژ ـ موزهٔ تاریخ تاشکند وموزهٔ تاریخ باکو وغیره .... تاآنجا که میسر است، برروی آثاری تکیه شود که بطور مستقیم معرف تاریخ و فرهنگ ایران است . تا جائی که در مورد موزهٔ ارمیتاژ نیز فقط از قسمت های مربوط به ایران یاد شده است .

امید من اینست که با انتشار این سلسله مقاله ها بتوانم تا حد لازم و درخور امکان توجه عموم رابه اهمیت فعالیت های علمی در بارهٔ تحقیقات

زیرا ازاین زمان ببعد دیگر این خصوصیات کلی یك‌دوره مربوط به‌نواحی مختلف نیست که در یکجا عرضه میشود، بلکه شهرها ومراکز عمده تمدن هستند که هریك تالاری را بخود اختصاص داده‌اند. در این تالارها آثار مربوط به قرنهای مختلف هر یك ازاین نواحی را، از آغاز دوران تاریخی ببعد، تاآنجا که آثار بدست‌آمده وجمع‌آوری شده امکان داده است‌عرضه کرده اند.

نکته جالب دراین تالارها اینست که، درهریك ازآنها خصوصیات عمده معماری منطقه و شهری که تالار مزبور متعلق به‌آنست، بصورت یك قوس، حاشیه‌های تزیینی و سایر آرایش‌های معماری نموده شده است. در انجام این منظور هنرمند کوشیده‌است تامهمترین وشکوفاترین دوران هنرمعماری آن سرزمین را برای‌بیان مقصود برگزیند.

پس‌ازچندتالار که باین گونه عرضه شده است، از حدود قرن شانزدهم میلادی، شیوه‌کار بصورت تالارهای نخستین بازمیگردد وباردیگر هرتالار نماینده دوره‌ای برابریك قرن‌برای تمامی سرزمین روسیه میشود. ولی باید گفت که دراین تالارها تمام نمودهای زندگی مردم‌آن قرن وتمام ساکنان روسیه عرضه نشده است. بلکه بیشتر تکیه بر روی آثاری است که دارای جنبه هنری بوده ومتعلق به‌مردم مرفه زمان میباشد. در اینجا ازوسائل کار وپیشه وآلات وابزارمربوط‌به‌حرفه‌های‌مختلف وچگونگی شکل زندگی و نوع معیشت عامه مردم نشانه‌های روشن و گویائی در دست نیست. ودرنتیجه آثار موجود در این تالارها سیمای روشنی از اوضاع اجتماعی و اقتصادی سده‌های شانزدهم به‌بعد را بدست نمیدهد.

بطور کلی باید گفت که موزهٔ تاریخ مسکو ازنظر موزه آرائی و نحوهٔ عرضه نمودن اشیاء وتنظیم تالارها، موزه جالب وبا ارزشی است که تاحدی میتوان آنرا باموزهٔ «مردم شناسی» پاریس مقایسه نمود. ازنظر نحوه تفکر نیز باید گفت که دراین موزه برخلاف‌انتظار، درامر معرفی تمدن وفرهنگ

آموزشی و جلب توجه عموم افراد با دانشهای متفاوت، دارای ارزش‌وواجد اهمیتی‌خاص است .

در تالار مجاور در قسمت سقف بکمك چند صحنه نقاشی سعی شده تا سیمائی از زندگی روزانهٔ انسان دوران پارینه سنگی را عرضه نمایند . در صحنه های مزبور چگونگی شکار ، تهیه غذا ، ساختن ابزار سنگی توسط بشر آن دوران نموده شده است . دریکی ازصحنه‌هاوجود چند ظرف سفالی معرف آنست که هنرمند نقاش ازعلم باستانشناسی پیش از تاریخ بهره لازم رانداشته است .

درسه تالار بعد بترتیب تمدن و فرهنگ دوره نوسنگی (نئولیتیك) ـ دوره مفرغ و دوره آهن عرضه شده است. آثار هریك از دوره‌های مزبور مربوط‌است به‌نواحی مختلف روسیه ودرواقع سعی شده تاچگونگی پیشینه تمدن پیش از تاریخ سرزمین مزبور بکمك آثار بدست‌آمده درحفاری‌های متعدد مربوط به هر عهد نموده شود . برای انجام این منظور در قفسه‌های مختلف ابزار کار و زندگی روزانه ـ وسائل مربوط به شکار و کشاورزی عرضه گردیده است . نحوه بنمایش گذاردن آنها چنانست که شخص تاحد قابل ملاحظه‌ای میتواندتصویری از چگونگی زندگی مردم هرناحیه را در دورانهای‌سه گانه موردبحث دریابد. دربرخی موارد شکل مسکن و گورنیز بصورت ماکت نشان داده شده است .

ازجمله‌نکات جالب وقابل توجه این سه‌تالار، قفسه‌هائی‌است که‌درهریك از آنها وجود دارد. در این قفسه‌ها اشیائی عرضه گردیده که اغلب آنها مورد استعمال مذهبی داشته و تعدادی از آنها نیز معرف‌ویژه گیهای هنری دوران است. در میان آنها به‌نقوش و مجسمه‌ها وپیکره‌های کوچك جالب برخورد میگردد . تکیه نمودن برروی خصوصیات مذهبی و نحوه پندار بشر دوران پیش ازتاریخ وآغاز تاریخ دراین موزه قابل توجه‌بسیاراست.

وضع تالارهای بعد از دوره‌آهن ، یکباره باتالارهای قبلی فرق میکند،

موزه هنر ملل شرق درمسکو

موزه‌هنرملل شرق که‌آثارجالبی‌ازهند - چین- ژاپن ودیگرسرزمینهای شرقی درآن گردآوری شده در نوع خود دارای اهمیتی فراوان است . من در اینجا از خودموزه صحبتی نمیکنم و به‌معرفی برخی ازقسمت‌های‌ذخیره آن‌میپردازم .

بنای طبقهٔ دوم موزه که محل خزانه‌آنست ، عبارت از تعدادی اطاقهای کوچك است که در سطح‌های مختلف قرار گرفته وبا راهروهای کم عرض و پلکانهائی چند بهم ارتباط دارند .

نخست ازمحل ذخیره آثار مکشوف در ماوراءالنهر بازدید بعمل‌آمد . در اینجاآثار بدست‌آمده ازحفاریهای شهرافراسیاب (سمرقند کهن) - قره‌تپه ونسا را مشاهده کردیم .

گذشته از ظروف سفالی ومجسمه‌های کوچکی که از حدود هزاره‌سوم ودوم پ . م از قره‌تپه بدست‌آمده بود ، سفالهای جالبی از دوره‌اسلامی (قرن پنج وشش هجری) نیزازناحیه‌افراسیاب‌بدست آمده‌بود که باآثارسفالی‌آمل وری و نیشابور شباهت بسیارداشت . وجود نقش‌اسب - پرنده ونظایرآنهادر این ظروف ، نشان‌دهنده نفوذ و ادامه نگاره‌ها و نقش‌های دوره ساسانی در این عهد است .

برخی سفالهای دوره اسلامی حدود قرن ششم که درنزدیکی عشق‌آباد بدست‌آمده ، ازنظررنگ ، شکل‌وبخصوص‌نقش‌های کنده‌کاری شده یاقالبی (استامپه) ، به سفالهای جالب اسلامی مکشوف دراستخر شباهت بسیار دارد.

- دراین گنجینه برای‌اولین بارساغر(ریتون) های جالب عاجی را که در نخستین‌پایتخت‌اشکانیان‌درنسا کشف گردیده‌است، مشاهده‌نمودم. این‌ساغرها درجریان‌زلزله‌شدیدووحشتناك‌سال۱۹۴۸ عشق‌آباد دریکی ازبناهای‌اشکانی نسا که بنام « خانه چهارگوش » خوانده‌میشود ، کشف گردید. در آن سال

هردوران، تنها به‌عرضه داشتن نمودهای فرهنگ مادی جامعه توجه نشده و ازسوی دیگر بایك برداشت کاملا مارکسیستی به‌امر تحول و تکامل تاریخ جوامع نظاره‌نشده است ویا میتوان گفت دست کم برای بازدید کننده چنین دریافتی حاصل نمیشود .

نمایشگاه مربوط به جنگ جهانی دوم : آخرین‌تالارهای موزه ، مربوط‌است به حوادث جنگ جهانی دوم . بازدید ما نیز مصادف بود با ترتیب دادن نمایشگاهی بمناسبت پایان بیست و پنجمین سال جنگ جهانی دوم . دراین قسمت نخست تصویر نظامیان و سرداران معروف روسیه که در جریان نبرد به‌افتخار شهادت رسیده و یانقش عمده‌ای ایفا نموده بودند ، همراه با لباس رزم واسلحه آنهابمعرض نمایش گذارده‌شده‌بود.همچنین آگهی‌های مربوط‌به جنگ و کاریکاتورهائی علیه آلمانها، دیوارتالارهارا زینت میداد در وسط یکی از تالارها درداخل یك قفسه شیشه‌ای نمونه‌هائی از اسلحه‌های غنیمت گرفته شده ازآلمانها وپرچمهای ارتشی ونشانها و شمشیرهای ژنرالهای‌آنها بصورت درهم، برویهم ریخته شده‌بود.

نحوهٔ تنظیم وبه‌نمایش گذاردن این غنائم جنگی چنان است که بخوبی خرد گشتن ونابود شدن ارتش‌آلمان را نشان میدهد. صحنه مزبور وآرایش تالار چنان است که هر کودك ونوجوان روس بادیدن‌آن بشدت تحت تأثیر قرار گرفته دریك زمان دو حالت برای او پیش میآید، ازیکسو حس کینه و نفرتش نسبت به آلمان به‌بالاترین حد و شدت خود میرسد و ازسوی دیگر نسبت به‌پیروزی که ارتش کشورش کسب نموده احساس غرور ملی مینماید.

نکته مهم اینست که در تنظیم این‌نمایشگاه کوشش گردیده تا اهمیت و نقش ارتش را بیش از بیش برای مردم بیان نمایند ودرنتیجه موقعیت ممتاز اجتماعی ارتشی‌هارا درجامعه روسیه که به نحو چشم گیری‌توجه همگان را بخود جلب میسازد توجیه کرده‌باشند.

چنان مینماید که این تابلو کار هنرمندان دوره صفویه باشد . (اظهار نظر قطعی در این باره احتیاج به بررسی دقیق تابلوی مزبور دارد کـه متأسفانه فرصت آن برای نگارنده دست نداد) .

بطور کلی باید گفت که اگر روزی آثار این قسمت ، بخصوص ظـروف سفالی و تابلوهای آن مورد مطالعه قرار گیرد و در نمایشگاهی عرضه شود ، میتواند معرف یکی از ارزشمندترین واحدهای موزه مربوط به هنر ایران در دوران بعد از اسلام باشد .

موزهٔ ارمیتاژ

من در بارهٔ موزه ارمیتاژ چیز زیادی ندارم که بنویسم . زیرا کـه این موزه را با همه علاقه ایکه از دیرباز به دیدن آن داشتم جز دو بار آنهم در فرصتی کوتاه نتوانستم ببینم . دلیل این امر آن بود که بازدید از لنینگراد مصادف شده بود با دو روز تعطیل شنبه و یکشنبه که مسئولان موزه در مـرخصی بودند .

بهرحال آنچه دربارهٔ ارمیتاژ باهمه عظمت وشکوه آن مینویسم ، سخن کوتاهی است مربوط به برخی از آثار تمدن و فرهنگ ایرانی در آن موزه .

ـ در اینجا قبل از توضیح دربارهٔ آثار مزبور ، بدلیل عظمت و اهمیت فراوان این موزه بزرگ و مشهور ، جا دارد تا باختصار دربارهٔ بنای آن و مجموعهٔ آثار شرقی آن مطالبی را بیان داریم .

بنای موزهٔ ارمیتاژ: موزهٔ ارمیتاژ که یکی از بزرگترین و معروفترین موزه‌های جهان بشمار میرود و در بسیاری از موارد آثار موجود در آن جنبه استثنائی دارد ، در بنای عظیمی مرکب از چهار کاخ و یك تالار ترتیب و تنظیم یافته است .

ساختمانهای مزبور در زمانهای مختلف و بمنظورهای خاص بنا شده‌اند

باستانشناسان شوروی باوجود شرایط نامساعد هوا ، کار خود را برای کشف قطعات پراکنده این‌ساغرها دنبال نمودند وموفق گشتند تا حدود چهل‌ساغر را که به‌هزاران قطعه تقسیم‌شده بود بیابند وجمع‌آوری سازند . این‌ساغرها که شاهکار هنرعهد پارتها است در حال حاضر بدنحوجالبی بازسازی شده و درموزه‌های : تاشکند ـ مسکو ولنینگراد عرضه گردیده است .

در امرتعمیر وباز پیرائی‌این‌ساغرهادقت‌وهنرمندی‌خاصی بکاررفته‌است. سر حیوانها وتصاویر انسانی موجود در این ساغرها نهایت زنده و پرتوش و توان اجراء شده‌اند .

ـ آثار پراکنده هنر دوره اسلامی ایران در این موزه در محلی‌خاص نگهداری‌میشود وهنوزتالاری برای عرضه ساختن آنها وجود ندارد. دراینجا تعدادی از ظروف سفالی مربوط به قرنهای پنجم وششم و هفتم هجری وجود دارد که اغلب آنها ازنظر طرح ونقش ورنگامیزی نهایت جالب و ارزشمند میباشد . از جمله کاسه‌ایست که در دوره داخل آن تصاویر کوچکی از شخصیت‌ها و افراد عهد سلجوقی نقاشی شده‌است ، تا آنجا که به خاطردارم در هیچ مجموعه‌ای ، ظرفی با این‌نوع کار و با این دقت وریزه کاری از این عهد ندیده‌ام . دراین‌جا ظرفهای سفالی مکشوف‌ازری وسلطان‌آباد مربوط به قرن هفتم‌هجری قراردارد که برخی ازنگاره‌های آنها بانگاره‌های رایج‌عهد صفوی مانند نقش «دهان اژدری» شباهت دارد .

دراین قسمت تعداد قابل توجهی تابلوهای نقاشی ایرانی از دوره قاجار جمع‌آوری ونگهداری میشود . در بین آثار مزبور تابلوی مستطیل شکلی بطول تقریبی ۸۰ سانتیمتر وجود دارد که روی آن اگر اشتباه نکرده باشم صحنهٔ پذیرائی شاه طهماسب ازهمایون‌پادشاه هند نقش‌شده است . این‌درست همان صحنه‌ایست که درتالارچهل‌ستون اصفهان وجود دارد ومیتوان گفت که از روی اثرمزبور کپی شده است . نحوه کار وبخصوص حالت رنگ تابلو

ولی سالهابعدبوسیله دالانهای سرپوشیده آنها را بهم مرتبط نموده و یك‌واحد ساختمانی بزرگ را بوجود آورده‌اند .

قدیمی‌ترین واحد این مجموعه بنام «قصرزمستانی» معروف است که‌بین سالهای ۱۷۵٤ تا ۱۷٦۲ بوسیله معمار معروف «راسترلی » ساخته شده است. هدف در اصل ساختن محلی‌برای موزه بوده ولی مدتها ازآن بعنوان یك‌کاخ استفاده‌میکردند و سالیان‌درازجشنهای‌مختلف وباشکوه درباری درتالارهای آن ودرمیان نقاشی‌وتزیینات جالب این‌محل برگذارمیشده‌است . قصرمزبور درسال۱۸۳۷ براثرآتش سوزی‌ویران میگردد و درسال۱۸٤۰ باردیگرتوسط دوتن از معماران برجسته زمان تجدید بنامیشود که درنتیجه از نظر شیوه معماری سبك زمان درآن بکار گرفته میشود .

ـ ساختمان‌دیگر که عبارت ازیك‌تآترخصوصی‌بوده وبنام «تآترارمیتاژ» معروف‌است درسال۱۷۸۷بوسیله « کوارنگی» معمارمعروف‌بپایان‌رسیده‌است.

ـ سومین واحد بنام ساختمان «فلتون» معروف است که‌آنرا بنام معمار ساختمان نامیده‌اند . این بنابین‌سالهای ۱۷۸۷ و ۱۷۷۱ ساخته شده است.

ـ چهارمین ساختمان که‌آن نیز توسط« کوارنگی» بین‌سالهای۱٦۸۳ و ۱۷۹۲ساخته شده ، تقلیدکامل‌ودقیقی‌است از گالری معروف«رافائل‌لوگیاس» واقع در واتیکان .

ـ آخرین قسمت که‌بنام ساختمان‌جدید ارمیتاژ معروف است‌بین‌سالهای ۵۱ـ ۱۸۳۹ توسط معمار « لیوکلانز» ساخته شده است .

ـ تعداد تالارهای‌موزه ارمیتاژ به‌سیصد میرسد وتعداد اشیاءآن بالغ‌بر ۲۵۰۰۰۰۰ قطعه میباشد . بخش قابل توجهی از اشیاء این موزه مربوط است به‌دوران پارینه سنگی (پالئولیتیك) .

آثار دوران نوسنگی (نئولیتیك) و بعدازآن ، قسمت عمده‌آثارموزه‌را در برمیگیرد که برحسب منطقه و تمدنهای مختلف در تالارهای جداگانه تنظیم یافته‌اند.

نمای موزهٔ ارمیتاژ در لنینگراد

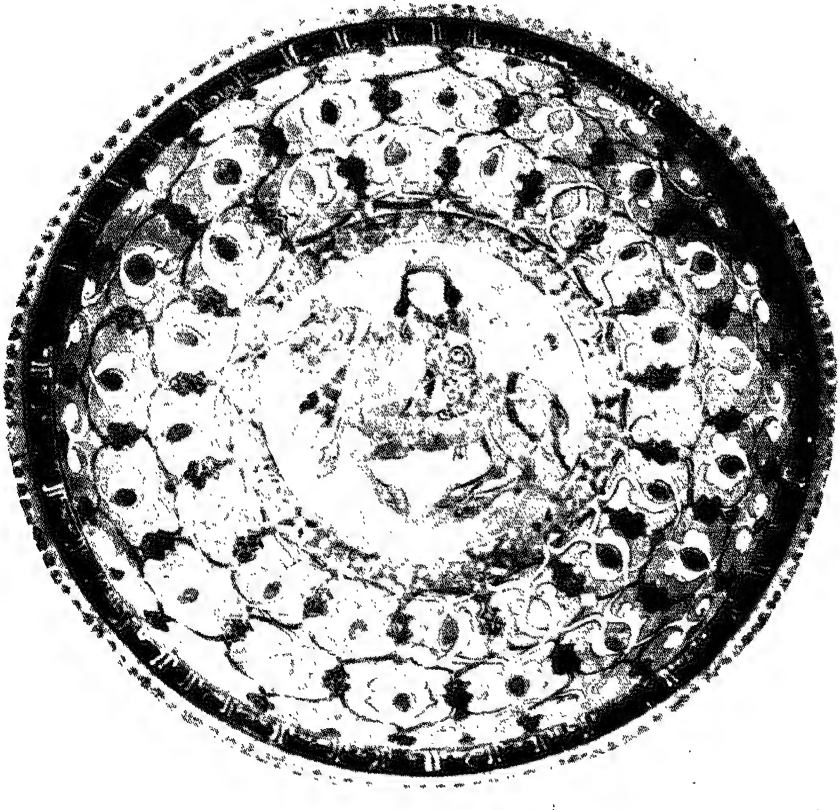

کاسه سفالی لعاب دار چند رنك از آثار جالب قرن ۱۲ یا ۱۳ میلادی ایران
موزه ارمیتاژ

جام سفالی مکشوف از شوش مربوط به هنر ایلامی. هزارهٔ چهارم پ. م. نکارهٔ اصلی روی جام عبارتست از نقش استیلیزه یك بز کوهی . در قسمت لبه بالای جام نیز تصویر استیلیزه ای از یك ردیف مرغهای ماهیخوار با گردنهای بلند نقش شده است . موزه ارمیتاژ

ـ آثار مربوط به فرهنگ وتمدن ملل شرق تا سال ۱۹۲۰ در قسمتهای مختلف موزه بصورت پراکنده قرارداشت . درآن سال مجموعه‌ای مرکب‌از هفت‌هزار قطعه‌دربارهٔ فرهنگ وهنرملل شرق جمع‌آوری ودربخش ویژه‌ای ترتیب یافت .

در حال حاضرتعداد اشیاء مربوط به‌این مجموعه حدود ۱۳٦۰۰۰ قطعه است .

آثار مربوط به فرهنگ و هنرملل شرق به‌دوقسمت کلی تقسیم میشود . یك واحد مربوط است به‌تاریخ و فرهنگ سرزمین‌ها و جمهوریهای آسیائی اتحادجماهیرشوروی . وقسمت‌دیگرمربوط است به‌برخی از کشورهای‌شرقی جهان که در آن آثار مربوط به بیزانس ـ سوریه ـ عراق ـ مصر ـ ترکیه و ایران‌بنمایش گذارده شده است .

آثار ایران در ارمیتاژ : آثار مربوط به‌ایران‌رادراین موزه درشش‌محل مختلف‌بایددید. دلیل‌این پراکندگی‌نخست‌مربوط‌است به‌نحوه‌دیدو برداشتی که بدلایل‌سیاسی، دانشمندان‌روسیه دربارهٔ توجیه سرزمین‌های‌آسیائی‌جدا شده از ایران دارند . آنهاآنچه را که در ناحیه خراسان‌بزرگ وماوراءالنهر بدست‌آمده به‌اعتباری جزئی از فرهنگ وتمدن «آسیای مرکزی» میدانند. سرزمین‌هائی چون : جمهوریهای ازبکستان ـ تاجیکستان ـ ترکمنستان ـ قرقیزستان و ناحیه جنوبی قزاقستان ، در تقسیم بندی دانشمندان شوروی بعنوان‌آسیای مرکزی شناخته‌میشود . درحالیکه سایرمحققان و دانشمندان جهان‌نواحی چون : ترکستان‌شرقی ـ مغولستان وتبت رابنام ،آسیای‌مرکزی می‌شناسند .

بحث درباره دلیل اینکه چرا دانشمندان شوروی نواحی مزبور رابنام آسیای مرکزی مینامند و دربرخی موارد میکوشند تافرهنگی مستقل‌برای آن عرضه‌دارند، درگفتار کنونی ما نمیگنجد ولی جا دارد باین نکته‌اشاره نمائیم که قسمت‌اعظم این نواحی‌چون سرزمین‌زیبای فارسی‌زبان‌تاجیکستان

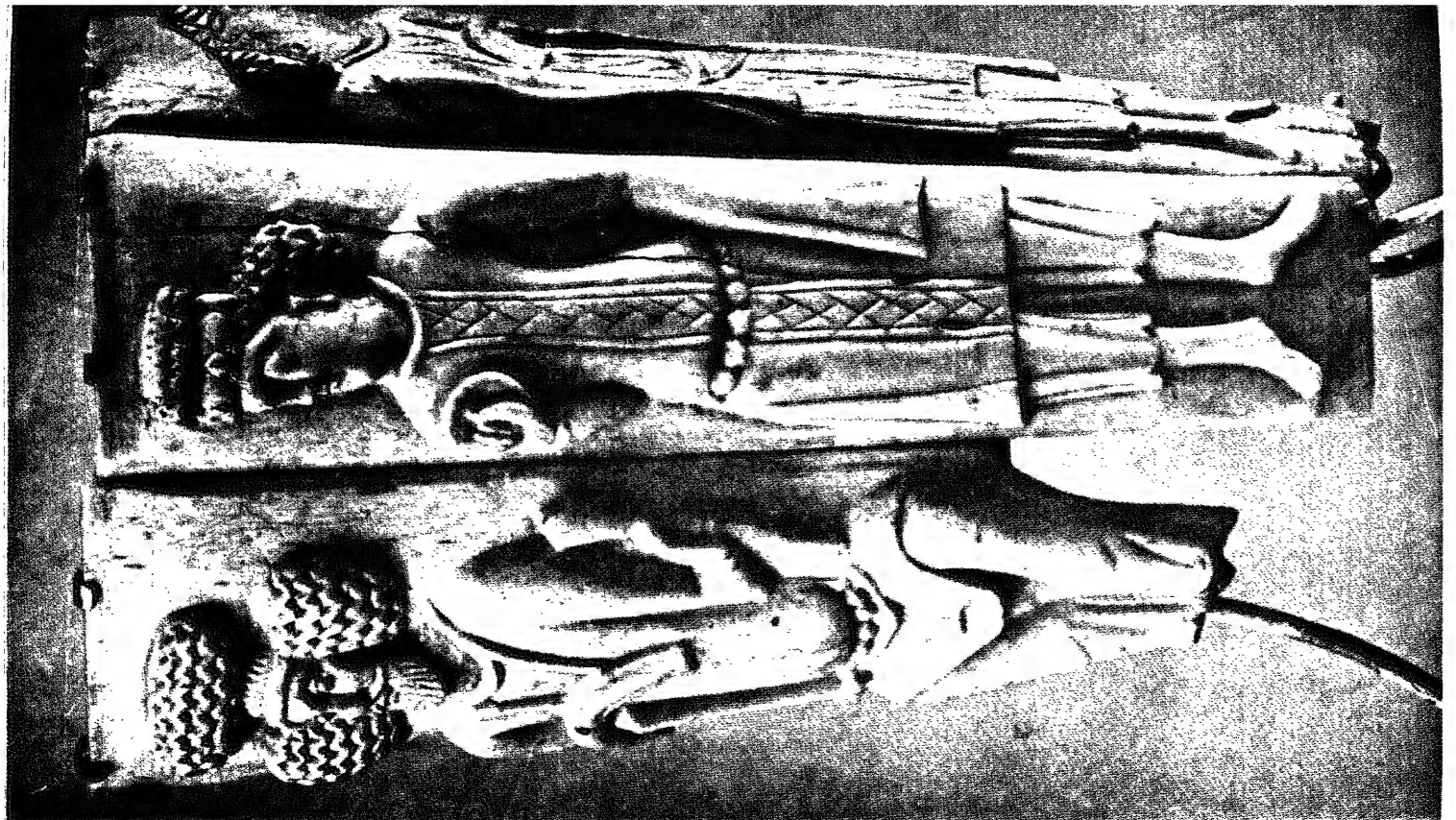

ئینات روی یك زیتون عاج از دوره اشکانی ـ حدود قرن اول میلادی . در این تصویر نقش پادشاهی همراه با پسرش طرح شده است ـ موزه ارمیتاژ

وجمهوریهای ازبکستان و ترکمنستان ، از دیر بازجزئی از سرزمین وسیع ایران بشمار میرفته‌اند و همبستگی فرهنگی‌وتاریخی آنها بافرهنگ‌وتاریخ ایران انکار ناپذیر می‌باشد . این امری است که حتی برخی از دانشمندان روس‌چون «بلنیتسکی[1]» نویسندهٔ کتاب «باستانشناسی‌آسیای مرکزی»[2] نیز ضمن بحث در باره وضع این منطقه درعهد هخامنشیان بطور وضوح به‌آن اشاره نموده‌اند .

آثار پازیریك : از جمله‌آثارجالب‌مربوط به‌هنر وتمدن ایران درموزه ارمیتاژ،میتوان کهن‌ترین نمونه‌های قالی ایرانی مکشوف درپازیریك را نام برد. آثار مزبور در سال۱۹٤۸ در« گورکانهای» واقع درتپه‌های پازیریك،در دامنهٔ کوه «آلتائی» که ۷۹ کیلومتری مرز مغولستان قرارداد، توسط باستان شناس‌معروف‌شوروی «س.آ.رودنکو» کشف گردید. دراین‌محل‌پنج« گورکان» قرار داشت که مساحت دوتای آنها هفده متر مربع و دوتای دیگرسیزده و هشت متر مربع بود. عمق این گورکانها بین۱/۲۰ تا۲مترفرق‌میکرد .از این مقبره ها چهار جسد مومیائی شده و تعدادی اسکلت انسانی واسب و وسائل زین وبرگ وپوشاك ـ لوازم مربوط به‌زندگی وبالاخره چندقالی‌وقالیچه و گبه و نمد روی اسب بدست آمده است . درمورد چگونگی محفوظ ماندن این اشیاء باید گفت که مدت زمانی بعد ازدفن‌اجسادوایجاد گورکانها، آب بداخل آنها نفوذ میکند وسپس یخ می‌بندد وبدلیل‌سرمای زیاد منطقه، یخهای مزبور بصورت همیشگی درمیآید ودرنتیجه‌آنچه که‌درون گورکانها بوده بصورت نخستین خویش باقی میماند. پس از کشف‌این‌محل یخها رابا آب گرم ذوب میکنند واشیاء رااززیر آنها خارج میسازند. قسمت مهمی از این اشیاء در حال حاضر در تالار بزرگی ازموزه ارمیتاژ قرار دارد. ازجمله عرابه‌چوبی شبیه عرابه‌های ترکمنی است که بخوبی بازسازی شده، همچنین

1 – A. Belenitsky

2- Asie Centrale- Archaeologiamundi – Nagel 1968

شکل ۱

اسکلت یك اسب[۳] و بالاخره مهم‌تر از همه‌چند قطعه فرش پرارزش‌را باید نام‌برد .

جالبترین فرشهای مزبور قطعه‌ایست بطول دو متر و پهنای ۱/۸۳متر و ضخامت دومیلیمتر که از پشم بافته شده ودرهردسیمتر مربع آن۳٦۰۰ گره بکار رفته است. فرش مزبور از پنج حاشیه دورادور وقسمت شطرنجی‌شکل میانی تشکیل یافته‌است. حاشیه‌های فرش با نقش حیوان افسانه‌ای بالدار - ردیف سواران ایرانی وردیف گوزنهای خالدار زینت یافته‌است. قسمت وسط فرش نیز دارای نقش گلهای چهاربرگی میباشد . رنگهای بکاررفته در این قالی عبارتست از زمینه زرد کمرنگ - قرمز - نارنجی وسبز.

در بارهٔ محل بافت این‌قالی وسایر فرشهای مکشوف در پازیریك بنا بر دلایل متعدد، ناحیه خراسان را یاد میکنند. بهرحال بساید گفت که آثار مکشوف در پازیریك از نظر روشن ساختن پیشینه صنعت وهنرمشهور قالی‌بافی ایران حائز کمال اهمیت است. در اینجا باید گفت که نورغیر مستقیم برای روشن ساختن این‌آثار درتالار مزبورچنانکه بایدکافی‌نیست.

باید توجه نمود که بین تالار مزبور، وسایر تالارهائی که آثار مربوط به ایران درآنها قراردارد فاصلهٔ بسیار وجوددارد و ارتباط لازم بین آنها مشاهده نمیشود .

پنجیکنت ونسا: در طبقه اول موزه در دو تالار آثار جالب مکشوف در «پنجیکنت» بصورت مجسمه وفرسك به‌نمایش گذارده شده است. محل شهر تاریخی پنجیکنت در حومه شهر جدیدی بهمین نام درشصت کیلومتری‌شرق سمرقند قرار دارد . دوران زندگی این شهر در سالهای ۷۲۰ تا ۷۷۰ میلادی بعد از حمله سپاه مسلمین بپایان رسیده است. ویرانه‌های این‌محل مجموعه کاملی‌از آثارمعماری در چهارمنطقه مختلف راعرضه میدارد.مناطق‌چهارگانه

۳ - برروی سر اسکلت اسب، جای ضربه‌ای دیده میشود ونشان میدهد که باحتمال طبق سنت زمان، پس ازمرگ‌صاحبش، اسب را نیز کشته ودرکنار او بخاك سپرده‌اند.

سرمجسمه مربوط به یک زن، قسمتی از نقش برجسته یک آرامگاه در پالمیر، قرن
دوم میلادی، هنر دوران اشکانی . موزه ارمیتاژ

شرح تصاویر رنگی :

شکل ۱ـ مجسمه طلائی یك‌گراز ـ هنردوران اشکانی مربوط به قرن دوم یاسوم میلادی موزه ارمیتاژ

* * *

شکل ۲ـ مجموعه‌ای از آثار زینتی طلا مربوط به هنر دوران اشکانی ـ برروی گوشواره ای که در وسط مجموعه قرار دارد نام صاحب آن کنده شده‌است . این آثار مربوط است به حدود اواخر قرن اول میلادی ـ موزه ارمیتاژ

* * *

شکل ۳ ـ بشقاب نقره مطلا . وزن ۵ر۱۲۶۵ گرم . قطر ۲۹ سانتیمتر از آثـار قرن هفتم میلادی . صحنه شکار شیر. در پشت ظرف به پهلوی ساسانی در سه خط چنین نوشته شده است . «این بشقاب بفرمان‌پوروهمن ساخته شده است ۳۰۲۰ درهم » . موزه ارمیتاژ

* * *

شکل ٤ـ تنگ نقره مطلا بوزن ۱۰٤۱ گرم وبارتفاع ۳۲ سانتیمتر از آثار ارزنده ساسانی ـ حدود قرن ششم میلادی موزه ارمیتاژ

عبارتست از: قلعه‌وار گ‌شاهی - شهر اصلی یا «شهرستان» - حومه‌شهر - گورستان. این شهر دردوران ساسانی از قرن پنجم‌میلادی پا میگیرد و تا قرن‌هشتم به زندگانی خود ادامه میدهد.

درپنجیکنت گذشته‌از آثار جالب‌معماری ووسائل زندگی‌و نوشته‌هائی بخط سغدی ، آثارارزنده هنری‌بصورت فرسك‌یا دیوار نگاره‌های باشکوه، مجسمه‌هائی‌ازچوب‌و گل‌رس نیزبدست‌آمده که‌حائز کمال‌اهمیت‌است. دیوار نگاره (فرسك) هائی که دراین محل بدست آمده واینك قسمت مهمی ازآن برروی دیواره‌های تالار موزه ارمیتاژ نصب شده‌است دارای ابعاد بزرگی حدود ۳ × ٥ مترمیباشد .باید گفت که‌دیوارنگاره‌های مزبور ، دیواراطاقهای خانه‌ها ومعابدرا از کف تا سقف زینت‌میداده است . فرسك‌های مزبورازنظر رنگ بسیار غنی هستند . برخی از نقشها و صحنه های دیوار نگاره های پنجیکنت‌معرف‌داستانهائی‌مربوط به‌رستم ، قهرمان‌حماسی‌ایران‌باستان‌است . که از جمله نبرد رستم با دیوسفید در آنها نموده‌شده‌است . دربرخی دیگر از صحنه‌ها تصاویری از نبرد سواران با حیوانات درنده طرح شده‌است که از نظر تفکر وطرزدید بیان کننده اعتقاد به‌درگیری خیروشر ونبرد میان مظاهر نیك‌وبد است . اعتقادی که‌در فلسفه ودین ایران باستان وجود داشته وبصورت سمبلیك درحجاری‌های تخت جمشید نیز نموده شده‌است . نحوهٔ اجراء وسبك این آثار با شیوه‌کار عهد اشکانیان و ساسانیان شباهت کامل دارد . دربرخی از صحنه‌ها نشانه‌ای از خدایان افسانه‌ای مذهب بودائی نیز دیده میشود .

در قفسه‌ای دراین تالار آثار فلزی از دورهٔ هخامنشیان عرضه گردیده است ازجمله اشیاء جالب وارزنده‌دیگراین قسمت، ساغر(ریتون) های عاج مکشوف درنسا میباشد که بنحوچشم گیر و ارزنده‌ای بر تارك آثار جالب ارمیتاژ میدرخشد .

حجاری زیبائی مربوط به یك سنگ قبر دریالمیر ـ قرن دوم میلادی ـ هنر دوران

سکه درهم نقره مربوط به بهرام دوم (۲۹۳ – ۲۷۶ب.م) در روی این سکه
تصویر جالب پادشاه – ملکه و ولیعهد دیده میشود . موزه ارمیتاژ

پشت سکه بهرام دوم . دراین تصویر دروسط نقش یك آتشدان و در دو جانب آن دوسرباز نگهبان طرح شده است .

نقش شاپور دوم درحین‌شکار شیر برروی بشقـابی از دوره ساسانی . از
گنجینه معروف هنرساسانی موزه ارمیتاژ

گنجینه آثار زرین سکاها : درهمین طبقه با اشیاء ارزنده دیگری برخورد می‌شود که عبارتست از مجموعه‌ای از آثار هنری معروف به گنجینه سکاها که قسمت عمده آنها از «گورکانها» بدست آمده است. گنجینه مزبور از نظر مجموعهٔ آثار هنری زریکی از مهمترین ومعروفترین گنجینه‌های جهان بشمار میرود برای بررسی هنر جواهرسازی ایران از آغاز هزاره اول ببعد، شناسائی ویژه گیهای هنری مجموعه مزبور حائز کمال اهمیت است.

آثار دورهٔ ساسانی : در طبقه دوم موزه ارمیتاژ تالار شماره ۳۸۳ آن به معرفی آثار فلزی دورهٔ ساسانی اختصاص یافته است. دراین تالار تعدادی از بشقابهای نقره و طلا کاری دورهٔ ساسانی در چندین قفسه به نمایش گذارده شده است. مجموعه مزبور از نظر گوناگونی و تعداد، غنی‌ترین مجموعه آثار فلزی دورهٔ ساسانی بشمار میرود. آثار مزبور در نواحی شمالی شوروی و در کنار راههای تجارتی باستانی که ایران را با شمال روسیه مربوط میساخته، یافت شده است. صحنه‌هائی که در روی بشقابها طرح شده عبارتست از :

الف ـ صحنه شکار بصورت پیاده وسوار براسب مربوط به شاپور دوم ـ شاپور سوم ـ بهرام هرمز چهارم ـ اسلحه در شکار سواره عبارتست از تیر و کمان، در شکار پیاده تیر و کمان وخنجر.

ب ـ صحنه مراسم رسمی وبزم شاهانه که شاه را درحال نشسته بر روی تخت نشان میدهد ـ ازجمله صحنه‌ایست مربوط به خسرو انوشیروان که بر روی تخت نشسته ودو حیوان درزیر تخت او قراردارند.

پ ـ صحنه شکار بهرام بهمراه آزاده وسوار برشتر

ت ـ صحنه‌های میتولوژیك، نظیر نقش زنی که بر «حیوان افسانه‌ای» سوار میباشد ومشغول نواختن نوعی ساز بادی نظیر قره‌نی است.

نقش دیگر درهمین گروه عبارتست از تصویر عقابی دروسط که زنی برپشت آن در حال رقص ودست افشانی است. در قسمت پائین این صحنه تصویر دوتن درحالیکه کمان وتیری دردست دارند طرح شده است.

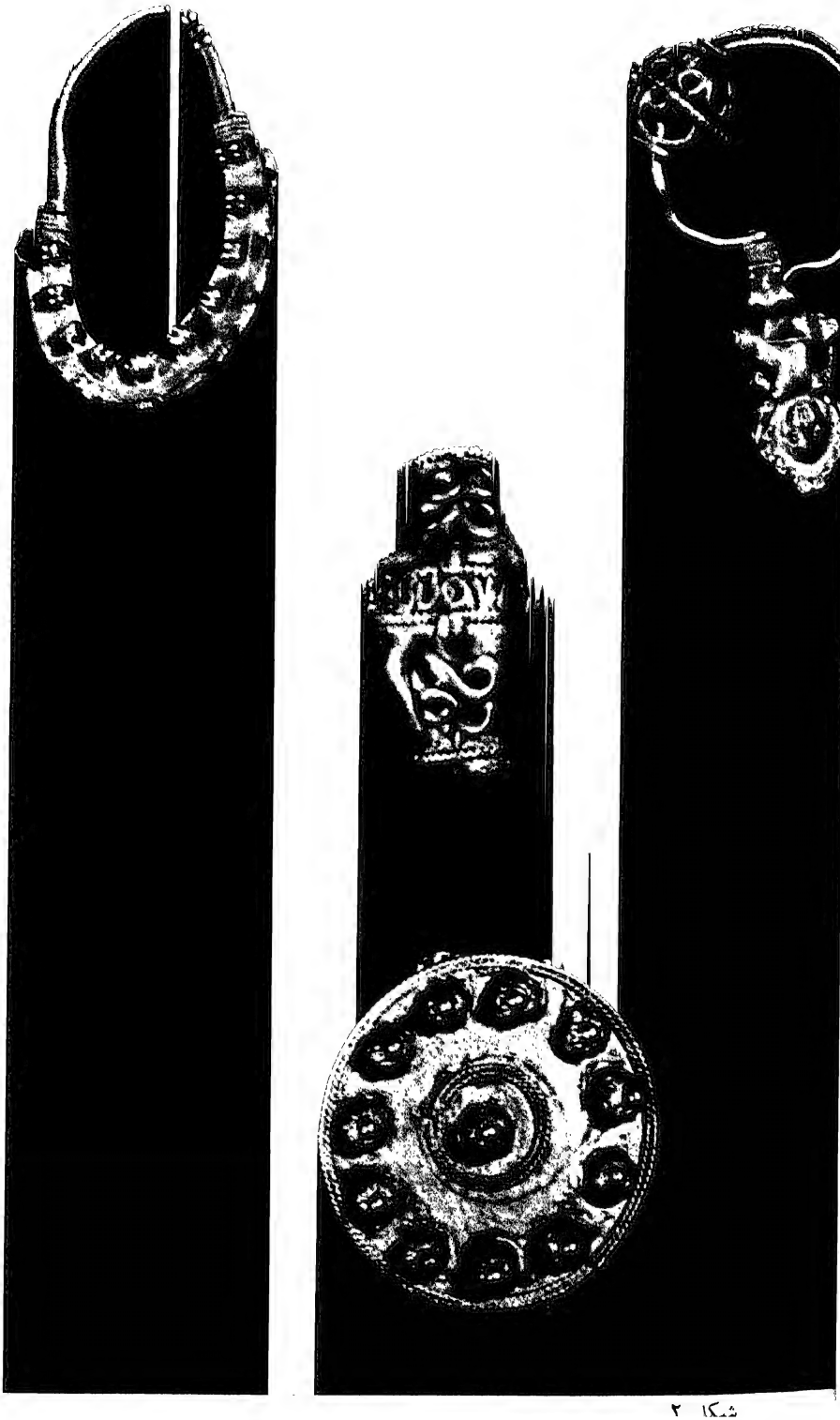

شکا ۲

ـ صحنه رسمی برتخت نشستن خسروانوشیروان . چنانکه ملاحظه میکردد،در این تصویر سطح بشقاب به دوقسمت تقسیم‌گردیده‌که دربخش‌پائین‌آن ،صحنه‌ای ازشکارگاه شاهی نموده شده است. هنرمنددراین قسمت برخلاف بخش‌بالای ظرف‌که از سکون برخوردار است ویك صحنه تشریفاتی ورسمی رانشان‌میدهد، کوشش نموده تا منظره‌ای پرتحرك وپرتوش وتوان را عرضه بدارد .موزه ارمیتاژ

ث ـ صحنه‌های مربوط به الهه آناهیتا درحال دست‌افشانی . این‌صحنه‌ها در دورادور بدنه جامها نقش شده است .

نکته جالب‌اینکه صحنه‌های رقص درمیان چارچوبه‌ای از پدیده های معماری نظیر طاقنما، یا طاقچه‌های‌قوس‌دار گنجانده شده‌است . دراین‌تصاویر پایه قوسها برروی ستونهائی با سبکهای مختلف قرار گرفته‌است . برخی از این ظرفها دارای نوشته‌هائی میباشند که گذشته از جنبه‌هنری ارزش‌تاریخی نیز به‌آنها بخشیده‌است .

ـ مجموعه ظروف فلزی ساسانی موزه ارمیتاژ گذشته ازآنکه نمایشگر نکات فنی گوناگون کنده‌کاری‌روی‌فلزاست ، از نظر هنری نیزمعرف‌احساس قوی ترکیب وتنظیم (کمپوزیسیون) هنرمندان دوران ساسانی میباشد . از نمونه‌های جالب‌این مجموعه بشقابی‌است که درآن صحنه شکار شیر توسط شاپور دوم نموده شده است .

ـ درآخرین قفسه مجموعه مزبور، تعدادی ازبشقابهای فلزی‌قرن نهم‌تا یازدهم میلادی که‌مربوط بدوران بعدازاسلام میباشد، عرضه شده است. این آثاراز نظرشباهت فراوانی که‌بین نقش آنها و نقش بشقابهای دورهٔ ساسانی وجوددارد دارای ارزش‌بسیار است. نمونه‌هائی‌ازصحنه‌های مزبورعبارتنداز:

۱ـ پادشاهی سواربراسب‌ودرحال نبرد باشیر بکمك نیزه .

۲ـ نبردشیر و گاووحملهٔ شیربرپشت گاو، نظیرنقش‌های تخت‌جمشید.

۳ـ صحنه برتخت نشستن یك‌پادشاه و کنیزی که مشغول‌باد زدن‌اواست ودراطراف تخت چندنفر درحال‌نواختن آلات مختلف موسیقی دیده‌میشوند ومجموعه‌آن مجلس بزمی‌رانشان می‌دهد.

کلیه‌این آثار ازنظر تنظیم و پرداخت صحنه، نشان دهنده نفوذکامل و ادامه خصوصیات اجتماعی وزندگی دورهٔساسانی ونمودارهای هنری‌آن در

دوران بعدازاسلام است. باید گفت که آثار مزبور ازنظرنکات فنی درمقایسه باآثار دورهٔ ساسانی بسیارضعیفتر بنظرمیرسد .

آثاردوران بعدازاسلام‌ایران : آثار دوران اسلامی ایران درارمیتاژنیز دردومحل مختلف ودوراز هم عرضه‌شده‌است. قسمت عمده‌این آثار درهمان طبقه اشیاء دورهٔساسانی ودردنبال آن بنمایش گذارده شده‌است. اشیاء عمده این‌مجموعه عبارتست از کاشی‌های نفیس امامـزاده یحیی ورامین ـ محراب جالب‌کاشی ازشهرکاشان- ظروف لعابداروبالاخره تعدادی‌ازقالیهای بسیار پر ارزش ایرانی مربوط بنواحی مختلف کشور، ازدورهٔ صفویه وقاجار.

دربین‌آثار سفالی این‌بخش، گلدانی جالب‌قـرار دارد که کار هنرمندان کاشان درقرن سیزدهم میلادی است. برروی این‌ظرف نقوش‌جالبی ازانسان‌و حیوانات مختلف دیده‌میشود. درقسمت‌کارهای دست‌بافت نیـزمیتوان ازیك قطعه مخمل باحاشیه‌دوزی ابریشمی مربوط بقرن شانزدهم یاد کرد که نقش جالب آن‌نمایشگر سر گردانی مجنون دربیابان است . رویهم رفته آثاراین قسمت ازنظر معرفی هنردوران بعدازاسلام ایران ارزش بسیاردارد.

قسمت دیگر آثاردوران اسلامی ایران درطبقه اول‌موزه قـرار دارد و عبارتست ازاشیاء زیبای عتیقه وهنری دوران صفویـه وقاجارازقبیل: اسلحه ظروف‌فلزی ـ ظروف‌بلورین ـ میناکاری ـ قطعات زربفت ونظایرآنها که از نظرزیبائی وچشم‌نوازبودن‌وریزه‌کاری‌مجموعه ارزشمندی رامعرفی‌مینماید. ازجمله‌آثار جالب این‌مجموعه‌شمشیر فتحعلیشاه است که‌ناصرالدینشاه‌آنرا بمبلغ ٤٠٠٠٠ منات به‌آلکساندردوم فروخته‌است؟!!

ـ درقسمت زیرزمین موزه ارمیتاژ اشیائی‌مربوط بدوران‌پیش‌ازتاریخ، مادوهخامنشی بنمایش گذارده‌شده‌است.

ـ درطبقه چهارم موزه نیـز گنجینه جالبی ازآثار طلائی وجواهـرات دوران ساسانی وجود دارد.

عودسوز برنز بشکل یك‌سوارکار بارتفاع ۳۵٫۶ سانتیمتر از آثـار هنری اواخر دوران ساسانی . موزه ارمیتاژ

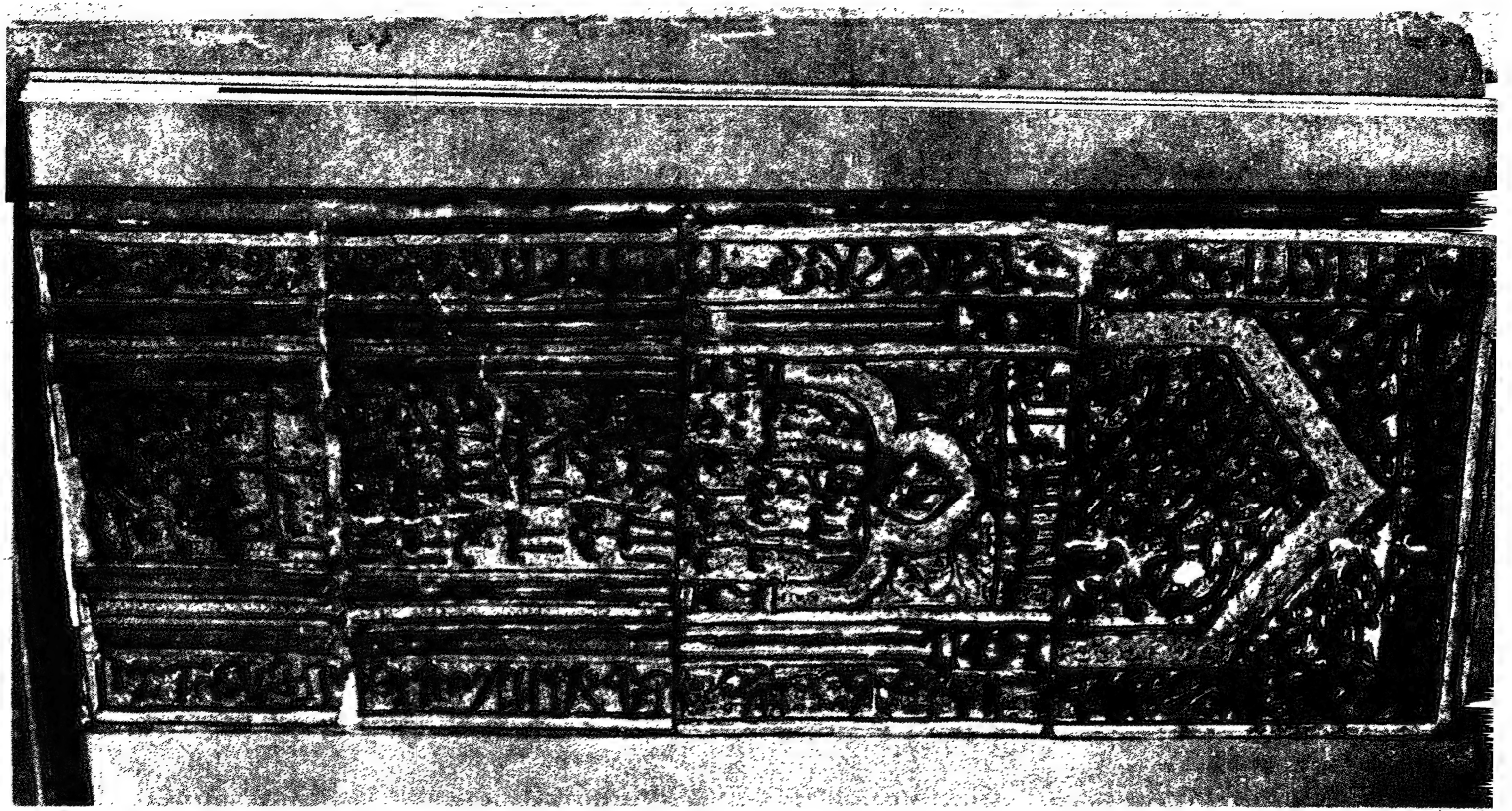

تصویر جالب محراب‌کاشی مربوط به امامزاده یحیی‌ورامین باتاریخ سال۱۳۰۵ میلادی . موزه ارمیتاژ

مجسمه برنزی مربوط به قرن دوازدهم میلادی ازآثار جالب فلزی ایران .
موزه ارمیتاژ

تنگ شیشه‌ای ـ هنرشیشه‌سازی قرن هیجدهم ایران ـ موزه ارمیتاژ

ـیك قطعه مینیاتور ازکارهای هنرمند بزرگ ومعروف ایران رضای عباسی ـ مربوط به سال ۱۶۱۲ ـ موزه ارمیتاژ

با کمال تأسف ازاین دوقسمت موزه‌بازدید بعمل نیآمد و آنچه دربـالا بدان اشاره رفت‌براساس اظهارات یکی‌ازدوستان دانشمندی است کـه سالها پیش،ازاین دوواحدبازدید کرده‌بود.

– دراینجا لازم‌میداندیکبار دیگر به‌این‌نکته‌اشاره‌نماید که‌نحوه‌عرضه نمودن آثارمربوط بفرهنگ وتمدن دورانهای مختلف ایران‌درموزه ارمیتاژ، ازوجودیك پیوستگی منطقی بـراساس زمان بـدور بوده و در نتیجه بعلت پراکندگی ودورافتادن ازهم باوجود همه اهمیت وارزش فراوانی که اشیاء هردوره‌دارا می‌باشد، معرف مجموعه‌ای بهم پیوسته که نمایشگر فـرهنگی کهن درطول‌هزاران سال‌تاریخ باشد ، نیستند. ازاینرو امکان‌یك‌بررسی‌علمی دربارهٔ‌دگرگونیها وتحول‌فرهنگ وهنرایران ازطریق‌این‌واحدهای‌پراکنده کارمشکلی‌بنظرمیرسد. وبازدید کنندگان علاقه‌مندنیز چنانکه بایددریافتی روشن ازآن بدست نخواهند آورد.

موزه‌تاریخ تاشکند

موزه تاریخ تاشکند درمحل بنای‌جالبی که بعدازززلزلهٔ شدیدتاشکند، جزء چندبنای منحصربفرد قدیمی‌این شهربشمارمیرود، ترتیب‌داده‌شده‌است.

دراین‌موزه ازدوران پارینه‌سنگی تاعصر حاضرآثار جالبی‌مربـوط به منطقه‌ایکه هم‌اکنون جمهوری ازبکستان رادربر می‌گیرد بمعـرض نمایش گذارده شده‌است. دراین‌موزه سعی گردیـده است دورانهـای مختلف تاریخ منطقه‌بکمك‌آثارمکشوف ویاطرحها وعکسها وماکتهای‌متعدد، معرفی‌شوند. که‌قسمتی ازاین‌مجموعه‌ها مربوط بدورهٔ پیش‌ازتاریخ میباشد وبخشی‌دیگر بدوران تاریخی اختصاص داده شده‌است.

درعین‌حال کوشیده‌اند نحوه عرضه ساختن آثاربصورتی باشد کـه از ورای آن‌بتوان دریافتی‌خاص براساس نظریات مارکسیستی از چگـونگی‌و

تحول دورانهای مزبور حاصل نمود. این احساس در تالارهائی که معرف دوران پیش از تاریخ و دوران تاریخی است دست نمیدهد. در این تالارها چگونگی سیمای جامع زندگی جوامع منعکس نیست و در نتیجه نشانه‌ای از وجود طبقات مختلف و تضاد زندگی بین طبقه حاکمه و دیگر مردم مشاهده نمی‌شود. ولی از حدود قرون وسطی ببعد وضع تغییر می‌یابد، چنانکه با ساختن ماکت برخی از کارگاهها و مجسمه پیشه‌وران و صنعتگران زمان، سعی گردیده است تلاش ایشان و همچنین فقر دهقانان در یکطرف، و امکانات و موقعیت مناسب گروه مالکان و حکمرانان با لباسهای فاخر و زندگی مرفه در سوی دیگر عرضه شود. در تالارهای مربوط به قرن هیجدهم و نوزدهم، باشدت بیشتری به مسئله قدرت هیأت حاکمه زمان بصورت یك نیروی بهره‌برداری کننده توجه شده و در مقابل شرایط زندگی توده مردم بگونه‌ای نامناسب نمایان گشته است.

چنانکه در یکسو زندگی مجلل و راحت حکمرانان و از جانب دیگر زندگی فلاکت‌بار مردم و نحوهٔ رفتار خشنی که نسبت به آن‌ها صورت می‌پذیرفته، بکمك عکس و طرح نشان داده شده است.

رویهم‌رفته قسمت‌های مزبور در این موزه ضمن هنری که در تنظیم آنها بکار رفته، بمنظور تأکید نظریات خاصی ترتیب یافته و سعی شده است تا شرایط و اوضاع سیاسی، اجتماعی و اقتصادی منطقه در دوران پیش از انقلاب روسیه به گونه‌ای غیرعادلانه و غیرانسانی نشان داده شود. طبقه بالای موزه به دوران بعد از انقلاب تعلق دارد که بعلت کمی وقت آنرا جزء برنامه بازدید قرار نداده بودند.

ـ اینك در پی آنچه که گفته شد به شرح مختصری درباره هر دوره و برخی از آثار آن که در این موزه عرضه شده است میپردازیم.

پیش از تاریخ : قسمت پیش از تاریخ موزه بکمك مقداری از ابزار سنگی مکشوف و همچنین تعداد قابل توجهی ماکت و عکس به گونه‌ای بسیار خوب و موفق به نمایش گذارده شده است. چنانکه در چندین قفسه بکمك ماکت و

وویژه تمدنی مستقل بنام کوشان معرفی نمایند . دراین موزه برای نمودن خصوصیات کلی‌تمدن وهنر دوره هخامنشی ازتعدادی عکس مربوط به بناها وحجاری‌های تخت جمشید استفاده شده است. دراینجا برای نمودن آثار گنجینه طلای معروف جیحون که مجموع آن در «موزهٔ بریتانیا» قراردارد نیز ازعکس‌استفاده شده‌است. گنجینهٔ‌مزبوردرسال ۱۸۷۰درجنوب‌تاجیکستان نزدیك ناحیه «قبادیان» بدست‌آمد.

حفاریهای انجام شده درناحیه خوارزم منجربه کشف‌آثارمعماری عظیم وارزنده‌ای ازدورهٔ هخامنشی گردیده که هم ازنظرطرح وهم ازنظر عواملی چون ستون که بکار گرفته‌شده، حائزاهمیت فراوان است.ازجمله‌آثارمربوط به دورهٔهخامنشی دراین‌موزه‌بایدظرفهای جالب سفالی مکشوف‌در« کوچك ـ تپه» نزدیك «ترمز» درحوالی کناره «آمودریا» را نام برد.

ـ آثارجالبی‌ازمنطقه‌باستانی«افراسیاب» واقع‌در کنارشهرسمرقند کنونی که سمرقند باستانی را در بردارد ، درموزهٔ تاشکند دیده میشود. از جمله این‌آثار میتوان مجسمه‌های جالب سفالی ازالهه‌آناهیتا را نام برد که تاجی برسر وبالی‌شبیه بال پرندگان دارد. درافراسیاب همچنین تعدادی مجسمه سفالی با کلاه«فریژی» بدست‌آمده که‌ازوجود پیروان آئین‌مهر دراین‌ناحیه حکایت میکند

ـ ازجمله اشیاء جالب دیگرباید ازاثری یاد کرد که تصویر دو مار را درحال حمله بسوی یکدیگر نشان میدهد ، این اثرهنری که دارای جنبه اشاره‌ای (سمبولیك) بوده وباحتمال معرف نبرد بین خوبی وبدی است ، در ناحیه «فرغانه» بدست‌آمده است. جالب اینکه بنا برتوضیح مدیرموزه نظیر این‌شئی‌درمکزیکونیزیافت شده است.

ـ در موزهٔ تاشکند «استودان» جالبی قرار دارد که درناحیه خوارزم بدست‌آمده ومربوط به قرن چهارم میلادی است . جنس استودان مزبور از

مجسمه‌مراحل مختلف تکامل میمون‌های انسان‌نمارا به انسانهائی‌چون‌پیته‌کانتروپ- نئاندرتال وهوموساپین،همراه باشرایط وچگونگی زندگی آنها نموده‌اند. دراین موزه مجسمه نیم تنه یك انسان نئاندرتال را به نمایش گذارده‌اند. این مجسمه ازروی اسکلت کودکی هشت تا نه ساله مربوط‌به تمدن‌دوره «موستربن» که زمان آنراحدود ٤٠٠٠٠سال‌پیش‌دانسته‌اند،ساخته شده است. اسکلت مزبور درجریان حفاری سال۱۹۳۸ در غاری واقع در «تشیك‌تاش» درجنوب شرقی «ترمز»نزدیك«آمودریا»، درداخل چاله‌ای که روی آنرابا شاخ‌بز کوهی‌پوشانیده بودند بدست‌آمده است. جمجمه اسکلت نامبرده که بطورکامل وسالم کشف گردیده از جمله نمونه‌های جالب انسان «نئاندرتال» بشمارمیرود. مجسمه‌ایکه‌درموزه تاشکند قراردارد یك‌بازسازی دقیقی‌است که بکمك انسان شناسان شوروی انجام گرفته، چنانکه میتوان سیمای انسان نئاندرتال را بیاری‌آن بازشناخت.

ازجمله‌آثارجالب دیگر دورهٔ پیش ازتاریخ موزه میتوان کپی مربوط‌به نقشهای پیش از تاریخ (دوره مزولیتیك) را نام برد که در کوهستانهای «باباطاق» درصد کیلومتری‌شرق «ترمز» بدست‌آمده است. دراینجاتصاویری ازحیوانات وحشی‌وشکارچیانی که پوست‌حیوانات را دربردارند نموده‌شده است. نقش‌های مزبور باآنچه که درطی دوسال گذشته درناحیه لرستان‌ایران (غارهمیان-میرملاس ودوشه) کشف گردیده ازبسیاری‌جهات‌قابل‌مقایسه‌است.

در قسمت پیش ازتاریخ موزه اشیاء وآثار جالبی که ازتپه‌های دوره نوسنگی(نئولیتیك) مانند: «نماز گاه تپه» و «قره تپه» بدست‌آمده به نمایش گذارده شده است .

دوران تاریخی: آثارمربوط به دوران تاریخی موزه بطورطبیعی معرف آثاری ازآغازهزاره اول-عهدهخامنشی، اشکانی‌وساسانی تا زمان حمله‌عرب است. دربارهٔ‌آثار دوره اشکانی سعی برآنست که آنها را بعنوان هنری‌خاص

اشکانی و ساسانی بشمار میرود . آثار معماری و قصر معروف ورخشادر سی کیلومتری شمال‌غربی بخارا قراردارد. دراین محل‌تپه‌های باستانی‌فراوان و متعددی که هریك بخشی از مجموعه بناهای شهری بزرگ رادر بردارند، در کنارهم دیده میشود

با کشف‌این محل درسال ۱۹۳۷ توسط «شیشکین» باستانشناس شوروی هیجان خاصی دربین باستانشناسان بوجود آمد. ورخشا شهری بوده که بین قرن پنجم میلادی یعنی از اواسط دوران ساسانی تاقرن دهم میلادی دوران شکوفای خودرا طی نموده است.

مهمترین کشف این محل ، قصر جالبی است که بنام «بخارا خدا» یاقصر حاکم بخارا معروف بوده‌است .قصر مزبور گذشته از وجودتالارهای‌بزرگ و ترکیب‌خاص تالار و ایوان درآن که از خصوصیات معماری عهداشکانیان وبعددوران‌ساسانی‌است ،از نظروجود دیوار نگاره(فرسك)هائی که‌دیوارهای تالارها را میپوشانیده است، حائز اهمیت میباشد. صحنه‌های دیوارنگاره‌های مزبور بصورت نبرد فیل‌سواری‌باپلنك ـ حیوان‌بالدار افسانه‌ای وبیر نموده شده‌است . نحوه صحنه‌پردازی این‌تصاویر، نمایشگر همان شیوه‌ایست که در هنر دورهٔ اشکانی و ساسانی دیده میشود.

افراسیاب : از آثار جالب دیگر موزه تاشکند وجود کپی از دیوار نگاره‌های مکشوف دربناهای حدود قرن هفتم میلادی ویرانه‌های‌افراسیاب، یا سمرقند باستانی‌است. برروی دیوارتالارهای مکشوف درافراسیاب‌تزیینات جالبی بصورت دیوار نگاره (فرسك) وجود داشته که بادقت خاصی از روی آنها کپی تهیه شده‌است . اندازه برخی از این دیوارنگاره‌ها به ۱۱×۱۱متر میرسد . رنگ‌های‌بکار رفته‌بیشترعبارتست‌از: آبی–زرد– قهوه‌ای – سفیدو سیاه . قطعه‌ایکه در موزه عرضه شده چندتن از نمایندگان « بدخشان » را نشان‌میدهد که به دربار حکمران شهر«شاش» (نام‌قدیمی تاشکند) آمده‌اند.

سفال است و بشکل مجسمه زنی نشسته ساخته شده است. مجسمه سفالی مزبور توخالی است و زمانیکه جسد را میسوزانیدند استخوانهای باقیمانده و خاکستر جسد را در آن میریختند. باستانشناسان در تاشکند اثر مزبور را مربوط به دورانی میدانستند که التقاطی بین مذهب و تفکر بودائی و زرتشتی در منطقه وجود داشته است.

در این موزه قطعاتی از پلاکهای چوبی مستطیل با دسته‌ای کوچك در انتهای آنها قرار دارد که بر روی آن بخط پهلوی مطالبی نوشته شده است. این نوشته‌ها مربوط به قرن اول تا سوم میلادی است.

ـ عکسها و آثاری مربوط به کاوشهای ناحیه «خالچیان» در موزهٔ تاشکند عرضه شده که حائز اهمیت بسیار است. منطقه باستانی خالچیان که از مجموعه فراوانی تپه‌های باستانی کنار هم تشکیل یافته، در نزدیك دهکده‌ای بهمین نام در کنار رودخانه «سرخان دریا» در شرق «ترمز» واقع است و آثار آن مربوط به قرنهای اول پیش از میلاد تا دوم میلادی است.

در طی سالهای ٦٤ـ١٩٦٢ باستانشناس معروف شوروی «پوگاچنکووا» موفق به کشف قصری جالب در این محل گشت. آثار معماری این محل با برخی از آثار معماری مکشوف در نسا شباهت دارد. از اکتشافات جالب این محل میتوان کشف نقش برجسته‌ها و مجسمه‌هائی از گل رس را نام برد که نمای ایوان بنا و تالار بزرگ آنرا زینت میداده است.

تصویر مربوط به گروه سواران در این بنا از نظر شیوه کار، شکل لباس و اسلحه، بانقش سواران پارتی در «دورا اوروپوس» [٤] شباهت بسیار دارد. بطور کلی باید گفت که آثار زیبا و پرارزش خالچیان در امر بررسی و شناخت هنر معماری و زینت آن مربوط به دوره اشکانی حائز اهمیت بسیار است.

ورخشا : تصاویری از بناها و آثار معماری مکشوف در «ورخشا» در موزهٔ تاریخ تاشکند عرضه شده که نمودار ارزنده‌ای از سبك معماری و هنر دوران

٤ ـ از آثار معروف دوران اشکانیان که در سوریه واقع است.

قرار دارد، معرف آنست که آثار مزبور براساس و شیوه هنر معماری عهد ساسانی ساخته شده است.

دوران بعد ازاسلام : دوران بعد از اسلام موزهٔ تاریخ تاشکند با چند تالار خاص دورهٔ سامانیان آغاز میشود بیرون نخستین تالار دورهٔ سامانیان نقشه بزرگی ازسرزمین وسیع خراسان بزرگ و نواحی که زیرفرمان شاهان سامانی بوده است قراردارد.

اشیاء وتصاویر وطرحهائی که معرف خصوصیات دوران سامانی است از هرجهت کمال اهمیت را دارد و به‌جرأت میتوان گفت که در هیچ موزه‌ای نمیتوان مجموعه‌ای اینچنین کامل از دوران سامانی را بازیافت.

تصاویرجالبی‌ازشخصیت‌ها ودانشمندان بزرگ ایرانی چون ابن‌سینا و ابوریحان بیرونی همراه با اصل ویا کپی اکثرآثار آنها دراین موزه عرضه شده است. نظیرچنین مجموعه و تصاویر را درهیچ موزه ومحلی در ایران کنونی نمیتوان مشاهده نمود. تصاویری از الغ بیك و امیر علیشیر نوائی وزیر دانشمند نیز دراین موزه بنمایش گذارده شده است. اثر جالب دیگر موزه ، مجسمهٔ تمام قد الغ بیك است که با بررسی وانجام اندازه گیری‌های دقیق از روی اسکلت اوانجام گرفته است. این‌کارهم دربارهٔ دانشمندبزرگ الغ بیك و هم تیمور لنگ ، هردو صورت پذیرفته است. جریان امر چنین است که در سال ۱۹۴۱ یك کمیسیون علمی مأمورآن گردید تا با بررسی اسکلت تیمور و الغ بیك مطالب تاریخی را که دربارهٔ آنها نوشته شده است بررسی نماید.

موضوع درستی یا نادرستی لنگ بودن تیمور از دیرباز توجه جمع بسیاری را جلب ساخته بود. هیأت علمی مزبور پس از برداشتن سنگ قبر وبیرون‌آوردن خاك آن ، صندوقی چوبی راماییابند که جسد تیموررا دربر داشته است. چوبهای صندوق بخوبی باقی‌مانده‌بود. بعد ازباز کردن‌صندوق،

نکته‌جالب در مورد این تصویر، نقش‌هائی است که برروی پارچه جامه این افراد دیده‌میشود. نقشهای مزبور عبارتست از دوایر و یابیضی‌هائی که داخل آنهاتصویر حیوان‌بالدار انسانه‌ای و پرنده‌ای که گردن بندی بدهان دارد و آنرا «پرنده بخت» مینامند نقش شده است.

اینگونه نگاره‌های تزیینی ویژه هنرعصر ساسانی‌است که‌دراین‌تصاویر به نحو چشم گیری جلوه گر میباشد٥. باید گفت که‌اعراب بمحض رسیدن به افراسیاب برروی تمامی این دیوارنگاره‌ها گچ کشیده‌اندودر برخی موارد سرحیوانات را خراب کرده‌اند.

از جمله‌آثار جالب دیگری که ازافراسیاب بدست‌آمده ، یك‌قطعه گچ‌بری ارزنده بصورت سراژدها میباشد که شبیه آنرا بانقره در مجموعه آثار فلزی دورهٔ ساسانی ارمیتاژ میتوان مشاهده نمود.

مغ خانه: در آخرین تلار دوران تاریخی موزهٔ تاشکند ماکت جالبی وجود دارد که نشان دهندهٔ منطقه کوهستانی بنام «مغ خانه» است در این ماکت گورکانهای مربوط به«هفتالها» نشان‌داده شده‌است . گورکانهای مزبور بصورت آرامگاههای سنگی گنبد داری‌است که باسنگهای لاشه ساخته شده است. نحوه دفن دراین‌دوران‌چنان بوده که‌استخوانها رادر داخل‌استودانهای کوچك سفالی میریختند و پس‌ازانجام مراسم خاص استودانها را داخل گورکانهای مزبور برروی هم قرار میدادند . منطقه مغ خانه درناحیه «سرخان دریا» قرار دارد.

معماری رباط ملك : عکسها وتصاویری که ازمعماری‌های باقیمانده وموجود در «رباط ملك» نزدیك بخارا مربوط به‌قرن یازدهم میلادی درموزهٔ‌تاشکند

٥ــ در موقع بازدید از محل‌کار هنرمندان مؤسسهٔ باستانشناسی تاشکند که مشغول تعمیر و تهیه کپی دیوار نگاره‌های افراسیاب بودند ، مشاهده گردید ، که لباس خانمهای هنرمند باهمان رنگ ونقشی تهیه شده بود که در دیوارنگاره‌های افراسیاب وجود داشت. پارچه‌های مزبور درسمرقند بافته میشود.

اسکلت تیموررا درون آن می‌یابند، در کنار اسکلت نه‌اسلحه و نه هیچگونه تزیینی بدست نمیآید و نشان میدهد که این متجاوز ویرانگر، پس از مرگ از آنهمه غارتگری‌ها چیزی را باخود به گور ابدیش نبرده است. دربررسی جسد تیمورمشاهده میکنند که یك پای او ازپای دیگرش بسیار کوتاه‌تر است. درنتیجه نوشته مورخان تأیید میگردد. پس ازانجام اندازه گیری و قالب گیری‌ازاسکلت، باردیگر آنرا بصورت‌نخستین درمحل‌خودقرارمیدهند.

هیأت مزبور همچنین بمنظورتأیید این نظر که الغ بیك‌توسط فرزندش دربیست کیلومتری سمرقند سر بریده شده است، قبراورا نیز می‌شکافند و مشاهده میکنند که سراسکلت‌ازبدن جدا شده ودر کنارآن نهاده شده‌است. برروی مهره‌های گردنی جسد ، بخوبی محل‌بریدگی مشاهده میشود.روشن میگردد که دانشمند بزرگ بقتل رسیده است

درجریان‌بررسی‌های‌مزبورمردم‌شناس‌بزرگ‌روس«میخائیل گراسیموف» موفق می گردد که باانجام اندازه گیری وقالب گیری‌کامل به‌امر تهیه مجسمهٔ نیم تنهٔ تیمورومجسمهٔ تمام قد الغ بیك توفیق یابد. اینك این هردو مجسمه درموزهٔ تاریخ‌تاشکند قراردارد.

ازجمله‌آثار دیگری که دربخش بعد ازاسلام موزهٔ تاشکند قراردارد باید از دو تابلوی بزرگ جالب یاد نمود . یکی از آنها معرف مقاومت دلیرانه سلطان جلال‌الدین خوارزمشاه در برابر متجاوزبن مغول است و دیگری مربوط به‌قیام دلیرانه « سربداران » علیه ویرانگران وحشی مغول است بامشاهدهٔ تابلوهای مزبوردراین موزه و بیاد آوردن این امر که در تمامی موزه‌های کشور خود هیچگونه نشانه‌ای از چنین آثاری وجود نداردو هیچیك‌از هنرمندان‌نقاش‌بفکرزنده‌ساختن‌صحنه‌های‌دلیری وپایمردی قهرمانان تاریخ این سرزمین نبوده‌اند، فراوان تأسف خوردم وازاینکه‌نسل کنونی وطن من اینچنین نسبت به‌تاریخ گذشته خویش و سلحشوریها و

ایستادگی‌های قهرمانانه ملت خود بی‌تفاوت میباشد ، احساس شرمندگی نمودم .

ـ درموزهٔ تاریخ تاشکند تعداد قابل توجهی مینیاتور وجود دارد که اصل آنها در گنجینهٔ موزه نگهداری میشود و کپی آنها در تالار به نمایش گذارده شده است.

ـ ازجمله اسناد تاریخی موزه میتوان نامهٔ امیر تیمور به شارل ششم پادشاه فرانسه را نیز یاد کرد.

ـ ازمهمترین آثار نوشته موزهٔ تاریخ تاشکند جادارد تا از قرآنی یاد شود که آنرا به عثمان نسبت می‌دهند. بنا بر نوشته‌های مختلف قرآن مزبور توسط عثمان رونویسی گردیده است. قرآن مزبور در زمان تیمور به سمرقند برده میشود و در مسجد «خواجه احرار» نگهداری میشود. درسال ۱۸۶۹ حکمران روس منطقه، قرآن مزبور را به پطروگراد میفرستد . بعد از انقلاب اکتبر، مسلمانان ازلنین تقاضا میکنند تا قرآن مزبور را به جایگاه اصلی خود باز گرداند ، لنین تقاضا را می‌پذیرد و قرآن به موزهٔ تاریخ تاشکند فرستاده میشود وهم اکنون در گاوصندوقی محفوظ میباشد.

در پایان گفتگوی مربوط به موزهٔ تاریخ تاشکند جا دارد باین نکته اشاره نماید که موزهٔ مزبور ازنظر اشیاء و آثاری که در آن جمع آوری کرده‌اند موزه‌ایست جالب و ارزنده ونحوه موزه‌آرائی وعرضه نمودن اشیاء آن برروی‌هم قابل توجه ومناسب است.

موزهٔ تاریخ تاشکند ازجمله موزه‌هائی است که درامرمطالعه و بررسی فرهنگ وتمدن دورانهای مختلف تاریخ ایران میتواند کمك بسزائی برای محققان بشمار رود. موزهٔ مزبوربخصوص درمورد دورهٔ سامانیان و بعد از حمله مغول باتوجه به‌ضعف موزه‌های ایران در این دوره‌ها میتواند توجه محققان رابسوی خود جلب نماید.

تصویر یك جام زیبای قرن نوزدهم در موزه تاریخ باکو نگاره‌های کار شده روی تمامی سطح جام ، از نظر ترکیب و پرداخت نهایت زیبا و چشم‌گیر است .

موزه تاریخ در باکو

تصویر یکی از تالارهای موزه تاریخ باکو که در آن آثار منطقه از قرنهای پانزدهم تا هفدهم میلادی بمعرض نمایش گذارده شده است .

موزه زیج الغ بیك

در کنار شهر سمرقند درمحل ویرانه‌های باستانی آن ، اثرجالب معروف به زیج الغ بیك قراردارد که توسط «واتکین» باستانشناس روس حفاری آن انجام شده است . درحال حاضر تنها قسمت رصد نمودن آن برجای مانده و طرح واحدهای وابسته بآن نیز تاحدی مشخص میباشد .

در کنار زیج موزه جالبی قراردارد کـه در آن سعی کرده‌اند شخصیت الغ بیك بمدد معرفی آثار وتحقیقات علمی او به گـونه‌ای شایسته و درخور تحسین نشان داده شود. دراینجا عکسهائی ازمجمع ستاره‌شناسان ودانشمندان نجوم اروپا درقرن هفدهم درایتالیا قراردارد که دربالای سرآنها با نام الغ‌ـ بیك بعنوان یکی از بزرگترین علمای علم نجوم برخورد میشود.

در موزه مزبور عکسهائی از رصدخانه «ابسرواتوآر» جدید تـاشکند در کنار آلات وابزار نجومی عهد الغ بیك قرارداده‌اند تا نشان دهند که این علم همچنان در آن منطقه پایدارمانده است.

از نکات جالب دراین موزه اینکه به‌نحوی ماهرانه و مؤدبانه بمناسبت طرح یك مبحث علمی دراین محل ، سعی گشته‌است که مذهب را امری بی‌پایه و بنیاد معرفی نمایند . در این موزه تصاویرجالبی نیز از ابوریحان بیرونی و ابن‌سیناوجود دارد که بعنوان فرزندان ازبکستان مورد ستایش قرار گرفته‌اند.

موزه تاریخ باکو

از جمله موزه‌های جالب وارزنده‌ای که مورد بازدید قرار گرفت موزه تاریخ آذربایجان در باکوبود . باکمال تأسف برای بازدیداز این موزه ، با توجه به برنامه‌های تنظیم شده دیگر، فرصت کافی منظورنشده بود و به ناچار توفیق تهیه هیچگونه یادداشتی میسرنگردید و آنچه که درزیر بآن اشاره میشود مربوط به خاطراتی است که ازآن بازدید مختصر به‌یادمانده است .

موزه تاریخ آذربایجان دریکی ازبناهای جالب اوایل قرن بیستم بـاکو

ترتیب یافته است . در این موزه آثاری از دورهٔ هخامنشی وجود دارد و جالبترین آنها را تعدادی ظروف سفالین تشکیل میدهد که از نظر بررسی هنر سفالگری آن‌دوران حائزاهمیت‌است . دراین موزه دوپایه ستون‌سنگی نیز ازدورهٔ هخامنشی وجود دارد . ستونهای مزبور ازمحلی بنام «ساری‌تپه» نزدیك باکو دربنائی مرکب از سیزده اطاق وتالار بدست‌آمده . طرح بنا ، ضخامت ونوع دیوارسازی آن معرف شباهت زیاد مجموعه مزبور بابناهای خاص دوران هخامنشی است . دلیل اینکه چرا فقط ازمحل مزبور دو پایه ستون سنگی زنگی شکل نظیرآثار تخت جمشید بدست آمده اینست که محوطه مزبوربراثر تیغه بولدوزور بشدت لطمه دیده وتعدادی ازپایه‌ستونها خرد گشته واز میان رفته است .

ـ ازآثار دورهٔ اشکانی ماکت چند قبریافت شده درحفاری‌ها ، همراه با خمره‌هائی که اسکلت‌درون‌آنها قراردارد ، عرضه شده‌است . این گورهای پارتی باآنچه که در نـاحیه «گرمی» درآذربایجان شرقی در سه سال پیش توسط آقای‌کامبخش فرد کشف گردید شباهت بسیار دارد .

سفالهای دورهٔ اشکانی درموزه باکو، ازنظر شکل وطرح دارای ارزشی خاص‌هستند .

ازدوران ساسانی تعدادی ظرف نقره نیز در این‌موزه وجود دارد .

در موزه تاریخ آذربایجان سعی گردیده است آثـار معماری دورانهای تاریخی مانند قلعه‌ها ونظیرآنها رابصورت ماکت به گونه‌ای زیبا تهیه‌وبرای آگاهی بازدید کنندگان عرضه بدارند .

نحوه تنظیم موزه از حدود قرون وسطی ببعد نظیر آنچه کـه در موزه تاریخ تاشکند مشاهده میشود، چنان انجام گرفته تـا نشان دهنده برداشت مارکسیستی ازچگونگی تحولات وتاریخ منطقه باشد .

ـ بطور کلی باید گفت که موزه‌تاریخ باکو ازجمله موزه‌های مهم‌جهان است که برای انجام یك بررسی‌کامل وجامع دربارهٔ فرهنگ و تمدن ایرانی باید آثار آنرا مورد مطالعه دقیق قرارداد .

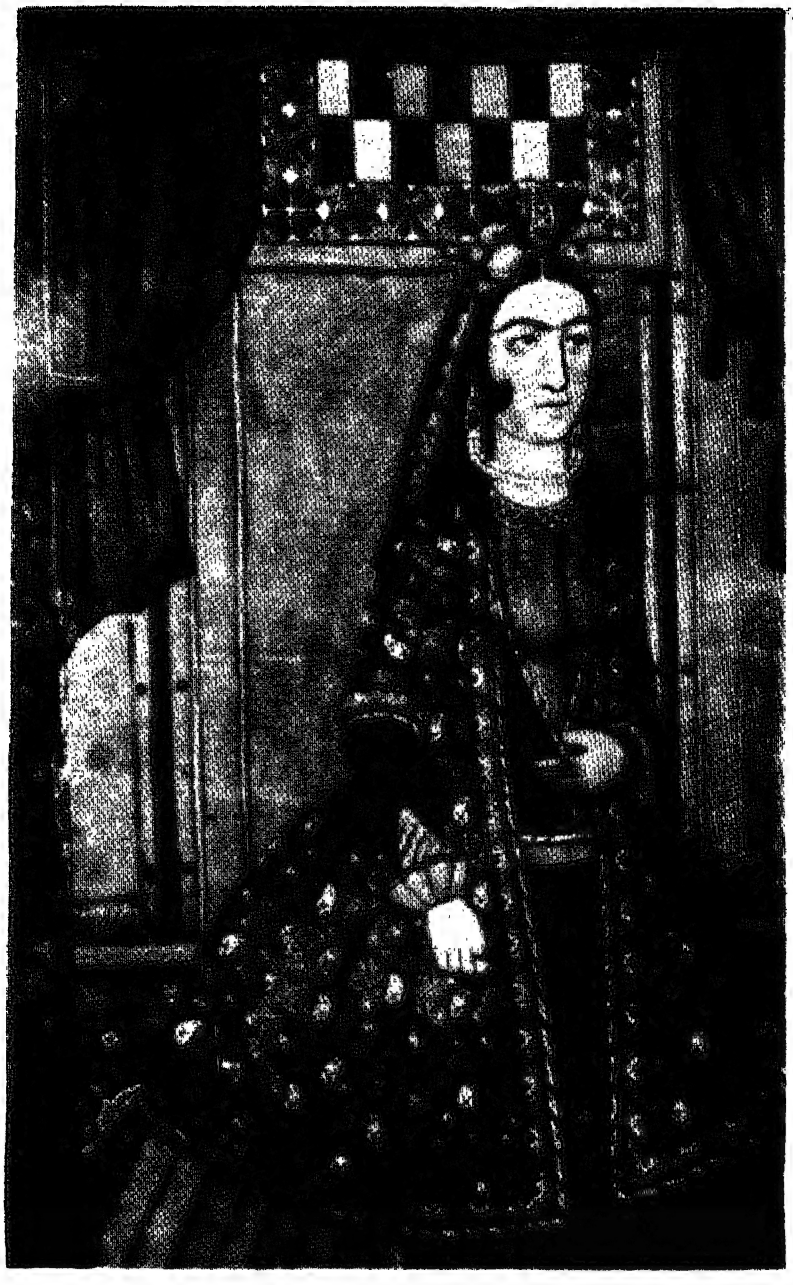

یك تابلو نقاشی در موزه تاریخ باکو مربوط به نیمه قرن نوزدهم میلادی.
موزه تاریخ در باکو

آئین نامهٔ نظامی

کتاب مشق سرباز

از

سرهنگ ۲ یحیی شهیدی

(فوق لیسانسیه در جغرافی)

موزه آتشگاه

از جمله آثار جالب وديدنی باکو که اثری استثنائی درنوع خود، بشمار میرود ، آتشگاه جالب باکو میباشد . در بارهٔ ویژه گیهای کامل بنای این آتشگاه ، ضمن گفتگو از آثار معماری منطقه سخن خواهیم گفت .

آتشگاه مورد بحث در حومه شهر باکو قراردارد وبخوبی موردحافظت قرار گرفته است . چهارطاقی آتشگاه با پوشش گنبدی کم خیزخود در وسط محوطه‌ای وسیع قراردارد . اطراف محوطه مزبور را دور تا دور اطاقهای مستطیل شکلی که باقوسهای سنگی کم‌خیز پوشش شده‌اند ، فرا گرفته است. اطاقها در دوران آبادانی آتشگاه محل استراحت زائرانی بوده که از راهی دور برای زیارت باین‌مکان میآمده‌اند .

هم اکنون نزدیك غروب متصدیان این محل تاریخی ، مشعل زیرچهار-طاقی وچهار مشعلی را که درچهار گوشه روی سقف آن قرار دارد میافروزند وشعله‌های سرخ‌فام آتش بسوی آسمان زبانه میکشد و باد گذشته‌ای نه‌چنان دور را که معتقدان به‌زرتشت ، پیام‌آوربزرگ ایرانی دراین مکان به عبادت میپرداختند ، زنده میسازد .

مسئولان محل بنای آتشگاه را مربوط به حدود قرن هیجدهم میلادی میدانستند. درمحوطه آتشگاه بیست کتیبه وجوددارد که نوزده تای آن بخط و زبان سانسکریت ویکی ازآنها بزبان وخط فارسی است.

– در داخل اطاقهای اطراف محوطه ، موزه جالبی بکمك عکس‌ها و گراورهای مختلف مربوط به محل آتشگاه ترتیب داده شده که برخی از آنها معرف انجام مراسم عبادت درمحل است. برخی ازوسائل مربوط به‌اجراء مراسم مذهبی زرتشتیان رانیز که درموزه ارمیتاژ قرارداشته، بمنظورتکمیل ساختن موزه مزبوربراین محل منتقل ساخته‌اند.

برروی هم آتشگاه وموزه آن درمجموع ازآثار دیدنی وارزنده باکو بشمار میرود .

آئین نامهٔ نظامی

«کتاب مشق سرباز»

از

سرهنگ ۲ یحیی شهیدی

(فوق‌لیسانسیه در جغرافی)

در شمارهٔ اول سال چهارم برای اطلاع خوانندگان ارجمند مجلهٔ بررسیهای تاریخی نوشتیم که « در گزارشهای سرهنگ برونگنیار Brongniart رئیس هیأت مستشاران نظامی فرانسوی در ایران که در سال ۱۲۷۵ هجری قمری (۱۸۵۸م) به‌ایران آمده بودند به‌موضوع تدوین آئین نامه های نظامی برمیخوریم. چنانکه برونگنیار در گزارش شمارهٔ ۳۸ خود بتاریخ ۱۵ دسامبر ۱۸۶۰ که به‌وزارت‌جنگ‌فرانسه فرستاده است می‌نویسد : بنا به پیشنهاد افسران فرانسوی ، به ترجمهٔ برخی از آئین نامه‌های نظامی ارتش‌فرانسه مشغول شده‌اند تا

مقرب‌الخاقان موسیو بهلر سرتیپ فرانسه معلم‌هندسه و پیاده‌نظام تصنیف نموده ترجمه کرده پیشکش حضور مهرظهور نماید تا بربینندگان علم‌نظام‌قواعدی ازاصول علوم واعمال نظامی‌محققی‌نماند. . . . . این کتاب با خط نستعلیق خوب‌روی‌کاغذ آبی بقطع ۱۲/۵ × ۲۰ سانتیمتر نوشته شده و سرفصلهای آن با مرکب قرمز مشخص گردیده‌است وظاهراً نسخه اصلی ترجمه شده میباشد که برای چاپ مهیا شده است و بصحه‌ناصرالدین شاه نیزرسیده‌است‌ودرآخر کتاب۱۸صفحه‌تابلوی‌سیاه‌قلم‌چاپی میباشد که‌حالات مختلف مشق‌سرباز را با تفنگ‌مجسم‌میکندوازمأخذاصلی‌فرانسه‌اقتباس‌شده‌است.(گراورشماره۷).اما برای‌مامعلوم‌نیست که‌آیا این‌آئین‌نامه‌چاپ گردیده‌یانه وبهمین علت‌علاوه‌بر گراوروچاپ‌مقدمه، چهارصفحه‌از اول ویك صفحه از آخرآنرا گراور کرده و درپایان این مقاله چاپ‌میکنیم . (گراورهای شمارهٔ۱الی۵) تا خوانندگان ارجمند با ملاحظه گراورهای مذکورچنانچه چاپ شده‌آنرا دردست دارند برای بررسی وتحقیق بیشتر بدفتر مجلهٔ بررسیهای تاریخی ارسال دارند و ما از این‌بابت پیشاپیش سپاسگزاری میکنیم.

کتاب مشتمل بردوفصل است.

فصل اول در بیان‌دسته‌بندی وجای صاحبمنصبان یکدسته . (درابتدای این‌فصل‌محل‌استقرارافسران‌راتعیین‌نموده ودرملاحظات آن جانشینان آنها را نیز پیش‌بینی کرده است.)

تنبیه : درهمین فصل درمورد تنبیهات‌مینویسد: اگر در تعلیم دادن‌فوج، صاحبمنصبان‌ووکیل وسرجوخه‌کان‌درست‌ازعهده‌برنیایند‌این‌تقصیربافرمانده فوج است‌واومورد تنبیهی که سابق‌قرار گذاشته شده‌است میشود[1] عمل‌بجهت صاحبمنصبان بسیارلازم‌است‌لکن‌بایدعلاوه برعمل، علمی‌هم‌داشته‌باشند. پس برسرکارجلالت آثارسپهر اقتدارمؤتمن دربار سلطانی‌جناب، سپهسالارلازم‌است

۱ ـ با این‌جمله مشخص میشود که درمورد امتیازات وتنبیهات نیز قبلاً آئین‌نامه‌ای تنظیم گردیده‌است.

برای ارتش ایران آئین نامه‌های نظامی تهیه کنند...» اینک آقای احمد طاهری یك جلد آئین نامه خطی به بررسیهای تاریخی ارائه نمودند که دنباله همان اقدامات مستشاران فرانسوی در مورد ترجمه آئین نامه‌های نظامیست که ضمن تشکر از ایشان بمعرفی آن می‌پردازیم .

این آئین نامه چنانچه درمقدمهٔ آن مسطور است در زمان ناصرالدین شاه توسط مسیو بهلرسرتیپ فرانسه معلم هندسه و پیاده نظام تصنیف گردیده و توسط محمد کریم ولد مرحوم محمد حسین خان سرتیپ فیروز کوهی ترجمه و بخط خود او نیز نوشته شده در ۱۲۷۹ به اتمام رسیده است .

قبل از مقدمه ناصرالدین شاه درمورد این کتاب چنین نوشته است: « بسیار خوب کتابی است باید زود تمام شده بنظر برسد البته» بعد از دستخط مذکور مقدمه اینطور شروع میشود :

بسم الله الرحمن الرحیم - حمد بیحد و ثنای بیعدد مر خدایرا جلت قدرته سزاست که مقدر نظام عالم و مصور بنی آدم است و درود غیر معدود برسالار انبیاء وعلت وجود ماسوی اعنی محمد مصطفی و بر آل طیبین او باد و بعد چون همت فلك رفعت پادشاه عادل باذل ابر کف دریادل شاهنشاه جمجاه اسلام پناه سلطان السلاطین و خاقان الخواقین السلطان ابن السلطان السلطان و الخاقان ابن الخاقان ابن الخاقان السلطان المظفر ناصرالدین شاه قاجار خلدالله ملکه و دولته برابداع کلیات قواعد صلح و جنگ و اختراع اصول قوانین شتاب ودرنگ مایل گشته تا لشکر و رعیت از آن شاد وممالك و اقالیم آباد گردد .

بناعلی هذا هریك از خانه‌زادان دولت جاوید مدت مهما امکن خدمتی درخور قابلیت خود بتقدیم رسانیده این بنده خانه‌زاد دولت جاوید مدت **محمد کریم** ولد مرحوم محمد حسین خان سرتیپ فیروز کوهی که به یمن توجه جناب جلالت و بنالت نصاب مجدت و فخامت انتساب قواما للدوله العلیه و نظاماً للشوکة السنیه امیرالامراء العظام مقرب الخاقان میرزا محمد خان سپهسالار عساکر منصوره نظام وغیر نظام تربیت شده **کتاب مشق سرباز** که اولین کتاب قواعد کلیه نظامیست و عالیجاه بلند جایگاه جلادت و رشادت اکتناه

درس‌پنجم : در ردوبدل کردن نیزه‌است .

فقره سیم : در نظام دادن وآهسته مرش و زود مرش ومرش با قدم‌جست وخیز ودویدن بـا سرعت ومرش بحالت قطاری و بازو راست و یا بازوچپ پیش است . (مشتمل بر پنج درس میباشد)

درس اول : در جمع کردن هشت الی‌دوازده نفر سرباز است برای نظام دادن .

درس‌دوم : درمرش به پیش ومرش منحرف با قدم‌آهسته مرش‌وزودمرش ومرش با قدم‌جست‌وخیز .

درس سوم : در مرش بحالت قطاری است .

درس چهارم : دربازو راست یا بازو چپ پیش وتبدیل سمت‌است .

درس پنجم : در مرش با قدم جست‌و خیز است در مدت زیاد وجستن‌از دیوارهائی کوتاه و خندقهای کم عرض و دویدن با سرعت است با کوله بـار وتفنگ .

در اوایل فصل دوم‌درسهـای مربوط به فقره‌اول را برای‌اینکه‌سربازان بهتردرك نمـایند بصورت سئوال وجواب نیز مطرح کرده‌اند که سربـازان با توجه به‌آنها ، فرامین را یاد گرفته واجراء نمایند .

اینك یك صفحه از سئوال و جواب مذکور را گراور کرده از نظر خوانندگان‌ارجمند میگذراند . (گراور شمارهٔ ٦)

که،وقتی بجهت تدریس و تعلیم علم جنگ و حرکت فوج و افواج بجهة صاحبمنصبان قرار دهند تا ترقی که منظور نظر کیمیا اثر شاهنشاه کل ممالك محروسه ایران وسرکار جلالت آثار است دست دهد بناعلی هذا، علم وعملی که بجهة صاحب‌منصبان بزرگ وسلطانها لازم است از این قرار است . اولا مشق تفنگ ، ثانیا مشق دسته ، ثالثاً مشق مخبران ، رابعاً حرکت فوج خامساً حرکت افواج.

فصل دوم، در بیان تعلیم دادن سرباز .

تعلیم سرباز منقسم است برسه فقره وهرفقره بچند درس :

فقره اول : در بیان تعلیم دادن سرباز است بدون تفنگ . (مشتمل بر ۶ درس است.)

درس اول : در بیان مرش[2] با قدم جست وخیز .

درس دوم : دربیان جستن از دیوارهای کوتاه و خندقهای کم عرض .

درس سوم : دردویدن با سرعت .

درس چهارم : دربیان ایستادن سرباز است بدون تفنگ وبعمل آوردن نظر براست ونظر بچپ .

درس پنجم : در براست‌راست‌و بچپ‌چپ وطرف راست کرد است .

درس ششم : دربیان تعلیم دادن آهسته مرش وزود مرش است .

فقره دوم : در مشق تفنگ و پر کردن و انداختن است (مشتمل بر ۵ درس است .)

درس اول : قاعده نگاهداشتن تفنگ است در دوش .

درس دوم : درمشق تفنگ .

درس سوم : در پر کردن بچهار وقت و پر کردن باختیار

درس چهارم : در آتش مستقیم وآتش منحرف و آتش قطار و آتش دو صف است .

2 - Marche

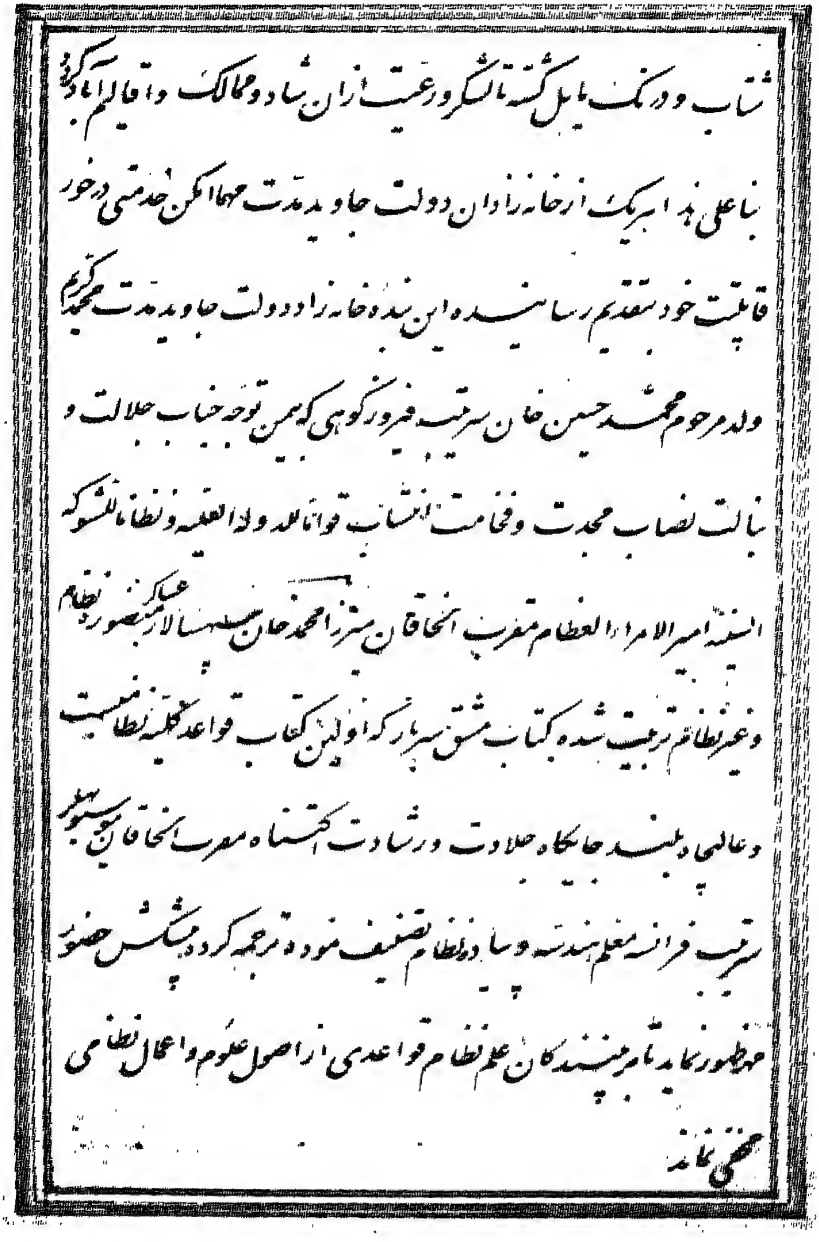

گراور شماره ۲

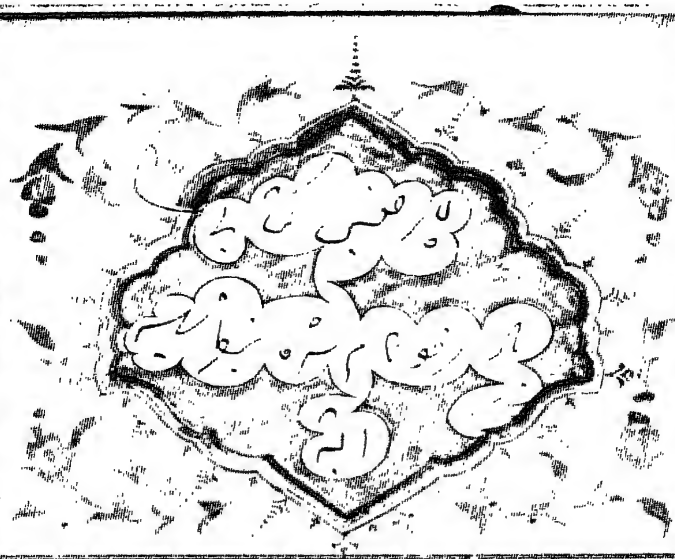

بسم الله الرحمن الرحیم

حمد بحد و ثنای بعد د مرخدایرا جلت قدرته سزاست که مقدر نظام عالم
و مصور بنی آدم است و درود غیر معدود بر سالار انبیا و علت وجود
ماسوی اعنی محمد مصطفی و بر آل طیبین او باد و بعد چون همت فلکرفعت
پادشاه عادل باذل ابرکف دریادل شاهنشاه جمجاه اسلام پناه سلطان
السلاطین و خاقان الخواقین سلطان ابن السلطان ابن السلطان السلطان و الخاقان
ابن الخاقان ابن الخاقان السلطان المظفر ناصرالدین شاه قاجار خلد الله
ملکه و دولته برابداع کلیات قواعد صلح و جنگ و اختراع اصول قوانین

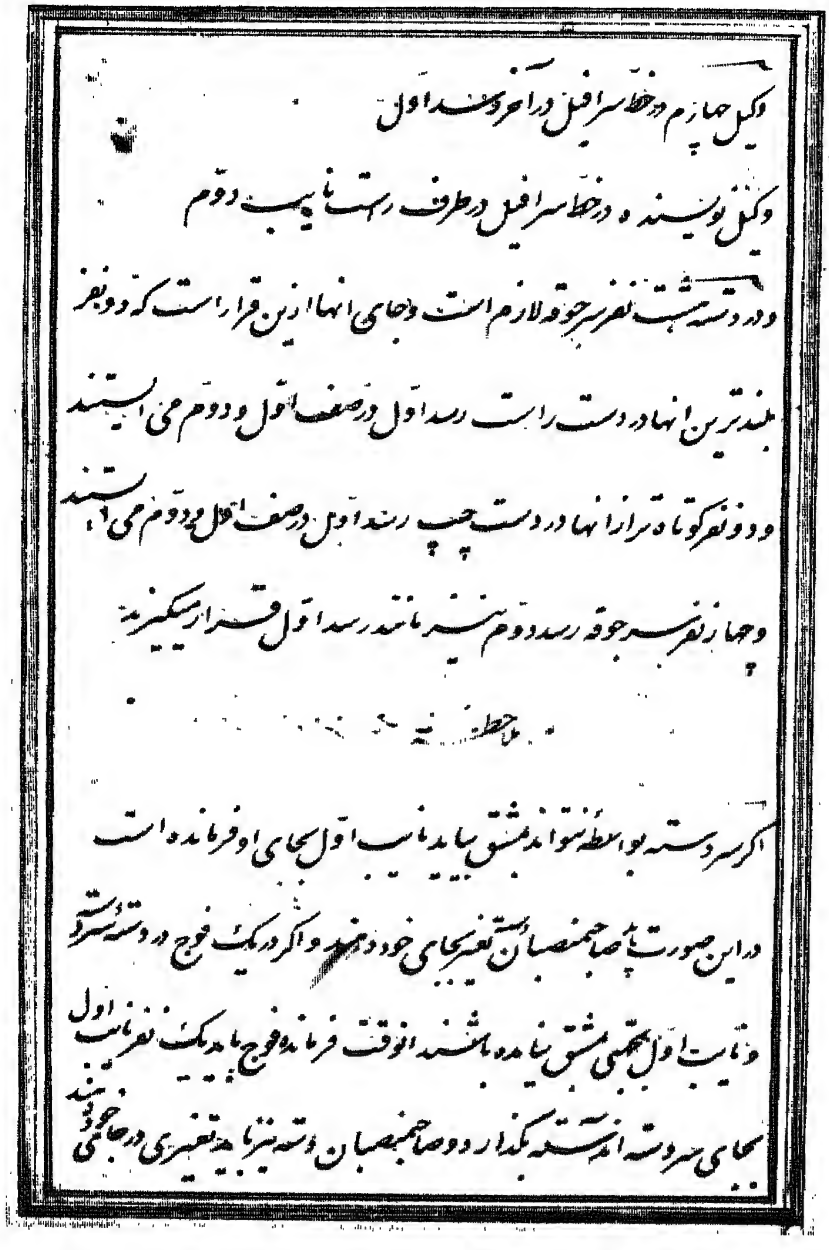
وکیل چهارم در خط سر افیل در آخر رسته اول

وکیل نویسنده در خط سر افیل در طرف راست نایب دوم

و در دسته شش نفر سر جوقه لازم است و جای انها ازین قرار است که دو نفر

بلند ترین انها در دست راست رسته اول در صف اول و دوم می ایستند

و دو نفر کوتاه تر از انها در دست چپ رسته اول در صف اول و دوم می ایستند

و چهار نفر سر جوقه رسته دوم نیز مانند رسته اول قرار میگیرند

ملاحظه

اگر سر دسته بواسطه نتواند بشق بیاید نایب اول بجای او فرمانده است

در این صورت پاصاحبمنصبان هیچ تغییر بجای خود ندهند و اگر در یک فوج دو دسته سر دسته

و نایب اول بتمامی بشق نیامده باشند انوقت فرمانده فوج باید یک نفر نایب اول

بجای سر دسته اندسته بگذارد و صاحبمنصبان دسته نیز باید تغییری در جای خود ندهند

گراور شماره ٤

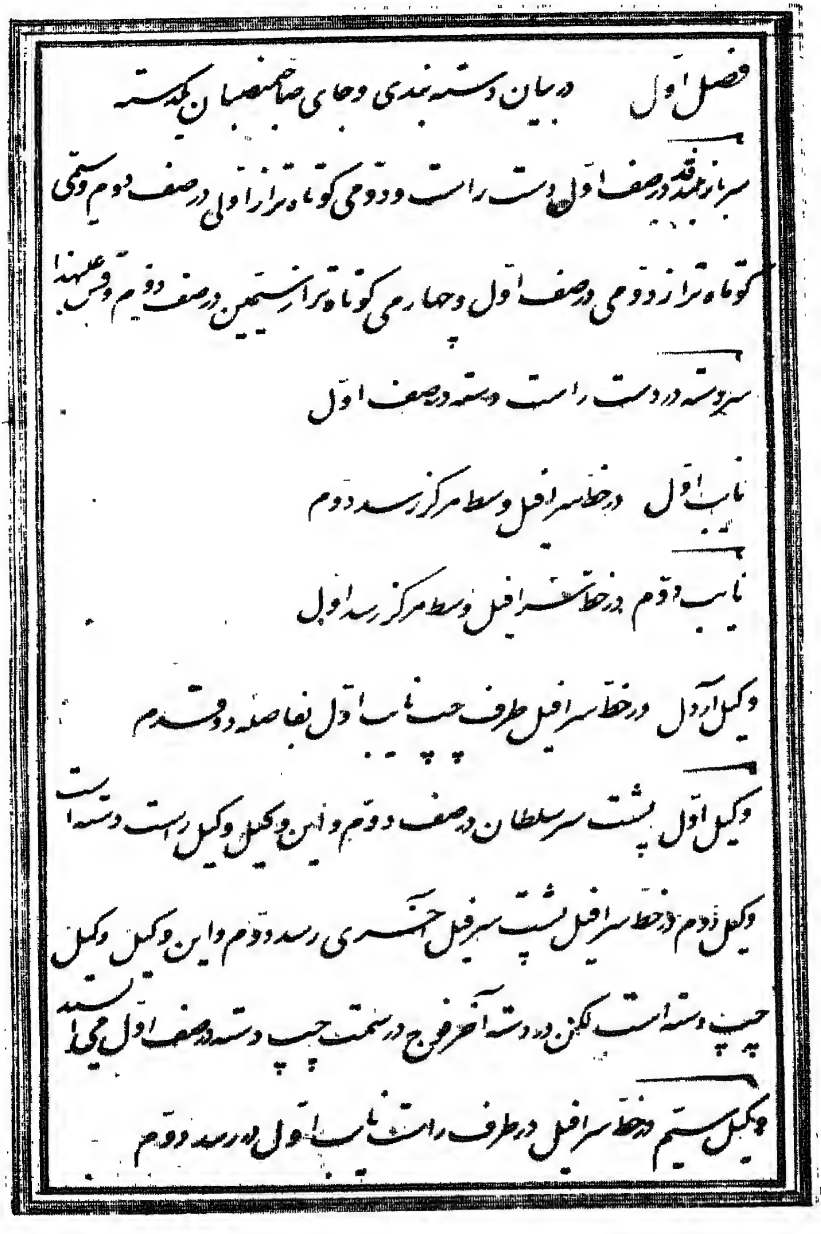

فصل اول در بیان دسته بندی و جای صاحبمنصبان یکدسته

سرباز بلند قد در صف اول دست راست و دومی کوتاه تر از اول در صف دوم و سومی کوتاه تر از دومی در صف اول و چهارمی کوتاه تر از سیمین در صف دوم و همچنین علیهذا

سرجوخه در دست راست دسته در صف اول

نایب اول در خط سر افیل وسط مرکز رسد دوم

نایب دوم در خط سر افیل وسط مرکز رسد اول

وکیل اردل در خط سر افیل طرف چپ نایب اول بفاصله دو قدم

وکیل اول پشت سر سلطان در صف دوم و این وکیل وکیل راست دسته است

وکیل دوم در خط سر افیل پشت سر افیل آخری رسد دوم و این وکیل وکیل چپ دسته است لکن در دسته آخر فوج در سمت چپ دسته در صف اول می ایستد

وکیل سیم در خط سر افیل در طرف راست نایب اول در رسد دوم

گراور شماره ۳

آورده وسایر پیش متصل سازند درین صورت اگر وقت راه رفتن این قسم پاها را
نگاه ندارند ایستادن بقاعده مذکوره که باید پنجه‌ها از یکدیگر انفصال داشته باشند بزودی
ممکن نمیشود

س سر پنجه‌ها مایل بزمین باشد

ج اولا اینکه سر پنجه‌ها مایل بزمین نباشد راه خم میشود ثانیا وقت زمین گذاشتن پا
کف و پاشنه یکمرتبه بزمین نمیآید

س چرا باید پاها را از سر دیگی زمین گذشت

ج زیرا که اگر پاها را از سر دیگی زمین نگذشت و بلند کرده بزمین نگذارند چندین عیب بهم میرسد
اولا حرکت سربازان سنگین میشود ثانیا پاها یکمرتبه بزمین می آید ناگزیر اندازه که بحد قدم
بهمرسش دگر شده است کم و زیاد میشود رابعا پاها بضرب بزمین می آید و سربازان
بزودی خسته میشوند

گراور شماره ٦

باین فرمان سرباز صف دوم قطار طاق باید تفنگ خود را از جا طه برداشته

بحالت پاتفنگ ایستد

و سرباز صف اول جفت تفنگ خود را باد ست چپ و تفنگ سرباز طاق صف

اول را باد ست راست بگیرد و سرباز صف دوم جفت تفنگ خود را باد ست راست

از بند دوم گرفته این قطار هر سه تفنگ را بند کرده نیزه ها را از یکدیگر بگذرانند

و بعد سرباز صف اول طاق تفنگ خود را از سرباز صف اول جفت گرفته بحالت پاتفنگ آیند

تمت تمام شد که بیمن اقبال بیزوال شاهنشاه جمجاه اسلام پناه روحی و روح العالمین

فداه و فر توجه جناب جلالتمآب سپهسالار کل عساکر منصوره

این نامه فرخنده که در ربیت و شش قواعد نظامیت

بانجام آمد و آغاز با ختتام پیوست

۱۲۷۹

امید که مقبول نظر خدیو جهان شاهنشاه کیوان درگاه گردد منه اقل خانه زاد ان جم جاه

گراور شماره ۵

وضع دادرسی و قضاوت

در کشورهای باستانی خاور زمین

بقلم

عدالت

(استاد دانشگاه پهلوی)

تا کنون کهنترین لوحه گلی که نمایاننده قوانین باشد در جلگه بین‌النهرین ودرسرزمین سومرقدیم (جنوب بین‌النهرین) یافت گردیده است . این لوحه رابنام‌لوحه قانون «اور-نمو[1]» نامگذاری کرده‌اند ودر موزه استانبول ترکیه نگاهداری میشود . در هر دو طرف لوحه مواد قانونی نوشته‌شده وکاتب هرطرف را بچهار ستون تقسیم کرده،مواد را درون آن‌نوشته است. باستان‌شناس‌شهیرمعاصر «سموئل کرامر[2]» خواننده‌این لـوحه در کتاب الواح سومر، ترجمه آنرا براین مفاد ذکر کرده است :

1— Our-Nammov
2— Samuel Kramer

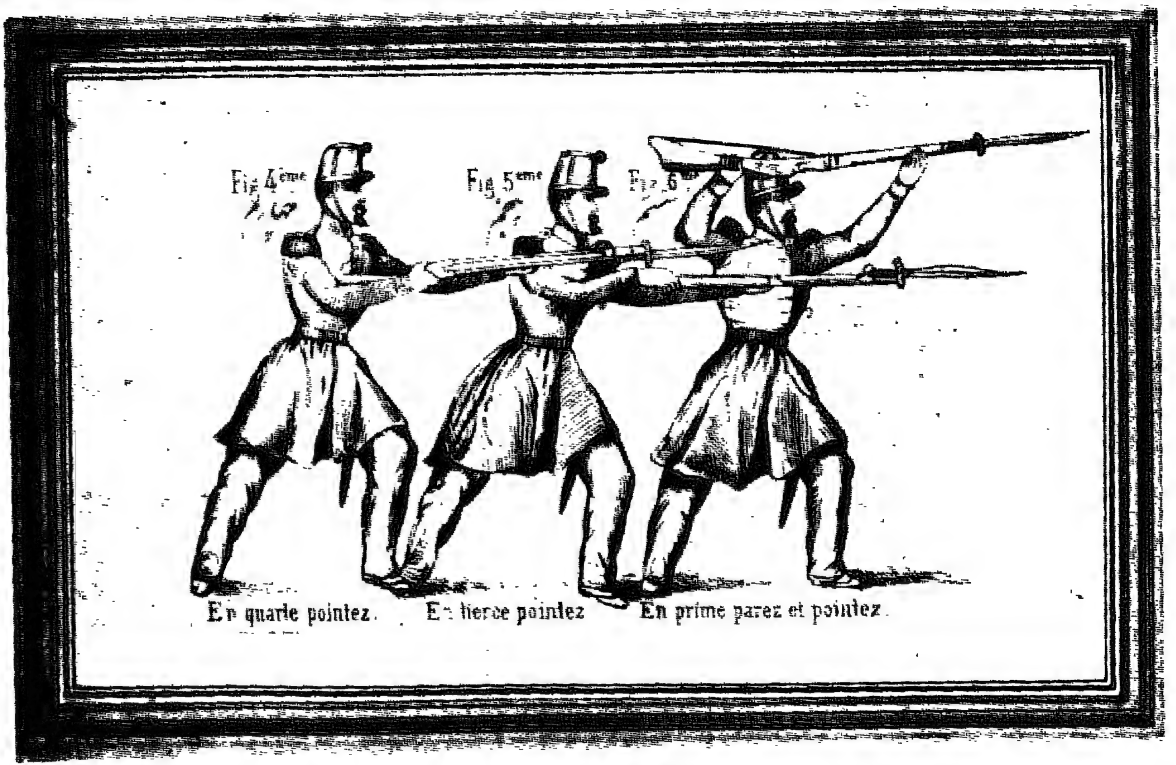

گراور شمارهٔ ۷

یك نمونه از حالات مختلف مشق سربازان را با تفنگ نشان میدهد .

جزومفاهیم اساسی‌بوده است وبدین‌جهت هم درتمام شئون‌زندگی اقتصادی‌و اجتماعی سومررخنه کرده بود. درقرن گذشته باستانشناسان صدها لوحه یافتند که‌بر آنهااقسام اسنادحقوقی، ازقبیل‌قراردادها، وصیت‌نامه، سفته،رسید واحکام‌دادگاهها، ثبت‌بود. درآن‌روزگاران، دانشجویان ارشدسومری‌بیشتر وقت‌خودرا وقف‌مطالعات حقوقی میکردند و همواره عبارات و اصطلاحات تخصصی وحقوقی ومجموعه‌های قوانین واحکام دادگاههارا که‌بصورت رویه قضائی درآمده‌بود، رونویس می کردند».

«اورنمو»[۵] (۲۳۱۱ تا ۲۳۲۸ ق.م.) که دراین لوحه ذکر شده وپسرش شولژی[۶] (۲۲۶۳تا۲۳۱۰ق.م.) خودراپسر «آنو» میخواندندوازقانونگزاران بزرگ سومربشمارمیروند. شولژی دستگاههای قضائی کشورش‌را تحت‌نظم واحدی درآورد وقانون‌یکسانی برای همه‌افراد کشور تعیین‌نمود، ولی‌بیش ازاو درهرناحیه،قانون‌جداگانه‌ای‌مجری‌میگشت. ازمجموعه‌قوانین«اور»فقط قسمتهائی باقی‌مانده وقوانین‌حمورابی‌ازروی‌همین قوانین‌جمع‌آوری‌وتدوین گردیده است.

قوانینی که درزمان‌این‌دوپادشاه‌وضع‌وتدوین‌شده، ابتدائی‌تروساده‌تروبا ملایمت بیشتری منظورشده، ودرنتیجه شدت‌عملش در کیفرها کمتربودومثلا درقوانین بابلی اگرزنی‌زنامیدادمجازاتش کشتن بود، ولی درقوانین سومری شوهرش حق‌داشت که زن‌دیگری بگیرد وبرزن‌زانی خود اورابرتری دهد. درمورد پنهان کردن غلام‌فراری در قوانین سومری استرداد غلام با پرداخت بهای اوکافی بوده درصورتیکه‌درقانون‌حمورابی پنهان کننده غلام، بمرگ محکوم میگردیده. ویا درسومر اگرغلامی، بندگی خودرا انکارمیکردپس ازاثبات دروغ او، اورا میفروختند، ولی دربابل‌یکی‌ازاعضاء بدن‌چنین‌غلامی راقطع میکردند.[۷]

---

۵ و۶- اور-نمورااورنگور ourengur وشولژی‌را دون‌ژی‌ودونگی Dungi هم‌خوانده‌اند.

۷- تاریخ ملل باستان کشورهای آسیای غربی تألیف آقای دکتربهمنش صفحه ۹۹-۴ جلد اول مشرق زمین یاگهواره تمدن تألیف ویل دورانت صفحه ۱۹۱.

«پس از آفرینش جهـان و تعین سرنوشت «سومر» وشهر «اور» «آن» و «انلیل» برجسته‌ترین خدایان سومری «نانا» خدای ماه را بفرمانروائی«اور» بر گزیدند. «نانا» نیز «اور-نمو» رابعنوان‌نماینده زمینی خود انتخاب کرد تا برسومر و اور حکومت کند. نخستین‌اقدام پادشاه جدیدتضمین‌امنیت اور و سومربود. ازاین روبرشهرمجاور«لگاش» که‌درحال گسترش بود ، حمله‌برد و «نامهانی»پادشاه آنجاراشکست‌دادو بکشت. آنگاه‌با کمك‌ویاری«نانا»مرزهای پیشین کشوررا بحال سابق باز گردانید. سپس‌وقت‌آن رسید که باموورداخلی کشور بپردازد واصلاحات اجتماعی و اخلاقی را دنبال کند ، لذا فرمان‌داد که رشوه خواران و کلاهبرداران را ازکارهابر کنار کنند. یا چنانکه‌درمتن سندآمده دزدان گاو و گوسفند واستر مردم را بر کنار سازند . بعد از آن وضع ثابتی برای اوزان واندازه‌ها بوجودآوردو کاری کرد که «یتیمان‌طعمه ثروتمندان نگردند، وبیوه زنان قربانی زورمندان نشوند ومالك یك‌شکل[3] درچنگال مالك‌تك منه[4] (٦٠ شکل) نیفتد . »

قسمت مهم لوحه درهم شکسته و مواد دیگری درپشت لوحـه نوشته شده که فقط پنج ماده از آن بخوبی خوانده شده است . یکی از مواد این قانون ، شیوه آزمایش مدعی را در راستگوئی توصیف کـرده ، بموجب این آزمایش برای کشف‌صحت‌وسقم ادعای مدعی، او را برودخانه می‌افکندند ، اگرازغرق شدن درآب میرهید، صدق گفته‌های اوثابت میشد، ماده دیگری آنستکه اگرمردی‌برابرمردی باسلاح ، استخوانهایش شکست، یك‌منا (من) نقره بایدبپردازد.

همین خاورشناس واستادخط سومری، درپایان این‌بحث مینویسد کـه: «درجامعه باستانی سومر، عدالت‌وقانون چه‌ازلحاظ نظری وچه‌ازلحاظ عملی

3— Shekel
4— Mana

پذیرفتند، زیرامقتول نفقه همسرخود رانمی‌پـرداخت وسکوت زن‌نـاشی از بی‌مهری مردبوده است.

محکمه پس‌از شورچنین رأی میدهد: کیفر جنایت متوجه‌مباشران‌جرم ومجازات آنها اعدام است، اما زوجه‌او از اتهامات وارده مبرامی‌باشد.

ساموئل کرامرترجمه کننده این‌لوحه درپایان نقل ترجمه‌مینویسد که: پس‌ازفراغت‌ازترجمه سند بالابرآن‌شدیم که‌حکم‌دادگاه نیپور را بااحکامی که امروز درموارد مشابه باآن‌صادر میشود مقایسه کنیم. بنابراین ترجمه‌را نزد شادروان «اون‌ج. رابرتس»[9]

رئیس وقت دانشکده‌حقوق‌دانشگاه پنسیلوانیا وعضو دیوان‌عالی کشور ایالات متحده درسالهای ۱۹۴۵-۱۹۳۰ فرستادیم و نظرایشان راجویا شدیم، پاسخ آقای روبرتس بسیار جالب بود، چون معلوم شد قضات معاصر وقضات سومر دراین قضیه نظر واحدی دارند. عین پاسخ‌ایشان رادراینجا میآوریم: «بموجب قوانین ماهمسرمقتول شریك‌جرم شناخته‌اندوصرف‌واطلاع ازوقوع جرم کسی رامجرم نمیسازد. شریك جرم کسی است که بمجرم پناه دهد ویا درقتل معاونت کند یاوسائل آسایش ونگهداری مجرم رافراهم سازد.»

ازآنچه درباره دادرسی وقوانین سومریها نوشته‌شده، چنین برمیآید که همه‌مردم دربرابر قوانین یکسان وآزادی فردی و خانوادگی ملحوظ بوده است. زنان شخصیتهای مستقل دربرابر شوهران ومردان‌داشته. حکم بین‌زن وشوهر چنانچه اختلافاتشان بین‌خودشان حل‌وفصل نمیشد، محاکـم‌صالحه بوده وچنانچه اختلاف منجر بطلاق می‌شد، شوهرموظف بودمبلغی وجه بزن بپردازد، ولی در ازاء زن کاملا زیر اطاعت مردبود وچنانچه به‌اعمال زشت‌یا منافی که‌باتقصیرمحکوم میشد، اورا بدریامی‌انداختند. مادرحق داشته نسبت به‌ازدواج پسر خودمخالفت کند. پدرومادر حق نداشتند فرزندان خودرااز

9— Owen J. Roberts

مجالس محاکمه وداوری در پرستشگاهها تشکیل‌می‌شد وداوران‌معمولا روحانیان بودند ولی‌برای دادگاههای عالی‌تر، قاضیان متخصص وورزیده برگزیده‌میشد. اختلافات‌دربدوامربشوراهای داوری‌مراجعه میشد وآن‌شورا بطرفین دعوی توصیه‌میکرد که اختلاف بین خودرادوستانه‌حل کنند. چنانچه دراین مرحله تصفیه‌نمیشد، دعوی دادگاهها مطرح ومورد بررسی قرار می گرفت وبحکم قانون توسل می‌جستند.[۸]

یکی ازلوحه‌های گلی‌پیداشده‌درسال ۱۹۵۰ بتوسط هیئت‌مشترك‌باستان‌شناسان مؤسسه‌شرقی‌شیکاگو وموزه‌دانشگاه‌پنسیلوانیا درسرزمینهای‌سومر، که‌آنرانخستین رویه‌قضائی بشردانسته‌اند. لوحه‌ای است‌مربوط به ۱۸۵۰ سال پیش‌ازمیلاد مسیح که جریان قتل‌ومحاکمه قاتلین ورأی اعضاء دادگاه‌درآن منعکس است. ازلحاظ‌اهمیت وجالب بودن مطالب این‌نوشته بنقل‌خلاصه‌آن می‌پردازد:

سه‌نفر که‌یکی شغلش باغبانی ودیگری آرایشگر بوده شخصی را بنام «لوانیانا» ازکارکنان یکی از پرستشگاهها بقتل میرسانند. قاتلین جریان قتل‌را به‌اطلاع «نین‌دادا» همسر مقتول میرسانند وهمسر مقتول این‌جنایت‌را مکتوم می‌دارد. خبراین‌جنایت درپایتخت‌سومر «ایسین» بعرض‌پادشاه‌رسانده می‌شود. اوموضوع رابرای رسیدگی وتعقیب گناهکاران بدادگاه‌محل‌احاله میدهد ونه‌نفر مأمور تعقیب متهمین میگردند وعقیده‌شان این‌بوده که‌نه‌فقط مرتکبین اصلی جرم، بلکه‌همسر مقتول‌نیز بعنوان شریك‌جرم بایستی‌تعقیب شود. زیرا اوباسکوت‌خودوخبرندادن‌بمحاکم‌ومراجع‌صالحه، درجرم‌شرکت جسته است.

دفاع ازهمسرمقتول‌درداد گاه‌بعهده دونفر وکیل گذارده میشود. وکلای مدافع اعلام داشتند که زن نامبرده بهیچوجه درقتل شوهرش دخالت‌نداشته‌و نباید مجازات وتحت‌تعقیب قرار گیرد. اعضاء مجمع، نظروکلای مدافع را

۸- جلد اول مشرق‌زمین یاگهواره تمدن تألیف ویل‌دورانت صفحه ۱۹۱.

دینی باشد، هنگامی که حضرت زرتشت برفراز کوه بلندی نیایش میکرد ، باو عطا گردیده است . بنابر این برای اطاعت و انقیاد مردم بابل از قانون جمع آوری شده توسط حمورابی بدان جنبه دینی داده و آن قانون را اعطا شده ازطرف «شمش» یکی ازخدایان معروف بابلی نمودارساخته است.بابل بواسطه موقعیت وجنبه سوداگری و بازرگانیش برای فراهم ساختن قوانین درشمار پیش گامان کشورهای باستانی خاورزمین میباشدوقانون نامه حمورابی، نمودار برتری مبانی حقوقی وقضاوت درآن کشوراست.

حمورابی یکی ازپادشاهان بنام عهدباستانی است که حدود اوائل هزاره دوم پیش ازمیلاد دربابل فرمان میراند، واودولت بزرگ بابل رادربین النهرین تشکیل میدهد ومدت ۴۳ سال سلطنت کرد ومنشاء وموجدیك سلسله اقدامات اساسی واجتماعی برای بابل بوده است. راجع به زمان او بین مورخان و محققان بیك تاریخ معین ومشخصی توافق نشده وبین ۲۲۵۰ سال پیش ازمیلاد تا ۱۶۸۶ ق.م. بطورمختلف مدت سلطنت اوراذکر کرده اند. مایسنر[15] از ۱۹۵۵ تا ۱۹۱۳ ق.م. ودر کتاب «نوشته های شرق باستانی»[16] چاپ پریچارد[17] از ۱۷۲۸ تا ۱۶۸۶ ق.م ذکر کرده است ، که درواقع موخرترین تاریخ میباشد .

این لوحه نخست درشهر سیپار[18] بابل برپا بوده وبین سالهای ۱۲۰۰ تا ۱۱۰۰ ق.م تقریبا حدود ۱۱۹۰ ق.م توسط فاتح عیلامی شوتروك ناخونته[19] ضمن غنائم جنگی بشوش آورده شده وچون قسمتهائی ازاین لوحه صاف شده، تصور میرود که عمدا آنرا صاف کرده ومیخواسته اند راجع به پادشاه فاتح، کتیبه ای بدان بیافزایند.ولی چون لوحه های دیگرازاین قوانین در کتابخانه آشوربانیپال و درشوش روی الواح بدست آمد تقریبا تمام ۲۸۲ ماده خوانده

15— Meissner
16— Ancientnear Eastern Texts
17— Prichard
18— Sippar
19— Shutruk Nakhunté

ارث محروم سازند، مگر در مواردی که قانون اجازه میداده است. فرزند خواندهها نیز دارای حقوق قانونی بودهاند.

بردگان وغلامان مانند سایرین از مزایای قوانین برخوردار بودهاند.

حمورابی

قانون حمورابی

دردسامبرسال ۱۹۰۱ وژانویه۱۹۰۲درخلال کاوشهای هیئت علمی فرانسوی تحت ریاست ژاك دمرگان[10] درارگ شوش تپه اکروپل سه قطعهسنگ در فواصل نزدیك بدست آمد که هیئت علمی فرانسوی آنرا «ستل حمورابی[11] نام نهادند. این ستون چهارگوش ازسنگ دیوریت و۲/٤٥سانتیمتربلندی دارد و طول اضلاع آن دربالا ٦٥×٦٥ سانتیمتر میباشد. بالای ستون بارتفاع ٦٥ سانتیمتر وعرض ٦٠ سانتیمتر تصویرشماش[12] (رب النوع عدالت) برروی تختی نشسته، نقش گردیده وقوانین را به حمورابی که در برابر او ایستاده دیکته مینماید. درپائین نقش ۲۸۲ ماده بخط ریز بابلی نوشته شده است.

درادوار باستانی قوانین را حکم خدائی میدانستند وآن قوانینی مطاع و متبع مردم بود، که ازطرف خدایان صادرمیشده است. درمصر باستان قوانین رابه «نحوت» یکی ازرب النوعها نسبت میدادند ودریونان باستان دیونیسوس[13] را «اولین قانونگزار» مینامیدند واهالی جزیره کرت معتقد بودند دیکتا[14] یکی ازارباب وانواع برهینوس پادشاه آنجا نازل شد وقوانین را باو تلقین کرده است. درآئین مزدیسنا نیز برآنند که کتاب قانون که همان دستورات

10— Jaeque de Morgan
11— Stéle Hamourabi
12— Shammash
13— Dyonysos
14— Dicta

زمین رعایت شود وشروفساد ازمیان برود وتوانا نتواند به ناتوان‌ستم کند و این قانون همچنان خورشید تابان بالای سرمردم برآید وزمین را روشن سازد» اوهمه فضائل وخدمات وافتخارات خودوکارهائی که در زمان صلح و جنگ کرده، شرح داده وسپس‌اضافه مینماید که: «درآنهنگام که مردوك‌مرا مأمورساخت تامردم و کشوررا براه راست راهنمائی کنم من‌قانون وعدالت‌را بزبان این ممالك برقرارساختم وباین ترتیب‌درافزایش وسایل‌رفاه وآسایش مردم کوشیدم...»

درآخرذکرقوانین‌بر کسانی که دربرابرآن قانون بی‌پروا باشند واز اطاعت‌آن سرپیچی کنند، لعنت ونفرین مینمایند وتأکید میکند که نسبت بمردم غافل، بی‌اعتنا نبوده است.

چند سال پس از کشف‌این ستون سنگی در شوش دانشمندان و باستانشناسان به این فکر افتادند که نسخه‌های دیگر این قانون نامه را بیابند و باستانشناسان دانشگاه‌پنسیلوانیادرخرابه‌های شهر نیپورNippur چند کتیبه مشتمل‌بر موادی ازهمین قانون بدست‌آوردند. این کتیبه‌ها با آجرچهار گوش که هرضلع آن ۲٤ سانتیمتر اندازه دارد، نوشته شده ودرهر صفحه شش ستون نوشته دارد.

دربارهٔ حقوق و تنبیهات جزائی درزمان حمورابی بطور کلی چنین نوشته‌اند که: «رسیدگی‌به دعاوی دردست محاکم عادی ومحاکم‌مذهبی‌بود. قاضی[۲۳] نماینده رب‌النوع شامش (قاضی مطلق) درزمین محسوب‌میشد ودر مجمعیکه‌کارش رسیدگی‌برمرافعات‌واستماع گواهی شهودبود، حضورمییافت. ادای شهادت‌درحضوریکی‌ازخدایان یعنی دربرابرعلامتی که معرف شامش‌یا مردوك یاخدای‌محلی‌دیگری‌بود، انجام‌میگرفت. حکم‌قطعی‌ازطرف‌قاضی‌صادر میشدواگراوازحکم‌خود عدول‌میکرد بموجب ماده ٥ قانون ازمقام‌خودخلع ودیگر حق حضور درمحاکم نداشت. تصمیمات محکمه کتبی وباتاریخ‌بود

23–Dayânoum

ومعلوم گردید. این سند مهم باستانی هنگـام سقوط شوش وشکست عیلام از آشور بانیپال، چون سنگین وحمل آن مشکل بوده آنرا شکسته ودرهمانجا انداخته بودند.

نخستین دانشمندی که موفق بخواندن آن گردید شیل فرانسوی[۲۰] بود که درجلدچهارم «خاطرات هیئت علمی فرانسوی درایران»[۲۱] (چاپ پاریس ۱۹۰۲) انتشار یافت و بعداً توسط میك[۲۲] به انگلیسی ترجمه ودر کتاب «نوشته‌های باستانی خاور نزدیك» چاپ پریچارد چاپ گردید.

حمورابی درپیش گفتار این قانون‌نامه متذکر میشود که: «... خداوند آسمان مرا حمورابی شاهزاده عالیقدر و پرستنده خدایان، مأمور کرد کـه عدالت را در کشورمستقر سازم، مردمان موذی قسی‌القلب را نابود کنم. مانع گردم که اشخاص قوی مزاحم ناتوانان گردند کشور را منور و آسایش مردم را تأمین کنم. این من هستم حمورابی که ثروت وفراوانی را ایجاد کرده‌ام که شهر بورسپیا راتزیین کرده‌ام، که دانه‌را برای اوراش نیرومند فراهم آورده‌ام، که دستوردادم حق بیوه زنان ویتیمان داده شود، که بینوا را کمك کرده‌ام، که مالکیت را دربابل مستحکم کرده‌ام من خدمتگزار ملتی هستم که رفتارش به انونیت Anunit پسندیده بوده است...»

قوانین نامبرده ازلحاظ رعایت حق وعدالت وجنبه اخلاقی وعرفی وحقوق ارباب ورعیت ومالکیت وتجـارت وقواعد ازدواج ومیراث وخدمت نظـام، دهداری وحقوق پزشکان ومعماران ومجازات قضات ناپاك وافسران خطاکار، وامورمربوط به زراعت ودامداری، سزاواردقت واهمیت فـراوان میبـاشد و حمورابی متذکرشد که «این قانون‌ها را باینجهت تدوین کرده که عدالت در

20– Sheil
21– Mémoire de la delégation en Iran
22– T. J. Meek

جبران زیان هم به‌نسبت ارزش اشیاء ومالك آنها از ۳ تاسی برابر قیمت‌شیئی تغییر میکرد . اگر مأموری ازعمال دولتی پولی میگرفت واز پرداخت آن سرباز میزد ، مجبور بودسه برابرآن مبلغ رابپردازد ، واگر ازخانه‌پادشاه یا معبد چیزی بسرقت میرفت سارق‌سی‌برابرقیمت‌آن شیئی رامیپرداخت. .»

بعضی ازپژوهندگان‌برآنند که پارهٔ ازقوانین تورات‌مانند همین‌قوانین است وتأثیر قوانین حمورابی که مجمع وتدوین کننده قوانین قدیم‌ساکنان بین‌النهرین بوده ، درقوانین‌یهودمشهوداست . منتهادرقوانین یهود که‌جدیدتر است تسهیلات وتعدیلاتی‌درآن‌بعمل‌آمده که درزیربشرح چند ماده‌ازقوانین دوقوم که باهم تشابه دارند میپردازد :

آیه۱٦٦ ازسفرخروج : هر کس کسی رابدزددوبفروشدباید کشته‌شود .

ماده ۱٤ قانون حمورابی : اگر کسی‌بچه دیگری رادزدید وفروخت‌باید سرش رابرید .

آیه ۱۸٦ و ۱۹ سفرخروج : هر گاه کسی درنزاع دیگری رابا سنگ یا مشت بزند وطرف ازآن ضربت بیمار وبستری شود وبعد بهبودی پیدا کرده واز بستربرخیزد وبکار خود رود،زننده باید مزد روزهای بیکاری و هزینه دارو ودرمان اورا بپردازد .

ماده ۲۰٦ قانون حمورابی : هر گاه دونفر نزاع کردند یکی دیگری را زخمی‌زد، باید سوگندبخورد که‌عمدی نبوده ونیزهزینه درمان‌اورابپردازد.

قوانین وقضاوت درآشور قدیم :

از قوانین آشوریها مدارك‌چندان زیادی ضمن‌کاوشها بدست نیامده‌ولی در ویرانه‌های شهر آشور ، باستان شناسان آلمانی نه لوحه که منتخبی از قوانین‌آشوری روی‌آن نوشته شده ، یافته‌اند که در سال ۱۹۲۰ ترجمه و

وبرای تأیید بمهرهم میرسید . برای هریك ازجرائم تنبیهات خاصی درقانون پیش‌بینی‌شده ودرپاره‌ای‌ازموارد باارزش اجتماعی گنهکاران‌ویاستمدیدگان متناسب بود .

هرمتهم که گناه‌مسلمی‌نداشت میتوانست‌برای‌تبرئه خود «بجان‌خداوند» سوگند یاد کند و این عمل معمولا در مورد جراحت و آسیب غیرعمد ، زن مظنون بخیانت بشوهر ، چوپانی که گله خود را براثر شیوع مرض از دست داده ، ویاملاحی که قایق اوبراثر تصادف ازبین رفته ، وموارد‌ی نظیرآنها اجرا میشد . توسل بقسم برای تأیید صحت گفتار گواهان وبی گناهی متهمین بود . عملیاتی ازقبیل بآب‌انداختن ، میان‌آتش رفتن برای اثبات بی گناهی بندرت انجام میگرفت . چنانکه‌درماده دوم قانون‌باین موضوع اشاره شده : (اگر مردی بجادوگری متهم میشد ، برای تبرئه خود مجبور بود خود را برودخانه فرات ببندازد ، اگرآب فرات وی راغرق میکرد ، خانه او متعلق بکسی بود که وی را باین‌سمت معرفی کرده واگرازآب سالم بیرون‌میآمد، مفتری محکوم بمرگ وخانه اوبمردی که تبرئه شده بود ،داده میشد .»

کیفرهائی که درقانون پیش‌بینی‌شده عبارت بوده از : غرق کردن‌درآب برای زن خطاکار وهمدست او (مگردرصورتی که شوهر از خطای او چشم میپوشید) ، زنی که وظایف همسری رانسبت بشوهرزندانی خود انجام‌نداده، میخکوب کردن درباره زنی که شوهرخود رابخاطر مرددیگری کشته‌باشد. سوزاندن برای کسیکه ببهانه اطفاء حریق ، قسمتی از اموال آفت رسیده‌ای را تصاحب میکرد ، یاراهبه‌ای که بمیخانه رفت وآمد داشت .

شلاق‌زدن وبچوب بستن فقط درمورده‌مردآزادی‌بود که‌بمافوق خودسیلی میزد . درباره قطع پاره‌ای ازاعضاء بدن ظاهراً عضو گناهکار ، مثلا گوش ، بینی ، زبان که آلت جرم بودند ، می بریدند . قانون قصاص بمثل ، یعنی چشم بجای چشم ، دندان بجای دندان وبالاخره انسان بجای انسان شدیداً مجری بود ولی بازهم برحسب شخصیت مجرم تنبیهات خفیف و شدید میشد،

یا یك ساق پاازمرد آزادبیست‌سیکل‌نقره وبرای غلام‌دوسیکل پرداخته‌میشد. دراین موارد اگر شخصی مصدوم ، رنجوروعلیل میماند بیست‌سیکل و اگر شکستگی دست یاپای اوعلاج‌پذیر بود، نصف این مبلغ را دریافت‌میداشت. تنبیهی که برای ربودن اشخاص پیش‌بینی شده ، بسیار شدیدتراز تنبیه‌قاتل بود. کسی که مرتکب‌چنین‌عملی‌میشد گاه مجبوربودتمام خانه وتمام‌خانواده خود را بعنوان جریمه واگذار کند ، اعدام معمولا مخصوص کسانی بود که علیه فرمان پادشاه یاعمال‌وی قیام میکرده‌اند . درهمخوابگی‌بامحارم واعمال منافی عفت هم همین تنبیه مجری بود .

اگرشوهری همسر خود رادرحین اعمال منافی عفت دستگیرمیکردحق داشت هردو طرف را بکشد . اگر بزنی در کوهستانها دست درازی میشد ، زن ازتنبیه معاف بود . ولی اگرزنی درخانه گرفتار چنین پیش‌آمدی‌میشد، چون میتوانسته است از مردم کمك بخواهد وخود را از خطربرهاند ، خود او بمرگ محکوم بود .

درباره دزدی نیز موادی درقوانین هیتی‌موجوداست، شدیدترین‌تنبیهات مخصوص سرقت حیوانات‌بود، چون درآنموقع‌حیوانات گرانبهاترین سرمایه خانواده‌ها را تشکیل میدادند. برای یك‌اسب یایك گاو (حداقل دوساله) سارق مجبور بود سی‌اسب‌یاسی گاو جریمه بدهد، این جریمه بعداً به‌پانزده اسب وپانزده گاو تخفیف‌یافت. اگر گاوی بمزرعه دیگری میگریخت مالك مزرعه‌آن گاو را تصاحب میکرد وحق داشت تاغروب‌آن روز ازآن گاوکار بکشد وسپس‌آنرا بصاحبش رد کند، ازسارق کندوی عسل شش سیکل نقره دریافت میشد، درصورتیکه پیش ازاصلاح قانون، وی را در اختیار زنبورها میگذاشتند .

درهاتی زناشوئی ازراه خرید یابوسیله ربودن‌انجام میشد، دخترهنگام

منتشرشد . ازرسم الخط وواژه های بکار رفته درآن چنین تشخیص‌داده‌اند، که این قوانین مربوط بفاصله بین قرن ۱۵ تا ۱۲ قبل‌ازمیلاد است .

این قوانین باستثنای چند مورد ، نظیر مواد قوانین حمورابی است وهر یك ازمواد باین جملات : اگر یکمرد .... اگریکزن .... آغاز میگرددوپس از ذکر جرم ، راه حل‌قانونی و کیفرآن راتعیین مینماید .

قانونگزاری درآشور ازوظائف پادشاه و گفته او حکم قانون را داشته است و قضاوت بوسیله یك قاضی انجام میگرفت در حالیکه در بابل قضاوت بوسیله چند قاضی انجام میشد .

قوانین هیتی ها :

دربین‌الواح نوشته میخی که در «بغار کوی» سی‌وسه کیلومتری آنکارا بدست‌آمد ، دولوحه نیزحاوی مجموعه‌ای‌ازقوانین‌هیتی‌هاست دریکصدماده. تاریخ تنظیم‌آن‌بطورتحقیق معلوم نشده ولی‌کاوشگران ومحققان بحدودقرن پانزدهم پیش‌از میلاد وزمان پادشاهی سوپیلولیوما حدس زده‌اند . تنبیهات پیش‌بینی‌شده در این قانون معدل تولد تنبیهات درقوانین حمورابی و آشور میباشد. تنبیهـات سخت مانند اعدام و نقص اعضاء بدن ، باپرداخت مبلغی جریمه جبران میشده مثلا :

«هر کس‌شخصی را درطی‌یك زد وخورد میکشت جریمه‌ای میپرداخت. شخص مقتول اگر از طبقه‌آزاد بود چهار نفربجای او و اگر ازبردگان‌بود قاتل دونفربجای وی میداد ولی‌اگر این عمل قتل از روی عمد نبوده دونفر بجای مقتول‌آزاد ، و یکنفر بجای برده مقتول داده میشد . اگربراثر زد و خوردی‌مردآزادی کورمیشدویادندانهای او میریخت ، خسارت برابربابیست سیکل نقره وبرای یك‌غلام نصف‌آن میپرداخت ، و برای شکستن یکدست

هوریها :

از روی آثاری که ازاین قوم بدست‌آمد ارتباطشان و تشابه قوانین‌آن بابابل مشهود گردیده است ، ولی قوانین کیفری ومجازاتها، بشدت کیفرهای معمول دربابل وآشور نبوده است، مقصربپرداخت مبلغ زیادی نقد یاجریمه جنسی محکوم میشد. تنبیهات بدنی بندرت درباره این قبیل خطاکاران اجرا میشد برای دزدی تنبیه اعدام معمول نبود، ولی دزد بپرداخت جریمه‌ای که گاهی به ۲٤ برابر بهای شیئی میرسید ، محکوم میشد و اگر سارق بدست نمیآمد ، محله وناحیه او محکوم میشدند . متهم میتوانست با ادای سوگند خودرا تبرئه کند، حتی‌درمواردی که شهود نیز وجود داشت، سوگند وقسم دروغ بسیار نادربود ومتهم با دربرگردانیدن روی از خدایان بخطای خود اعتراف میکرد .

در مصر باستان :

درزمان سلسله پنجم سلطنتی مصر (۲۵٦۳ تا۲٤۲۳ق.م.) قوانین مدنی وجنائی کامل‌تر شده و مردم در برابر قانون مساوی بودند باین شرط که طرفین دعوا از حیث ثروت ومقام باهم برابر باشند . قضات از دوطرف دعوی میخواستند که استدلال ومطالب خود را بنویسندوبمحکمه تسلیم نمایند تا مورد بررسی قرار گیرد. جزای سوگند دروغ کشتن بوده است. درهرشهری محکمه‌ای برای رسیدگی بدعاوی مردم بود ولی محاکم عالی در پایتخت تشکیل میشد (معفیس یا طبس). گاهی متهم و مجرم را شکنجه میدادند تا بحقیقت مطلب اعتراف کند . چوب زدن از کیفرهای رایج بود ، گاهی گوش یابینی و یا زبان یادست تبهکار را میبریدند یا اورا بمحل استخراج معادن تبعید میکردند. عمل اعدام‌یا دار زدن ، خفه کردن،سربریدن ویاسوزانیدن

زناشوئی ازپدرخود جهیزیه‌ای میگرفت[۲٤] درهوری‌باین جهیزیه‌مولوگو[۲٥] میگفتند همچنانکه درآشور نیزمعمول‌بود. زن میتوانست درخانه پدرخود بماند یابخانه شوهر برود ، شوهر قبل از عروسی مبلغی بعروس یابخانواده او میداد ، خانواده دخترمیتوانست عروسی را فسخ کند منتهی در این مورد مجبور بود دوبرابر مبلغی را که دریافت داشته مسترد دارد.

درقوانین هیتی ربودن دختران برای وصلت باآنها مجاز بود ولی اگر زن آزادی باین ترتیب با افراد طبقات پائین وصلت میکرد بسه‌سال بردگی محکوم میشد . اگر شوهر میمرد برادر یا پدر وی موظف بودند زن او را بگیرند این عمل درآشور واسرائیل نیز رسم بود، اگر مردآزاده ویك‌برده (کنیز) بوسیله طلاق از یکدیگر جدا میشدند دارائی خانه بین‌آنها تقسیم میشد و اطفال بمرد تعلق میگرفت وزن حق داشت فقط یکی ازاطفال را نزد خود نگاهدارد.»

موضوع جالب که‌حاکی ازاجراء کامل‌حق‌وعدالت‌است وبین این‌نوشته‌ها دیده شده « اعتراف « سوپی لولیوما» به تجاوز کردن بخاك سوریه است که آنرا خود غیرقانونی وانسانی دانسته ، و بسزای این پیش‌روی غیرمعقول و قانونی، انتظار دارد که یك‌بیماری واگیری در کشور اوبروز نماید.[۲٦]

نخستین قانون‌اساسی دنیا[۲۷] دراین کشور ودیکته شده توسط خداوند تلپی‌نوس میدانسته‌اند. دراین قوانین حقوق مردم وامراونجبا وهمچنین برای پادشاه مستبد ومطلق‌العنان حدودی تعیین مینماید :

24- Iwarou

25- Moulouggou

۲٦ - صفحه ۱٦۹ تاریخ ملل قدیم آسیای غربی تألیف آقای دکتر بهمنش

۲۷- صفحه ۱٥۹ تاریخ ملل باستانی‌آسیای غربی تألیف دکتربهمنش .

قوانین و قضاوت در یونان باستان

نخستین قانونگزاری که نام اودرتاریخ یونان باقی مانده «زالوکوس» (Zaleucos) میباشد که قوانین او درحدود سال ٦٦٣ درلوکر (Locres) یکی ازشهرهای ایتالیا منتشر گردیده است، ولی سال‌بعد کاروندا‌س (Charondas) مجموعه قوانینی برای شهر «کاتان» تدوین کرد که از قوانین گذشته الهام گرفته بود. این قوانین‌چون‌جنبه موازنه واعتدال را داشت وتااندازه‌ای‌رژیم اشرافی واختیارات نامحدودآنها را محدود میساخت بزودی در شهرهای‌مهم یونان بزرگ وسیسیل وتراس وپاره‌ای از شهرهای آسیای‌صغیر تاکاپادوسی وهمه شهرهای یونان‌بجز آتن مورد استفاده قرار گرفت.[۲۹]

در اواخر قرن هفتم پیش‌ازمیلاد در اثر بروز جنگها واختلافات داخلی وکشت وکشتاروضع آتن را سخت آشفته وقرین هرج و مرج ساخته بود، بنابراین دست‌اندرکار تدوین وتنظیم قوانینی‌شدند که ازقصاص وانتقامجوئی افرادجلوگیری کند. وانجام این‌مهم را بعهده «دراکون» (Dracon) واگذار کردند (٦٢١ق.م.)، واو با اطلاعاتی که درامور حقوقی داشت و باتوجه به قوانین گذشته ودرنظر گرفتن نیازمندیها وابتلامات مردم قوانینی‌تنظیم کرد. در قوانین دراکون‌حقوق شوهربرزن وپدر برفرزند وارباب‌بر غلام محترم و آزاد بود، درصورت وقوع قتل اگرتمام‌بستگان وبازماندگان مقتول‌باتفاق راضی بمصالحه‌وگذشت میشدندموضوع غیرقابل تعقیب بود، ولی اگریکی از ورثه رضایت نمیداد موضوع بمحاکمه صالحه موکول میشد و خانواده مقتول حق تعقیب خانواده قاتل را نداشت.[۳۰] حق شکایت وتقاضای تعقیب

۲۹ ـ صفحه ۸۷ کتاب تاریخ یونان قدیم، جلداول، تألیف دکتر بهمنش.
۳۰ ـ صفحه ۱۲۲ از همین کتاب.

انجام میگرفت. سخت‌ترین شکنجه آن‌بود که گناهکاررا زنده زنده مومیائی میکردند یابدن اورا باپرده‌ای از نترون سوزاننده میپوشانیدند که بدنش را خرده خرده بخورد واورا از بین ببرد.

نخست‌وزیر آخرین پناهگاه‌برای مستدعیان‌بود. دریکی از نقوش مقابر مصر وزیری دیده میشود که صبح زود از خانه خارج میشود تا چنانکه در کتیبه ذکرشده « بشکایت فقیران گوش فرادارد » ، بی آنکه بین بزرگ و کوچك تفاوتی بگذارد.

یك پاپیروس شگفت‌انگیزی دردست است که یکی ازفراعنه مصرهنگام انتصاب وزیر تازه‌ای باو توصیه‌هائی به‌این شرح کرده است:

« نیك مراقب دفتر وزارت باش و آنچه را در آن میگذرد ازنظر دور مدار وبدانکه این ستونی است که‌هرمملکت بآن‌تکیه‌دارد... وزارت شیرین نیست بلکه تلخ‌است... دراین اندیشه‌باش که وزارت تنهاآن‌نیست که دربند احترام گذاشتن بشاهزادگان و رایزنان باشی . دراین فکر باش که وزارت آن نیست که مردم را به‌بندگی خود گیرند .. هنگامیکه کسی ازمصر سفلی به‌علیابشکایت میآید... هشیار وحریص باش که درهرامرقانون بمجرای خود کار کند وعرفی که جاری است رعایت شود وحق هر کسی محفوظ بماند... طرفداری ازاشخاص خشم خدارا برمیانگیزد... همانگونه که بکسی که او را میشناسی‌نظرداری،بکسی که اوراهم نمیشناسی‌نظرداشته باش وبه‌نزدیکان شاه چنان بنگر که بآنان که دور ازدربار اویند مینگری. بخاطر داشته‌باش که امیری که چنین کند مدت درازی بر جای خواهد ماند ... آنچه مردم را از امیرشان میترساند باید آن باشد که امیر درحکم خود بعدل کار کند ... آنچه را برتو واجب است مراعات کن ... » ۲۸

۲۸- جلد اول ویل دورانت ، شرق زمین یا گهواره تمدن ، صفحه ۲٤٤.

سولون (Solon) برای پرداخت وام به‌طلبکاران تخفیف زیادی قائل شد وقانونی را که بموجب آن طلبکارحق فروش بدهکار را درصورت نپرداختن بدهی خود داشت لغو کرد .

مسأله‌اراضی که‌به‌رهن‌رفته‌بود حل کردواراضی‌بصاحبان‌اولیه‌برگشت . آزادی املاك وافراد را بوسیله‌قانون تأمین کرد وبرای‌جلوگیری ازاحتکار زمین قوانینی وضع کرد که زمین قابل‌تقسیم بود وپس از مرگ شخص بین پسران او تقسیم میشدواگر کسی پسرنداشت بین‌دخترانش واگراصولادارای فرزند نبود بین فرزندان غیرمشروع ودر غیر اینصورت بین خویشاوندان تقسیم میشد . مردحق داشت که دارائی ویا املاك خود را بموجب وصیتنامه به‌افراد دیگری خارج ازخانواده بدهد . پدر حق فروش و یا کشتن فرزند خودش را نداشت ، فقط دختران بدکار بفروش میرفتند وپسر در صورتیکه مرتکب اعمال‌خلاف میشدازخانه پدری طردمیگشت . وظیفه فرزند نسبت‌به اولیاء خود بسیار ساده ومنحصر به‌تأمین‌غذا ومسکن ورعایت احترام‌وانجام تشریفات مختصری پس ازمرگ‌آنها بود. زنان کمترازشصت سال‌حق‌شرکت در این مراسم را نداشتند ، جسد میبایستی‌شب بخاك سپرده شود وقربانیهای بزرگ ، مخصوصاً.قربانی گاو ، برسرمزار متوفی‌ممنوع بود . برای جهیزیه دختران، پدرسه دست‌لباس وتعدادی لوازم ارزان قیمت بهمراه اومیکردولی ناچار بود مقداری زمین به‌او بدهد واین‌عمل درتجزیه املاك واراضی بسیار مؤثر بود .

سولون چون در امور بازرگانی اطلاعات و تجربیات کافی داشت برای تأمین وحفظ منافع طبقات وسطح ثروت عمومی و تشویق بکار و جلوگیری از بیکاری و گدائی ومراقبت حیوانات وحفرچاه وتنظیم آب و درختکاری ،

متهم منحصراً با اقوام نزدیك مقتول (پدر ، برادر ، پسر ، پسرعمو ، خاله و غیره) بود وبه اقوام درجه‌دوم مانند اقوام سببی (داماد ، خانواده عمووخاله وغیره) فقط حق گواهی دادن وتأیید موضوع‌درمحکمه داده میشد .

رسیدگی بقتل ومسموم کردن وحریق عمدی در اختیار شورائی بود و طرفین هر کدام دومرتبه حق‌دفاع وصحبت داشتند وپیش از شروع دورهٔدوم دفاع‌متهم میتوانست تقاضای جلاء وطن وتبعید شدن بنماید واگرآراء قضات در این مورد برابربود رب‌النوع آنها بنفع محکوم رأی میداد وبا تبعید او موافقت میشد ، ولی‌اگر اکثریت به‌اعدام اورأی‌میداد ، گناهکار کشته‌میشد. در مورد جراحت عمدی که بقتل منجرمیگشت ، اموال مقصرمصادره میشد و خود اوتبعید میشد و اگر از اجرای حکم سرپیچی میکرد به اعدام محکوم میشد .

قوانین دراکون با اینکه حفظ امنیت جامعه و احترام حق مالکیت را منظور داشته وبه هیچیك ازطبقات امتیازی نداده بود ، بازآنطور که انتظار مردم بود دروضع اقتصادی واجتماعی تاثیرفراوانی نکرد ودرآغاز قرن‌ششم قبل از میلاد که صنعت و تجارت روبتوسعه رفت و وسایل‌آسایش و گذران زندگی مرتب‌تر شد وموضوع وام دادن ووثیقه گرفتن و معاملات و مصادره اموال و املاك مردم ایجاب میکرد که تجدیدنظری در قوانین بوجودآید و قوانین دیگری که با اوضاع زمان وفق دهدتنظیم گردد ، بنابراین «سولون» که مورد اعتماد مردم و ازخاندان سرشناس و اشرافی آتن بود مشغول تهیه قوانینی شد. اودرسال (٥٩٤ ق . م .) بمقام‌آرکنتی (Archontes) رسیده‌بود (فرمانده غیرنظامی یا مأمور عالیمقام) .

میترائیسم

وسوشیانس مهر

بقلم

مجید یکتائی

مخصوصاً کشت درخت زیتون ، وتشویق صنعتکاران قوانین ومقرراتی بسود مردم وضع کرد و گامهای اساسی ومؤثری برداشت وپس از آنکه مأموریت خود را انجام داد ، نه‌نفر آرکنت‌ها را سوگند داد و متعهد ساخت که نسبت به اجرای قوانین او وفادار بمانند .[۳۱]

(بقیه در شمارهٔ آینده)

۳۱- صفحه ۱۲۹ کتاب یونان قدیم ، تألیف آقای دکتر بهمنش

میترائیسم و سوشیانس مهر

بقلم

مجید یکتائی

پیش از ظهور زرتشت آریائیها خدایان مشترکی داشتند اهورا و میترا و وارونا و ایندرا از خدایان مشترک آریائی بودند. در سرودهای ریگ‌ودا میترا و وارونا باهم یاد شده‌اند و اهورا و میترا در ردیف هم بوده‌اند و در شمار آسوراها (خدایان).

بگفته **هرتسفلد** که از قول نویسندگان کلیسا نوشته: «یونانیان اهورا و میترا و آناهیتا را اقتباس کرده و آنها را بنام زئوس ماگیستس، آپولون و آتنا با همان خصایص شناخته‌اند» از اینرو برخی از مورخان قدیم گمان برده‌اند ایرانیان نیز مانند یونانیان به سه خدا عقیده داشته‌اند؛ همچنین

یك‌سودرسان (سوشیانت یاسوشیانس یاسیوشانس) یـا بختار (بخشنده گناهان) یارهاننده مهررا ازهزاره اول‌پس‌از زرتشت انتظار ظهورداشته‌اندو پیش‌از ظهور محمد (ص) مهریان درمکه ومدینه وطائف بودند. و همه‌انتظار داشتند که‌درآغازهرهزاره‌ای‌رهاننده‌ای خواهدآمد وبگفته‌باباطاهر عریان:

بهـر الفی الف قـدی برآیـد الف قدم که درالف آمد ستم

کاوشهای تورفانی درسال ۱۹۰۰ درتون‌هوانگ درکان‌سوی، نزدیك شهر ختن آغاز شد. چنان بنظرمیرسد در آغاز سده یازدهم میلادی کتابخانه‌ای آنجاپنهان‌شده باشدنخستین‌بار **سراورل‌شتاین** انگلیسی‌بآنها پی‌برد این‌اسناد بخط‌خروشتی، دیوانگاری، براهمی، سغدی، ختایی ایغوری، پهلوی اشکانی‌و چینی به۲۳ گونه خط وهفده زبان‌است که پنج زبان‌آنها ایرانی و چند خط ناشناس‌مانده‌پیداشده است.

هنینگ انگلیسی آنهارا خطمانوی خوانده واشتباه کرده است. اما**مهر** درسال ۱٤٦۸ پس‌ازرسالت زرتشت بدنیاآمد.

دربارهٔ مهرباید گفت بخشی ازتاریخ کلیسا باتاریخ مهرتوام است بایـد دیدپیش ازآنکه اروپائیان عیسوی شوند چه‌دینی داشتندتاآن روشن‌نشود بخشی‌ازتاریخ اروپا و کلیسا روشن نمیشود. این قسمتی ازتاریخ است که اروپائیان‌از آن‌خوششان نمی‌آید وطفره میروند. آئین مهریك سده پیش از میلاد کنونی‌درسراسرآسیای کوچك ویونان‌وروم رواج‌داشته.

مهردرسال ۱٤٥٤ رصد زرتشت برابر ۲۷۲ پیش‌ازمیلاد ایشوع‌یاعیسی - ناصری [٥] از مـادری بنام آنـاهیتا زاده شد (آنـاهیتا یعنی کسیکه لکه‌ندارد، ناهید نیز گفته‌شده) تخمه زرتشت مانند مروارید در گل نیلوفر آبی نهفته بوده است و دختری که در آب آبتنی می کرد. از آن تخمه

۵- در کتابهای مورخان اسلامی مانند تاریخ طبری و اخبارالطوال دینوری ومروج‌الذهب والتنبه والاشراف مسعودی دوعیسی‌آمده که یکی را چون اهل ناصره بوده ایشوع عیسی ناصری خوانده‌اند.

درمیتولوژی یونان آرابس وتاتارس دوسگ‌نگهبان درجهنم هستند که‌پای گناهکاران‌را اگر بخواهند ازجهنم بیرون روند میگیرند ؟

مهرپرستی در آغاز باستایش خورشید که مظهر مهر بوده آغاز شده ازینرو گاه مهر پرستی را آفتاب پرستی وستاره پرستی خوانده‌اند :

میثره‌باوستائی ومیترابسنسکریت ومیثر ومهربه‌پهلوی ومیشا ومیسا و مشیها ومسیهر[1] ومهلاب ومسیحا همین واژه‌است در کتاب منسوب به‌هرودت مهربانا‌هید یکی‌دانسته‌شده و اشتباه کرده‌است. و در کتابهای تاریخ اسلامی شماش وشمس‌نیز آمده‌است.

استرابن جغرافیانویس یونانی در کتاب‌خویش نوشته: ایرانیان‌خورشید رابنام میترس مینامند.

مهررا:هلیوس،آپولون،سول،سولی‌ومیترا که‌ازخدایان پیش‌اززرتشت‌بوده خوانده‌اند. مهربمعنی خدا، ایزد ، فرشته ، سوشیانس ، آفتاب محبت ، عشق ماه هفتم وروز شانزدهم هرماه‌نیز آمده.

زرتشت مهررا بعنوان‌یکی از ایزدان پذیرفت.

درمهریشت آمده‌میثر دارنده دشتهای فراخ رامیستائیم اونخستین ایزد مینوی‌است که‌ازفراز کوه هرا پیش‌ازخورشیدتیزاسب‌بیمرگ‌سوی‌مامیآید.[2]

دراوستا مهردانا‌ترین ایزدان است[3] میثر مظهر نیکی است ومیثرادروژ مظهر تباهکاری‌است.[4] امابایدگفت درباره بشارتها درزند وهومن‌یسن که‌متن اوستائی آن ازمیان رفته آمده وشرح آن درزنداست. بموجب این بشارتها که درآثار تورفانی نیز پیداشده:

۱- مسیهربارمنی‌وپهلوی شمالی‌گفته میشد وچنانکه مهرنرسی رامسیهر نرسی(سردار ایرانی) گفته‌اند.

۲- یشتها دفتریکم

۳- مهریشت بند ۱٤۲

٤- یسنای ٥٥ بند۳

یعقوبی مورخ‌دیگر اسلامی نوشته «مطالبی‌هست که نوشتن آن برمن گران است» [۷]

درتوقیعات تقویمهای تورفانی آمده‌است که : خلاصهٔ آن نقل‌میشود :

درسال ۵۱ پادشاهی اشکانیان روز آدینه پنجم بهار مادر مهربهارداری بشارت میبابدو پس‌از گذشت ۲۷۵روز روزشنبه شب۲۵ دسامبردرسال ۱۴۵۴ رصد زرتشت برابر ۲۷۲ پیش از زاد روز عیسی مسیح مهرزاده میشود و در هزاره یازدهم ظهورمیکند. نام‌ماهی که مهردرآن ماه‌زاده میشود دیماه و در ماه‌های سیستانی کریشت گویند این‌تاریخ برابراست با۲۷۲ سال پیش‌از زاد روز عیسی مصلوب و چنانکه گفته شد مفسران[۸] سوره آل‌عمران نیز ولادت عیسی رادر سال۶۵ ملك اسکندر وبرابر ۵۱ اشکانی نهاده‌اند. پس‌برابر این حساب‌زادن عیسی مصلوب درسده سوم مسیحی می‌افتد که قرینه‌های دیگراز قبیل زمان حواریون عیسی‌مصلوب و غیره‌نیز این‌زمان‌راتأیید میکنند.

باین حساب عیسی مصلوب درزمان اردشیر ساسانی واقع میشود و برای این‌زمان دلیل‌های بسیار است ازجمله ابوحنیفه دینوری مینویسد :

« ... داستان‌سر کشان(خوارج)نخستین چنین بود که یکی‌از حواریون عیسی‌نزد اردشیر بابکان‌آمد . اردشیر سخن‌او باورداشت و دین عیسی‌را که در روزگار اوظهور کرده بود پذیرفت و وزیرش یزدان نام نیز از شاهنشاه پیروی کرد . ایرانیان براردشیر خشمگین گردیدند و برآن شدند او را از پادشاهی براندازند پس‌اردشیر نشان‌داد ازآنچه پذیرفته‌بود برگشته ازینرو اورا بپادشاهی باز گذاشتند.[۹]»

اینك پس‌از این‌مقدمه باید گفت کـه پیش از مسیحیت دین شاهنشاهی اشکانی و دین امپراتوری روم واروپاوآسیای کوچك وبخشی ازچین مهری

۷- تاریخ یعقوبی دفتریکم چاپ لیدن

۸- درمعالم‌التنزیل‌بغشوری و تاریخ‌طبری‌وتفسیر ابوالفتوح رازی

۹- نقل‌از الاخبار الطوال ابوحنیفه داود دینوری

بـاردار شده ومهر سوشیـانس یـا پیغمبر زاده میشود . مهر پرستی یك قرن پیش از میلاد در روم نفوذ یافت . نرون ، تراژان ، پمپه ، کمد ، کاراکالا ، دیو کلیثین ، ژولین، اورلیان، گوردیان و والرین بدین مهربودند ونقش مهر روی سکه‌های سده اول و دویم و سوم میلادی امپراتوری روم دیده میشود . نرون‌را میتردات فرمانروای ایرانی ارمنستان مهری‌نمود(واژه میلادی یعنی میترادادی و محرف‌آنست) . دیو کلیثین شورایی فراهم آورد و دین مهر را رسمی کرد. درسال ۳۰۷ پیش‌از میلاد گالریوس ولی‌سی‌نیوس باقربانی برای پرستشگاه مهرحمایت مهر را برای‌رم‌جلب کردند.

ژولین درسال ۳٦۱ خود رافرزند مهرخواند.

بیشتر مورخان فرنگی هرجا باید از مهرپرستی سخنی گویندآنرا بت‌ـ پرستی نام میبرند؛ وزرتشتی‌راآتش‌پرستی؛ واز بردن‌نام دین‌زرتشتی ومهری ومانی پرهیز دارند وتندیس‌های مهر را بت خوانده‌اند ؛

ورمازرن هلندی مینویسد « سلسله هفت‌مراتب مهری درتمام امپراتوری روم معمول بود.»

بعقیده **برستد** آئین‌مهر از ایران بمغرب‌زمین و تاکشورهای روم رفت‌و حتی پس‌از دین مهر رقیب عیسویت‌بود آنوقت نوشته‌اند که این‌دین را چند سرباز سیسیلی برم بردند!....

مورخان ایرانی دوره اسلامی مانند ابوحنیفه دینوری در اخبارالطوال‌ـ طبری، مقدسی ، مسعودی ، حمزه اصفهانی در سنی ملوك‌الارض والانبیاء در باره دین مهر چیزی ننوشته‌اند در صورتیکه رویدادهای پیش‌ازآن وبعد را بدقت نوشته‌اند؛ مسعودی‌چندجادرالتنبیه‌والاشراف و درمروج‌الذهب‌بصابئه اشاره‌میکنداز‌جمله‌دین‌امپراتوران روم‌را پیش‌ازنصرانی شدن صابئی‌میداند[٦]

٦- مروج‌الذهب جلدیکم صفحه ۱۱۸۰ چاپ قاهره سال۱۳۱۰ قمری

برای این مراحل هفتگانه مهری شستشولازم است : « شستشوئی کن و آنگه بخرابات خرام »

مراحل عرفانی هفت شهرعشق و مقامات سلوك و هفت خط جام جم همه نشانه‌های مهری است نام«درمهر»یا«برمهر» بمعنی‌درگاه مهربرای آتشکده‌از یادگارهای مهری است که هنوز به‌آتشکده زرتشتیان میگویند.

مهرشکست ناپذیر و نیرورسان بوده ومردم‌را ازتشنگی‌میرهانده‌است. پرستشگاه‌مهر را مهرابه ،میتران ، مهران ، خورآباد وخربات ومیترائوم خوانده‌اند که روبه تابش مهر بـامدادی گشوده میشده از اینرو هنوز به آتشکده درمهر گویند و پیشوایان مهری را گاه مغ خوانده‌اند. سه پادشـاه اشکانی نام مهر و مهـرداد و میتردات داشته‌اند اشك ٦-۹-۱۲ و این یك نـام دینی است. پلوتارخ مینویسد درسال ٦۷ پیش از میلاد مردم غرب و رومیها باآئین مهر آشنا شدند در کتاب « گینزار با» کتاب بزرگ مندائیها مسیح رامشیها گفته‌اند ومسیحا نام مهر است که در ادبیات ما بسیار وارد شده :

حافظ درچند غزل اشارات‌کامل به‌مهر ومهرپرستی دارد[۱۲] . ازجمله:

یاد باد آنکه نهانت نظـری با مابود — رقم مهـر تو بـر چهره ما پیـدا بود

یادباد آنکه نگارم چوکلاه‌بشکستی — در رکابش مه نو پیك جهان پیما بود

یادباد آنکه‌خرابات‌نشین‌بودم‌ومست — وآنچه‌درمسجدم‌امروز کمست آنجابود

که دراین غزل رقم مهرو کلاه شکسته، پیك جهان پیما و خرابات همه نشانه‌هاومقامات واشارات مهری است. اهمیت ونفوذ دین مهر در اروپا و دین عیسی باندازه‌ای است که گاهی پژوهندگان غرب بوحشت افتاده‌وخواسته‌اند مهررا که‌سوشیانس‌و پیغمبری‌بوده که‌اینهمه‌درجهان‌ومسیحیت‌اثر گذاشته‌اززمین

۱۲-حافظ درسیروسلوك که درمقدمه متن انتقادی حافظ یکتائی سال ۱۳۲۸ نگاشته وانتشار یافته است‌دیده شود .

بوده است و بخشی ازایران‌زرتشتی بوده‌اند.درسال ۵۳۹میلاد مسیح‌اردشیر بابکان و بزرگان ایران برآن شدند دین‌مهر را براندازند.

از نوشته‌های تورفانی چنین برمیآید که مسیح اول مردم را به بودا و زرتشت[۱۰] دعوت میکردو در گفته‌های او بشارت‌ببرخان(مانی) ومنواحمد- وزرك (احمد بزرگوار) دیده میشود.

سید مرتضی بن داعی درتبصرة العوام نوشته عیسی علیه الاسلام خلق را بزرنشت دعوت‌میکرد. درتاریخ کلیسا دسته‌های بسیار می‌بینیم که عقیده به عیسی مصلوب وحواریون‌ندارند

صلیب دردین‌مهر نشانه اتفاق‌مردم‌چهارسوی جهانست‌وشاخه‌های آن‌برابر بوده وبعد مسیحیت آنرا گرفته وپایه آنرا کشیده‌بشکل دار درست کرده‌اند. بسیاری از رسوم و آداب امروزی دین عیسوی از مهر پرستی گرفته شده و هنوزبرجاست‌ازروزتولد مهروروزیکشنبه همه ازمهرپرستی گرفته شده‌است.

بعقیده شادروان‌پورداود: «صلاح مسیحیت‌درآن‌بود که‌عادات‌ورسوم‌دین مهررا که‌درقرون متمادی درروم‌ریشه‌دوانیده بود بپذیرد[۱۱]

مراحل هفتگانه‌دین‌مهرعبارتست‌از: کلاغ(پرنده،تیزرو)نهان، سپاهی ؛ شیر ، پارسا ، پیك‌آفتاب و پیر و این نشانه‌ها و اشارات در بسیاری جاها دیده میشود وچنین است کلاه شکسته مهری که هنوز کلاه اسقف‌هارا میترا میگویند .

---

۱۰ - زاد روز زرتشت برابر حساب‌های دقیق‌پس از هزاره دهم سال۱۷٦۷ پیش از میلاد بوده و درسال ۱۷۲۵ پیش‌ازمیلاد هنگامیکه چهل ودوسال‌و پنجاه وپنج روز از زندگانی زرتشت میگذشت‌در نیمروز رصد نموده است که اساس حسابهای نجومی و تاریخ برآن مبتنی است(تقویم وتاریخ درایران ازاستادبهروز دیده‌شود)

۱۱ - ادبیات مزد یسنی

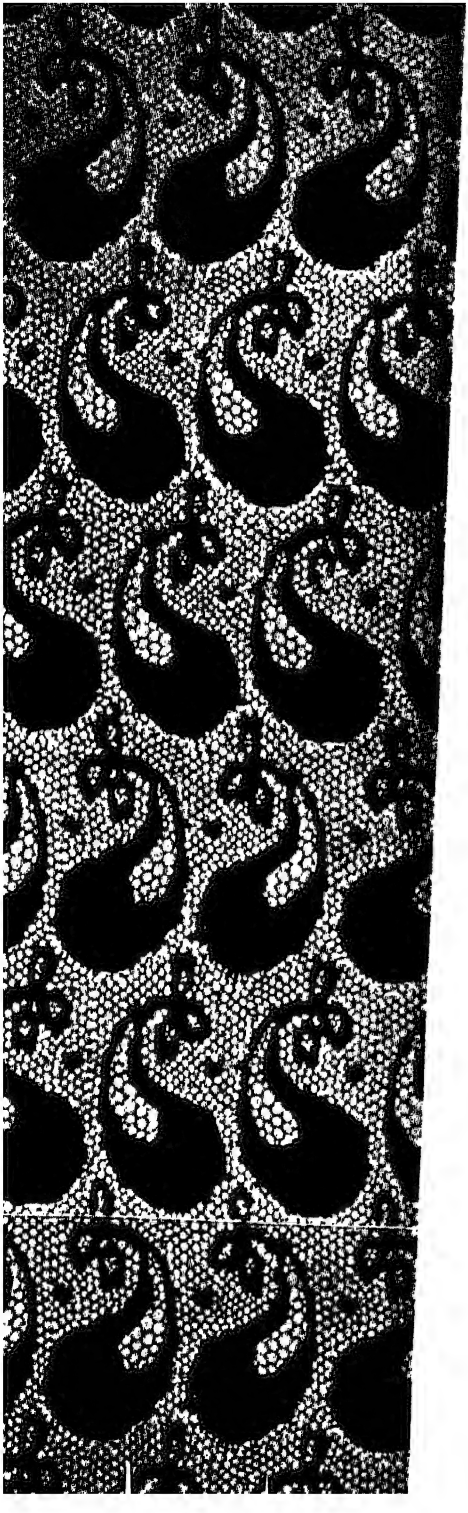

روابط ایران و هلند

از

خانبابا بیانی

(دکتر در تاریخ)

برداشته بـه آسمان برده و در شمارخورشید وستارگان درآورند؟...وحتی از بردن نام آن پرهیز داشته نامهای آپولون ، میترا ، آفتاب و خورشید را بجای مهر گذاشته‌اند وشگفت آنکه برخی از مترجمان و مورخان ایرانی نیز ازین رویه پیروی کرده‌اند .

من دربیشتر کتابهاوموزه‌ها ازجمله موزه‌های تاریخی تاشکند،دوشنبه، ایروان ، تفلیس ، ارمیتاژ لنین گراد و لوور دیده‌ام که بجای مهرپرستی بت پرستی وستاره پرستی وآفتاب پرستی بکاربرده‌اند و بجـای زرتشت و دین مزدیسنی آتش پرستی ؛ ونامهای دیگربکاررفته است؛ وبجای پرستشگاه مهر که‌نام‌آن میتران ومهرابه است‌آنرا معبدآفتاب ومعبدآپولون ومعبد ناهید (نام مادرمهر) ومانندآن نامیده‌اند که ازآن‌متوجه مهر وپرستشگاه‌اونشوند که هزاران مهرابه تنها درسراسر اروپا پداشده وتنهادرشهر رم‌بیش‌ازیکصد کلیسا یافته‌اند که روی مهرابه هابنا شده است .

چون پیغمبرمهربانفوذجهانگیردینی که عرضه‌داشته ازعقایدپیش ازخود مانند میترائیسم‌وعقایدزرتشتی‌وبودائی‌استفاده کرده‌چنانکه دردین‌مزدیسنی مهردرشمار ایزدان‌آمده ومهریشت یکی اززیباترین یشت‌هاست که بیش‌ازاو آمده گروهی خواسته‌اند ازینراه نیـزخلط مبحث کـرده مهررا گـاهی از خدایان و زمانی‌آفتاب وخورشید و ستاره و وقتی ایزد و فرشته نشان دهند تا توجه به‌مهرسوشیانس ومهردین‌آور کمترپیدا شود.

احتمال دیگرآنست که چون تاریخ یونـان بیشتر آمیختـه با افسـانه خدایان است وپیش ازدین مهر دریونان وروم میترائیسم پیشینه داشته‌ازینرو برخی ازپژوهندگان غربی ونویسندگان دانسته و ندانسته اشتباه کرده‌مهر واثرهای آنرا با میترائیسم‌آمیخته‌اند .

درنتیجه باید توجه داشت که هرجا گفتگو ازمهر یانامهای مختلف‌آن است باید ازاهمیت مهر سوشیانس که یکی‌ازپیشروان‌بزرگ‌ادیان بوده است غافل نشد.

روابط ایران و هلند

در زمان صفویه

سفارت موسی بیک

از

خانبابا بیانی

(دکتر در تاریخ)

« استاد تاریخ دانشگاه تهران »

شاه عباس کبیر چون دست پرتغالیها و اسپانیائیها را از سواحل و آبهای خلیج فارس کوتاه کرد، در تعقیب واجرای سیاست اقتصادی خود لازم دید برای حفظ ارتباط و مناسبات بازرگانی ایران با دنیای غرب و خنثی کردن عملیات دولت امپراطوری عثمانی در خلیج فارس ، یعنی شاهراه حیاتی بازرگانی ایران، دوست ومتحد دیگری از میان ملل اروپائی که بیشتر بنفع وی باشد پیدا کند. تصادفاً هلندیها که دراین زمان پس‌ازتصرف قسمتی ازهندوستان شرقی و طرد پرتغالیها از این نواحی ، بفکر افتاده بودند از راه خلیج فارس با دولت ایران

فریقای جنوبی بجانب مشرق عزیمت نمود. هوتمن پس از گذشتن ازمادا گاسکار ومالاکا وجزایر سوندبه جاوه رسید و پس ازدوسال مسافرت و گذرانیدن روزهای سخت و دشوار به هلند مراجعت کرد و اطلاعات مفیدی از مسافرت خود به ارمغان آورد.

دسته‌ای دیگر از کشتیها بتوسط شرکت بازرگانی آمستردام و زلند در زیر فرماندهی اولیویه فان نورت [6] از طریق خط مسافرتی ماژلان و جزایر ملوك عزیمت دور دنیا را کرد و پس از سه سال مسافرت بهلند باز گشت (۱۶۰۰-۱۵۹۸). مسافرت این دو دریانورد به هلندیها ثابت کرد که انحصار بازرگانی ادویه وطلا ازدست پرتغالیها و اسپانیائیها خارج شده هلندیها باتفوقی که در نیروی دریائی پیدا کرده‌اند میتوانند جانشین آنها بشوند. هلندیها دراواخر قرن شانزدهم میلادی بیش ازده هزار کشتی وصد وشصت هزار ملاح داشتند و سود سالیانه آنان بالغ بر بیست ملیون فلورن (واحد پول هلندی) شده حدود پیشرفتشان تا ژاپن و آنام رسیده بود.

هلندیها با دراختیار داشتن تقریبا تمام کشتی‌هائی که درسواحل اروپا درحرکت بودند توانستند بازرگانی بیشتر نواحی مرکزی و شمالی اروپا را بخود منحصر نمایند. ازطرف دیگر طولی نکشید که بازارها وداد وستد امریکای جنوبی و حتی کشوراسپانیا، که خود تابع آن بودند، بدست آنان افتاد. بازرگانان هلندی باصندوقهای مملو ازطلا ونقره وسایر کالاهای قیمتی بکشور خویش مراجعت میکردند. آمستردام وروتردام بزودی جای لیسبون را درپرتغال وبندر آنورس [7] را در پی‌بای جنوبی (بلژیك) گرفت وازمهمترین بنادر آن زمان اروپا گردید. تمام این ثروت سرشار مرهون قدرت اعتباری ودراختیار داشتن قسمت اعظم ملزات قیمتی وایجاد پشتوانه اوراق بهادار در بانکها ورواج اسکناس، بوسیله هلندیها بود. بانك آمستردام انواع واقسام پولها

6- Olivier Van Noort.

7- Anverse.

در روابط بازرگانی واقتصادی داخل شده درسواحل دریای مزبور مراکز و پایگاههای بازرگانی برای خود تأسیس نمایند ، منظور وهدف شاهنشاه ایران را عملی ساخت .

هلندیها، که بواسطه‌وضع جغرافیائی کشور خویش، درارتباط بادریاها بودند وافتخار میکردند که « فرزند ارشد اقیانوس بوده درپناه آن اهمیت واقتدار وثروت سرشاریافته‌اند» باوجود اینکه سالهای متمادی درقید رقیت امپراطوری هابسبورگ اسپانیا میزیستند، خودرا در بهنهٔاقیانوسها انداخته بکار صید ماهی و داد وستد مشغول شدند. تعداد کشتیهای بازرگانی آنان روز بروز روبه‌افزایش میرفت و به‌این وسیله انواع کالاهارا از نقاط مختلفهٔ جهان وارد کرده دربازارهای اروپا بفروش میرساندند.

در سال ۱۵۹٤ میلادی هلندیها برای پیدا کردن راهی از سمت شمال به‌مشرق زمین ومخصوصاً به‌هندوستان دردریای شمال بعملیات پرداختند[1] ودرنتیجه‌موفق شدند مراکزبازرگانی واقتصادی درنزدیکی قطب شمال در شبه جزیرهٔ اسکاندیناوی تأسیس‌نمایند. ولی انتشار گزارشهای مسافرت‌یکی ازجهانگردان هلندی‌بنام لینشوتن دوهارلم[2] که‌درسال۱۵۸۳میلادی‌بهمراهی رئیس روحانی پرتغالی بندگوآ [3] بهندوستان رفته بود، رفت وآمد به آن کشوررا ازطریق افریقای جنوبی‌معمول ومتداول کرد. درسال ۱۵۹۵ هلندی دیگری بنام کورنلیزفان هوتمن [4] که درخدمت دریا نوردان پرتغالی بود از شرکتی که درآمستردام باسم « شرکت سرزمینهای دور» [5] تشکیل شده بود، چهار کشتی‌و شصت عراده توپ ودویست وپنجاه نفر ملاح گرفته از راه

۱ــ برای احتراز ازبرخورد با پرتغالیها و اسپانیائیها و انگلیسها که در این زمان در اقیانوس‌ها تسلط کامل داشتند .

2— Linschoten de Haarlem .

3— Goa.

4— Cornelsz Van Houtmen.

5— Compagnie des pays lointains.

مزبوررا بیکدیگر پیوند نمی‌داد. ولی بعد ها همین مقررات بصورت قانون اساسی برای تمام ایالات جمهوری‌هلند درآمد.

ایالات جمهوری بوسیله مجلس شورای طبقاتی [۱۵] که ازنمایندگان ایالات تشکیل میشد،اداره میگردید.اختیارات این مجلس بسیار محدودبود زیرا ایالات جز در سیاست خارجی تماسی با یکدیگر نداشتند و اتفاقا در همین موضوع بود که قدرت مجلس طبقاتی بحد کمال رسیده بود . عقد معاهدات وتشکیل اتحادیه‌های سیاسی ونظامی و دادن دستورات به سفرا و تنظیم مبانی مذاکرات سیاسی‌ودیپلوماسی وتعیین‌تعداد نفرات ارتش‌ونیروی دریائی وانتخاب فرماندهان ارتش همه از اختیارات مجلس مزبوربود.

در مجلس طبقاتی ، هر ایالت دارای یك رأی بود و تصمیمات باتفاق آراء گرفته میشد وقبل از اتخاذ تصمیم نمایندگان موظف‌بودندقبلا نظر وموافقت ایالت و یا انجمن شهر حوزهٔ انتخابی خود را جلب نمایند و مجلس نمیتوانست ایالات را به تبعیت ازآراء اکثریت‌مجبورنماید.اشکالات اخذتصمیم‌قطعی‌بهترین‌وسیله برای‌سفراومأمورین‌خارجی‌بود که‌میتوانستند با دادن رشوه به اسرار دولتی آگاه شوندو درمواقع ضروری ولازم نفوذ و عقاید خود را تحمیل نمایند. درحقیقت باید گفت که استقلال‌کامل‌درایالات جمهوری درمعنی وجود نداشت وارتباط وپیوستگی آنها بایکدیگر علاوه براتحادیه اوترخت‌بیشتر از اشتراك منافعی‌بود که در اثر منافع اقتصادی و وحدت زبانی و مخصوصاً توحید مذهب(کالوینیسم)، که‌درتمام ایالات ریشه دوانید، رائج شده بود، بوجود آمده بود. دو ایالت هلندوزلند که نصف جمعیت‌جمهوری را شامل ودارای بیست شهرمهم بود از سایر ایالات تواناتر وحکومتی مخصوص بخود(حکومت ملی) ومذهب رسمی(کالونی) داشتند و طبقات‌اشراف‌وملاکین وبازرگانان برسایرطبقات حکومت کرده‌بدانهابرتری

15—Les Etats Généraux.

واوراق بهادار وچکها وسفته‌های تمام کشورهارا می‌پذیرفت ومورد معامله قرار میداد. بانک مزبور در سال ۱٦٦۰ بزرگترین قدرت مالی آن زمانرا درسراسر جهان تشکیل داده قوانین مالی ومعاملات خودرا بتمام بانکهای بین‌المللی تحمیل میکرد.

هلندیها بر خلاف ملل استعمار گراروپا مانند پرتغالیها و اسپانیائی‌ها وانگلیسها به اشغال سیاسی ونظامی اراضی‌جدیداعتنائی نداشتند بلکه‌هدف آنان بیشتر انحصار بازرگانی نواحی اشغالی بود و اگر مراکز و پایگاههائی درآن سرزمینها ایجاد میکردند فقط برای تمرکز وانبار کردن کالاها وتوزیع آن درداخلهٔ کشورها واستفاده‌از منابع وثروت‌آن نواحی‌بود.

چون وضع اداری وسیاسی هلند با سایر کشورهای‌اروپائی تفاوت‌داشت برای درك مناسبات وروابط سیاسی ودیپلوماسی این کشور باسایردولتهالازم دید برای روشن شدن ذهن‌خوانندگان گرامی بشرح مختصری ازتشکیلات سیاسی وروش حکومت‌ایالات‌متحده هلند مبادرت ورزد.

جمهوری هلند را میتوان حکومتی ائتلافی از دولتهای مستقل دانست. تعدادی ازایالات‌بدون داشتن سرحدات دقیق بنامهای: گلدر،[۸] هلند،زلند،[۹] اوترخت،[۱۰] فریز،[۱۱] اورایسل[۱۱] و گرونینگ [۱۳] تشکیل ایالات جمهوری هلند رامیدادند که‌غیراز اتحادیه اوترخت[۱٤] هیچگونه علاقه‌و پیوندی ایالات

8 - Gueldre. 9— Zelande. 10—Utrecht. 11—Frise.
12—Gueryssel. 13—Groningue.

۱٤ــ اتحادیهٔ اوترخت Union Utrecht که بوسیلهٔ ژان‌دوناسو استاد هودر برای دفاع در برابر اقدامات سیاسی و نظامی دولت اسپانیا که در صدد بود نهضت استقلال طلبی هلندیها را منکوب نماید ، تشکیل گردید (ژانویه ۱۵۷۹). اتحادیه مقرر میداشت :

۱ــ فراهم ساختن مقدمات برای استقلال جمهوریهای ایالات متحده
۲ــ ادامهٔ جنگ برعلیه سیاست فیلیپ دوم پادشاه اسپانیا
۳ــ حفظ ونگاهداری تشکیلات قدیمی و تثبیت قدرت دولتهای جمهوری
٤ــ برقراری آزادی عقیده ومذهب درهریك ازایالات

برآمدند بوسائل ممکنه بمقصود خویش نایل آیند و چون در موقع جنگهای ایران و پرتغال به نیروی دریائی انگلیس، متحد ایران، بافرستادن چند ناو کمك کرده بودند، باین بهانه از دربار اصفهان تقاضا نمودند که ایشان را نیز در بازرگانی ایران ومخصوصاً در معاملات ابریشم، بادولتهای دیگر شریك سازد، شاه عباس هم چون در این زمان در گیرودار جنگ باعثمانیها بود از نظر جلب متحدی دیگر بدون تردید پیشنهاد هلندیها را با دادن امتیازات چندی پذیرفت. کار پیشرفت هلندی‌ها در ایران بجائی رسید که سرتوماس روئه[۱۹] سفیر انگلیس در دربار اصفهان، نامه‌ای در تاریخ ۱۶۱۷ به شرکت هند انگلیس به این مضمون نوشت: «رفتار و اقدامات هلندیها که در صددند به حقوق ما تجاوز نمایند غیر قابل تحمل شده است»[۲۰].

شرکت بازرگانی هند هلند چون موقع خویش را در دربار شاهنشاه صفویه استوار دید مصمم شد مراکزی در بندرعباس و در اصفهان برای امور بازرگانی خود تأسیس، نماید به این قصد سفیری بنام هوبرت ویسنیچ[۲۱] به اصفهان فرستاد. ورود این سفیر مصادف شد باپیروزی شاه عباس درجنگ باعثمانی‌ها وطرح بیرون کردن پرتغالیها ازخلیج فارس. پادشاه ایران با کمال گرمی و مهربانی از سفیرهلند پذیرائی نمود و حتی حاضرشد باپیشنهادسفیر باوجود مخالفت شدید انگلیسها و طرفداران آنها در دربار معاهده‌ای مبنی برآزادی اتباع و بازرگانان هلندی در ایران و با دادن امتیازات چندی از جمله واگذاری انحصار ابریشم به آن دولت با اوامضاء نماید. (۲۱ نوامبر ۱۶۲۳ میلادی - ۱۰۳۳ هجری قمری).

19— Sir Thomas Roe.

20—Wilson (A. T.) Golfe Persique, trad. persane. p. -128.

21—Huybert Visnich.

ومزیت‌خاص‌داشتند. علاوه‌برمجلس‌طبقاتی‌شخص‌دیگری‌بنام«استادهودر»،[16] که قبل از اعلام استقلال بنام فرمانروای اسپانیا در پی‌باحکومت میکرد و پس از آن بعنوان نایب‌السلطنه، بدون اینکه پادشاهی باشد، زمام امور رادر دست داشت. فرماندهی کل‌قوا وصدور فرمان عفو عمومی وعزل ونصب قضات از اختیارات وی بود. ودر حقیقت میتوان گفت که زمامدار مطلق و مختار ایالات جمهوری بشمارمیآمد

درمقابل‌مقام‌استادهودری‌مقام‌دیگری‌وجودداشت‌بنام«رادپانسیوناریس»[17] هرایالت‌دارای مشاور حقوقی مخصوص بخود بود که درمجامع و شوراهای دولتی سمت ریاست را داشت ، از میان مشاوران حقوقی سایر ایالات مشاور حقوقی هلند که در ضمن نمایندگی آن ایالت را در مجلس طبقاتی داشت، مهمتر وبرجسته‌تر ازدیگران‌بود که‌بلافاصله پس‌از تشکیل‌جمهوری واعلام‌استقلال،مرکزثقل سازمان اداری دولت قرار گرفت. مذاکرات‌سیاسی وروابط با دولتهای خارجی بعهدهٔ وی بود.

در اوایل قرن هفدهم جمهوری هلند مقام شامخی را درمیان دولتهای معظم اروپا مانند فرانسه وامپراطوری آلمان و کشورهای اسکاندیناوی و انگلیس، دارا بود وبایك یك آنها ارتباط سیاسی واقتصادی داشت.

از آغاز قرن هفدهم میلادی دسته‌ای از مسافران هلندی در دربار پادشاهان صفویه دررفت وآمد بودند که بیشترصنعتگر و ازاین جهات‌طرف توجه شده‌بودند. یکی ازآنها نقاشی‌بود بنام ژان‌لوکازون‌فان هاسلت[18] که سالهای متمادی در دربار شاه عباس بسر برده خدمات شایانی‌برای‌تسهیل‌کار هم‌میهنان خود انجام داده بود. هلندیها که کشورایران را بازار مهمی برای فروش کالاهای هندوستان دیده‌بعلاوه باهمیت‌ابریشم‌آن پی‌برده‌بودنددرصدد

16—Stadhouder.

17—Raad-pensionaris.

18—G. L. Van Hasselt

۷ ـ اعلیحضرت وعده‌خواهند فرمود که کالاها و اثاثه سرقت شده‌هلندیها و یا اتباع ایشان در خاك ایران از طرف دولت جبران شود .

۸ ـ هیچگونه اشکالی برای کرایه کردن شتر و قاطر و سایرچارپایان از طرف مأمورین دولت ایران برای هلندیها فراهم نخواهد شد ، بعلاوه تمام کاروانها موظفند کرایه حمل ونقل را به‌بهای متداول و معمول در کشور از هلندیها دریافت دارند .

۹ ـ مأموران هرمحل موظفند برای هلندیها وسائل سکونت و خواربار و سفر رافراهم‌آورند و درصورت‌لزوم عده‌ای نگاهبان برای محافظت‌آنان در اختیارشان بگذارند .

۱۰ ـ خانهٔ اتباع هلندی در ایران از هر گونه‌آزادی برخورداراست واحدی حق ندارد بدون‌اجازه واردخانه‌های‌آنها بشود و درصورتیکه کسی بخواهد بزور داخل شود هلندیها اجازه دارند در مقابل تعرض از خود دفاع نمایند .

۱۱ ـ هلندیها حق دارند برای خود در خاك ایران کلیسا و معابد ایجاد نمایند .

۱۲ ـ هلندیها حق‌دارند بردگان مسیحی را خریداری نمایند مشروط براینکه بردگان مزبور از اتباع مجلس طبقاتی ایالات جمهوری نباشند.

۱۳ ـ اگریك نفر هلندی بدین اسلام گرویدمأموران‌هلندی حق‌دارند او را توقیف کرده اموالش را ضبط نمایند .

۱۴ ـ در صورتیکه یك‌نفر هلندی‌مرتکب جنایت و قتل بشود . مجنی و قاتل و مقتول از هرملتی باشد ، مرتکب از طرف رؤسای مربوط بخود محاکمه خواهد شد .

۱۵ ـ اگر یك‌نفرهلندی‌مرتکب خلاف‌منافی عفت شود از طرف‌رؤسای مربوط بخود محاکمه خواهد شد .

متن معاهده به‌این قرار است :[۲۲]

۱ ــ اعلیحضرت به‌اتباع و بازرگانان‌هلندی اجازه میدهد که درسراسر خاك ایران رفت و آمد کرده آزادانه بداد و ستد مشغول باشند .

۲ ــ هلندیها مجبور نیستند کالاهائی که مایل نیستند خریداری‌نمایند و اجازه دارند هر نوع امتعه‌ای را که بخواهند بخرند یابفروشند .

۳ ــ هلندیها ازحقوق و عوارض گمرکی اعم ازواردات و صادرات‌معافند (به‌استثنای حقوق راهداری)

تبصره : ولی به‌آنها اجازه داده نمیشود بیش‌از مقدار احتیاج‌کالا وارد یا خارج نمایند .

٤ ــ مال‌التجاره و اموال هلندیها رانمیتوان چه در موقع ورود وچه‌در هنگام صدور در گمرکخانه‌ها متوقف ساخت.هلندیها اجازه دارندآزادانه با اموال خودبهر کجای کشور که مایلند در رفت و آمد باشند .

تبصره : احدی حق نداردکالاهای وارده و صادره هلندیها را به‌استثنای کالاهای ممنوعه توقیف نماید .

٥ ــ هلندیها اجازه دارند واحد وزن ومقیاس واندازهٔ معمول در کشور خود را در موقع دادوستدبکار برند .

٦ ــ زمانیکه یکی از اتباع هلندی بدون گذاشتن وارث و یا داشتن همراهی ازاتباع هلندی درخاك ایران فوت نماید فرماندارمحل‌موظف‌است دارائی‌او را نگاهدارد تازمانیکه یکی دیگرازهلندیها به‌جانشینی اوانتخاب شود یاماًموران رسمی‌شرکت‌هلندآن‌دارائی را مطالبه‌نمایند که‌دراینصورت فرماندار محل موظف است تمامی‌آن اموال را به‌آنان تحویل دهد واگردر هنگام فوت از اتباع هلندی درآن محل باشد تمام اموال متوفی بوی‌تحویل خواهد شد .

22— L'histoire de la Compagnie des Indes Orientales en Perse. T. 27. p. 679 et suiv.

پیوسته درصدد این هستیم که باهمسایگان و پادشاهان و فرمانروایان سرزمین‌های دوردست روابط و مناسبات دوستانه برقرار نمائیم . بسیار جای خوشوقتی است که توانستیم باموفقیت دوستی آن اعلیحضرت را برای خود بدست آوریم.»

«با کمال خوشوقتی بوسیله مدیر کل امور هند شرقی اطلاع یافتیم که بازرگانان ما مقیم باتاویا اجازه دارند از بنادر متعلق به اعلیحضرت شاهنشاهی دیدن نمایند .

«با کمال مسرت شنیدیم که اعلیحضرت موفق شدند دشمنان خود را از سرزمین های ایران طرد کرده جزیرهٔ هرمز که نهایت اهمیت را برای بازرگانی کشور شما دارد ، از دست آنان بیرون آورند و به‌عقد معاهده‌ای که بنفع هردوملت است موافقت نمائید. عظمت وافتخار و پیروزی بردشمنان را برای آن اعلیحضرت خواستاریم . از آن اعلیحضرت استدعا داریم اجازه فرمایند اتباع و بازرگانان ما آزادانه و بااطمینان در کشور شما زندگی کرده بداد و ستد مشغول باشند و از تمام مزایای معاهده استفاده نمایند و از آن برخوردار باشند . . .»

شاه‌عباس با کمال حسن نیت باتمام تقاضاهای هلندیها به امید اینکه بتواند متحدی ازاین راه بدست آورد موافقت نمود و برای جلب دوستی و استحکام بیشتر روابط بین دولتین تصمیم گرفت سفیری به‌هلند بفرستد بهمین مناسبت یکی از درباریان خود ،رابنام موسی بیك بادستوراتی روانهٔ لاهه پایتخت هلند کرد. سفیر ایران در ۹فوریه ۱۶۲۶(۱۰۳۶ هجری قمری) به‌لاهه رسید وطبق فرمان شاه عباس بامجلس طبقاتی داخل درمذاکره شد و پیشنهادات دولت ایران را ضمن نامه‌ای بقرا ذیل تقدیم آن مجلس کرد :

« پادشاه ایران ازمجلس طبقاتی تقاضا می کند که به اسرع اوقات سفرا و نمایندگان سیاسی و اقتصادی خود را از امپراطوری عثمانی خارج سازد. زیرا هلندیها بهیچوجه در امپراطوری مزبور آزادی عمل ندارند درحالیکه درایران میتوانند باآزادی کامل به کسب و کارخود مشغول باشند.

۱٦ـ هلندیها حق دارند در محلهٔ ارامنه گورستانی برای خود احداث نمایند

۱۷ ـ مترجمان هلندیها دارای تمام حقوق اتباع هلندی میباشند .

۱۸ ـ مستخدمین هلندیها از هرملتی اعم از ایران ، ارمنی ، یهودی و بنگالی که باشند از هر گونه تعرض در امان هستند .

۱۹ ـ اگر در آبهای متعلق به ایران کشتی از هلندیها غرق شد استانداران و مأموران محلی موظفند لوازم و کالاهائی که از غرق نجات یافته حفاظت نمایند و عین آنها را بدون تقاضای جبران به مأموران هلندی تحویل دهند.

۲۰ ـ هلندیها حق دارند اسب و سایر چارپایان را از ایران خریداری و صادر نمایند .

۲۱ ـ مال التجاره های وارده بوسیله هلندیها در زمان انعقاد معاهده (۱٦۲۳) در شیراز و جزیرهٔ هرمز از تمام حقوق گمرکی معاف خواهد بود .

۲۲ ـ راهداران حق ندارند از هلندیها مالیات راهداری مطالبه نمایند.

تبصره : هلندیها اجازه دارند انواع کالاها را به استثنای اسب و سایر اجناس ممنوع الورود که قبلا باید برای ورود آنها کسب اجازه نمایند، وارد خاك ایران نمایند .

۲۳ ـ اگر سفیری از جانب دولت هلند برای گرفتن بعضی امتیازات به ایران بیاید اعلیحضرت وعده خواهند فرمود درصورتیکه تقاضاهای او مجاز باشد ، موافقت فرمایند .

پس از انعقاد معاهده که مفاد آن تماماً بنفع هلندیها بود و پادشاه ایران بنا بمصالح سیاسی با آن موافقت کرد ، مجلس طبقاتی هلند نامه‌ای مبنی براظهار تشکر به این مضمون برای شاه عباس فرستاد : [۲۳]

«پادشاه بااقتدار و پادشاه پیروزمند .»

«قادر متعال چنین خواست که سلاحهای ماعلیه دشمنانمان بکار بیفتد.

23— Arch. des Etats-Généraux. Doc. secret persans No. 8.

هرجا و هرمکان که روند خدمت و عزت ایشانرا بجاآورند وبعدازین‌نوعی سلوك شود که درمابین‌ما و ایشان جدای در میانه‌نباشد.

« دیگر بعرض میرساند که چند سال شد که میانی ما و پادشاه پرتکال نزاع وجنگ است و هرمزرا باچند قلعی (قلعه) ازیشان ستاده‌ایم و میخاهم (میخواهم) که پاوآمد ورفت ایشان را ازین ولایت برطرف نمایم و باشما و مردومی‌شما دوستی ویگانگی درمیانه شود که تاروزی‌کار ها (روزگارها) بماند وقلعی (قلعه) مشکست (مسقط) و لارك و غیر ه که درینجاها دارند بایتفاق (باتفاق) شمااز دست‌ایشان بگیریم بنوعی که باجماعت انگلیس در هرمز قراردادەایم باایشان‌نیز بهمان طریق‌سلوك نموده شودواگردادوستدی شمااز هندوستان نیز برطرف شده درهرمز خریدوفروخت کنند که درزمان پرتکال چمعی (؟) هند و پارس و روم وغیره بود بازبهمان طریق شود بلکه دیگر پیشترخاهد (خواهد) شده و بحصب(بحسب) تقدیری ایلاهی (الهی) چنین شده‌است که هر کسی که دوشمن‌ماست و دشمن ایشان نیز شده است وآنچکه لایق دولت باشد در مابین بعمل میباید آورد بنوعی که بخاطری مبارك رسدجنان نمایند وامروەعلی.».تذکاریه موسی‌بیك‌درتاریخ ۲۶ آوریل ۱۶۲۶ تسلیم مجلس‌طبقاتی شدولی مجلس جواب آنرا موکول به مشورت‌و باظهار نظرمدیران شرکت بازرگانی‌هند شرقی‌نمود. پاسخی که قرار شدبه سفیرایران داده شودبه این مضمون بود :

« مأموریتی که‌آن مجلس عظمی‌در تعقیب‌پیشنهادات سفیرایران‌درتاریخ ۲۶ آوریل به‌مدیران شرکت هند شرقی داده‌اند پس‌ازبحث وبررسی‌کامل به این نتیجه رسید که مدیران شرکت معتقدند که پیشنهادات مزبور بهیچوجه منافعی را برای شرکت در برندارد زیرا مدتی پیش‌معاهده‌ای بادولت ایران منعقد شده‌است که دارای امتیازات‌کافی بوده و نظرات شرکت‌را دقیقاً تأمین مینماید و در خصوص احضارنمایندگان ومأموران‌هلندی‌ازترکیه‌نمیتوان

« شاه‌به هلندیها اجازه‌خواهد داد درتمام کشور ایران آزادانه‌رفت‌وآمد نموده‌ببازرگانی اشتغال‌ورزند .

« پادشاه ایران بدولت هلند خاطر نشان مینماید، بواسطه حفظ منافع هلندیها درخلیج فارس بادولت و پادشاه اسپانیادر جنگ داخل‌شده جزیرهٔ هرمز وبندر گمبرون وجزیره قشم را ازدست آنها بیرون‌آورده‌است بنابراین اجازه‌می‌دهد که کشتیهای هلندی‌آزادانه درخلیج فارس رفت وآمدنمایند .

« چون هنوز بعضی مواقع در خلیج فارس‌مانند مسقط ولارك‌و غیره در دست اسپانیائیها باقیمانده وازاین راه‌ممکن است‌به‌بازرگانی‌ومنافع هلندیها لطمه‌واردآید، دولت ایران حاضراست باهمان شرایط که‌باانگلیس‌ها برای گرفتن‌هرمز معاهده‌بسته‌است،بادولت هلند نیزقراردادی امضانمایدوبکمك یکدیگر از راه خشکی و دریا مواقع و استحکامات مزبور را از تصرف اسپانیائیها خارج نماید .»

عین‌نامهٔ موسی‌بیك بخط خود او حاوی پیشنهادات دولت ایران مضبوط درآرشیو مجلس طبقاتی درلاهه [۲٤] باتمام اغلاط املائی وانشائی آنرا ذیلا متذکر میشود:

« واجب‌العرض بندهٔ کمترین موسی.

« اول‌بعرض میرساند که‌مدعای نواب‌اشرف اقدس ارفع که هزار جانی گرامی فدای نامش‌باد آنست که قونسرهای (قنسولها) خودرا وادادوستدرااز ولایت‌روم (عثمانی) برطرف نمایند وهرچکه در اولکای ایشان میخرند از ولایت ما میرود درینجاها خرید و فروخت نمایند و مقرر نمایم که هرچکه ایشان خرید وفروخت کنند اول مردومی ایشان‌وبعدازآن مردومی ماخرید نمایند وهرمت (حرمت) وعزت ایشانرا تاقایت (غایت) در این ولایت چه‌قدر کرده‌اند بعدازین پیشتر کنند و عمرای(امرای) عظام راسفارش نمایم که در

24— Arch. des Etats-Généraux. Doc . secret No. 1.

نوشته است العبدالعقل (الاقل) موسی غلام خاصه الشریفه زیاده سروروودعا »
« وهرچکه نوشته‌اند بنده زبان نمیداند که‌بدانیم‌چه‌نوشته‌اندوا گرتقصیری در نوشتن باشد معزور (معذور) فرمایند امضا موسی.»

فقطدر ذیل یکی ازنامه‌ها مطالبی به‌اینقرار نوشته که میرساند شاید تا اندازه‌ای مضمون‌نامه را درك کرده است « بخدمت وزرا و دیوانعالی اولنده معلوم باشد که چندسودا کری نواب اشراف اقدس‌همیون درینجا ودرمصروم (آمستردام) هست و میخاهند که خرید و فروخت نمایند و خرجی کمرك و کشتی را میدهند اگر مکزارید و بپاس مبرید (؟) حکم نوشته بودهند که ایشان‌خرید نمایند اگرنه از انگلیس نوشته‌اند که شمارا خاهم‌بردو دعا»

موسی‌بیك چون از گرفتن نتیجه مأیوس شد و نتوانست پیشنهادات پادشاه خود را بمجلس طبقاتی و زمامداران هلندی بقبولاند در ۱۲ مارس ۱۶۲۷ بهمراهی ژان‌پی برزکوئن [۲۷] حکمران باتاویا بصوب ایران عزیمت کرد.

مجلس طبقاتی پس ازعزیمت سفیر ایران‌نامه‌ای درپاسخ‌پیشنهادات‌دولت ایران درتاریخ ۲۶ سپتامبر۱۶۲۷ بدربار اصفهان فرستاد که خلاصه‌آن باین قراراست. [۲۸]

«.....دربارهٔ پیشنهادات سفیرآن اعلیحضرت متذکرمیشود :

« درخصوص فراخواندن نمایندگان هلندی‌ازترکیه واطمینان‌به‌افتتاح مناسبات بازرگانی بادولت اعلیحضرت باید بعرض اعلیحضرت برسانیم که نمایندگان ومأموران هلندی درشهرهای ترکیه بخرج شرکتهای‌بازرگانی خصوصی میباشند ومأموریت‌آنان منحصراً دفاع از اتباع هلندی است که

27— Jan Pieberz Coen.

28—Dunlop (H.) Hist. de la compagnie des Indes Orientales en Perse _ t. 72. p. 707-708.

جوابی‌دادزیرااین مسئله بهیچوجه ارتباطی باماهیت امرندارد، امادربارهٔ دخالت‌نظامی،شرکت رسماً اعلام میدارد علاوه براینکه دخالت در جنگ فوق‌العاده دشوار و متضمن مخارج هنگفتی است از نظر سیاسی و اقتصادی هیچگونه منافعی رابرای شرکت‌نمیتوان در آن منظور داشت » [۲۵]

جواب مجلس طبقاتی سفیرایران را ناامید نکرد و در مراحل مختلف درصدد برآمد بلکه بتواندنظر موافق‌مجلس‌طبقاتی رادرقبولاندن‌پیشنهادات دولت‌ایران، جلب‌نماید . درآرشیو لاهه اسنادفراوانی که حاکی ازطولانی شدن‌مذاکرات بین دولت هلند و سفیر ایران است وجود دارد ولی متأسفانه بواسطه عدم اطلاع وآشنائی موسی‌بیك بزبان هلندی و در اختیار نداشتن مترجم واردی که بتواند مراسلات و مذاکرات را برای سفیر ترجمه نماید، مأموریت ویرا بدون نتیجه گذاشت . این‌جانب چندین فقره از این اسناد را که‌در ذیل هریك ازآنها موسی‌بیك‌باخط خود اذعان‌به‌نفهمیدن‌مطالب‌نامه‌ها کرده است ازآرشیو لاهه عکسبرداری نموده‌ام که عین متن‌نوشته‌های او را ذیلا متذکرمیشود :

در ذیل نامه‌های بشماره ۷ چنین می‌نویسد : [۲٦]

« بنده زبانی شما را نمیدانم اگر تقصیری شده است از بنده نیست . »

« و درینجا هرچکه نوشته‌اند بنده‌درکاه‌موسی غلام‌خاصه‌شریف زبان‌نمیداند اگرتقصیری در نوشتن شده باشد معزو (معذور) فرمایند امضا موسی . »

«بخدمت وزرا وارکانی دولت جماعت اولنده (هلند) معلوم‌باشد که سخن بسیاراست وبنده‌وایشان زبان نمیدانیم که‌خود گفته‌وجواب‌بگیریم‌ونمیدانیم که‌آنچکه ما گفته‌ایم همان‌را نوشته است یاهرچکه بخاطرش رسیده است

25—Arch. des Etats-Généraux . Ducument secret No. 1.

۲٦ــ در آرشیولاهه ،که شخصاً ازآنجا دیدن‌کردم، راجع به ایران اسناد بسیاری موجود است‌که تماماً بزبان هلندی قدیم است‌که حتی فهم‌آن برای هلندیهای امروزه نیزبسیار دشواراست . برای نمونه چند فقره ازآن اسنادرا ضمن این‌مقاله منتشر می‌نمایم، امیدوارم بتوانم بافرصت‌کافی روزی اسناد مزبور رابوسایل ممکنه ترجمه‌کرده دردسترس بگذارم .

همیشه مترصد آن بودیم که ازجانب آنحضرت نیز اینقاعده مرعی بوده آثار یکانکی واتحاد بظهور آید. درینمدت برحسب تقدیر ایزدی اینصورت وقوع نیافت و کسی ازجانب عالی بدین دیارنیامد درین اوقات کـه رافع مکتوب محبت اسلوب آمده (منظورنامه جوابیه مجلس طبقاتی است)بملازمت اشرف رسید و از حقایق حالات ایشان اطلاع حاصل شد موجب انواع مسرت و شادکامی و انبساط خاطر مهراگین گردید وفرستادهٔ آن سلطنت عظمت پنـاه نیز از اوضاع و اطوار این دیار استحضاریافته مراجعت نمود وظیفهٔ محبت و دوستی آنست که بعد ازاین برخلاف سابق این شیوهٔ مرضیه را منظور داشته ابواب الفت و آشنائی مفتوح دارند وقواعد مصادقت ودوستی را بتواترمکاتیب مودت آمیز ومراسلات الفت انگیز استحکام داده اصـلا تجویز مغایـرت و بیگانگی نفرمایند وملازمان عالی ومردم مملکت خـود را مقرر دارند کـه بفراغ خاطر و اطمینان قلب بدینولایت آمده بهرطریق خواهند خـرید و فروخت وداد وستد نمایند وبهرنوع رضا و اراده داشته باشند سلوك کنند که احدی رادرقلمروهمایون قدرت برممانعت ایشان نخواهدبود وازامتعه واجناس این دیاررا آنچه مردم ایشان خواهند و اراده نمایند اول ایشان خرید و فروخت نموده بیقضاء الهی مقضی المرام و آسوده حال مراجعت کنند و نوعی فرمایند که روز بروز فیمابین قواعد محبت و آشنائی مستحکم گشته شیوهٔ مصادقت و دوستی ازدیاد پذیرد...» [۳۱]

برحسب تمایل شاهنشاه ایران مجلس طبقاتی فـرمانـروای باتاویا را مأمور کرد که سفیری بدربار اصفهان بفرستد. فرمانروای باتاویا هم ژان -

31— Arch. des Et.-Généraux. Doc. secret. Perse. No. 1.

به‌اسارت دزدان ترك درآمده‌اند. کنسولها و بازرگانان هرزمان که تشخیص بدهند میتوانند آزادانـه در قلمرو حکومت اعلیحضرت بداد و ستد مشغول شوند و از مراحم ملوکانه برخوردار گردند با طیب خاطربراین کار اقدام خواهند کرد.

«درموضوع جنگ علیه پرتغالیها از حسن نیت آن اعلیحضرت بسیار مسرور و خوشوقتیم زیرا مدت پنجاه سال است که ما با این دشمن عمومی درجنگ وستیزهستیم. بادرنظر گرفتن حسن نیت شاهانه بزودی سفیری بدربار اعلیحضرت اعزام میداریم و وی رامأمورمیکنیم که دراین مورد وارد مذاکره شده آنچه‌را که قدرت نظامی ما در هندوستان اجازه میدهد در اختیار شما خواهیم گذاشت. درخلال‌این مدت به‌حکمران هندوستان‌دستور داده‌ایم بوسیله ناوگانی که مأمورخدمت میان هندوستان و خلیج فارس هستند اسباب مزاحمت پرتغالیهارا فراهم سازد... »

شاه عباس پس ازمدتی انتظار چون ازاعزام سفیری کـه مجلس طبقاتی درنامهٔ جوابیه‌خود وعده داده‌بودخبری ندیدنامه‌ای به‌این‌مضمون‌فرستاد[۲۹] که خلاصه‌آنرا متذکر میشود:

« نظاماً للسلطنته‌والشوکته‌والنصفه‌والعظمةوالابهته‌والاقبال‌پادشاه‌النديس[۳۰].. بعد هذا مرفوع رأی محبت اقتضا میگرداند که چون میانهٔ ما و حضرات سلاطین عظام عیسویه و پادشاهان رفیعمقام فرنگیه رابطهٔ دوستی و وداد و ضابطهٔ مصادقت واتحاد مرعی وابواب‌آمد وشد ورسل ورسایل مفتوح است

۲۹ـ این‌نامه یکباردرکتاب‌یکصدوپنجاه سندتاریخی ص۳۱ـ۳۲ازانتشارات برای بار دیکر به انتشار قسمتی از آن مبادرت میورزد.

۳۰ـ چنانکه درمقدمه تاریخی متذکرشد درتشکیلات مملکتی هلند مقام سلطنت وجود نداشت، مجلس طبقاتی و مقام استـاد هـودری جانشین مقام سلطنت بوده اند. البته دربار اصفهان از این موضوع بی‌اطلاع بوده است.

اسمیت را برای این مهم انتخاب کرد و با دستورات لازم بایران فرستاد. اسمیت بهمراهی موسی‌بیك که در سورات (درهندوستان) منتظر ورود سفیر هلند بود درتاریخ ۱۲ مه ۱٦۲۹ (۱۰۳۹هجری قمری) وارد اصفهان شد در حالیکه سه ماه ازمرگ شاه عباس می گذشت.

مأموریت موسی بیك از بدو ورود به‌لاهه تا رسیدن او باصفهان مدت‌سه سال بطول انجامید به‌عللی که درفوق ذکرشد به نتیجهٔ مطلوبی که شاهنشاه ایران ازآن انتظارداشت مخصوصاً کمك به‌طرد قطعی‌اسپانیائیها وپرتغالیها ازخلیج فارس و لطمه زدن به‌بازرگانی و اقتصادی عثمانی، نرسید. ضمناً از ذکراین نکته ناگزیراست که عدم اطلاع موسی بیك باوضاع‌سیاسی‌آنزمان ومخصوصا بی‌سوادی و بی‌تجربگی او درامر خطیری که بوی واگذارشده بود عامل مؤثر برای این عدم موفقیت بود. ولی در مقابل هلندیها ازآن استفاده‌های زیاد برده موفق شدند وضع بازرگانی خود را درایران با انعقاد معاهدات و گرفتن امتیازات مهمی در خصوص آزادی تجارت و ایجاد پایگاههای بازرگانی اصفهان و بنادر و جزایر خلیج فارس ورقابت شدید بااسپانیائیها و بخصوص با انگلیسها، مستحکم نموده تا مدتها نفوذ خودرا درآبهای‌اقیانوس‌هندواطراف آن‌محرزوتثبیت نمایند.[۳۲]

درشمارهٔ بعد کوشش خواهم کرد دنبالهٔ این بحث رابگیرم.

علاوه برمنابع مذکور در ذیل صفحات این مقاله‌از کتابهای ذیل‌استفاده شده است.

Les relations de l'Iran avec l'Europe occidentale a l' epoque Safavide . p.Kh. Bayani. Paris 1937

۳۲- تاریخ عمومی (تفوق و برتری اسپانیا) تألیف دکتر خانبابا بیانی . جلد اول و دوم . چاپ دانشگاه تهران .

واجب است العرض بنده اکمترین
موسی

او بعرض میرساند که مدعای نواب الوف اقدس ارفع اکمل اجل اعظم حامی قدای
نامش باد آنست که قونسرهای خود الا و دادوستد الا از ولایت روم برطرف نمایند و هر جا که در
اولیا کار ایشان میخرند از ولایت ما میرود در بنجا ها خرید و فروخت نمایند و مقرر نمایم که هر جا که ایشان
خرید و فروخت کنند اول مردمی ایشان و بعد از ایشان مردمی ما خرید نمایند و هر منع و عزت ایشان نمایند تا
غایت در بین ولایت چه قدر کرده اند بعد ازین بیشتر کنند و عمران عظام الامان نمایم که در هر جا و هر مکان
کرورند حشمت و عزت ایشان نمایند و بعد ازین نوعی سلوک نمود که در بینی ما و ایشان جدای در میان نباشد

دیگر بعرض میرساند که چندین سال شد که میانه ما
و پادشاه پرتگال نزاع و جنگ است و هر زمان با چند قلیع از ایشان گشاده ایم و بنیاد هم کرده ایم و بادآورد فتح ایشان
الا از بین ولایت برطرف نمایم و با ما و مردمی ما دوستی چنان نمود که تا روزی کارها باشد و قلعی مشکلت و
رک و غیره که در بنجا ها دارند با تفاق ما از دست ایشان بگیریم بنوعی که با جماعت انگلیس در هر مزقرار داده ایم
با ایشان نیز بهمان طریق سلوک نموده شود و گمان دوستی ما از هندوستان نیز برطرف شده در هر مزخرید و فروخت
کنند که در زمان پرتگال بندری چون هندیا بارس و روم و غیره بود با زبهمان طریق شود بلکه دیگر بیشتر بنجا ها
و بحسب تقدیری ایلاهی چنین شده است که هر کسی که دوستی مالند و دوستی ایشان بیشتر شده است و آنچه
دولت بکلیه در بینی بعمل میاید آورد بنوعی که بخاطر مبارک رسد خبان نمایند و امروزه علی

نمونه موسسی‌یک به مجلس علیهانی هلند (مضبوط در آرشیو لاهه . اسناد محرمانه
ایران شماره ۱)

Hoochmogenden Heeren staets Ick heb voordesen aen
u hoochmogende verscheyde mondes aengaende coop lieden
van sijn kommercyen als Mayen harsen soo de mijn
verseeck offe ijsere Hoochm: gelaets order te geven
dat de coopl: mogen handelen als voor desen voor
kommercy, maer nietjegenstaende die remedien die hijer sijn
gedaen mijn verseeck gestadich voort. coopl: van
kommercy, want het sijn proffijt voor dese landts
sijn, want d'Compe van Engelt profijtelijck gae-
leant is geweest om de coopl: van voors: maer
ick dat op d'Ed: Mog: Heeren Hollant stadt dient selfs
niet gelaedt, doch stelle het inde handen van
d'Hoochm: Heeren staets, verwachte antwoort

Mijnde tijt offe Missen begint te genaken darom biddende d'
Hoochm: dat haer gelijcke woort te helpen offe anders sullen
sij meesters gaen haerse afgenaem sijn want sulcx tijt maer
een cleyn wijle duyt, so sij ick noch eens voor cooplieden van
kommercy maer mit voor alle andere koopliedts offe
remedien want binnen Amsterdam soo veel sijn getrou
gaer ten beste sullen mede laden sonder maer ich begeere
anders mit alle eerbiedt voorden kommercy ende billicheyt
verdaen de Compe tegen sijn maer sij sullen de
gebracht van goederen betalen soo veel als de Compe
sall gelijcks d'Hoochm: gelijcke gaer mede doen d'Ed:
Mog: proffijt van Hollant sonder sijn maer mit tot schade
d'Hoochmog goedt bevinden

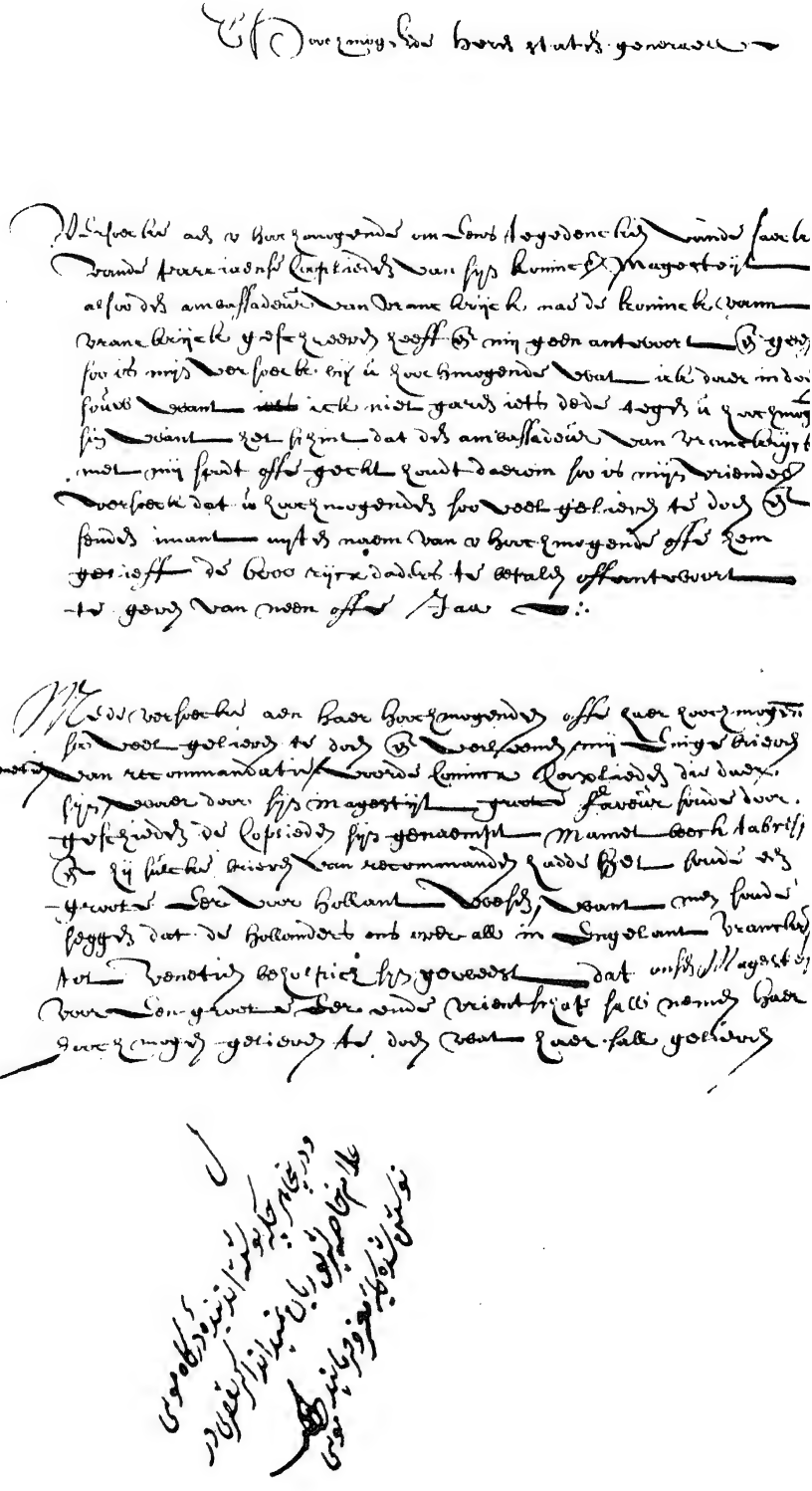

Aen v hoochmogende heeren staten generael
godt ende des Rommck slaûr tot v hoochm:
dienst als de geringste slaûr —
Elexij : Mouua· broeck

Myn hoochm: aen v hoochmogende heeren staten generael
dat ick gisteren mijn schrijuen ende mijn dienaer. aen v hoochm:
ghesonden hebbe omme verscheyden redenen mijnen voorgaenden
schrijuen dat v hoochm: dese mijne voorschrijuen wilde
t' gheruste aen de schepen ofte ammiraliteyt tot Amsterdam
ofte Hoorn ofte Enchuysen ofte mijne daer inne te verschrijuen
ofte bestellen dat ick mijne schepen aldaer mochte
ontfangen ende met de vloote van hare hoochm: mogen
uytcomen / ende dat sij Rommcheyt mochte
ende alle andere natien ofte vlaenderen tot zee
dit is tgene dat ick verscheyden aen v hoochm: heere ende vaeder
generael ofte ten minsten v hoochm: aengenaemheyt op dat
ick tot des Rommcx mijn heere macht hebbende dat mijne compste
ende mijn verscheyden v hoochm: aengenaem ware ofte dat
te comptoere / daer omme bidde ick v hoochm: dat v hoochm:
voorsz: gelieve te doen ende mijne macht te verleenen
ten eynde ick den Rommck mijn heere segghen dat mijne compste
mijn verscheyden hier aengenaem is geweest / ende op dat
voortaen v hoochmogende mij altijt meester maken
mijne verscheyden niet aengenaem geweest is ende ick
Rommck mijn heer mij tot vrient ofte vyant
segghen / want als Rommck mijn heere verstaet dat mijne compste
dit is tgene dat ick verscheyden tot dienste v hoochm:
heere staten generael / verbeydt antwoort

tgeduerende van Duynkerken [illegible] in 2 dagen tijts de overste
2 voetknechten [illegible] in 2 dagen maken met mij seynt
Got ofte de voorsz: mij niet ofte mijne meening ofte ick met
v hoochm: niet verstaen v te gelieven mij te verschrijuen dat
ick dit sal gereet maken ende verstaen dat ick met
v hoochm: niet connen spreken sal dinghen aen mij
verzoeke ende dat mij dat ick alle dinghen aen mij
Bidde godt alzijt dat
hoochm: heere staten gelieft te bewaren met voorspoet

ende van tgene dat ick bij v hoochm: verzocht ende vraghe de koop op
een kiste ick [illegible] v hoochm: aengenaem is ende dat ick [illegible]
voor-gelicht ende ontfaet te geven, ofte dat sij mij gelieft mijn
ontfaendt ofte andere van haer geselschap van wegen den
Rommck: als in tverleyden, dit ick voor de koop van Rommck

بحمده وزینه الاذکار کافی و دلیل جامع اولند معلوم باشکه سخن بسیار است و نبیده و ان ان
زبان نبیده ایم که خود کلیه و جواب بگریم و نبیده ایم که آنچه ما گفته ایم همان الا و ترجمه
یا هر چیکه جاف راس رسیده است نوشته العبد العقل مولی غلام حاضر آرشیف ریاست مرزوعا

آرشیو لاهه (اسناد مربوط ب

Aan Hoochmogende Heeren
staten generael

باعث نهایت مسرت است که تعداد دیگری از اسناد و فرامین پادشاهان قاجار را که در مجموعه خصوصی اینجانب وجود دارد جهت چاپ در آن مجله وزین ارسال میدارم. امید است با این اقدام مهرها و طغراها و توقیع - های پادشاهان قاجار که نمونه‌هائی از آنها قبلا درج شده است تکمیل گردیده و از طرفی این اسناد مورد توجه محققان و دانشمندان و خوانندگان محترم مجله قرار گیرد.

فرمان اول مربوط به اواخر ولیعهدی و اوائل سلطنت ناصرالدینشاه می‌باشد مهر این فرمان تا کنون در هیچ جا چاپ و منتشر نگردیده و بهمین دلیل میتوان اظهار داشت فرمانهائی که دارای این مهر هستند نایاب میباشند. در حاشیهٔ سمت چپ این فرمان خط مهد- علیا مادر ناصرالدینشاه که در تأیید فرمان ولیعهد دستوراتی به حکام ولایات صادر کرده است دیده میشود

فرمان دوم وسوم مربوط به مظفرالدینشاه است. قسمت بالای فرمان شمارهٔ ۲، خط دوران ولیعهدی

- ۱ -

خط ناصرالدین‌شاه در دوره ولیعهدی

دومهر نزدیک‌هم، سجع (ناصرالدین)

هـو

عالیجاه آقامحمد دائی چون‌قریه‌سنگسر وده‌صوفیان وشهمیرزادسمنان متعلق بتوبوده‌است دهات ملکی که دردامغان داری‌اینها را هم کمافی‌السابق بتووا گذار فرمودیم که درمحافظت آنها ساعی‌باشی ومالیات آنجاها را باز - یافت‌نمائی وقدغن است که احدی دخل‌تصرف نکنند هـر کس‌خلاف حکـم کرده‌است البته موردمأخذه خواهدشد. درثانی بخان‌خانان حکم‌میشود که ازقرار دستخط معمول داشته وامضای‌حکم مارا هیچ‌قسم دخل‌تصرف ننموده تاسرمشق سایرحکام‌لاحق بشود تاازقرار دستخط رفتار نماینـد از هـرجهت واگذار بعالیجاه مشارالیه بداند. فی‌شهر ذیقعده ۱۲۶۱

درپائین فرمان، خط مهد علیا مادر ناصرالدینشاه و مهراو که سجع آن «ولیعهد شه‌را مهین مادرم» میباشد دیده می‌شود ونوشته شده:

چون آقامحمد مرد درست‌وخدمتگذاری‌است‌انشاءاله حکام‌سابق‌ولاحق ازقرار دستخط سرکار ولیعهد رفتار خواهند نموده تخلف نخواهندنمود.

(درانتها نیز مهر مهدعلیا دیده می‌شود)

(۳)

مظفرالدینشاه رانشان میدهد. این فرمان شاید بهترین نمونه خط شکسته مظفرالدینشاه باشد که تا کنون بچاپ رسیده است. مهر وحاشیه این فرمان با وضع ممتازی تذهیب شده است فرمان شمارهٔ ۳ را مظفرالدینشاه باخط خود از باد کوبه برای میرزا عبداله خان نوشته است.

فرمانهای چهارم و پنجم متعلق به محمدعلیشاه می‌باشد. هردو فرمان، مهر دوران ولیعهدی اورا که تا کنون ارائه نشده است نشان میدهد.

فرمان ششم مربوط به بهمن میرزا برادر محمدشاه وفرزند عباس میرزا می‌باشد او بعلت مخالفت بابرادر خود بروسیه گریخته وتبعه آن دولت شد تااینکه درسال ۱۳۰۱ هجری قمری در آنجا وفات یافت.

با تقدیم احترامات فائقه
محمدعلی کریم‌زادهٔ تبریزی

اصلا واضافه ازکار گذاران داده اخذ ودریافت داشته بفراغت مشغول خدمت باشد مقرر آنکه کار گذاران استان والا مبلغ مزبور راهمه ساله دروجه عالیجاه مشارالیه عاید دارند المقرر کتاب سعادت اکتساب دفترخانه مبارکه شرح رقم مبارك راثبت وضبط نموده درعهده شناسند. فی شهر رمضان المبارك ۱۲۸۹

-۳-

مهر (العزة لله مظفرالدین شاه قاجار)

میرزا عبدالله خان انشاءالله تعالی احوال شماخوب است ومیرزا احمدخان وسایراخوان وخانواده وبستگان جناب اشرف صدراعظم صحیح وسلامتند از جانب ما احوال همه آنهارا پرسیده مرحمت والتفات مارا به آنها ابلاغ داشته برسانید حاجی سقاباشی چه میکند التفات ما را باو ابلاغ دارید اگرحاجی امین السلطنه از زیارت مشهد مراجعت کرده است مرحمت ما را بمشارالیه برسانید ماهم دیروز وارد باد کوبه شده و پس فردا حرکت خواهیم فرمود وانشاءالله تعالی جائی دیگر معطل نشده وبرای غره الی دوم ماه شعبان وارد دارالخلافه خواهیم شداز خدمات جناب اشرف صدراعظم هم کمال رضایت راداشته ودراین سفر منتهای خدمت را ازهرجهت بما کرده است ماهم کمال رضایت را ازایشان داشته ومرحمت وعنایت مخصوص رادار یم واین دستخط رابانهایت التفات ازباد کوبه بافتخار شما صادر و فرستادیم تاقربن مباهات و مستظهر باشید.

فی ۲٤ شهرجمادی الآخر ۱۳۱۸ از باد کوبه محل امضاء

در حاشیه زیرمهر، مظفرالدین شاه دوباره بخط خودش به عبداله خان چنین نوشته است:

میرزا عبداله خان با کمال مرحمت و التفاتی که مخصوصا در حق شما داریم یك قطعه عکس تمثال خودمان رابرای افتخارشما بتوسط مهندس الممالك مرحمت وارسال فرمودیم تاقرین افتخار ومستظهر باشید.

توضیح:ـ خط مرحوم مظفرالدین شاه درنظراول فوق العاده درهم وبرهم بود ولی پختگی بخصوصی درآن مشاهده میگردد وخواندن وقرائت آن نیز تاحدی سهل وآسان میباشد.

-۲-

هو

قسمت بالای فرمان خط شکسته مظفرالدین‌شاه:

هوالله تعالی شأنه چون حاجی غلامعلی مدتها است که عمر خودش را در خدمتگذاری وجان نثاری در کمال درستی وصداقت صرف کرده است لهذا محض التفات ومرحمت مبلغ یکصدوبیست وپنج تومان برمواجب سابق او افزودیم که به‌آسوده خاطر مشغول خدمتگذاری باشد.

درزیرهمین نوشته مرقوم شده است. صحیح است

محل مهر

سجع مهر: منشور حکمرانی بگرفت زیب آئین-از خاتم ولیعهد، سلطان مظفرالدین.

حکم والا شد آنکه‌چون همواره مشمول مراحم وعنایات والا در حق عامه جان نثاران و خدمتگذاران که با کمال درستی و صداقت مشغول خدمتگذاری بوده وهمه وقت دقایق‌جان نثاری را در مراحل‌خدمت کاملا بظهور برسانند منظورنظر مرحمت‌اثرومفطورخاطرعنایت گستر والاست که‌بمزید الطاف‌واعطاف‌والامستظهرومفتخر بوده‌بامیدواری‌خودبیفزایند، من‌جمله عالیجاه مجدت ونجدت همراه‌حاجی غلامعلی که مراتب خدمتگذاری وشایستگی او این اوقات که موکب‌مسعود والا برای تقبل استان سپهر بینان اعلیحضرت اقدس شهریاری روحنا وروح‌العالمین فداه متوقف دارالخلافه‌الباهره بود کما ینبغی مشهود ومعهود گشته شایسته مشمول عنایت گردید علیهذامحض‌ملاحظه لیاقت ومزید امیدواری عالیجاه مشارالیه بموجب‌صدور این‌رقم مبارك مبلغ یکصدتومان نقد بدینموجب بصیغه (ارقام سیاق) علاوه برمواجب ازهذه‌السنه پیچی‌ئیل‌خیرت تحویل ومابعدهادرحق‌اوعنایت داشتیم که همه‌ساله بعدازوضع‌رسوم‌جیره وعلیق‌الدواب‌بموجب صدور[خوانده‌نشد]

خارج وخود شهرخوب‌ازعهده برآمده و به کمال مواظبت امتحان داده‌اید، محض تشویق شما بموجب این رقم قدرتوأم امر ومقررمیفرمائیم که باطلاع جناب مستطاب اجل اکرم وزیر مخصوص کمافی‌السابق با نهایت اهتمام‌باید درادای تکالیف لازمه خود زاید اعلی باسبق ساعی وجاهد باشد ودرخدمات راجع بخود و مفتش کل نظام از اردوشهربا کمال مراقبت مجاهد تا پس از ورود موکب مقدس‌همایونی شرح خدمات مجاهدانه شمارا بعرض خاکپای مبارك رسانیده استدعای شمول مرحمت مخصوص در حق شما بنمائیم .
فی‌شهر ربیع‌الثانی ئیلان ئیل ۱۳۲۳.

= ٦ =

سجع مهر بهمن میرزا یگانه گوهر دریای خسروی بهمن

متن اصل فرمان

مباشرین قنات شاه چلبی سرافراز بوده بداند که حسب‌الفرمان همایون و رقم نایب السلطنه مغفور پانزده لوله آب از قنات مزبور بعالیجاه مقرب‌الخاقان یحیی خان مرحمت فرموده و واگذارشده است که بباغ خود برده احتیاج به‌آب سایرقنوات نداشته باشد حال از قراریکه بعرض رسید مطالبه وجه پانزده لولهٔ‌آب را ازمشارالیه مینمایند باید پس از زیارت این حکم بدون مطالبهٔ وجه پانزده لوله آب را بجهت باغ عالیجاه یحیی خان داده بهیچوجه من‌الوجوه وجه مزبور را از او مطالبه ننموده و در عهده شناسند فی‌شهررمضان ۱۲٦۲.

= ۞ =

محل مهر

سجع مهر : بست چو ازصدق باولای علی‌عهد
گشت محمد علی به شاه ولیعهد – ۱۳۱٤

هوالله تعالی شأنه

حکم والا شد آنکه چون‌مراتب‌خدمتگذاری وجان‌نثاری‌مقرب‌الحضرة‌العلیه‌میرزا‌علی‌اکبرخان‌یاوردرپیشگاه‌حضورمبارك‌بمنصه‌ظهوررسیده لهذا نظربتصدیق نورچشم ارجمندکامگار ظفرالسلطنه امیرتومان رئیس کل قشون مملکت آذربایجان واستدعای جناب جلالتمآب رفیع‌الدوله حاکم دهخوارقان واسکو بصدوراین رقم قدرتوام اورا بدرجه سرهنگی افتخاری سرافراز وبین‌الاقران‌والامثال قرین مباهات وامتیاز فرمودیم که ازروی کمال صداقت بلوازم خدمتگذاری قیام و اقدام نماید مقرر آنکه معتمدوالسلطان لشکرنویسان‌عظام شرح رقم مبارك را ثبت وضبط نموده و درعهده شناسند .
۲۱ شهر شعبان ۱۳۱٦ .

=۞=

محل مهر

سجع مهر: الملك‌الله ولیعهد ۱۳۱٤

جناب امیرالامرأ العظام پرنس دادیان‌مفتش کل نظام به الطاف نامتناهی مستظهر ومباهی بوده بداند چون ازحسن خدمات و زحمات مجاهدانه شما خاطرمبارك بندگان اعلیحضرت قوی‌شوکت قدر قدرت اقدس شهریاری ارواحنافداه خوشنود وهمه وقت درخدمت ومراقبت‌اردوهای متعدده نظامی

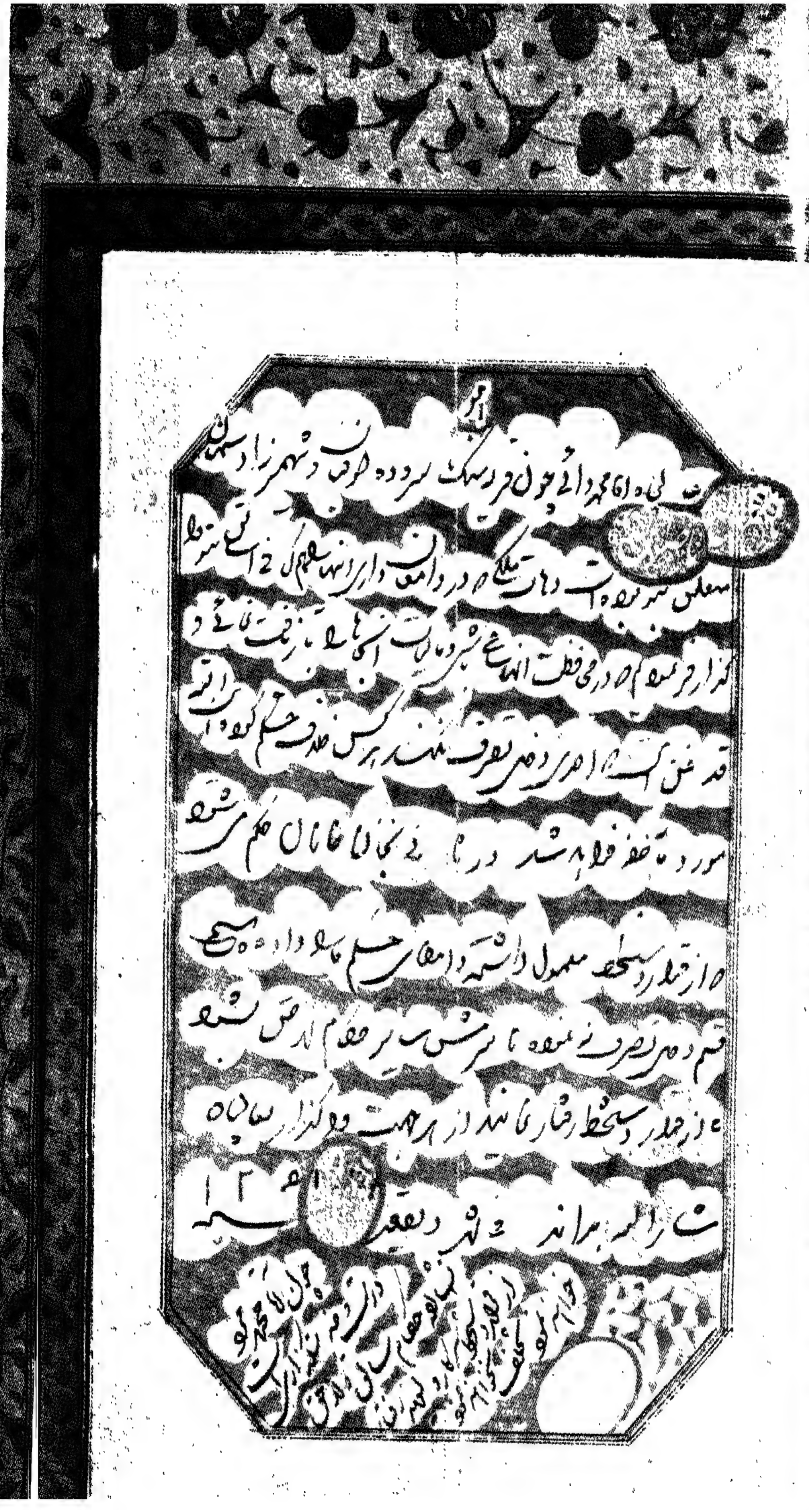

۱ـ فرمان ناصرالدین شاه قاجار و خط مهد علیا در زیر آن

درحاشیه مهرخصوصی بهمن میرزا با سجع : بهمن۱۲٤٥

در زیرمهر، خط بهمن میرزا ـ مقرر آنکه پیش از آنکه قنات مزبور بنواب جهانگیرمیرزا مرحمت شود این پانزده لوله آب به یحیی خان مرحمت شده است بایدمطالبه وجه نشود.

چند تلگراف تاریخی

از

عین الدوله

به

والی فارس

از:

سردار محمد کسمائی

« فوق لیسانسیه در تاریخ »

چند تلگراف تاریخی از عین‌الدوله

به

والی فارس

از

سرهنگ محمد کشمیری

(فوق لیسانسیه در تاریخ)

تلگرافاتی که اینک از نظر
وانندگان ارجمند می گذرد
جانب عبدالمجید میرزا ملقب
عین‌الدوله در سالهای ۱۳۲۳و
۱۳۲ هجری‌قمری به‌والی‌فارس
خابره شده‌است . بررسی دقیق
ن‌اسناد چگونگی نظم‌وامنیت،
موه زیست‌مردم ، تعدیات حکام
زورمندان ، اختلافات طبقاتی،
موه اخذ مالیات از مردم ، عدم
ستقرار امنیت در راهها ونقاط
رافتاده،قدرت‌یافتن روحانیون
موه صدور دستورات به حکام
لایات ، چگونگی وضع ارتش
ران ، حقوق سربازان قزاق ،
موه تفویض اختیار ، خط مشی
ر استانداران در مورد اداره
نان ، وضع عشایر ، چگونگی

۱۲۸۹ هجری قمری- دختر مظفرالدین میرزا رابزنی گرفت و داماد ولیعهد ایران گردید .

۱۳۰۷ هجری قمری - به حکومت شهرهای ارومیه (رضائیه) خوی، میانه و ساوجبلاغ منصوب شد .

۱۳۰۸ هجری قمری- به پیشنهاد ولیعهد، ناصرالدینشاه بوی لقب «عین الدوله» و درجه «امیر تومانی» داد .

۱۳۰۹ هجری قمری - بسمت پیشکاری ولایتعهد انتخاب گردید.

۱۳۱۴ هجری قمری - بعد از بسلطنت رسیدن مظفرالدینشاه شغل امیر آخوری را پذیرفت .

۱۳۱۴ هجری قمری - حاکم مازندران شد ولی بعد از مدت کوتاهی از کار کناره گرفت .

۱۳۱۶ هجری قمری - بحکومت تهران منصوب شد .

۱۳۱۷ هجری قمری - والی لرستان و خوزستان شد .

۱۳۱۸ هجری قمری - بطهران احضار گردید و مجددا حکومت این شهر بوی سپرده شد .

۱۳۲۱ هجری قمری - وزیر امور داخله گردید.

۱۳۲۱ هجری قمری - نخست وزیر ایران شد .

۱۳۲۳ هجری قمری - مظفرالدینشاه بوی لقب «اتابک اعظم» داد .

اداره گمرکات کشور و نبودن کنترل صحیحی درمرزها، ورودغیر مجازاسلحه و مهمات توسط سوداگران برای عشایر مملکت، وضع املاك، نحوه صدور دستورات به حکام ولایات وصدها موضوع دیگر را بخوبی آشکار مینماید و هربرگی ازآن به گوشه‌ای از اوضاع اجتماعی و اداری کشور ما درآغاز انقلاب مشروطیت روشنی‌ها می‌افکند، زیراورویدادهای واقعی را درآن‌زمان بخصوص‌بما نشان‌میدهد و در نتیجه‌قضاوت رابرپایه‌صحیحی استوار میسازد.

دراینجا ازآقای‌حسنعلی غفاری که‌این‌اسنادارزنده را دراختیارما گذارده‌اند سپاسگزاری مینمایدو قبل از درج آنهالازمست مختصری نیز دربارهٔزندگی عین‌الدوله، شخصی که قبل وبعد از مشروطیت چندین‌بار به نخست وزیری ایران رسیده‌است یاد شود. چون‌دراینجا مقصود بیان‌وقایع‌زندگی‌خصوصی وسیاسی‌عین‌الدوله نمی‌باشدلذا برای آشنائی‌بیشتر خوانندگان محترم‌شرح حال او فهرست‌وار بیان می‌شود.

کرونولوژی زندگی سلطان عبدالمجید میرزا ملقب بـه عین‌الدوله که بعداً نیزلقب اتابك اعظم‌بوی داده شد بقرار زیر است.

۱۲٦۱هجری قمری - درطهران متولد شد پدرش احمدمیرزا عضدالدوله پسرفتحعلیشاه قاجار میباشد در نتیجه وی‌نوه فتحعلیشاه است.

۱۲۸۱ هجری‌قمری - به‌آذربایجان رفت‌ودرآنجابه مظفرالدین‌میرزا که در آن‌زمان ولیعهد ایران بود معرفی شد.

۱ـ برای آگاهی بیشتر اززندگانی عین‌الدوله به کتاب عین‌الدوله ورژیم مشروطه نوشته آقای مهدی‌داودی مراجعه شود.

۱۳۳۹ هجری قمری - در کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ شمسی بازداشت و زندانی می‌شود ولی بعد از یك هفته آزاد شده و احمد شاه او را احضار و از او استمالت میکند .

۱۳۴۶ هجری قمری - بیمار و بستری گردیده و درمیگذرد و در جوار حضرت عبدالعظیم بخاك سپرده می‌شود .

در مورد انتخاب وزیر برای وزارت تجارت

بعموم حکام ولایات مخابره شود . چون امر وزارت تجارت بموجب حسن انتخاب ذات اقدس ملوکانه روحنافداه بحضرت مستطاب اشرف ارفع امجد اسعد والاسر کار شاهزاده حاجی سیف‌الدوله دام اجلاله واگذار گردیده حسب‌الامر اقدس اعلی ابلاغ میشود که از این تاریخ ببعد کلیه امـورات وزارت جلیله تجارت را به حضرت معزی‌الیه رجوع نموده برحسب اوامر مؤکد بندگان اعلی حضرت اقدس همایونی روحنافـداه نسبت بمأمورین و نمایندگان وزارت تجارت نهایت تقویت و محبت بعمل آورده اسباب پیشرفت مقاصد علیه شاهانه روحنافداه را از هرجهت فراهم ورجوع این کار رابحضرت معزی‌الیه بعموم تجار اعلام و ابلاغ نمایند . سلطان عبدالمجید .

در مورد انتخاب وزیر برای وزارت جنگ

حکام ولایات بغیرعنوان وروابط تلگراف شود . باقتضای توجهات تامه که همیشه ازجانب سنی‌الجوانب بندگان اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی روحنافداه درعمل نظام وترتیب این اداره قشون مبذول است دراین موقع که اراده علیه ملوکانه به‌تکمیل اصلاحات نظامی علاقه فرموده بحسن انتخـاب ملوکانه شغل وزارت جلیله جنگ را در کمال اقتدار و استقلال از افواج و سواره وقورخانه وتوپخانه وذخیره و مخزن واصطبل توپخانه واداره وزارت

۱۳۲٤هجری‌قمری- براثرفشارآزادیخواهان‌مجبور گردید که‌ازنخست‌وزیری استعفاء دهد .

۱۳۲٦ هجری‌قمری - بعد ازاینکه مدت دوسال‌درفریمان خراسان‌اقامت داشت توسط محمدعلیشاه بطهران‌احضاروو الی آذربایجان شد

۱۳۲۷ هجری قمری - بعدازنبرد شدید مجاهدین درآذربایجان مجبور گردید استعفاء دهد .

۱۳۲۹ هجری قمری - مجدداً بحکومت آذربایجان منصوب‌شد .

۱۳۳۱هجری‌قمری- درکابینه میرزا محمد علیخان علاءالسلطنه بسمت وزیر امور داخله منصوب میشود.

۱۳۳۲ هجری قمری - به‌نخست وزیری ایران‌میرسد .

۱۳۳۳هجری‌قمری- براثر استیضاحی که در مجلس انجام میشودمجبور می گردد بعداز هشت‌ماه صدارت ازکار کناره گیری کند .

۱۳۳٤ هجری قمری - در کابینه مستوفی‌الممالك باسمت وزیر مشاور بکار مشغول می‌شود .

۱۳۳٦ هجری قمری - مجدداً نخست‌وزیر میشود.

۱۳۳٦هجری‌قمری- ازکار کناره گیری میکند .

۱۳۳۷هجری‌قمری- بحکومت آذربایجان انتخاب‌میشودولی‌عملاً دراین مورد اقدامی نمی کند .

در مورد شورش بهبهان

جناب‌مستطاب اجل اکرم آقای وزیرمخصوص دام اقباله . دیشب‌برحسب تلگراف حاکم بهبهان شرحی بجناب مستطاب عالی تلگراف کردم ولی از قرار راپورت‌تلگرافی که امروزرسیده است‌معلوم میشود قتل‌نایب فوج‌فدوی واین اغتشاش بهبهان تمام ازسوء تدبیر حاکم قبل بوده وبه بهادر دیوانی و حسین قلیخان از تعدیات حکومت متظلم و در تلگرافخانه بستی شده‌اند . شهر بهبهان را بتوپ بسته وچند تیرشلیك کرده اهالی‌هم ازاین وحشت‌عموماً در تلگرافخانه متحصن هستند البته مطابق همین راپورت بجنابعالی هم اطلاع داده‌اند ومستحضر شده‌اید ، چون این حرکت حکومت بهبهان خیلی بیقاعده بوده‌لازمست بوصول این‌تلگراف اورا بشیرازاحضار کرده وتحقیقات لازمه بعمل آورده اهالی راهم اطمینان بدهید که بمنازل خودشان‌برگردند وبه بهادر دیوانی هم تلگراف کنید که مردم را ساکت نموده خودش مراقب نظم بهبهان باشد که اگر تا ورود حکومت جدید بی‌نظمی واقع شود شخص او مسئول خواهد بود . قاتل نایب فوج فدوی هم هرکس بوده است باید گرفتار وتحت‌الحفظ بشیراز فرستاده شود . تلگراف من باینجا رسیده بود که تلگراف رمز جنابعالی هم در این باب رسید . عطاءالدوله را که برای حکومت بهبهان مأمور کرده‌اید بسیار خوب بوده است . در امر مالیات هم البته مطمئن شده و ترتیبی داده‌اید که به‌بابت مالیات امسال وسال نو از هر جهت اطمینان حاصل باشد .

عظام‌الملك راهم‌خیلی زود بشیرازبخواهید وتحقیق کنید چه علت‌داشته است برای تظلمات رعیت این اغتشاش و حرکت بیقاعده از او بروز کرده فرضا اگررعیت‌شکایت داشته باشد فکرجلوگیری وشلیك توپ واین‌حرکات بی‌معنی چه بوده بهرحال باید مواخذه سخت ازعظام‌الملك بشود وهرتعدیکه ز او برعیت شده بایدبدون ملاحظه رسیدگی کرده تعدیات وارده رابرعیت

لشگر بعهده بندگان حضرت ذی شوکت اسعد ارفع افخم امجد اکرم والا شاهنشاهزاده اعظم آقای نایب السلطنه امیر کبیر وزیر جنگ مرحمت وواگذار فرمودند واین است برحسب امر قدر قدر مبارك ابلاغ میشود که از این تاریخ امورات نظامی کلیه وبلااستثناء رجوع بشخص حضرت مستطاب معظم دانسته کلیه مطالب راجع به قشون را حضور مبارك حضرت معظم عرض واظهار واین موهبت ملوکانه را به عموم طبقات نظام ابلاغ واعلام نمائید . سلطان عبدالمجید.

در مورد وارد نمودن اسلحه ومهمات وفروختن آنها به عشایر

جناب مستطاب اجل افخم آقای وزیر مخصوص دام اقباله . در ضمن اخبار تلگرافی بهبهان بعرض خاکپای مهر اعتلای مبارك اقدس ملوکانه روحنافداه رسید ، تجار آنجا از طرف بنادر معشور و رامهرمز درخفا تفنگ وفشنگ وارد کرده بالوار کوهکیلویه به قیمت گزاف فروخته درعوض روغن و گوسفند خریداری نموده به کویت وبحرین حمل کرده موجب گرانی روغن و گوشت شده است . حسب الامر اکیداً مقرر است که تفصیل این فقره چیست البته بحکومت بهبهان قدغن اکید نمائید جلوگیری از این حرکات تجار نموده نگذارند تفنگ و اسلحه وارد نمایند واز حمل روغن و گوسفند بخارجه هم ممانعت کرده تلگراف التزام بگیرید که دیگر روغن و گوسفند بخارجه حمل نکرده اسباب ترقی روغن و گوشت را فراهم نکنند ونتیجه اقدامات را در این باب اطلاع دهید .

بعرض برسد ، دراینجا هم باداره گمرك ابلاغ شد که بمباشرین گمرکی اینجا تلگراف نمایند مراقبت کامل در این باب نموده نگذارند اسلحه وارد شود واگر کسی وارد کرده باشد برحسب حکم کلیه ضبط نمائید.

سلطان عبدالمجید

(٦)

خودسری وشرارت اسماعیل‌خان دراین موضع برای اونتیجه خوب نخواهد داشت البته باید بهر کس مقرر میفرمائیدآنجا را واگذار نمایند . هرگاه اسماعیل‌خان مثل سایررعایای دشستان سرتمکین واطاعت پیش‌آورد ونزد صدیق‌الممالك برود و موافق دستورالعمل او دست از شرارت برداشته به‌کار رعیتی مشغول شود مورد مرحمت حضرت معظم‌له واقع خواهد شد و برای حضرت اقدس والاهم البته درهرنقطه مباشر متقن و کاردان باکفایت لازم است و از او همه طور نگاهداری بفرمایند و اگر باز بخیالات واهی تمرد مخالفت راموقوف نکندوازحضرت معظم‌له‌اظهار شکایتی‌شود صریحاً مینویسم بدریابیگی وصولت‌الدوله نوشته خواهد شد که جزای اورا بدهند و این مسئله راهم باید بداند که درمقابل تمرد وطغیان دولت ازهیچ گونه تنبیه و سیاست صرفنظر نخواهد کرد وجان و مال و هستی او کلیتاً در معرض خطر خواهد بود . همین تلگراف مرابامأمور مخصوص بفرستید به بیند و زودتر بطوریکه نوشته‌ام تکلیف خود رابداند وبیش ازاین بخیالات بی‌معنی‌اسباب زحمتی برای خود فراهم نکند . منتظرم که هر چه زودتر جنابعالی در این باب‌اقدام کرده‌نتیجه هرچه‌شداطلاع‌دهید که‌بعرض‌برسد . سلطان‌عبدالمجید

درمورد شکایت یکی ازاهالی فارس ودادن دستورات لازم برای‌رفع آن

جناب مستطاب اجل اکرم آقای وزیر مخصوص دام اقباله . شرحی که درمسئله حاج تقی‌دارابی بتوسط مستطاب اجل‌اکرم اقبال الدوله تلگراف کرده بودیددیدم دراین‌باب تلگرافی‌هم عطاءالسلطنه بحضرت مستطاب‌اشرف اسعد ارفع افخم والابندگان شاهنشاهزاده اعظم آقای شعاع السلطنه دامت شوکته عرض کرده است که عین‌آن رابجنابعالی می نویسم خانه‌زاد در این جهت معطل ومفتضح نفرمائید بااین ترتیبات که مشاهده میشود ابداً حضرت اقدس والا صاحب ملك نخواهید شد حاجی تقی دارابی را دیشب در شهر نصرالدوله گرفته و هزار چوب زده مغلولابداراب فرستاده صریحاً مانع از

مسترد دارید . در عمل عطاءالدوله هم چون حال او معلوم است بهتر این بود ترتیب صحیحی درعمل مالیات میدادید که یا بگرفتن ضامن معتبریافرستادن یکنفر مأمور مخصوص برای عمل مالیات اطمینان کامل حاصل شود و البته این نکته را از نظر وقت خلع نکنید . سلطان عبدالمجید

در مورد مراقبت از املاك

توسط نواب صفدرمیرزای عطاءالسلطنه . جناب مستطاب اجل اکرم افخم آقای وزیرمخصوص دام اقباله . مکرر درر عایت اداره و مراقبت املاك متعلقه بحضرت مستطاب اشرف ارفع امنع والاشاهزاده معظم آقای شعاع السلطنه دامت شوکته بجناب مستطابعالی تأکید وسفارش شده است بازهم توصیه میکنم که دراین منتخب میل باطنی من این است که توجه مخصوص داشته باشید و محظورات رارفع کرده خاطر مبارك ایشان راقرین آسایش واطمینان فرمایند . نواب صفدرمیرزاعطاء السلطنه که ازطرف حضرت معظم الیه دخیل و مأمور سرپرستی است باید موردمهربانی وهمراهی جناب مستطابعالی باشد و از مراتب نگرانی خاطرایشان رارفع فرمائید . چهار نفرقزاق هم به صفدرمیرزای عطاءالسلطنه بدهید که دربعضی کارها بااوهمراه باشند . سلطان عبدالمجید .

در مورد تصرف املاك توسط اسماعیل خان شبانکاره وشرارتهای او

جناب مستطاب اجل اکرم آقای وزیرمخصوص دام اقباله . از قراریکه بعرض خاکپای جواهرآسای اقدس ملوکانه روحنافداه رسیده اسمعیل خان شبانکاره بنای شرارت گذاشته وتابحال ملك شبانکاره را که بملکیت حضرت مستطاب اشرف ارفع اسعد افخم والاشاهنشاهزاده اعظم آقای شعاع السلطنه دامت شوکته واگذار شده است بتصرف کارگذاران حضرت معظم له نداده واین اوقات که باغضنفرالدوله مشغول زدوخورد شده است سیاق کارهای خالصه داده وفعلاملك طلق حضرت اقدس اشرف والاآقای شعاع السلطنه است . این

کنید که ترتیب این املاك بکلی تغییر ناپذیر ودرهر حکم وهرقرارداد این خالصه‌جات با سایر خالصه‌جات خریداری مردم حکم واحد خواهد داشت جناب اقبال الدوله هم تلگرافی کرده‌اند و مطلع خواهید شد سلطان عبدالمجید.

درمورد واگذاری اختیار برای پیشرفت امورایالتی

جناب مستطاب اجلا اکرم امجد آقای وزیرمخصوص دام اقباله. اگرچه شرح رضامندی خودم را از حسن اقدامات مکرر اظهار کرده‌ام ومیدانید با آن عالم محبت واتحاد تا صددرصد پیشرفت کار واستقلال جنابعالی را همیشه درمدنظر دارم باز تجدید مزید اطمینان خاطر شریف را درمساعدت وتقویت خود ومشمول مراحم ذات‌اقدس همایون ملوکانه روحنافداه لازم دیده‌اجمالا می‌نویسم و همانطور که ازبدو ورود بمقر ایالت تاکنون تمام رفتار واعمال خودتان را مطابق نیت مقدسه همایونی و دستورالعملهای حضوری من قرار داده‌اید بعد ازاینهم باید بـاکمال اطمینان واستظهار بمراحم دولت کارهـای خودمان رامرتب‌داشته و درنهایت استقلال هر کس‌را منشاء فساد بدانید تنبیه وتأدیب کرده درامورات محلی ووصول مالیات و ترتیبات صحیحه در مطلق کارهای ایالتی با امیدواری ودلگرمی تمام مشغول تکالیف خودتان باشید و مطمئنا بدانید که از جانب سنی‌الجوانب اقدس همایونی روحنا فداه وهم از طرف من اعلی درجه تقویت وهمراهی نسبت بجنابعالی مبذول خواهد شد و چون شخصا جنابعالی را طالب نظم و مایل پیشرفت خدمت دولت میدانم قطع دارم که دراین مأموریت باتقویتی که‌ازاین طرف کاملا بجنابعالی خواهد شدکارهای آنجارا بروجه صحیح منظم وازهرجهت درخاکپای جواهرآسای همایون روحنا فداه روسفیدخواهید بود. سلطان عبدالمجید.

تصرف املاك است وجناب وزیرهم ازهرجهت بااو همراهی میفرمایند دراین صورت خانه‌زاد کجابروم وچه طوربروم اجازه‌بفرمائیدبآستان مبارك‌شرفیاب شوم خانه‌زاد صفدر .

اگرچه دراین موارد هرچه جنابعالی‌بگوئید بیشتر ازراپورتهای دیگر محل اعتماد من‌است امادر صورتی که این‌واقعه مطابق همین راپورت عطاء ـ السلطنه باشد وبدخالت نصرالدوله این‌کار واقع شده باشد این‌مطلب‌باآنچه سابقاً بجنابعالی‌توصیه شده وباابتکاری که ازجنابعالی درنظم املاك‌وآسایش کسان حضرت معظم‌له دارم خیلی منافات دارد . بالفرض اگر حاجی تقی عرب هم باشد وباین عنوان‌نصرالدوله اورا محکوم تنبیه کرده است‌بازبسیار کار بی‌رویه بوده چرا که اولاً ممکن است این‌شخص سابقاً جزوایل عـرب بوده وحالا رعیت ملك خالصه شده است‌فقط باین عنوان تنبیه اوصحیح‌نبوده ثانیاً برفرض لزوم تنبیه صاحب حکم شما هستیدو نصرالدوله چرابایداینطور جرأت وجسارت کرده باشدو [ناخوانا] تأدیب‌اورا خودتان شخصاً یابوسیله عطاءالسلطنه میکردید‌بهتربودثالثاً درتفحص‌حال‌این‌قبیل اشخاص‌نصرالدوله ومردمان‌مغرض هرچه بگویند قابل‌تصدیق‌نیست‌باید جنابعالی تحقیق وتتبع کنید که‌یك همچو اقدام بی‌رویه که اسباب‌زحمت خودتان میشوداتفاق‌نیفتد. بهرحال چون جنابعالی راطالب آسایش کسان حضرت معظم‌له ویا خودم هم خیال میدانم اولا یك توجه دقیق ازجنابعالی بدون هیچ ملاحظات دورودراز میخواهم که جداً وحتما قرارآسایش‌خیال بندگان حضرت معظم که‌مستلزم رضای خاطرمن است بدهید ثانیا حاجی‌تقی راقدغن نمائید نصرالدوله بـه عطاء السلطنه تسلیم کند وطوری‌نشود که اسباب بهانه‌برای مباشرین حضرت معظم فراهم کرده و چون نصرالدوله دراین مقدمه کار صحیحی نکـرده و بودن او وسالارالسلطان‌باکمال مرافوق‌العاده بآنها متغیرخواهد کرد بوصول این تلگراف هردو را به‌طهران روانه کنید که بهیچوجه بودن‌آنها در فارس مقتضی‌نیست ودرکار املاك‌حضرت‌اقدس اشرف والاهم این‌مسئله‌را خاطرنشان

راهزنی وشرارت است دویست رأس گوسفند اهالی برازجانرا به غارت برده است ونیز درراه مابین شیراز وبوشهرتفنگچیان کنارتخته نهایت وبی‌اعتدالی را نسبت‌بقوافل‌وعابرین‌نموده وازخودتلگرافچی که‌از آنجا عبورمیکرده‌است وجهی مطالبه کرده‌اند و بزور یك پتو که هفت تومان قیمت داشته از او گرفته‌اند وهمچنین پانزده رأس قاطر مکاریان دوانی که بار برنج وانار داشته وجو حمل میکرده تفنگچیان ملامنصوردر کنار تخته گرفته بسرقت برده‌اند حسب‌الامر مقرر گردید که تفصیل این فقره چیست و چرا باید تفنگچیان این طور بامردم سلوك نمایند البته قاتل بازیاری حتماً دستگیر کرده علی‌باز را هم هرجا است حتما گرفتار کرده آنچه را که از مردم برده است مسترد وعاید داشته و از تفنگچیان کنارتخته هم مؤاخذه شدید نموده آنچه راهم که‌از قوافل‌وغیره گرفته‌اند استرداد نموده مرتکبین قتل وسرقت را هم محبوس داشته مراتب را اطلاع دهید بعرض برسد و حکم لازم درسیاست و تنبیه آنها صادرشود سلطان عبدالمجید .

درمورد سوء تفاهم علمای شیرازدرباره آمدن شعاع‌السلطنه

جناب مستطاب اجلا کرم امجد آقای وزیر مخصوص دام اقباله. حضرت اقدس اشرف ارفع والاآقای شعاع‌السلطنه دامت شوکته‌چندروز برای زیارت حضرت معصومه علیهاالسلام اجازه مرخصی خواسته روانه شده‌اند و این دو روزه مراجعت خواهند فرمود . حالا بعضی تلگراف‌ها از شیراز رسیده و معلوم شد آقایان علما وغیره تصور کرده از این حرکت ایشان برای مسافرت فارس بوده، اگرچه خود من‌تلگرافاً ازروی کمال تعجب این مسئله‌راتکذیب کرده‌ام باز لزوما بجنابعالی هم مینویسم این چه وضعی است که هر روزی این قبیل مطالب باید شنیده‌شود . وقتی که دولت فرمود حضرت والا بفارس نمی‌آیند که‌موقع این عناوین نیست دورست‌تصور کنید دیگر اینطورمطالب چقدر ازخاکپای‌مبارك [یك کلمه‌ناخوانا] است. البته جنابعالی‌هم به آقایان

درمورد رسیدگی به شکایت تعدادی ازاهالی

جناب مستطاب اجل اکرم افخم آقای وزیر مخصوص دام اقباله . مطابق صورتیکه‌عارضین کلاته کبودان انارك وعروسان چاه خشک‌داده وهمه‌روزه دردارالخلافه متظلمند قریب سه‌هزار تومان مال آنها را سارقین چهار راهی بسرقت‌برده و تا بحال استرداد نشده است مراتب از جناب جلالتمآب سردار فیروز تحقیق شد جواب دادند جزو اموالی کـه استرداد شده مال حضرات کلاته کبودان انـارك نبوده است و جناب جلالتمآب قوام الملك میگویند دورنیست جناب نصرالدوله درآنجا پرداخته‌باشد وعرض عارضین مزبوره این است که سارقین مزبوره فعلا درحبس جناب نصرالدوله و تمام هستی‌آنهارا خود نصرالدوله غارت کرده است. البته جنابعالی از نصرالدوله مطالبه کرده‌سند بخواهید اگر این مال را رد کرده وسند دردست دارد عین سند را گرفته باپست بفرستید والا زود اطلاع دهید و همچنین درباب هفده نفر شتر مسروقه حاجی محمد تقی مازاد که سارق احمد قلیخان عرب بوده و سه نفر از شترهای مزبوره استرداد شده و چهارده نفر آن باقی است اگر نصرالدوله سندی دارند که چهارده نفر آن را هم رد کرده باشند البته سند آنرا گرفته بفرستید والا مراتب را زود اطلاع دهید که صاحبان مال خیلی اسباب زحمت شده‌اند. سلطان عبدالمجید .

در مورد راهزنی درراه شیراز ، بوشهر

جناب مستطاب اجل اکرم افخم آقای وزیرمخصوص دام اقباله درضمن اخبارتلگرافی‌بعرض خاکپای جواهرآسای مبارك اقدس ملوکانه روحنافداه رسید یکنفر بازیاری را در یك فرسخی برازجان مقتول ساخته‌اند و ازقرار معلوم قاتل‌آقاخان پسر میرزاعلیخان ضابط سابق برازجان بوده‌است همچنین علی‌یار نام که از طایفه بابری برازجان وسالهااست که در کوه کیکان مشغول

مقدار کلی اموال آنهارا غارت کرده قلعه و برجهائی که محل مستحفظ بوده است تصرف کرده‌اند. وقوع این قضیه درخاکپای جواهر آسای مبارك محل تعجب گردید مقرر فرمودند چندی قبل هم کریمخان مرتکب این حرکات شده محل رستم راغارت کرده وچندنفررا هم بقتل رسانده بود که مقرر گردید حتماً او رادستگیر کرده بسزا برسانید حالاهم اینراپورت و تلگرافات رسیده است چه اقدامی دراین باب کرده‌اید البته سریعاً مأمورین مخصوص فرستاده اقدامات سریعه بعمل آورده حتما وبلاعذر کریم خان را دستگیر کرده آنچه را که از محل رستم بغارت برده است تمام و کمال گرفته رد کرده درخصوص مقتولین هم خون بست نموده دیه جراحات را گرفته رد کرده طایفه بویراحمدرا از خاك رستم ومحل مستحفظین خارج نموده عبدالرضاخان مباشررا که گرفته برده‌اند مستخلص ساخته تقویت لازم رادرحفظ نظم ممسنی بامشارالیه فرموده مستحفظی که برای آنجا مرسوم ومعمول است معین کرده دردستگیری کریم خان سعی وجهد بلیغ نموده نتیجه اقدامات را زود اطلاع دهید بعرض برسد.

سلطان عبدالمجید

در مورد حقوق و فوق‌العاده قزاقهای مأمور فارس

بتوسط قاسم آقای میرپنجه جناب مستطاب اجلا اکرم آقای وزیرمخصوص دام اقباله. ازقرار صورتی که کلنل فرمانده بریگاد قزاق داده‌اند مبلغ چهار هزارو چهارصدو پنجاه ویك تومان وسه هزار، از قرار تفصیل ذیل از بابت حقوق و فوق‌العاده ایلان‌ئیل سواره قزاق مأمور فارس مانده بوده هزارو صد هفتاد وپنج تومان دوقران فوق‌العاده ، دوهزار وصدوسی پنج تومان وهشت هزار کرایه هزاروصدو چهل تومان وسه هزارفیارو تاحال برسند غدغن فرمائید بطوریکه معین شده مبلغ مزبوررا تحویل قاسم آقای میرپنجه نموده هرفقره راقبض مهمور جداگانه دریافت دارنداز آن قرار [ناخوانا] سند خرج ازبابت اقساط فارس صادر خواهد شد. سلطان عبدالمجید .

علما مطلب را اظهار داشته بگوئید درتعهدات من کی تخلف دیده‌اند که حالا بحرف مردمان مغرض این مطالب را قابل اعتنا میدانند وخودشان را بی جهت بزحمت می‌اندازند بیش ازاین چه بگویم. سلطان‌عبدالمجید.

درمورد تفکیک کارهای مراجعه‌کنندگان

بعموم حکام ولایات با تغییر عنوان وروابط تلگراف شده. برحسب امر قدرقدر بندگان اعلیحضرت اقدس همایونی شاهنشاه ارواحنافداه محض آسایش عموم ارباب حقوق وعدم تعطیل‌وتأخیر رجوعات دفتری ابلاغ‌میشود که بعداز این کلیه امورات مرجوعه بدفترخانه مبارکه را از تظلمات ارباب حقوق وصورت حقوق‌متوفیات واستدعای برقراری‌درحق‌ورثه کلیتا بلااستثناء آنچه‌راجع بکشوریست مستقیماً بوزارت جلیله‌مالیه وآنچه راجع بلشگریست مستقیماً بوزارت جلیله جنگ اظهار وجواب را از وزارت‌مزبوره بخواهندو ترتیبی که مقرر شده است این دو روزه تحقیقات خودشان با اظهاریکه شده است راپورت میدهند وجواب از جانب سنی‌الجوانب همایون روحنافداه‌مقرر وابلاغ خواهد شدهمانطوریکه‌امرومقررشده‌است‌عموم مردم را از این‌ترتیب که برای سهولت صادر جواب وسرعت‌انجام حوائج‌آنها داده شده است‌مطلع ومستحضر دارند. سلطان عبدالمجید.

در مورد قتل وغارت اهالی نقش رستم ودستورات لازم برای استقرار نظم و امنیت

جناب مستطاب اجل اکرم افخم آقای وزیر مخصوص دام‌اقباله. از قرار راپورت تلگرافی که ازکازرون بعرض خاکپای جواهر آسای مبارك اقدس ملوکانه روحنا فداه رسیده وتلگرافات دیگر که بتوسط جناب معاون‌التجار ملاحظه شد شب نوزدهم محرم کریم‌خان بویراحمدی و اسدخان باوی با جمعیت زیاد بمحل‌رستم که جزو ممسنی است ریخته چهل نفر ازاهالی‌رستم راکشته وجمعی را زخمدار کرده وعبدالرضاخان مباشرآنجارا گرفته برده

افهام دیدم اینکه منتخبی‌از بابت پیشرفت‌کار خودتان و تقویت دولت‌اشاره و اشعار کرده بودید این اظهارات را جزو لزوم مایتلزم میدانم زیراشما از جانب دولت و نماینده دولت هستید خوب وبد ونظم وبی‌نظمی‌آنجا راجع بدولت‌است . درحفظ مقامات نظم وپیشرفت مقاصد ومنظورات مقدسه‌همه‌قسم تقویت و همراهی خواهدشد که جنابعالی بامنتهای قدرت و استقلال از عهده انجام واجرای تکالیف چاکری وولی‌نعمت پرستی خودتان برآئیدوموجبات نظم ولایت وآسایش‌عامه اهالی‌وامنیت‌مملکت را تدارك نمائید. قشون‌مأمور و متوقف فارس تمام درتحت حکم جنابعالی و امرنهی دولت خواهد بود و هر کس‌بخواهد ازحد خود قدمی‌خارج‌بگذارد در کمال سختی بایدمؤاخذه بفرمائید ملبوس‌هم‌موافق‌معمول‌سند ماضه بخرج‌آمده است وتفاوتی‌بهیچوجه نکرده است که محتاج بمذاکره باشد و البته تدارك بکنید حقوق قشون و خرج‌آمده کتابچه دستورالعمل است . گذشته از مقامات ایالت از طرف‌قرین اشرف‌اقدس همایون شاهنشاهی ارواحنافداه بیك مأموریت موقتی جنابعالی میرفتیدومخارجی که‌بخرج دستورالعمل‌آمده‌است هرتصرفات میکردیدابدا محتاج‌باظهار نبود چه‌رسدبحالا که همه‌درتحت اختیارخودتان است . چون تلگراف جنابعالی در مبارك‌آباد رسید ویکی ازمطالب جناب مستطاب اجل‌عالی‌بعرض خاکپای مبارك اقدس اعلی ارواحنافداه بود جواب آنرا بالضروره بعدزحمت خواهم داد . سلطان عبدالمجید .

دستورات لازم برای جلوگیری از اشرار

جناب‌مستطاب‌اجل‌اکرم‌آقای وزیرمخصوص‌دام اقباله . از قرارراپورتی که بعرض خاکپای مبارك رسیده این اوقات سارقین واشرارفارس بازبنای غارت‌وتاخت وتاز بحدود یزد گذاشته متعرض عابرین وقوافل میشوندواز جمله دوقافله را درحدود یزد زده وغارت کرده‌اند . تفنگچیهای مستحفظین

درمورد تشویق والی فارس بانجام وظایف محوله

جناب مستطاب اجل اکرم آقای وزیر مخصوص‌دام اقباله‌التعالی. ازقرار بعضی راپورت ها که میرسد جنابعالی در پاره موارد آنطوریکه لازم است بمقتضای شرایط انتظام‌امور وحفظ حدود رفتار نمیفرمائید. این‌است برحسب امر قدرقدرملوکانه اعلیحضرت قویشوکت‌اقدس‌همایون شاهنشاهی ارواحنا فداه زحمت میدهم ایالت جلیله مستقله فارس بجناب‌مستطاب عالی‌مفوض و واگذار استوباید باکمال قدرت وتسلطرفتار فرموده این‌تلگراف‌راهم‌بعموم علمای اعلام واشراف واعیان وطبقه نظام‌و کسبه‌وتجار وعامه اهالی‌فارس‌ارائه داده از ساعت وصول این‌تلگراف ببعد بایدبتکالیف‌فرمانفرمائی وایالت‌رفتار کرده در جزوو کل ارواحنا فداه که ولینعمت کل‌ومالك‌الرقاب همه هستند بجنابعالی‌افاضه‌شده‌است که هر کس ازحدودخودبخواهدسرموئی خارج‌شود اعم از طبقات نظامی و غیره در کمال سختی مؤاخذه و تنبیه کرده بلکه اخراج وتبعید بفرمائید وموجبات نظم مملکت وآسایش عامه اهالی ورعیت رابطوریکه مستلزم حصول مقاصدومنظوراست‌خاطر مهرمظاهر اقدس‌همایون شاهنشاهی ارواحنا فداه و تحصیل دعای ذات کامل‌الصفات مبارکست باید تدارك نمائید. یك قبضه شمشیرجواهر بافتخار جناب مستطاب‌اجل عالی مرحمت شد که برای‌مزیدافتخاروامیدواری‌جنابعالی‌خیلی‌زودفرستاده‌میشود و البته‌آن طوریکه شایسته مقام وکاردانی و ولی نعمت شناسی ونمك‌پرستی خودتان است‌از این‌تاریخ ببعد باید معمول داشته و تکالیف خودتان را در موجبات نظم‌وامنیت ووصول‌مالیات دیوان‌اعلی‌مجری‌ومعمول‌داشته وراپورت مطالب را کتبا وتلگرافا اطلاع‌بدهید. سلطان عبدالمجید.

در مورد اداره امور ایالت فارس

جناب مستطاب اجل‌اکرم وزیر مخصوص دام‌اقباله‌العالی. تلگرافهای حضوری‌جنابعالی‌رابجنابان‌مستطابان‌اجل‌اکرم‌آقای‌اقبال‌الدوله‌وسپهداردام-

مبارك اینطور شرفصدور یافت. جناب اشرف اتابك اعظم بوزیرمخصوص تلگراف نمائید چرا بایدغضنفرالسلطنه مرتکب این حرکات بشود اگرمابین خودشان اختلافی باشد نباید بدهات تعرض نمایند البته مؤاخذه سخت و جلوگیری از این فقرات نموده نگذارید بدهات اطراف خرابی و خسارت وارد نمایند و از مرتکبین شرارت تنبیه سخت نموده ، قرار صحیحی در اصلاح مابین داده نگذارید رشته فساد ونزاع امتداد پیدا نماید ونتیجه تحقیقات و اقدامات را زود اطلاع دهید بعرض برسد . سلطان عبدالمجید .

درمورد انتخاب وزیر داخله

خط فارس . بعموم حکام ولایات به تغییر عناوین تلگراف شود . چون برحسب اراده علیه همایون شاهنشاهی روحنافداه برای وزارت جلیله داخله انتخاب یك نفراز رجال محترم دولت لازم بود ، نظر بکمال اعتماد ذات اقدس ملوکانه بمرانب امانت و دولتخواهی جناب مستطاب اجلا اکرم حاج مجدالملك دام اقباله مطابق شرح دستخط انجم نقطه مبارك بشغل جلیل وزارت داخله مستقلا بعهده کفایت ایشان واگذار شده حسب الامراقدس اعلی باید عموماً جناب معزی الیه را باین سمت شناخته درمطالب مراجعه بداخله بایشان رجوع نمایند.
سلطان عبدالمجید .

دستورات لازم برای برگرداندن اموال مردم

جناب مستطاب اجلا اکرم افخم آقای وزیرمخصوص دام اقباله . تلگراف جناب مستطاب عالی درباب دوفقره اموال مسروقه یزدیها که سارقین آنهارا ازچهار-راهی و آدمهای ابوالحسن خان بواناتی بوده اند قرارداده اید درمقابل سه هزارو ششصد تومان سرقتی که شده است یکهزار ودویست تومان گرفته بوکیل صاحب

خاك یزد آنهارا تعاقب کرده اموال مسروقه را گرفته رد و یکنفر از تفنگچی‌ها را هم سارقین بضرب گلوله مقتول کرده‌اند حسب الامر اقدس اعلی زحمت میدهم در این باب باید جدا اقدام درجلوگیری سارقین و اشرار خیلی زود اهتمام کنید که دیگر برای آنها مجال این قبیل حرکت نباشد و نظایر این اتفاقات واقع شود و لازم است خیلی زود اقدام کنید که اعاده نظم آن حدود بروجه اکمل فراهم آید . سلطان عبدالمجید .

دستورات مظفرالدینشاه و عین‌الدوله برای جلوگیری از اغتشاش در نواحی فارس

جناب مستطاب اجلا اکرم افخم وزیر مخصوص دام اقباله . درضمن راپورت تلگرافی بعرض خاکپای جواهر آسای مبارك اقدس ملوکانه روحنافداه رسید بواسطه عداوتی که مابین اهالی برازجان و شبان کاره تولید شده است ،همه روزه طرفین درمقام قتل و غارت یکدیگر برآمده اسباب نزاع و آتش زدن دهات را فراهم مینمایند از جمله میرزا محمد غضنفرالسلطنه یکی ازدهات ابوابجمعی اسماعیل خان شبان کاره را غارت نموده و دوسه قریه دیگراز دهات ریزاده و شبان کاره راآتش زده است وهمچنین اسماعیل خان تفنچگی فرستاده یکی از دهات ریزاد را چاپیده یکنفر از پسرهای محمدخان منسوب غضنفرالسلطنه رادستگیر کرده مستعد نزاع وقتل وغارت هستند و برادر محمدخان وهشت نفر از اهالی شبان کاره ویکنفر از اهالی نظرآباد در میانه مقتول شده‌اند وفعلا ده و اطراف برازجان و شبان کاره در نهایت بی‌نظمی و اغتشاش است بطوریکه غلام تلگراف زیرخط تلگراف شبان کاره برای اصلاح هم نمیتواند برود. خود جناب مستطاب عالی هم شرحی دراین باب اظهار کرده بودید . دستخط انجم لفظ

اداره تلگرافی دولتی ایران

از طهران به تبریز

نمره	عدد کلمات	تاریخ اصل خطی			اطلاعات
		روز	ساعت	دقیقه	

عموم حکام ولایات نگارند چون امروز از وزارت کارگزاری جناب حسن الحق دارالسلام مرکاز رود خانه بحضرت سلطنت پناهی ارفع امجد اسعد والا حضرت شاهزاده محمد سیف الدوله دام اجلاله والاکذار کردند حضرت اقدس اعلی اطلاع مزبور که از این تاریخ بعد کلیه امور راجعه بوزارت جلیله کارگزاری آنجا بحضرت مشارالیه رجوع نموده رحمت اوامر ترکیه سنیه کان اعلی حضرت اقدس اقدسی شاهنشاهی روحنا فداه نیست تا مورد تمکین و تمشیه کان وزارت کارگزاری نهایت تقرب و حکمت بعمل آید لهذا مبشر مقاصد علیه نامه رود خانه را از مرحمت فرا نمیم و رجوع امکار را بحضرت مشارالیه عموم کارا علام و اعلام نمایند سلطان محمد امین

نمره تلگرافخانه	تاریخ ۱۳	شهر صفر	سنه ۱۳۲۳	گرفته شد

مال بدهید و بطور صلح این‌کاررا بگذرانید . درخصوص سرقت منتسب به آدمهای ابوالحسن‌خان هم مشغول تحقیقات بوده‌اند رسید و ازمراتب مطلع شدم این چه رعایتی است که درین روی فرموده بصلح واصلاح میخواهید مال کلی را درجزئی ختم‌نمائید . همین ملاحظاتست که مردم را بصدا میاورد مطابق عریضه تلگرافی که ازصاحبان مال بعرض رسیده‌است ابدا باین‌قرارداد راضی نیستند البته بدین ملاحظه مال آنها را تمام کمال گرفته رد کرده قبض رسید بگیرید وزیاده‌براین معطل نگذارید . یك فقره هم که دزد سرجهانی بوده وسابقاً بجنابعالی تلگراف کرده بودم چرا معطل گذاشته‌اید باید حتما بفرستید از مالك سرجهان بلاعذر گرفته تمام و کمال بعارضین رسانده قبض رسید گرفته نتیجه اقدامات را اطلاع دهید . سلطان عبدالمجید .

اداره تلگرافی دولتی علیه ایران

طهران

نمره	عده کلمات	تاریخ اصل مطلب			اطلاعات
		روز	ساعت	دقیقه	
۹۱ وارد	۱۷۰				

[illegible] جناب مجلل فخم آقای وزیر مختار دام اقباله دربین اخبار تلگرافی بهبهان نمره چاپی مهر اعتبار ایرانی برک انتی مرکانه روخانه لاسه تمار انمار طرف [illegible]
[illegible] رور مهر نمره روخانه لاک فشنگ دار دکرده ۵ لوار اراکیلو به قیمت گزاف فروخته روغن دکر نغمه خریداری نمفهه به کوپت دبحرین جمی کمپه موجب
[illegible] روغن دکر شت شرت جب لامراکیه امعررات که بتصدیق این نغمه چپت به بکرمت بهبهان قرغن اکیه نمایند جلوکیری از این حرکات تمار نمفهه نغمه ارزه
[illegible] و اسلحه دار دنمایند دار جمی روغن دکر نغمه تمار صه هم مخالفت نمفهه تکراف انترام بکنید که دیگر روغن دکر نغمه تمار جمی نمزده باب ترقی روغن دکوشت را
[illegible] نمسنده و نتیجه قرارات را در اینجناب اطلاع دهید عرض شد در اینجا هم باداره کمرک ابلاغ شده که بیشترین کمرکی اینجا مکلف نمایند مراقبات کامل در اینجا
[illegible] نغمه نمایند اسلحه وارد شود واگر یک وارد کرده باشد برحسب حکم کمیه ضبط نمایند سلطان عبد المجید

سیطه تلگرافخانه	بتاریخ ۲۳	شهر رمضان	سنه ۱۳۲۳	کرفته شد

از طهران

اداره تلگرافی دولت علیه ایران

به

نمره	عدد کلمات	تاریخ اصل مطلب			اطلاعات
		روز	ساعت	دقیقه	

حکام ولایات بعیز غوان و رابط کمتراف و بقضای ترجمات نمره هیئت از جانب سنی الجوانب نبه کان اعلیحضرت قدر قدرت همایون شاهنشاهی و خلد الله
در ظل نظام و ترتیب این ادارا فنون بسه دول است دراین مرتع کرارا و علیه ملوکانه به تکمید صلاحات نظامی علاوه فرمهه بحسن انتخاب ملوکانه شغل وزارت
جلیله جنگ را در کمال قهار و استقلال از افواج دولتی و قورخانه و توپخانه و ذخیره و مخزن و صحیه تر کانه دا دولتی وزارت لشکر بعهده به کان حضرت وزیر دولت
اعداد رفع مهمات لازمه اعظم اقای نایب الیطنه بهر کیر وزیر جنگ مرحمت و والاشان مشار الیه اعظم اقای نایب الیطنه بهر کیر وزیر جنگ مرحمت و والاشان مشار الیه
تاریخ اسرات نظامی کلیه و بلا استثنا رجوع بشخص حضرت سنب سنعظم دانسته کلیه مطالب راجع به فنون راجعه بحضرت سنعظم عرض و اظهار و این مرتبت ملوکانه
را بهر مطبعات نظام اعلان و اعلام نمایند سلطان عبد الحمید

بواسطه تلگرافخانه	تاریخ ۲۱	شهر رمضان	سنه ۱۳۲۳	گرفته شد

اداره تلگرافی دولت علیه ایران

از طهران به قزوین

نمره	عدد کلمات	تاریخ اصل مطلب			اطلاعات
		روز	ساعت	دقیقه	
نمره ۳۱۱					

بهمان نمره کمانه بسمارجب نمره ۳۱۱ در ۱۳ ساعت بعد از ظهر که لفافه آن بسمارجب نمره ۳۱۱ در ۱۳ ساعت بعد از ظهر که لفافه آن سربسته بود رسید مضمون تلگراف را فهمیدیم و بعد از ظهر دیروز که ۱۲ ساعت بعد از ظهر

اداره تلگرافی دولتی ایران

از طهران به شیراز

نمره	عده کلمات	تاریخ اصل مطلب			اطلاعات
		روز	ساعت	دقیقه	
مرسله					

جناب مستطاب اجلی اکرم آقای حاجی میرزا [illegible] دامت برکاته

دستخط مبارک صادره شرف صدور یافته بود بطبق مقرر خاکم بهمان شروح بجناب مستطاب عالی

معروف گردد ولی از قرار راپورت مدرسه [illegible] در رسیدن معلوم میشود قهر نموده و بدیوان خانه

بهمان نهج اول نرفته مقرر است که همین نصه دوم بهادر و یکنفر حسین قلیان از طرف حکومت بمنزل و در همان

نهج بهمان مرتبه دوم حکم کنند که اگر تمکین نکرد آنها هم از همان حدود عمارت در همان نهج بمنزل

راپورت بدهند ایام اطلاع و لفظا هم بگویند که حسب الامر حکومت تهران چنین مقرر شده لدی الورود

بر صدر این معروف اگر بسیار خصر کند و کمتقت ندارد بعد از سه مرتبه که بمنازل خود رفتند

بگویند دو نفر بهادر دیگر هم معرفی کنند که مردم را بگیرند حرکت بر خلاف تمکین بهمان نهج

حکومت عمل دارد و اگر باز تمرد نماید بهمان نهج عمل نمایند و بدون تمکین مطلقا

شیراز و سایر بلوک معروف [illegible] در هر جا که ایام در راه [illegible] عطا الدوله را که الحال

بواسطه تلگرافخانه | بتاریخ | شهر | سنه ۱۳۲۳ | کرفته شد

اداره تلگرافی دولت علیه ایران

از طهران به شیراز

نمره	عدد کلمات	تاریخ اصل مطلب			اطلاعات
		روز	ساعت	دقیقه	
۱۴	۳۲۶				

جناب مستطاب امجدی اکرمی آقای [illegible] در خصوص دام اقباله از قرار [illegible] که بعرض حکام جواهر آسای قدس مکارم رسانیده [illegible] اعظم [illegible] شان کارگزاری شیراز [illegible] و کمال ملک شان کار در [illegible] حضرت مستطاب اشرف ارفع اکرم افخم [illegible] [illegible] [illegible]

نمره	عدد کلمات	تاریخ اصل مطلب			اطلاعات
		روز	ساعت	دقیقه	
۱۵	۱۴۴				

توسط پست صفحه سریر اعظم السلطنه جناب سلطنت مآب اکرم افخم اقدس ارزحضور دام اقباله مقرر در رعایت اوامر
و مراقبت املاک متصفه بحضرت سلطنت اشرف ارفع امنع والاتبار سریر اعظم افخم اشجع السلطنه دامت شوکته که بحمایت سلطنت
تاجه و تخت و تقویت دولت ابد مدت قیام و اقدام دارند توصیه نمایم که در راه سخت نهضتی در این باب که وضع مخصوص دارد
خاطر مبارک ایشان را قرین آسایش و اطمینان فرمایند لازم است صفحه سریر اعظم السلطنه که از طرف حضرت سلطنت مآب
و مورد مرحمت بی پایان است بهر وسیله که ممکن باشد از مراحم خاطر ایشان را راضی و مهیا نگاهدارند
صفحه سریر اعظم السلطنه بداند که در قبض کار ما اگر بمرتبه سلطنت عظمی الحمد

توسط پست تلگرافخانه	تاریخ ۴	شهر رمضان	سنه ۱۳۲۶	گرفته شد

از طهران

اداره تلگرافی دولتی علیه ایران

به

نمره	عده کلمات	تاریخ اصل مطلب			اطلاعات
		روز	ساعت	دقیقه	
وارد شد					

جناب مستطاب اجل اکرم امجدی ذخر محترم دام اقباله شرحی که در مسئله حاج نقی دارابی نوشته بودند جناب مستطاب عمدة الاسلام حاج میرزا ابراهیم خان ادام الله تعالی توقیر دیدم و در جواب مکرر بعرض رسانیدم و اظهار عطای انعطاف بحضرت مقتدای اسلام روحنا فداه فرمودند که ما هیچ نوع اعتراضی نداریم و نداشتیم و نداریم و همچه متصور و منتظر نبودیم که ما این قسم تقاضا بنماید و این قسم تعرضات نمایند و اگر حضرات تجار و اصناف ملک نخواهند حاج نقی دارابی را رئیس بدانند و بشهر نفرستند ما را چه ضرر دارد و ما را چه اعتراض است و چه تعرض و هم از ایشان مسموع شد که ما از حضرت آقا دعا گوئیم و از ایشان هیچ نمیخواهیم و هیچ نمیطلبیم و هیچ نمیخواهیم و هیچ نمیگوئیم و هیچ نمیشنویم و هیچ نمیدانیم و هیچ نمیفهمیم و هیچ نمیدانیم و هیچ نمیفهمیم و هیچ نمیدانیم و هیچ نمیفهمی

اداره تلگرافی دولت علیه ایران

از طهران به

نمره	عدد کلمات	تاریخ اصل خطاب			اطلاعات
		دوم	ساعت	دقیقه	
نمره ۱۴					

صرفاً مطلب است رسیده وصول آن را دانسته خواهشمند که فیمابین او را با همسایه ها بهم نرسانیده که در مقام مخاصمه برآید
دیگر از ایام گذشته بسبب صرف نظر نموده خواهش کرده و چون مال دشمن او گفته در شرع خطر خواهد بود این تکلیف را
با مرور مخصوص نفرستاده در فور بطوریکه دانسته ام تکلیف خود را داده و من از این بابت بی اطلاع و بی آب زحمت
کسی خود را ندهد که مطلع باشد که هر چه زودتر جواب در این باب اقدام کند نتیجه بزودی اطلاع دهد که بعرض
سلطان عالم السلطنه برسد

بواسطه تلگرافخانه | تاریخ ۴ | شهر ربیع الثانی | سنه ۱۳۲۴ | گرفته شد

اداره تلگرافات و تلفن دولتی ایران

از طهران به شیراز

نمره	عدد کلمات	تاریخ اصل مطلب			اطلاعات
		روز	ساعت	دقیقه	
۸۸	۲۵۰				

حضرت سعادت و نقابت حقوق نمی‌دانم چه قدر در حضور دارم که به اکرمه شرح رضایت حضور را از حسن اقدامات جنابعالی مکرر اظهار کرده‌اند و ان عالم حکمت و اتقان دانسته در مجلس شورای ملی استعلال حضرت عالی را اسباب دوام نظم دانسته و مکرر می‌گفتند که هر مرتبه طهران مصطر شریف آوری ساعدت و نقابت حقوق نمی‌دانم چه قدر در حضور دارم که به اکرمه شرح رضایت حضور را از حسن اقدامات جنابعالی مکرر اظهار کرده‌اند و ان عالم حکمت و اتقان دانسته در مجلس شورای ملی استعلال حضرت عالی را اسباب دوام نظم دانسته و مکرر می‌گفتند که هر مرتبه طهران مصطر شریف آوری ساعدت و نقابت حقوق نمی‌دانم چه قدر در حضور دارم که به اکرمه شرح رضایت حضور را از حسن اقدامات جنابعالی مکرر اظهار کرده‌اند و ان عالم حکمت و اتقان دانسته در مجلس شورای ملی استعلال حضرت عالی را اسباب دوام نظم دانسته و مکرر می‌گفتند که هر مرتبه طهران مصطر شریف آوری

بواسطه تلگرافخانه | بتاریخ ۱۸ | شهر ربیع الثانی | سنه ۱۳۲۴ | گرفته شد

۲

جواب دارد

اداره تلگرافی دولت علیه ایران

به

از طهران

نمره	عدد کلمات	تاریخ اصل مطلب			اطلاعات
		روز	ساعت	دقیقه	
لفه حواله					

آنچه در مقام تعریف و در کار است که حضرت اقدس شوکت مآب عالم مهم این مسئله را خاطرنشان کنیم که ترتیب این معامله بکلی تغییر نماید و در هر حکم و هر قرارداد این خلاصه مذکرات

بمنزله خلاصه ثبت خواهد بود و حکم دارد خلاصه خواهد شد جناب قبال الدوله که مترجم کمپانی لنج و مطلع خواهد شد سلطان الحمید

بواسطه تلگرافخانه	بتاریخ	شهر	سنه ۱۳۲۴	گرفته شد

از

اداره تلگرافی دولت علیه ایران

نمره	عدد کلمات	تاریخ اصل مطلب			اظلاعات
		روز	ساعت	دقیقه	
۳۲	۲۲۰				

خدمت مطلب امیر اکرم افخم ادام الله اقباله اظهرار ارادت تمام دارد در کار زرد بی غرض عالی حرارت ایشان کمال محبت
مرکار را دارد چنانچه رسیده و تفصیلات تلگرافی مرقوم داشته بودند حضرت اجل اکرم اعظم ادام الله اقباله از روز ورود
راه بمهر ریم که خبر بمهنی آن رسیده چهل نفر از آدمهای ایشان را فرستاده و جمعی را خبر کرده و عده از رعایای
کل احوال اظهار اعانت کرده بودند درج نامه عهد مضمون بود استحضار کرده و دفع این فتنه را از رعایای
سارک عهد نصب کرده بودند در مرده خبر قتل عهد کریم خان سرتیپ ایجرگان شنیده عهد ریم را اعانت کرده و خبر تقرر
تفصیل رسانده بود که سفر کرده جهنا اورا و سفر کرده بمهر ارسانده و الزام این امورات بمهرات سپرده بود همه را
امر اب کرده بمهر ریم و عهد ریم خصوص در رسانده اقدامات سریعه بعمل آمده جهناد عهد کریم خان را و سفر کرده که
را عهد ریم تعاقب بعمل آمده تمام و کمال کرده رود که در خصوص سفر کرده هم خبر ثانی مفصله درج خواهد شد

بواسطه تلگرافخانه	بتاریخ	شهر صفر	سنه ۱۳۲۴	گرفته شد

اداره تلگرافی دولت علیه ایران

از [illegible] به [illegible]

نمره	عدد کلمات	تاریخ اصل مطلب			اطلاعات
		روز	ساعت	دقیقه	
نمره ۶۶					

[illegible] مرقوم [illegible] که از این طرف [illegible] عالی [illegible] کارهای [illegible] صحیح منظم دارد [illegible]

[illegible]

بواسطه تلگرافخانه | تاریخ [illegible] | شهر [illegible] | سنه ۱۳۲۰ | گرفته شد

از طهران — آئینه تلگرافی دولت علیه ایران — به شیراز

نمره	عدد کلمات	تاریخ اصل مطلب			اطلاعات
		روز	ساعت	دقیقه	

جناب مستطاب اجل اکرم امجد افخم ارفع حضرت اقدس نصرت ارفع والا آقا شیخ السلطنه دام اقباله

چه روز را از زیارت خصرت معظم الیها السلام الاقدس محروم خواهد بود امروز تمام روز را بحمد الله

صاحب تلگراف اخیر از رسیدن مقرم السلام آن علما خبر بطور کلیه از ما مرکت آنها را مناسب

بعضه اگر چه حرف تهمت آنها را در این حال تحت الشعاع کلام ما نزدیک بحالی ما میدانیم این

این قبیل مطالب نشده بود لیکن چون قرار مرحمت والا بر این شده که هر مرتبه این عناوین

مقصر نباشد امر مطاع خصرت اقدس ملوکانه است که حالا هم با آقایان علما مطالب را اظهار

در مقام استرضای کلی باشد اگر چه حالا تحریک سردار این مطالب را قابل عنوان نمیداند

برحمت میدارد از این قبیل

بواسطهٔ تلگرافخانه — تاریخ — شهر — سنه ۱۳۲۴ — گرفته شد

اداره تلگرافی دولت علیه ایران

به شرور

از طهران

نمره	عدد کلمات	تاریخ اصل مطلب			اطلاعات
		روز	ساعت	دقیقه	
۳۴	۲۶۰				

جناب مستطاب اجل اکرم افخم اقای وزیر مختص دام اقباله در ضمن اخبار تلگرافی بعرض عالی رسیده که عدهٔ از مرتکبین قتل مرحوم حاج آقا محسن مجتهد را در یکفرسخی شهرزان مقتدر شاهنه نموده قرار معلوم قاتل حاج آقا محسن پسر رضا علیخان صاحب منصب سابق بوده و برادران او بهمراهی پسر حاج آقا محسن علی یارنام که از طایفهٔ یاری بوده اند و سالهاست در لکه کنیکان مشغول راهزنی و شرارت بوده اند اگر چه اغلب از برادران و اقارب مهمه قتل را منکرند و لیکن از قرائن حکم نهایت و یا عمده از آنها بقوهٔ قهریه و مقاربین بنفعه و از خود تلگرافچی که از انجا عبور میکرده و جمعی مطالبه کرده اند و برزور یک پوتکه بنجاقان قیمت داشته از او گرفته اند و همچنین با نفر دیگر مکاری که دو الاغ بار برنج و فارد داشته و جمعی دزد قلچماق مسلح در کنار بحره او را مقرر کرده اند تفصیل این فقره غیبت و جرا با قلچماقان این طرف مردم مسلح نمانده اند که قاتل حاج آقا محسن را دستگیر کرده علی یارنام هر جا که فرار کرده نمانده او را هم بهمان ترتیب دستگیر و عاید داشته از قلچماقان کنار بحره هم مرخص شده اند همچنانکه از اوراق هویدا میشود که از قوهٔ قهریه گرفته اند بعضی مرتکبین قتل در تحت اقدام محبوس داشته مراتب را اطلاع داده بعرض برسد و حکم لازم در اینباب و نقشه انها صادر شود سلطان عبد المجید

بواسطهٔ تلگرافخانهٔ | بتاریخ ۱۶ | شهر رجب | سنه ۱۳۲۴ | کرمانشاه

از

به

نمره	عدد کلمات	تاریخ اصل مطلب	اطلاعات
۹۱		روز / ساعت / دقیقه	

[illegible] جناب مطاب [illegible] عرض [illegible] کلانتر کبروان [illegible] جناب [illegible] [illegible] [illegible]

ادارهٔ تلگراف دولتی و علیهٔ ایران

به سرّاز

از طهران

نمره	عدد کلمات	تاریخ اصل مطلب			اطلاعات
		روز	ساعت	دقیقه	

نسخه حضرت

خدمت مستطاب اهی اکرم آقا دور گفتگوی واقع شد آقا فرمودند بعضی از امور تعطیل است چنانچه در باره سوادان طرح عهد
لازم است منتظر بعد معلوم امور بضبط شود در این صورت ترجمه این است ترجمه فرمان همایون حضرت
قدرتمکاه اعلی حضرت
قدرتمکاه اقدس شاهنشاهی ارواحنا فداه بر حسب عریضه عالیه حضرت مستطاب اجل اکرم آقای
دام اقباله و تقاضای ایشان مقرر فرمودند که در مدت توقف ایشان در دارالخلافه طهران
بمقام صدارت و نیابت سلطنت و ریاست وزراء منصوب باشند و علماء اعلام و اشراف و اعیان و طبقه نظام و
بازار و عامه اهالی پایتخت و حومه این مرحمت و انعطاف را بحضرت مستطاب ایشان دانسته
که در ضرورتها و اوقات لازمه و در مواقع تعسر بایشان مراجعه نمایند و بدستخط مبارک
طرف قرین الشرف اقدس اعلی ارواحنا فداه که دالت بر دوام این مرحمت و انعطاف
افاضه شده است که مرکز ارضه و حرز بحکام سر حدی و ثغور اعم از طبقات نظام

بواسطه تلگرافخانه	بتاریخ ۱۵	شهر صفر	سنه ۱۳۲۴	کرفه محمد

اداره تلگرافی وارعلیه ایران

به

از طهران

نمره	عدد کلمات	تاریخ اصل مطلب			اطلاعات
		روز	ساعت	دقیقه	
۶۷					

توسط قاسم قلی سیرنچه جناب مستطاب اجل اکرم قلی زرین مخرص دام فضله از قرار صریر یک که کلمه زمانه بیکاد و فراق و الفاظ سبع هزار چهار صد و پنجاه و یک قران و ده هزار از قرار فصیح و نیز از بابت حقوق و فروق الفاظ اجلای سیرقاق و سر قاشر مانده بیست هزار صد و پنجاه قران و فروق الفاظ دو هزار صد و پنجاه قران که جمعا شصت هزار و یکصد و پنجاه قران شد هزار و تماما از سینه غدر عن فی نایه البوری که سین شده سبع مزبور را تحویل قاسم قلی سیرنچه نموده قبض محمد رضا کانه دیناف للفظ از آن قرار بقا سند فرخ فلاب اف فارس صادر خواهشمند اطمینان بعمل آید

بواسطه تلگرافخانه | بتاریخ ۱۳ | شهر صفر | سنه ۱۳۲۴ | گرفته شد

اداره تلگرافی ولایتی

از همدان به

نمره	عدد کلمات	تاریخ اصل مطلب			اطلاعات
		روز	ساعت	دقیقه	
نمره ۳۲					

کرمانشاه رایگان نمره برای احمد را از طرف سیم محمد تخصص خرج نمره عمه الرضا سلام برسانید کرمانشاه بقیه امر متکفل خانه تلگراف تلگرام
در خصوص مسئله رایگان نمره تخصص که برای ایام مرسوم میشود سبب کمه در شکستری کریم خان سر و جهد بلیغ نمره تخصیص
اداره تلگراف را نموده اطلاع دهید تا عرض برسد سلطان عمه السلام

بواسطه تلگرافخانه | بتاریخ ۱ | شهر صفر | سنه ۱۳۲۰ | گرفته شد

از طهران — اداره تلگرافات دولت علیه ایران — به سرار

نمره	عدد کلمات	تاریخ اصل مطلب			اتلاعات
		روز	ساعت	دقیقه	
۹۱ وصلی	۲۷۰				

خاک مقتدای انام الکرام المحترم دام ظله العالی بعرض خاکپای حضرات عالیات میرساند که بعرض خاکپای مبارک رسانیده بود که بطریق عداوت مکه اهالی برازجان و دشتستان کاری کرده بودند که هر روزه طرفین مقتول میدادند و بعرض رسیده بود که بواسطه

از تهران — اداره تلگرافی دولتی و دولتعلیه ایران — به شهر

نمره	عده کلمات	تاریخ اصل مطلب			اتلافات
		روز	ساعت	دقیقه	
از تهران					

عموم حکام ولایات بتغییر عنوان در ربط مکتوب مرقوم

حسب الامر قدرقدرت همایون اعلیحضرت اقدس ارواحنا فداه مراتب اخذ و اعطای تلگرافات بمحض تنزل عموم ارباب حقوق و عدم تعلق و تاخیر در حرکات تلگرافی اطلاع میدهد که امورات جمه مرقوم عنایت کرده از تلگرافات ارباب حقوق و صدور حقوق متوقفات دستخط شرفصدور و حین ورود کلیه بلا استثنا الخبر راجع بگمرکات مقصد لوزارت صنعه والخبر راجع بگمرکات مقصد لوزارت جلیله تمام امورات مرقومه را لوزارت مزبوره داده و در عین که مقرر است اخذ و اعطای تلگرافات خصوصیان با اجازه کتبی لوزارت مزبوره بوده باشد و حسب الامر اقدس همایون رجاله که مقرر و اطلاع حرارت باشد بطوریکه امر و مقرر است عموم مردم را از اخذ و اعطای تلگرافات بی اجازه کتبی لوزارت مزبوره ممنوع دارند و تخلف نکنند

بواسطه تلگرافخانه	بتاریخ ۴	شهر صفر	سنه ۱۳۲۴	گرفته شد

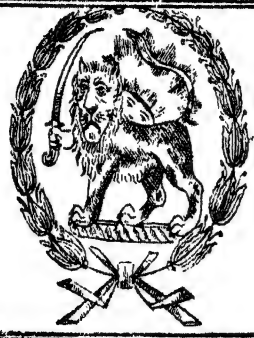

۲

از طهران — اداره تلگرافی دولت علیه ایران — سرّ

نمره	عدد کلمات	تاریخ اصل مطلب			اطلاعات
		روز	ساعت	دقیقه	
بقیه حضوری					

است چون مکرّف جنابعالی در بارک آباد رسیده دیگی از مطالب جناب مطلب اصلاً محتاج بعرض گاهی مبارک اقدس اعلی ارواحنا فداه نبود جواب آن را بالضروره بعد خدمت خواهم داد سلطان عبد المجید

بواسطه تلگرافخانه — تاریخ ۱۵ — شهر صفر — سنه ۱۲۷۴ — گرفته شد

اداره تلگرافی دولت علیه ایران

از طهران

نمره	کلمات	تاریخ اصل مطلب			اطلاعات
		روز	ساعت	دقیقه	
لدی حضوری					

جناب مستطاب اصیل اکرم دررجحفرمان دام اقباله الی الملک العلی حضوری جنابان مستطاب امین اکرم نمای قبل الله وکله و سپهدار دام اقبالهم دیدم اینکه فتحی از بابت مشیرف کارخانجات و تقویت دولت اشاره و اشعار کرده بودید باین اظهارات راجز دلزدم تا تیزم میدانم زیرا شما از جانب دولت و نماینده دولت بید حزب و بد و نظم و نظمی که راجع بدولت است در خط منافع نظم و مشیرف مقاصد و نظرات مقدسه همه قسم تقویت و همراهی خواهید کرد جنابان بهشایی فرمانفرما و استقلال الدوله انجام و اجرای تکالیف حاکمی و ولی نعمت پرستی خودتان را آینده و برحسب نظم ولایت و آسایش عامه ایالت و رعیت مملکت را ندارک نمایید قشون مامور و متوقف فارس تمام در تحت حکم جنابان والا مرهی ولایت خواهد بود و هر کس بخواهد از حد خود قدمی خارج گذارد و در حال سختی باید مراتب را بعرض برسانند و ما فوق معهذا نه فقط بخرج آنجا نفاقی نمیشود که محتاج بتذکره باشد و البته تدارک کنید حقوق قشون و خرج آنجا که بسرکار اعلیحضرت گذشته از منافع ایالت از طرف قرین الشرف اقدس همایون شاهنشاهی ارواحنا فداه بانک استرداد مرقوم خواهد شد و مقارن رجوع بخرج کتابچه و شرح اجمالی آنجا هر تصرفات بکنید و بدانید محتاج باظهار نیست و چه رسد بحالاکه همه در تحت اختیار خودتان

بنو امضاء ملکرا فخانه	بتاریخ ۱۵	شهر صفر	سنه ۱۳۲۴	کرفته شد

اداره تلگرافی دولت علیه ایران

از ... به ...

نمره	عدد کلمات	تاریخ اصل ملفوظ			اضافات
		روز	ساعت	دقیقه	

وغیره در حال سکر نوشته و نسخه کلیه افراج و نسخه بقرمه و در جواب نظم حکمت و آنچه عمده نامه
در عین آن طور که مسلوم مقصد و مطلب خاطر مهر اقدس همایون بنام ارادت نامه
وعده وفا بالتماس مبارک نسخه بک نسخه تسخیر جواهر با اقسام حیات سلطان
حرمت بر آنکه مرقوم کلک دلجوی حضرت عالی حسن رفو نسخه منور بنسبت ان طرز که نسخه مقام و کار
دولی نعمت نسخه و بهت بر سبیل حقوق است از این رو بی مقدمه نسخه و تکلیف فرضه حقیقی را
بر حسب نظم و انشا دو نسخه دیوان اعلی محرر و مرسول داشته و در امورات مطالب را تکلیف نموده
بر سبیل اعجاز محمد

بواسطه تلگرافخانه | تاریخ ۱۵ | شهر صفر | سنه ۱۳۲۰ | گرفته شد

از مهران — از آستانه ملکزادی دام ظله العالی — به مرار

نمره	عدد کلمات	تاریخ اصل خط			اطلاعات
		روز	ساعت	دقیقه	
۴۴					

خاک پای امیر اکرم افخم ارفع دام اقباله شرف عتبه بوسی حاصل نموده بعرض میرساند
[illegible] بنده [illegible] بنده [illegible]
[illegible] بنده [illegible] بنده [illegible]
[illegible] بنده [illegible] بنده [illegible]

اداره کل تلگرافی دولت علیه ایران

از طهران به

نمره	عدد کلمات	تاریخ اصل مطلب			اطلاعات
		روز	ساعت	دقیقه	
۹۹	۱۰۰				

خط فارس بعموم تلگرام و اطلاعات به تغییر عناوین بتکراف شود چون بر جناب اجله علیه همایون شاهی روحنا فداه برای اهدای جعبه و خلعه انتخاب نمیشد لذا حال محترم دولت لازم بود بنظر بکمال افتخار ذات اقدس ملوکانه برتبت امانت مسدود نمودم جناب نقیب السادات حاج سید عبدالله دام اقباله بطهران شرح و نخط انجم نقط مبارک شعبی عهدی وزارت جلیله متقلد مهد کفایت ثبان و اکنداری جناب الامراء العظام اعنی باید عموماً جناب

مشیر الیه را باین سمت شناخته در مطالب راجعه بدایره بایشان رجوع نمایند سلطان علیه المجید

بواسطه تلگرافخانه	بتاریخ ۲۲	شهر صفر	سنه ۱۳۲۴	گرفته شد

اداره تلگرافی دولت علیه ایران

از [illegible] به [illegible]

نمره	عدد کلمات	تاریخ اصل خط			اطلاعات
		روز	ساعت	دقیقه	

بخدمت شریف مظفر شرف صدور یافت جناب اشرف آقای اعظم وزیر محاسبات شرف اهمیت حاصل نمایند عطف
مرقوم ایلخانی کات نمره ۱۰۷ دایر باین خصوص که در باب مطالبات تعرض نموده بودند نسبه بموقع تحقیق و تدقیق
از مفوضات سفارت علیه مذکوره در مطالبات طرف فرنگ و خارجه وارد آمده و از کتابهای نمره ۱۰۷ تحت نمره ۱۰۸ صحیح
و اصلاح داخل دفاتر مذکوره در مطالبات طرف فرنگ و خارجه وارد آمده و نتیجه تحقیقات و اقدامات را اعلام
داشته بعرض رسد تحریر شد

بواسطه تلگرافخانه	تاریخ ۱۲	شهر صفر	سنه ۱۳۰۲	گرفته شد

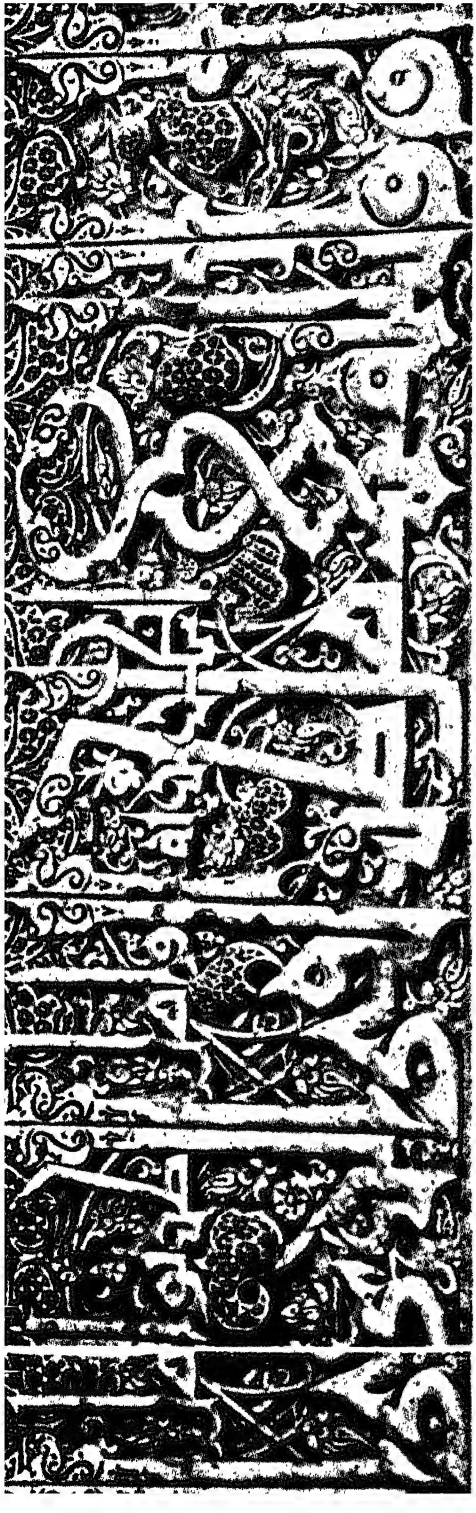

چند آثار تاریخی تبریز

بقلم

سروان مجید بهرام

اداره تلگرافی دولت علیه ایران

از طهران به شهر

نمره	عدد کلمات	تاریخ اصل مطلب			اطلاعات
		روز	ساعت	دقیقه	
۳ عدد					

خاک سطوت اصر اکرم اقدس دام اقباله اقرار را بود مکرر عرض حالهای مبارک رسیده هم اوقات تلخی و تشویش خاطر
مبارک شرارت و اخلاق اکبر خان بود که تمرض عرض و توقف مشهد و اخیره چرا غافله را در صفحه خبوشان و غارت کرده
بعضی مختلین خاک مرا اغوا و اغوا کرده اند سردار ارفع رود و کنفرانسی را هم قرار بود تشکیل کرده اند
اقدس اعلی شرف نسبه هم در این باب مرحمت فرموده اند در جواب عرض شد چشم و شرح خبوشان را هم نوشته که
حال این مفسدین و دشمنان را بطرز این اوقات و اقع نکرد و لازم است شرح و اقدام کنید که علاج نظم آن صفحه بشود
حکم فرمایان سلطان عبد المجید

نوع سیمه تلگرافی انجامش	تاریخ ۱۶	شهر صفر	سنه ۱۳۲۷	کرفته شد

معرفی چند آثار باستانی تبریز

بقلم
سروان مجید بهرام

در شماره‌های گذشته شمه‌ای ازجغرافیای تاریخی تبریز از نظر خوانندگان گرامی گذشت. اینك باعث نهایت مسرت است که برای تکمیل مقالات پیشین تعدادی از آثار باستانی مهم تبریز را با گراورهای جدیدی بدوستاران آن معرفی نمایم. چون نمیتوان تمام آثار باستانی وشرح دقیق و فنی آنهارادراین مختصر گنجانید لذا کوشش شده است ضمن رعایت اختصار نمونه‌هائی مصوراز آنان ارائه شود.

بجرأت میتوان گفت که بزرگترین دشمن ابنیه تاریخی تبریز قهر طبیعت بوده است و افزون بر آن هجوم های پی در پی بیگانگان نیزسهم بزرگی رادر

میآید. اوپس‌ازبازگشت از لشکر کشی شام درمحل ارغونیه که‌درزمان‌پدرش قصری در آن بناشده بود، تصمیم به‌آبادی‌آن گرفت و در نظرداشت‌آنجارا بصورت شهری بزرگ در آورد. برای اجرای طرح خود از مهندسان و معماران ایرانی وخارجی‌استمداد جست و باپشتکار زیادی در احداث‌قصری بسیار زیبا و رفیع و چندین واحد ساختمانی ازقبیل مقبره گنبددارومسجد ومدرسه‌دارالسیادة،رصدخانه، کتابخانه،دیوانخانه‌وچند گرمابه‌همت گماشت.

خواجه رشیدالدین فضل‌الله می‌نویسد: «غازان‌درشنبه‌شانزدهم‌ذی‌الحجه سال۶۹۶هجری درمیان‌باغ عادلیه درمحلهٔ شم‌بنیادقبه و گنبد بلندی رانهاد و در آن‌کارهوی وشعفی‌تمام داشت‌وهمواره برسراستادان‌بناوعمله‌ترددمیکرد. مهندسان سئوال کردند که در چند موضع جهت روشنائی روزن بگذاریم فرمود که‌ازبهرچه، گفتندتازیرزمین(یعنی محل‌قبر) روشن‌باشد جواب‌داد که روشنی آنجا از اینجا می‌باید برد والا روشنائی عارضی درآن موضع سودی ندهد....[۱۱۰] ونیز درجای دیگرمینویسد که آنجا را اختیارفرمود درخارج شهر درجانب‌غربی‌در موضع‌شنب،خویشتن طرح کشیده ،آن‌رابنیاد نهادواین زمان چند سال‌است تا بعمارت‌آن مشغولند.و از گنبد سلطان سنجرسلجوقی به مرو که معظم‌ترین عمارت‌عالم‌است بسیارباعظمت‌تر، سپس صاحب جامع‌التواریخ‌صورت موقوفات‌آن‌بنای عظیم را بتفصیل ذکرمیکند.»[۱۱۱]

این لغت درزمان حکومت حکمرانان مغول مانند بسیاری از لغات مغولی دیگر وارد زبان فارسی شده است که بعدازساختن گنبد مقبره غازان‌خان آنرا باین نام خوانده‌اند. این لغت درجامع‌التواریخ رشیدی (شم)ودرتاریخ وصاف‌ونزهة‌القلوب «شام» آمده است. ولی‌آقای دکترمحمد جواد مشکور در مقاله خود درباره شنب غازانی که درمجله باستانشناسی وهنر شماره ۳ سال ۱۳۴۸ بچاپ رسیده نوشته‌اند که درزبان‌آذری فهلوی درنواحی آذربایجان زمینهای هم‌سطح رودخانه و مسطح که برنج کاشته میشود «شام» نامیده میشود.

۱۱۰ــ جامع‌التواریخ رشیدی ج ۲ ص۹۳۳.

۱۱۱ــ مجله باستانشناسی وهنر شماره سوم سال۱۳۴۸ ص ۲۴ مقاله‌شنب‌غازانی‌نوشته‌دکتر محمدجواد مشکور.

تخریب آثار ارزشمند آن داشته است .

آثارباستانی تبریزرا میتوان بدودسته تقسیم بندی نمود :

الف-ابنیه‌ایکه تاچندین قرن‌پیش‌وجود داشته‌ولی متأسفانه بطور کلی ویران‌شده و ازبین رفته‌اند ولی خوشبختانه نام ونشانه آنها در کتب‌تاریخی باقی مانده است .

ب - آثاریکه هنوز پابرجا و یابصورت نیمه ویران و متروك و یاتعمیر شده باقی هستند .

ابنیه بسیار قدیمی :

ازآنجا که‌سابقه‌بنای تبریز به روزگاران‌بسیار کهن میرسد در این شهر نیزبی‌شك مانندسایر شهرهای‌مهم‌قدیمی،قلعه‌های نظامی‌وباروهای‌مستحکمی نظیرآنچه خسرو ارشاکی‌حکمران‌ارمنستان درآغازساخته بود وجودداشته که‌بتدریج دست چپاول گرزمان حتی نامی‌هم‌از آنها بجای‌نگذاشته و چون رودی خروشان وبی‌رحم‌آنان را بکلی شکسته ونابود کرده است . یاقوت‌حموی درمعجم البلدان می‌نویسد: « تبریزاشهربلادآذربایجان وشهری‌آبادو زیباست، باروهای محکمی‌دارد که باآجرو گچ‌بناشده...»[۱۰۷]

هنگامیکه غازان‌خان در تبریز زمام امور را بدست گرفت این شهر باروی مستحکم شش هزار گامی داشت که در عهدوی بنا به نوشته لغت‌نامه دهخدا تا٥٤٠٠٠ گام افزایش‌یافته بود.[۱۰۸] متأسفانه ازقلعه‌ها وحصاروبارو و پنج‌دروازهٔوسیع‌ورفیع‌وهشت دروازهٔ کوچك‌قدیمی اثری‌این‌شهرا کنون‌بجای نمانده است .

شنب[۱۰۹] غازان

غازان‌خان پسرارغون یکی از ایلخانان بزرگ و معروف مغول بشمار

۱۰۷- معجم‌البلدان ذیل ماده تبریز -تاریخ تبریزمینورسکی ص۱٦.

۱۰۸- مینورسکی درتاریخ تبریزطول باروی غازانی را ۲٥۰۰۰ گام‌ذکر کرده‌است.

۱۰۹- درفرهنگ‌های فارسی کلمه شنب (شام) به‌فتح شین وگاهی به‌ضم‌آن به‌معنی گنبد و قبه آمده‌است.ظاهراً لغت شنب بدین‌معنی درفرهنگ فارسی قدیم وجودنداردبلکه

ازنوشته‌های تاریخ وصاف‌وحبیب‌السیر چنین استنباط میگردد که‌بنای مقبرهٔ شام‌غازان طرح‌منشور دوازده ضلعی داشته وهرضلع آن بشکل برجی ساخته شده بود و بنای مقبرهٔغازان در وسط ابنیه دیگر بطرز بسیار عظیم و شگفت انگیزی ساخته شده و درون آن باتزئینات زیبای جالبی آرایش یافته بود.

دیگر ازبناهای باشکوه شنب غازانی بستانسرا و قصر عادلیه نام داشته است که درروی دیوارهای‌آن نقوش گونه گونی رانقاشی نموده بودند. این قصر ازنظر تزئینات وبکار بردن‌اسباب‌وآلات‌زینت ازقبیل‌قندیل‌ها ولگن‌ها، شمعدان‌های زرین و سیمین‌درآن روزگار بی‌نظیربوده است.[۱۱۵]

درحبیب‌السیر چنین مسطور افتاده است که هشتاد عدد قندیل زرین و سیمین که وزن هریك ازآنها بیش‌از پانزده من بوده درمقبره آویخته و برای‌نقاشی سقف وسطح‌درونی‌آن بالغ برسیصدمن‌لاجوردصرف کرده‌بودند.

علاوه برمقبره وقصرعادلیه چندین واحد ساختمانی‌بشرح زیردرمحوطه شام غازان درزمان حیات‌وی احداث گردیده بود:[۱۱۶]

۱ـ مسجد جامع
۲ـ خانقاه درویشان
۳ـ مدرسه‌ای برای دانش‌آموزان ودانشجویان مذهب شافعی اسلام.
٤ـ مدرسه‌ای برای پیروان وطالبان مذهب فقه حنفی
٥ـ بیمارستان (دارالشفا)
٦ـ خانه‌ای برای متولی مقبرهٔ غازان خان (بیت‌المتولی) که همه روزه درآنجا مأمور تدبیر منزل وترتیب مصالح مردم و منزل دادن بایشان بود.

۱۱٥ـ مجله باستانشناسی وهنرشماره سوم سال ۱۳٤۸ نوشته دکتر محمد جواد مشکور ص ۲٤.

۱۱٦ـ تاریخ وصاف جلد ۳ ص ۳۸٥ و چهل مقاله حاج حسین نخجوانی ذیل مقاله شنب غازانی.

اولیاافندی Oliya Efendi که درقرن نوزدهم‌شنب‌غازان‌رادیده مینویسد: «....برجی است سر به فلك کشیده . وقتی آنرا دیدم قسمتی از دروازه در اثرزلزله کمی آسیب دیده‌بود» ویلبر بنقل‌از گدار نوشته‌است «...مقبره‌مزبور برج بلندی بود که روی آن گنبد ساخته بودند و بیشتر به برجهای مراغه شباهت داشت تابه‌مقبره سلطان سنجریابه مقبره اولجایتو درسلطانیه». ۱۱۲ مشارالیه روایات چند نفرازسیاحان ونویسندگان ایرانی‌وخارجی‌را بررسی نموده و اظهارات گدار راتأئید نموده است.

تاریخ وصاف دربارهٔ ساختمان شنب‌غازان بررسی بیشتری بعمل آورده است می‌نویسد : «درسال۷۰۲ هجری‌غازان‌خان برای ساختن شام تبریز (شم یاشنب) که قبةالاسلام است مهندسان را از اطراف حاضر کردوآهن وارزیز (قلع) از روم بیاوردو از آن شمشها و طوقها ساختند و حجاران سنگها بتراشیدندوباسنگهای‌تراشیده‌بنیانی‌هرچه استوارتربرآوردند و چون دایره بنامقداری از زمین بالا رفت دیواری از آجر برروی‌آن بساختند. ضخامت هردیوار پانزده گز برابر باسی وسه آجر چسبیده بیکدیگربود که‌هر کدام ازآن آجرها به‌تنهائی ده‌من تبریز وزن‌داشت.دراین بناهرروز چهارده‌هزار و چهار صد عمله‌کار میکردند که سیزده هزار تن از آنان مستمراً و هزار و چهارصدتن بعنوان کمك استخدام شده بودند.» ۱۱۳

ارتفاع گنبد مقبرهٔ غازانی‌یکصد وسی گزوطول دیوارهـای آن هشتاد گز وهمچنین طول هریك‌ازاسپرهای سطح‌جانبی‌بنا در حدود ده گزومحیط دایرهٔ گنبد پانصد وسی گز بوده‌است.۱۱٤

۱۱۲— ر.ك. به کتاب ویلبر ترجمهٔ دکترعبدالله فریار ص ۱۳٦.

۱۱۳— مجله باستانشناسی وهنر شماره سوم سال ۱۳٤۸ و برای آگاهی بیشتر به تاریخ وصاف جلد ۳ ص۳۸٥ و ص ۹۱ وتاریخ تبریزتألیف‌نادرمیرزا ونیز به‌چهل مقاله حاج حسین نخجوانی ذیل مقاله شام غازان مراجعه شود.

۱۱٤— تاریخ وصاف‌الحضرته جلد ۳ ص ۳۸٥.

تعصبات مذهبی از یك سو وفراوانی و ارزشمندی مصالح این بنا را از سوی دیگراز مهمترین عوامل ویـرانی‌آن بحساب آورد . مثلا در مورد اینگونه تخریب‌ها شاهزاده نادرمیرزا چنین مینویسد: «این بناباقی بود تا بسال....(؟) ازهجرت پادشاه اسلام پناه(؟)صفوی‌بسبب این‌وهم که‌لشکرعثمانی‌شنب غازان مأمن ومحکمه کند حکم بانهدام (آن) فرمود. اطراف حصاربه‌لشکرایرانی تقسیم شدبه‌چهار روزبنیاد این‌حصاراستواررا برافکندند.» [۱۱۹]

کاتب چلبی درسال ۱۰۴۵ که با سپاهیان عثمانی به‌تبـریز آمده بود در کتاب‌جهان‌نمای‌خودازعظمت مقبرهٔ غازان‌خان‌و آبادی‌اطراف آن‌سخن‌رانده و شرح مبسوطی درباره باغها واشجار قصرعادلیه‌آورده است.

تاورنیه‌نیزدرسال۱۰۴۶بایران‌آمده وبنای‌شام‌غازان‌را دیده و آنراستوده است. وی‌می‌نویسدباوجود اینکه‌این‌بنانیمه خراب است ولی هنوزارتفاع‌آن خیلی‌زیادوقطرمحورآن۵۰ قدم میشود ونیزاضافه‌میکند که دیوارهای بسیار بلندی دارد وچمنزار اطراف‌آن دلالت برقدمت‌آن مینماید. این بنا درسال ۱۶۵۱ میلادی در اثر زلزله ویران شده و بـرج‌آن از بالا تا پائین شکاف برداشته است، حتی قسمتی از آنهم فرو ریخته است وی مانند سایر سیاحان اشاره بخطوط قرآنی نموده ومینویسداسماءالله‌در گچبریها نوشته شده بود و نیز از گچبریهای این عمارت و آجـرهای منقوش آن جملهٔ (غازان قاآن) (خلدالله ملکه)ولفظ جلاله وسایراسماءالله را بخط کوفی نوشته بودند ازاین قبیل‌نوشته‌هادرغازانیه‌بسیاردیده‌شده است‌حتی اکنون هم یافت میشود[۱۲۰] و برپیشانی این مقبره باکاشیهایی باخط بسیارعالی چند سطردرتعریف غازان‌ـ خان وتوصیف بنا وتاریخ ساخت‌آن نقش گردیده‌بود که عین خطوط‌خوانده

۱۱۹ـ ر.ك . کتاب تاریخ دارالسلطنه تبریز

۱۲۰ـ این سیاحتنامه را اخوی‌زاده دکترعباس‌نخجوانی دراروپا دیده واین قسمت رااز آن کتاب یادداشت کرده‌است ـ ص ۴۳ چهل‌مقاله حاج حسین نخجوانی.

۷ـ ساختمان کتابخانه

۸ـ رصدخانه

۹ـ مدرسه حکمتیه جهت اقامت حکما وتعلیم علم حکمت و فلسفه

۱۰ـ حوضخانه‌وآب انبار

۱۱ـ بیت القانون جهت گذاردن دفاتر و قوانین کـه غازان خان وضع کرده بود.

۱۲ـ بیت‌السیاده یادارالسیاده که مهمانخانه‌ای مخصوص پذیرائی‌سادات بوده است .

۱۳ـ گرمابه‌ها وغیره برای مسافرین.

۱٤ـ باغهای اطراف ابنیه غازان خان [۱۱۷]

شاهزاده‌نادرمیرزا بااستفاده‌ازحبیب‌السیروتاریخ وصاف وجامع‌التواریخ ودانسته‌های‌خویش اطلاعات دقیقتری دراین‌باره میدهد.وی مینویسد«...آهن و روی‌بسیاربه‌بنیان‌این‌عمارت‌بکاربردند.چون بازمین مساوی شددیوار کسر عرض آن‌جداربه‌سی‌وسه عدد آجر بیکدیگرچسبیده مقرر کرد که‌پانزده‌ذرع بود وهرآجری ده من بوزن تبریزبود درهر دوری چهارده هزار و چهارصد خشت‌انداز بکاربود بالای قبهٔ معبد مبنع ویکصد وسی ذرع طول،جدار آن هشتاد ذرع .....»[۱۱۸] ولی متأسفانه بنائی بدین عظمت را که غازان‌خـان با کوششی بسیار برپا ساخت مانند اکثرابنیه تبریزنتوانست در مقابل‌آسیبها وصدمات پی‌درپی زلزله‌وبخصوص سایرعوامل‌ویران گرمقاومت کند. باتوجه به‌نوع مصالح وآجرهائی که بدانگونه درساختمان شم بکاررفته بعید بنظر میرسد که تقریباً درهیچ شرایطی زلزله بتواندآنرا ویران کند . زیرا حتی در صورت وقوع سخت ترین زلـزله ها بایستی لااقل باندازه سـایر ابنیه تبریز که از نظراستحکام بمراتب از آن سست‌تر بودند باقی میماند . بـاید

۱۱۷ـ چهل‌مقاله حاج حسین نخجوانی بکوشش یوسف خادم‌هاشمی‌نسب ص ٤۲.

۱۱۸ـ ر.ك. به ص ۹۰ تاریخ نادرمیرزا.

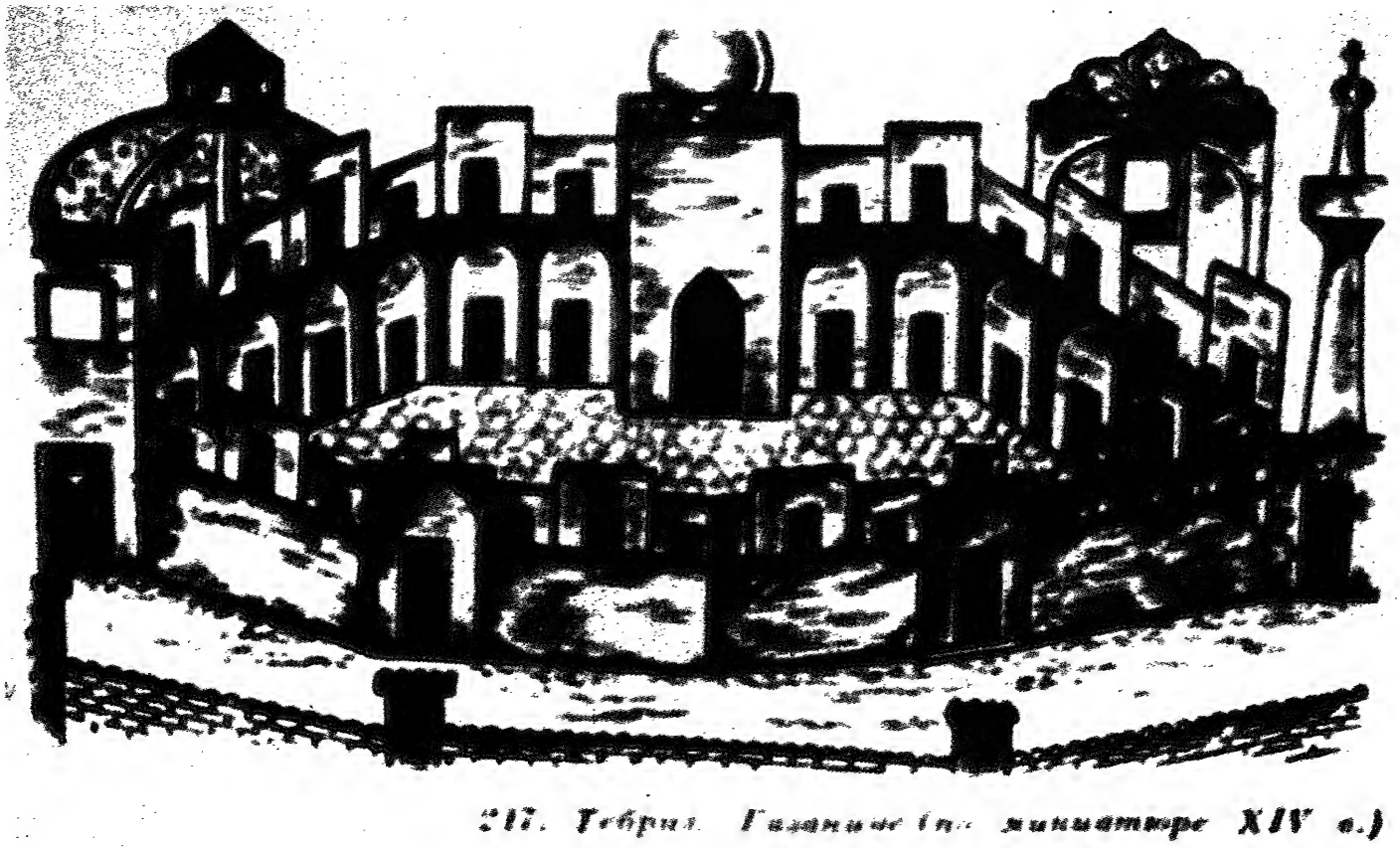

217. Тебриз. Газанфар (по миниатюре XIV в.)

۱ــ طرح بنای غازانی (تصویر ازکتاب معماری آذربایجان)

شده که دارای اهمیت تاریخی فراوان است درمقاله آقای دکتر محمد جواد مشکور درمجلهٔ باستانشناسی و هنرشمارهٔ سوم سال دوم (۱۳٤۸) در صفحه ۲٦ مضبوط میباشد.

بطور کلی اکثرسیاحانی که درسدهٔ نهم ودهم هجری بایران آمده‌اند در سفرنامه‌های خودراجع به‌بناهای شنب‌غازان مطالبی ذکر کرده وتقریباً متفقاً از عظمت وجلال و شکوه بنای غازانی سخن رانده‌اند ولی متأسفانه تقریباً هیچ یك به جز «ویلبر»مدارك جالبی‌ازطرح ونقشه وچگونگی بنای آن ارائه‌نداده‌اند. طرح شکل (۱)

ژان شاردن سیاح‌فرانسوی که درسال ۱٦۷۳میلادی درزمان شاه‌سلیمان صفوی تبریز را دیده مینویسد : « ... از مقبره غازان‌خان امروز فقط یك منار شکسته بلند باقی است و منارغازان‌خان نامیده میشود .»[۱۲۱] ازاین گفته بخوبی پیداست که این بناباسرعت شگرفی در مدتی کمتراز پنج قرن‌تقریبا باخاك یکسان‌شده است .

در حال حاضر دیگر هیچ اثری جزتلی خاك از این بنای باشکوه باقی نمانده ، تنها بعضی ازمصالح آن بویژه آجرها وکاشیهای آنرامیتوان‌بطور پراکنده درسایر ابنیه تبریزیافت بخصوص دربنای مسجدی که درمجاورآن ساخته شده و قسمت اعظم مصالح مسجد از شام غازانی تهیه شده است .

دربازدیدی که‌ویلبردرسالهای۱۹۳۷ازاین‌محل‌بعمل‌آورده موفق به‌جمع‌آوری‌قطعاتی گردیده که‌کارتحقیق وی ودیگرباستانشناسان‌راآسان‌ترساخته است‌مشارالیه‌می‌نویسد:«...درمحل‌ساختمان آجرهائی‌به‌ابعاد۲۷سانتیمترمربع وبه‌ضخامت ۷ سانتیمتر در خاك افتاده بود وهمچنین قطعاتی باحروف کوفی پیدا شد ونیز تعداد زیادی‌آجر که پوشش لعابدارآبی دارند و شاید زمانی

۱۲۱— ر.ك به ص ۲۹۰ سیاحتنامه شاردن.

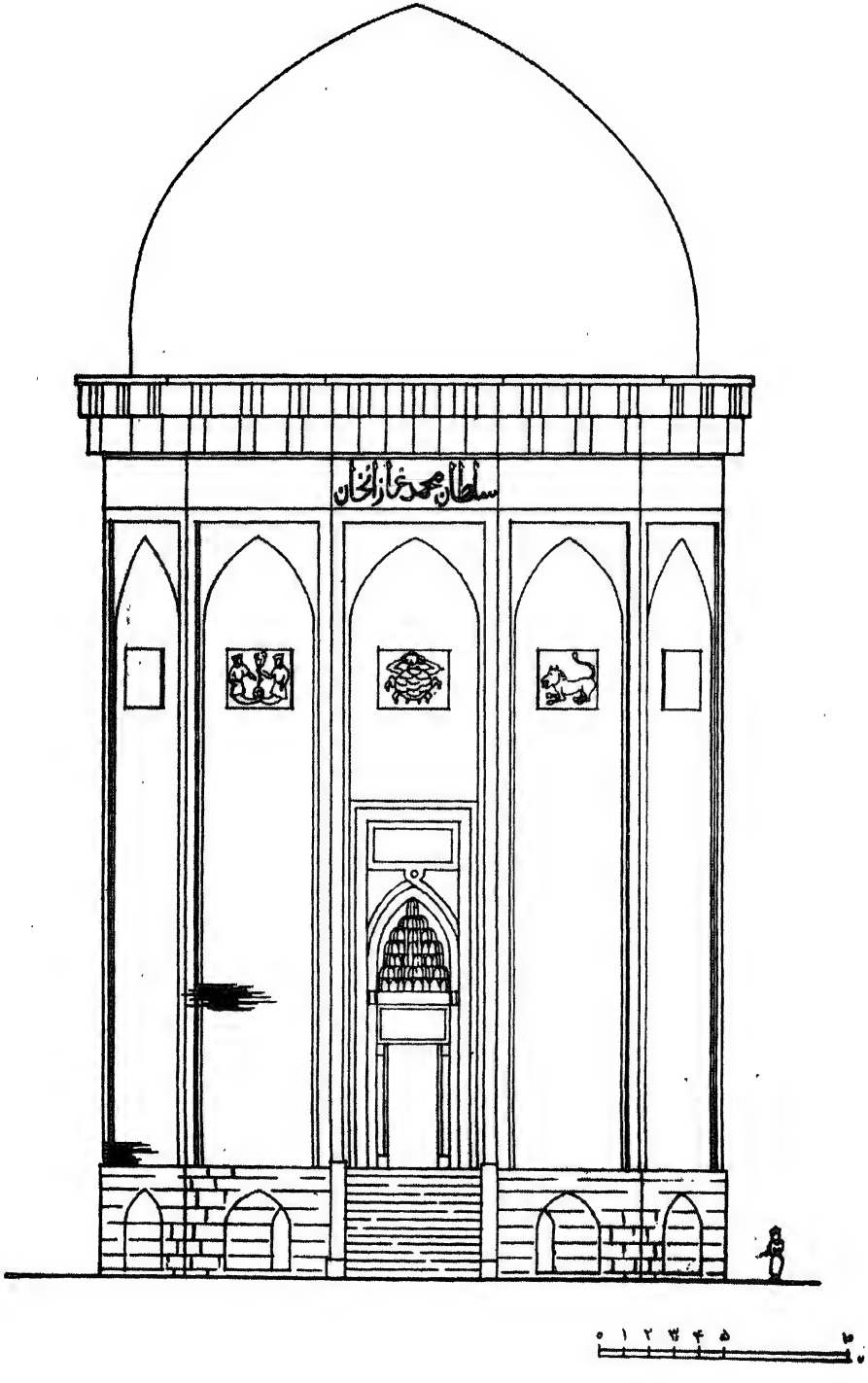

۲ـ طرح مقبرهٔ غازانخان (تصویر از ویلبر)

درسطح گنبد بکار رفته بوده‌اند.

قطعات سفالی فراوان شامل قطعات آبی و نیلی و کاشی سیاه بود. این رنگها باترکیبات مختلف درطرحهای تسمه‌ای و بانقوش گنجانیده شده درساختمان آجری، بکار میرفته است. و کاشیهای لعابدار که بشکل کثیرالاضلاع و قطعات باد بادك مانند درآورده شده نیز پیداشد. بعضی نقاشیهائی بازمینه لعابی و برخی جلای فلزی دارند ... بعلاوه قسمتی از شرح مقبره توسط رشیدالدین نشان میدهد که پنجره‌های سرداب از سطح زمین بالاتر بوده و بنابراین کف اطاق مقبره می‌بایست از سطح زمین بلندتر بوده باشد»[۱۲۲]

ویلبر با اظهار این بیان که اطاق مقبره بلندتر از سطح زمین بوده خواسته‌است ثابت کند که طرح گنبد غازانی از طرح برجهای مخصوص مقابر آسیای صغیر ملهم گردیده است و تقریباً باهمان مقیاس طرح گنبدی خیالی را ترسیم نموده است. (شکل شماره ۲)

ربع رشیدی:

دیگر از بناهای باستانی تبریز ربع رشیدی میباشد که اختصاراً دربارهٔ آن درشماره چهار-سال پنجم سخن رفته است. مجموعه این شهر دانشگاهی بفرمان خواجه رشیدالدین فضل‌الله وزیر غازان خان بنا گردید. ولی آن بنای عظیم نیز مانند شنب غازانی در اثر زلزله‌های سهمگین و دیگر حوادث تاریخی بکلی ویران شده وامروزه جز خرابه‌ای از آن چیزی باقی نمانده است. ولی چنانکه در تواریخ مسطوراست روزگاری خود تقریباً شهری عظیم و مستحکم بوده و تنها درزمان غازان خان ۳۰۰۰۰ خانه و ۱۵۰۰ دکان و ۲٤ کاروانسرا، حمام، آسیاب، کارخانه، ضرابخانه، صباغخانه و باغ زیادی دراطراف آن احداث گردیده بود[۱۲۳] «طاقها و دیوارها بیشتر مقرنس و سنگها همه یکرو تراش کرده و باصل دیوارها بکار برده، بومیان تبریز اینجا را رشیدیه گفتندی.

۱۲۲ــ ر.ك به کتاب معماریهای اسلامی ایران در دوره مغول تألیف دونالدویلبر ترجمه دکترعبدالله فریار.

۱۲۳ــ تاریخ تبریز مینورسکی ومعماری اسلامی ایران دردوره ایلخانان تألیف دونالد ویلبر ترجمه دکترعبدالله فریار.

باشد وباحتمال قوی بعد از مرگش امور اداری رشیدیه ازهم پاشید وپس‌از مدتی پسرش درادارهٔ آن همت گماشت وساختمانهائی بآن افزود.

درزمان پادشاهی‌تیمورحکومت تبریزبه‌پسرش محول گردید که‌چنانکه گذشت‌آن شاهزادهٔ مغرور ونیمه دیوانه بی جهت دشمن‌آبادانی بود ومانند سایربناهای عظیم که‌درزمان‌او بویرانی کشیده‌شدامربتخریب‌رشیدیه‌نیزصادر کرد. اطراف وحومه رشیدیه مانند مقبرهٔ غازان‌خان وسایرابنیه تاریخـدار دورهٔ مغول‌قطعاتی شامل‌کاشیهای هشت‌گوشه اعابدارنیلی وآبی که‌بعضی از قسمتهای آنها کنده‌کاریهاشده‌وهمچنین طرحهای تسمه‌ای بابار یکه‌های سفال نیلی وآبی که حفره‌های آنها باگچبری پرشده و قطعات کتیبه که باکندن و تراشیدن‌لعاب‌زمینه آنهابصورت‌حروف‌درآمده‌است‌یافت‌میشودونیزتعدادی از کاشی‌های دورهٔ صفویه دراین‌محل بدست‌آمده است. ولی درحال حاضربجز پایهٔ برجی که بگمان قوی مربوط به بنای رصدخانه‌ای بوده بنای دیگری مشاهده نمیگردد.

ویلبرمینویسد: «..... درپایه‌های برجهایکی شایان توجه مخصوص‌است این پایه ازدیگران بزرگتر وازلحاظ نقشه باآنها فرق دارد. زیرا شـامل مقطع مستطیلی است ونیز با دقت بیشتری ساخته شده است، زیرا روی پی سنگ ناصاف‌آن قطعات سنگ‌تراش قرار داده شده است. قسمتهای بزرگ قطعات روی بنا، هنوز درمحل‌خود باقی‌است ونشان میدهد که قسمت بالای برج پیش‌آمدگی‌داشته است، اغلب‌این‌قطعات مرمرسیاه است واگرهمه‌آنها دوباره بکار برده نشده باشند، بعضی‌ازآنها مستعمل است، پایه های ستون اززمان اشکانیان است وتعدادی سنگ قبر از دورهٔ اسلامی در آنجا وجود دارد.»[۱۲۵]

علاوه بر پایه برج و قطعات سفال لعابـدار و سنگ مرمر خط دیـوار

۱۲۵ــ ر.ك به‌كتاب معماریهای اسلامی ایران دردورهٔ مغول ترجمهٔ دکترعبدالله فریار ص ۱۴۲.

سنگ و آجر این بنا [را] مردم نادان برکندند و بکار بردند بعمارات خویش اکنون هیچ ازآن بجای نمانده مگر گودالها که برای اخراج سنگ وآجرحفر کرده‌اند و پی و ریشه برجی عظیم در تلی مشرف بکوی باغمیشه و این بنا بشمال تبریزمحلی‌است . چون باسنگ‌وآجروآهك خالص‌باکمال دقت عمارت‌شده است.»[۱۲٤] (عکس‌شماره۳-٤)

این بناتادوره‌صفویه‌پابرجای‌وسالم‌مانده‌بودومدتی‌جزوابنیه‌دولتی‌محسوب میگردیداکثرسیاحان‌متفقاً از کثرت‌اطاقهاواستحکام‌حصار آنهاسخن گفته‌اند.

کلاویخو درسفرنامهٔ خود آنرا یکی از بزرگترین وعظیم‌ترین‌بناهای آن روزگار ذکر کرده است، متأسفانه ازآن‌چنین بنای عظیم واستوارچیزی باقی نمانده فقط قسمتی از برج آن در وسط باغی برجای مانده که بازهم از نظر تیزبینی نمایشگر شکوه وعظمت دیرین آن میتواند بود.

شاردن که درقرن هفدهم ازاین محل بازدید کرده‌در سیاحتنامه خود از قصری‌بنام رشیدیه سخن رانده‌است ونیز دونالدویلبرمی‌نویسد: «رشیدالدین برای پیشرفت علم وصنعت طرحهای‌مفصلی در نظر داشت و قبل‌از سال۱۳۰۰ میلادی به‌ساختمان یك‌شهردانشگاهی دست‌زد. یکی از مورخین که‌زمانی از شاگردان ودست پرورد گـان اوبوده می‌نویسد در زمـان مغول وقتی تبریز پایتخت کشورشد، جمعیت شهر رو به افزایش نهاد و درحومه شهر خانه‌های بسیار ساخته شد تا اینکه بالاخره درخارج هردروازه حومه به‌بزرگی خود شهربه‌وجودآمد ... سپس‌دربالای شهر ودر کنار تپه‌ولیان و در داخل‌محوطه دیوارغازانخان‌رشیدالدین وزیرغازان‌خان،حومهٔ‌دیگری‌ساخت که بنام‌ربع-رشیدی‌معروف گشت‌ودراین‌محل‌قصرهای‌مجلل‌وساختمانهای‌بزرگ‌بنا کرد.»

ولی با وجـود تمام طرحهای مستدل و پیش بینی های لازم ، این شهر-دانشگاهی خواجه رشیدالدین نتوانست پس ازقتل وی نقش عمده‌ای داشته

۱۲٤- ر.ك به‌ص ۱۲۲ تاریخ تبریز تألیف نادرمیرزا.

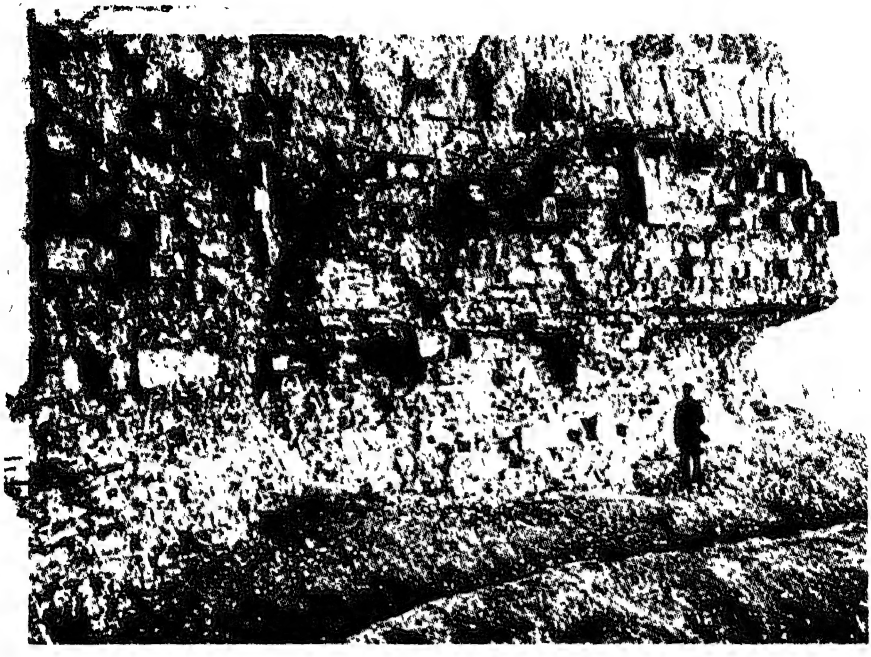

۳ـ ربع رشیدی جزئیات رده‌های فوقانی ازقطعات سنگی تراشیده شده دیده میشود

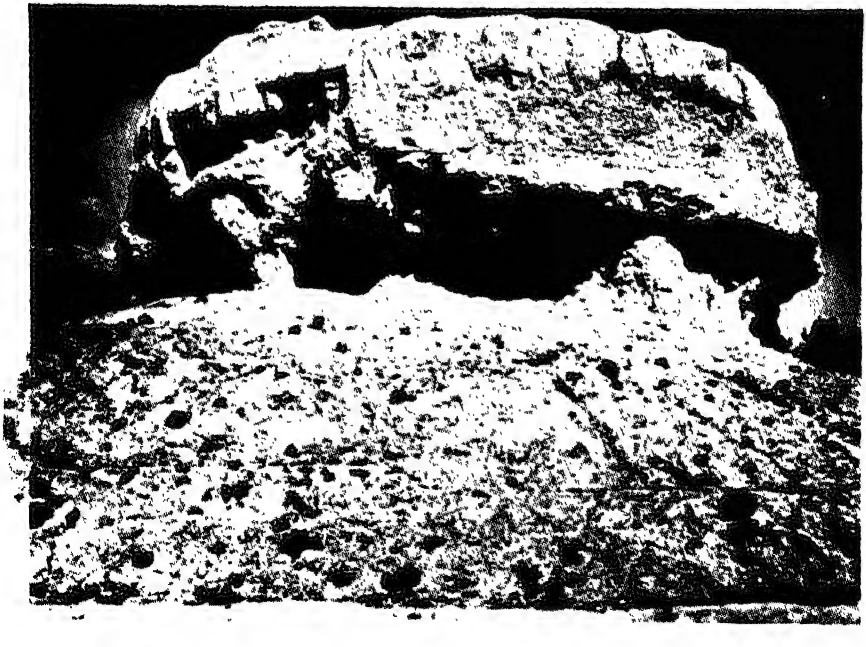

٤ـ خرابه پایه مدور یکی از بناهای رشیدیه

استحکاماتی دراطراف حومه برروی ارتفاعات وبزرگترین تپه‌های آن ناحیه دیده میشود که بنا بنوشته ویلبر گمان میرود که این استحکامات همانهائی باشند که در زمان شاه عباس در اوائل سدهٔ هفدهم میلادی بنا گردیدند[۱۲٦] (عکس شماره ٥ - ٦)

مسجد جامع تبریز ومدرسه طالبیه :

مسجدجامع تبریز که اکنون دایربوده وهنوزدر آن نماز گزارده میشود در پشت بازار و وسط مدرسهٔطالبیه ساخته‌شده‌است.دراینجاچهارمسجد[۱۲۷] دیده میشودوبنظرمیرسد که‌علت‌تعدداین مساجد مربوط بتعصبات‌واختلافات مذهبی فرقه‌های مختلفه دین اسلام بوده است که هریك ازاین فرقه‌ها مسجد خاصی را برای‌نماز خویش اختصاص داده‌اند .

بنای یکی از این‌چهار مسجد بسیار قدیمی بوده وتاریخ دقیق‌ساختمان اولیه‌آن بدرستی معلوم نیست ولی این مسجد برروی بنائی که احتمالا در دورهٔ سلجوقی ساخته شده تجدید ساختمان گردیده است . مسجد مزبور دارای طاق کوتاهی است وبهمین دلیل مردم محلی‌آنرا الچاق مسجد (مسجد کوتاه) مینامند .

بعلت تعمیراتی که دردوره های نسبتاجدید بعمل‌آمده ،این‌مسجد کلیه ویژگیهای تاریخی خویش راازدست داده وبکلی‌ازصورت ابنیه باستانی‌خارج شده وبصورت بنای جدیدی درآمده است ونام فعلی‌آن‌بمسجد میرزاصادق‌آقا مجتهد مشهور است .

دومین مسجد که مسجد کوچکی باستونهای سنگی و طاق های ضربی آجری است درجنوب دالان مدرسه ساخته شده و اکنون‌بمسجد اسماعیل‌خاله‌اوغلی معروف است وسابقاً آنرا مسجد ملاحسن پیش‌نماز میخواندند.

۱۲٦ــ همان کتاب وهمان صفحه .

۱۲۷ــ شاهزاده نادرمیرزا درکتاب تاریخ و جغرافیای دارالسلطنه تبریز بعلت نامعلومی تعداد این مساجد را سه عدد ذکر کرده‌است .

مسجد سوم یا مسجد جامع که پنجره های شمالی آن بحیاط مدرسه طالبیه مشرف بوده ودرمغرب مسجد اسمعیل خاله‌اوغلی ساخته شده جدیداً معروف بمسجد مجتهد شده است. (عکس۷)

چهارمین مسجد که بسیار قدیمی است و چندین بار در آن تغییراتی داده شده واکنون بمسجد حجةالاسلام معروف است ستونهای آن از سنگ کبود دوباره سازی‌شده است ودرسمت مغرب مسجدجامع واقع وپنجره‌های شمالی‌آن بصحن مدرسه باز میشود .

بانی اولیه این مسجد شناخته نشده ولی پس‌ازاینکه بوسیله زمین‌لرزه ویران گردید، توسط حسینعلیخان دنبلی مجدداً بر همان سبك قدیم بناشده است. طول این مسجدرا میتوان بدوقسمت تقسیم کرد : طول قسمت اولی۲۸ متر و در انتهای هردو طرف دوطاق کوچك بطول ۲ متر ساخته شده است .

قسمت دوم که عرضش زیادتر از ۱۵ متر میباشد ، ۳۲ متر طول دارد و بوسیله دو جرزعریض وبرآمده از قسمت اول مشخص شده است .

محراب در انتهای این قسمت (عرض‌جنوبی) واقع ودر هریك از دیوار-های شرقی وغربی پنج‌طاق بعرض ۳/٦ متر وطول ٤/٦ متر،هنگام تعمیرات مسجد اوایل دورهٔ قاجاریه‌اضافه شده است . در پشت دیوار شرقی‌این قسمت مسجد بزرگ و تاریکی بر پایه‌ها و طاقهای ضربی آجری بنا شده که به مسجد زمستانی معروف وفعلا پایه‌ها وطاقهای‌آن فرو ریخته است .

دربالای‌مسجد جامع و همچنین در سردرمدرسه طالبیه(عکس‌شماره۷) کتیبه‌های‌برجسته‌ازسنگ مرمرنصب‌شده که‌شرح‌تعمیرات‌انجام‌یافته‌دردورهٔ قاجاروموقوفات‌مدرسه‌وفرمانی‌درباب منهیات‌روی آنهاحك شده‌است .

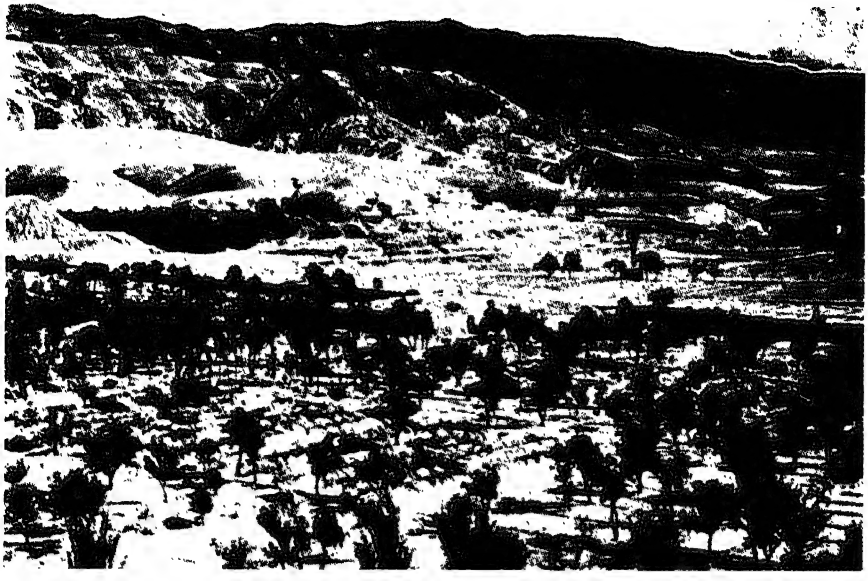

٥ـ سمت شرقی ربع رشیدی

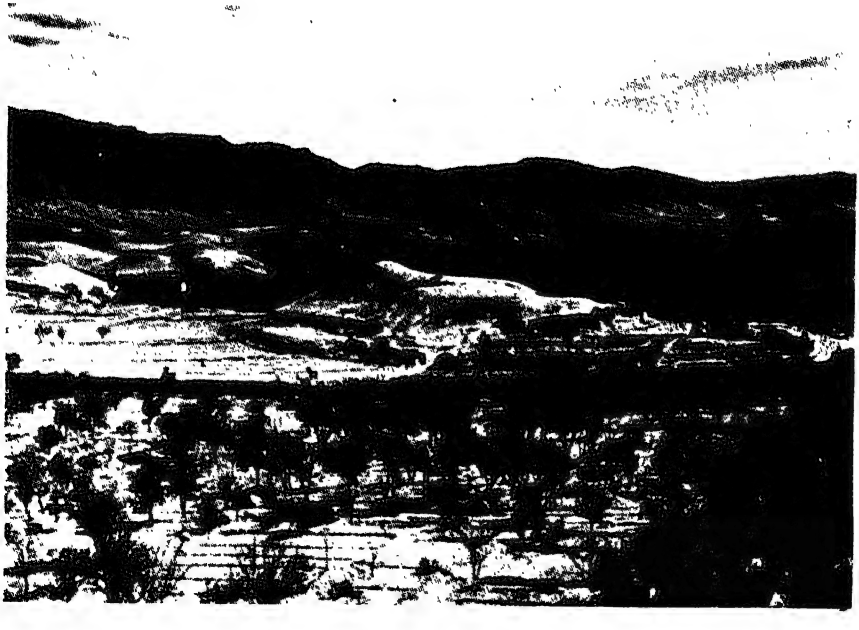

٦ـ شمال ربع رشیدی

میرزا جعفر سلطانی القرائی بنقل از تاریخ دنبلی مینویسد «. . . اکنون همه آن آثار قدیمه خرابست و شهریار سعید شهید احمدخان دنبلی بعمارت مسجد جامع بزرگ بودند تمام نشده بروضهٔ رضوان شتافتند و حالا هم ناتمام است ولی نادر میرزا تعمیر آن معبد را از حسین قلی خان پسر احمد خان دنبلی دانسته است.

مسجدیکه نادر میرزا از آن بمسجد ملامحمدحسن پیشنماز تعبیر کرده بنظر من همان است که درجانب شرقی مسجد جامع ودرطول (آلچاق مسجد ساخته شده است) و آن دراین ایام بمسجد میرزا اسمعیل خاله اوغلی معروف است، وقتی در این مسجد، حاج میرزا عبدالعلی آقا پسر حاج میرزا محمد معروف به بالا مجتهد که یکی از برادران آقامیرزا صادق آقا مجتهد (ره) بود اقامهٔ جماعت میکرد» ☆

دراین مسجد سه لوح سنگی وجود دارد. یکی دربالای در شرقی صحن مسجد جامع که ازخارج در روبجانب خاوری در زیر طاق در سال ۱۲۱۶ هجری قمری کار گذاشته شده ودرباره احکام اوایل سلطنت فتحعلیشاه قاجار باخط ثلث نوشته شده و دیگری که ازهر دو آنها بزرگتر است در زمان شاه سلطان حسین صفوی (۱۱۰۶ هجری) درپانزده سطر بخط ثلث بسیار زیبا نوشته شده وسومی دریکی از طاقهای کم عرض طرف غربی قسمت اول مسجد سنگ مرمرصافی بابعاد (۱/۷۲ × ۱/۱۲) متربدیوارجنوبی طاق نصب شده که شرح تعمیرات انجام یافته ورویای صالحه شاه طهماسب اول صفوی در دوازده سطر بخط ثلث درسال ۹۷۲ هجری قمری توسط علاءالدین محمد تبریزی برشته تحریردرآمده است.

☆ــ تاریخ تبریز مینورسکی ص ۹۸

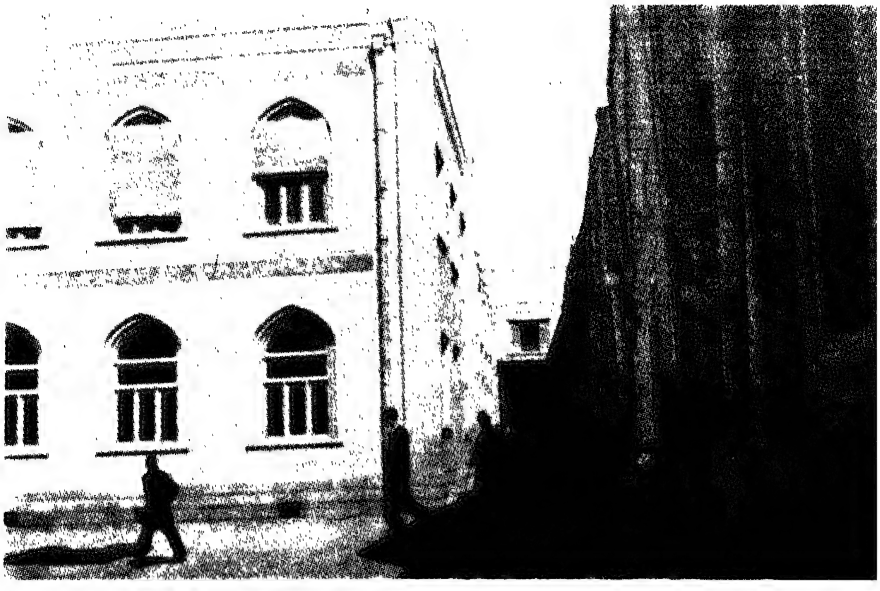

۷ ـ مدرسه طالبیه

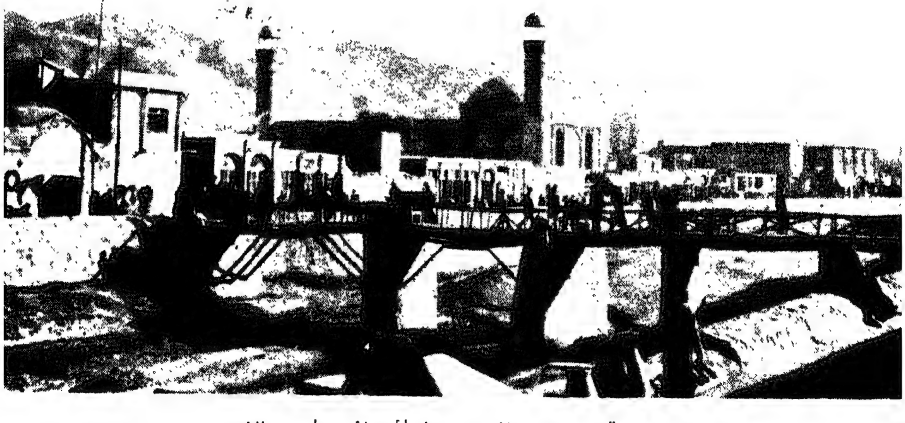

پل قدیمی مهرانرود و نمائی از صاحب الامر

و بیادم نماند که از این دو عبارت کدام فرمودند بعداز آن فرمودند که روز بروز عمرت زیاده میشود و دولتت زیاده میگردد من عرض کردم که چون این امر مقبول شما است تتمهٔ تمغا ها را هم بخشیدم بعد ازآن ، آن حضرت غایب شد بر وجهی که من ندانستم که چون غایب شدند لاجرم در روز پنجشنبهٔ مذکور حسب‌الامر آنحضرت صلوات‌الله علیه تتمهٔ تمغاوات جمیع ممالك محروسه را در آذربایجان و عراق و فارس و خراسان و شیروان و گیلان خصوصا تمغای دارالضرب طلا و نقره که تا غایت بخشیده نشده بود مؤکد به‌لعنت نامه بخشیدم وثواب آنرا بحضرات چهارده‌معصوم صلوات‌الله وسلامه علیهم اجمعین هدیه کردم و ثواب این اهداء را بحضرت صاحب‌الامر صلوات‌الله علیه هدیه کردم بنا بر این باید که ابواب جمع دارالسلطنهٔ تبریز و شوارع ارض روم و عراق را که بمبلغ سه هزار وهشتصد و هشتاد و پنج تومان و هشتصد دینار در آن ملك جمع است از تاریخ واقعهٔ مذکوره مسدود دانسته اصلا طلبی از هیچ آفریده ننمایند و این بدعت سیئه را در آن ملك بدستور کل ممالك برطرف دانند مستوفیان عظام دیوان اعلی من‌بعد در دفاتر سنوات جمع آنرا ننویسند و اسم و رسم آنرا از صحائف دفاترمحوگردانند حاکم و اکابر دارالسلطنهٔ تبریز مضمون حکم اشرف و اعلی را مؤکد به‌لعنت نامه دانسته یقین دانند که هر کس از مضمون آن تجاوز نموده من بعد بهر صیغه و عنوانی که باشد از آن ابواب چیزی گیرد و هرکس بدان رضا دهد و کسی که بر حقیقت آن مطلع شود معروض ندارد .... و آن جماعت را بر وجهی سیاست خواهیم فرمود که باعث عبرت دیگران گردد فمن‌بدله بعدماسمعه فانما اثمه علی الذین یبدلونه ان‌الله سمیع علیم از جوانب بر این جمله روند و از فرموده عدول نورزند فی عشرثالث شهر شوال اودئیل اثنی و سعبین و تسعمائه کتبه علاءالدین » .

آقای سلطان القرائی متحمل زحماتی شده و شخصاً سنك نوشته خوانده و مینویسد :

« فرمان قضا جریان شاه ستاره سپاه خاك‌آستانهٔ خیرالبشر مروج مذهب ائمهٔ‌اثنی‌عشر غلام‌امیرالمؤمنین حیدر علی بن ابیطالب السلطان‌بن‌السلطان ابوالمظفر شاه طهماسب بهادرخان خلدالله ملکه و سلطانه شرف نفاذ یافت‌آنکه بنا بر رؤیای صالحه‌که درشب پنجشنبه دوازدهم شهر شعبان اودئیل اثنی و سبعین و تسعمائه حضرت‌حجة‌قائم‌صاحب‌الامروالزمان. صلوات‌الرحمن علیه رادرواقعه دیدم قامت‌اشرف‌آنحضرت بلند وروی‌کشیده و محاسن شریف یك قبضه و موی محاسن و شارب خرمائی و چشم و ابروی آنحضرت سیاه و ضعفی در بشرهٔ مقدس آنحضرت ظاهر بود چنانچه گویا ریاضت کشیده اند و تاج سقرلاط قرمزی بی دستار بر سر اشرف داشتند و جامهٔ قلمی آجده که ظاهرا رنك آن نخودی بود و بالاپوش قلمی آجده که غالبا سفید بود پوشیده بودنـد و چاقشور تیمـاج زرد در پای مبارك داشتند و هیچکس آن حضرت را نمیدید و آواز مبارك آن‌حضرت را با اینکه بلند سخن میفرمودند غیرمن‌کسی نمی‌شنید و بعداز ظهور آنحضرت فی‌الحال من فریاد کردم و کسی نشنید و آنحضرت بعداز بیرون آمدن در ایوان طاق بندی که تخمیناً طول آن ده زرع بوده باشد و روی آن ایوان بقبله بود بوجهی که پشت‌مبارك آنحضرت بجانب میان‌مغرب وقبله‌بود منحرف نشستند و کف پایها را نزدیك یکدیگر روبرو بر وجهی که کف بکف نرسیده بود نهادند ، پس رفتم پیش و پای راست آنحضرت را میان بند پای مبـارك وی و بنـد چاقشور بوسیدم‌بعد ازآن آنحضرت برخواستند (کذا) وفرمودند که این تمغا ها را که بخشیده بسیار خوب‌کرده واظهار خوشنودی فرموده ، فرمودند که تتمه را هم ببخش و فرمودند که ما از تو راضی ایم یا از تو راضی میشویم

۸ــ قدیمی ترین عکس مسجد علیشاه (تصویر از کتاب معماری آذربایجان تألیف ل . س یرتانتیسکی)

مسجد جامع علیشاه معروف به‌ارك:

یکی‌دیگر ازابنیه قدیمی عظیم وشکوهمند تبریز که بی‌شك ازشاهکار-های مسلم هنر معماری اسلامی بحساب میآید مسجد تاج‌الدین علیشاه وزیر اولجایتو معروف به مسجد جامع یا ارك علیشاه میباشد . ایـن بنا متأسفانه بسرنوشت‌اکثرابنیه باشکوه تبریزدچارشده‌وبوسیله دست بیرحم‌وویران گر زلزله خراب شده واکنون ازآن تنها دیوارهای عظیم برجای مانده‌است. ولی حتی از خلال همین ویرانه‌ها نیزمیتوان به‌زیبائی وشکوه روزگار آبادانی آن پی‌برد و دریافت که این سخن حمدالله مستوفی در کتاب خویش که‌بسال (۷۲۷ ه ۱۳۳۵ میلادی آنرا نگاشته ودر توصیف‌این بنا گفته است : « . . . . قسمت‌داخلی مسجد جامع ، که توسط علیشاه در تبریز ساخته شد ، بزرگتر از ایوان مدائن بود . . . . . »[۱۲۹] حرفی‌بگزافه نبوده‌است .عکس (شماره۸)

تقریباً هیچ‌نوشته‌ای را که دربارهٔ‌آثار باستانی‌آذربایجان نگاشته شده باشد نمیتوان‌یافت که درآن عظمت وبزرگی این‌بنای تاریخی باعث شگفتی محققین نشده باشد. درمیان انبوه این‌آثار، نوشته‌های حمدالله‌مستوفی‌وابن-بطوطه(که‌بین‌سالهای۱۳۳۰-۱۳۳۵میلادی‌نوشته‌شده) ویکی‌ازهمراهان سفیر قاهره که‌بدربار سلطان ابوسعید میرفته ازهمه‌دقیق‌تر است ، این‌مسجد بین سالهـای۷۱۱-۷۲٤ هجری(۱۳۱۰-۱۳۲۲ میلادی) درزمان حکومت سلطان ابوسعید بوسیله وزیر زیرك وکاردانش خواجه تاج‌الدین علیشاه جیلانی با

۱۲۸- ر.ك به ص ۱۰۹ تاریخ تبریز تألیف نادرمیرزا .

۱۲۹- ر.ك. به‌معماریهای اسلامی ایران در دوره ایلخانان - ذیل عنـوان مسجد جامع علیشاه ونیز ن.ك به‌مجله‌هنرومردم - شماره۹۱ اردیبهشت‌ماه۱۳٤۹ - مقاله مسجد علیشاه جیلانی نوشته دکترمحمدجوادمشکور.

کمك های خواجه رشیدالدین فضل‌الله ساخته شد وچنانکه پیداست بنای آن قریب به‌سیزده سال طول کشید .

با توجه به آنچه که ازاین بناباقیمانده ونیز بامراجعه‌به‌انبوه سفرنامه‌ها ونوشته‌ها وروایات باارزش میتوان گفت که‌ایوان عظیمی به عرض ۳۰/۱۵متر ساختمان اصلی‌بنا را تشکیل میداده است . (عکس شماره ۹)

دیوارهای این بنا که دارای ارتفاع سرسام‌آور ۲۵ متر میباشند تماماً ازآجر ساخته شده و ۱۰/٤۰ متر ضخامت دارند. بدون شك این دیوارها در روزگار آبادانی مسجد،کاشی کاری و تزئینات دیگری چون سنگ مرمر و گچ‌بری داشته‌اند که اکنون چیزی از آنها باقی نمانده. حمدالله مستوفی دراین باره چنین می‌نویسد:«..... خواجه تاج‌الدین علیشاه جیلانی درتبریز درخارج محله نارمیان مسجد جامع بزرگی ساخته که صحنش ۲۵۰ گز در ۲۰۰ گز ودراو صفه‌ای بزرگ، از ایوان کسری‌بمدائن بزرگتر. اما چون در عمارتش تعجیل کردند [سقف آن] فرودآمد. درآن مسجد انواع تکلفات به‌تقدیم رسانیده و سنگ مرمر بی‌قیاس در او بکار برده و شرح آنرا زمان بسیار باید.....» .[۱۳۰]

برروی این دیوارها طاقی بسیار عظیم و رفیع ساخته‌بودند. ارتفاع خط آغاز طاق از کف ۲۵ متر و ارتفاع فرضی بلندترین نقطه آن از زمین احتمالا ٦۵ متر بوده است. اما ظاهراً خواجه علیشاه از بیم مرگ و اینکه ساختمان مسجد نیمه‌تمام بماند بقول حمدالله مستوفی فرمان داد تا در بنای آن عجله کنند و همین مسأله سبب شد که طاق مزبورازاستحکامی چنانکه باید برخوردار نشده وفرو ریزد .

۱۳۰ــ نزهة القلوب نوشته حمدالله مستوفی به تصحیح محمددبیرسیاقی ص۸۷.

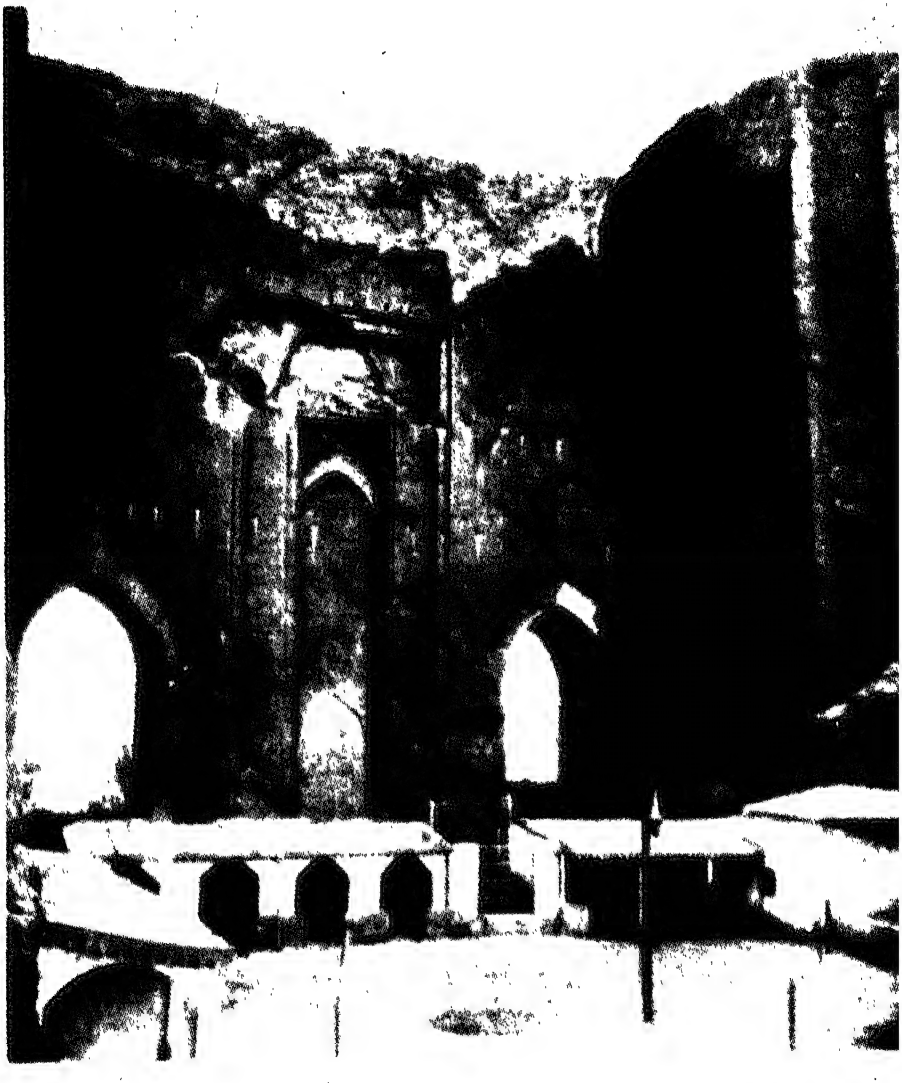

۹ـ ایوان مسجد علیشاه (تصویر از کتاب معماری آذربایجان از سدهٔ ۱۲ تا ۱۵ میلادی تالیف ل . س . یرتانیتسکی چاپ مسکو سال ۱۹٦٦)

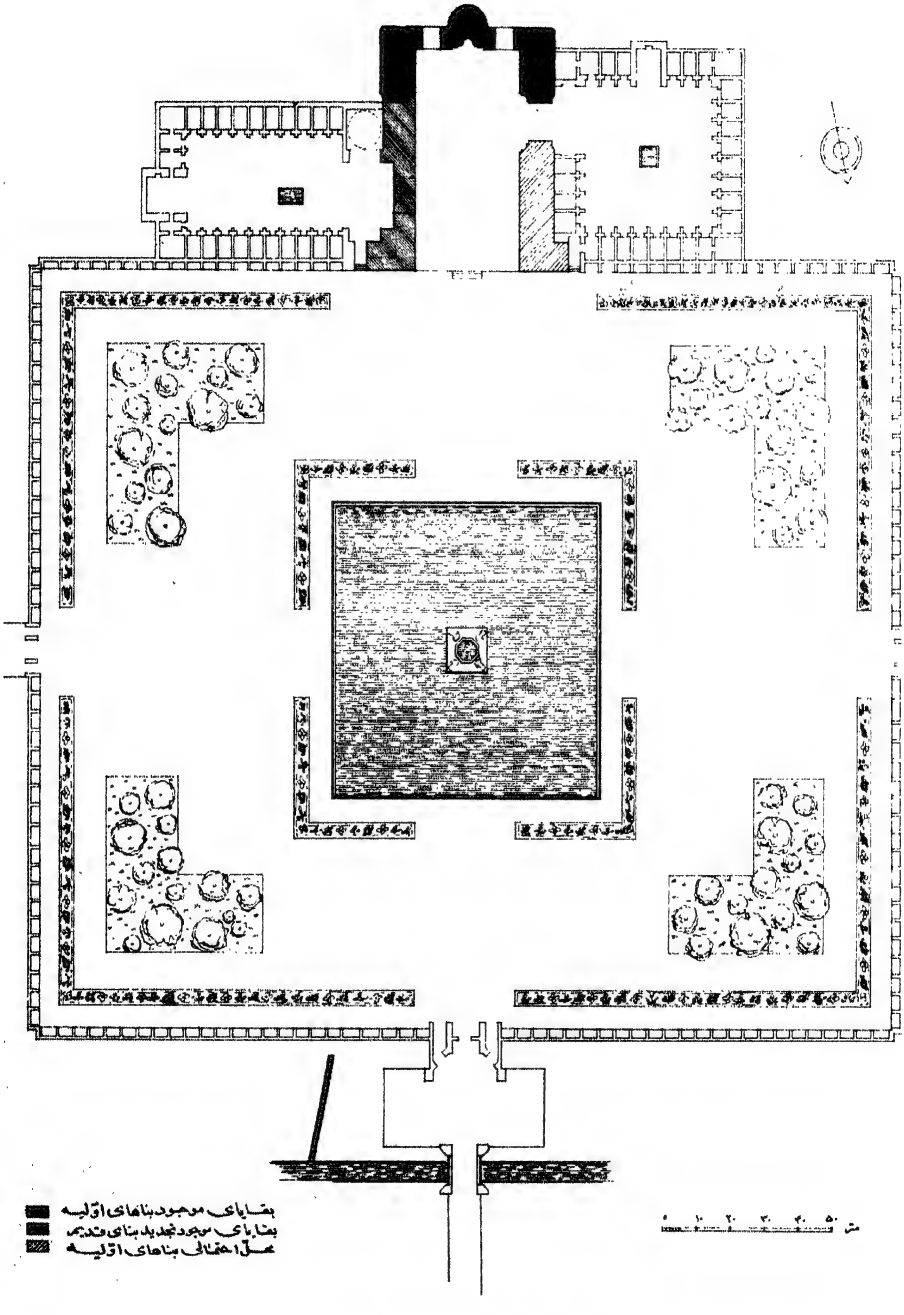

۱۱ـ نقشه فرضی ساختمان اصلی مسجد جامع علیشاه ـ بنیهٔ مجاور

عظمت این طاق به‌حدی بوده که بعضی‌ازمورخین[۱۳۱] اصولا نتوانسته‌اند تصور وجود گنبدی بآن بزرگی را بمغز خویش راه دهند و آنرا اصولا فاقد سقف دانسته‌اند، بدلایل متعددی این نظریه خطا است. نخست آنکه مورخین قدیمی چون حمدالله مستوفی و ابن بطوطه و کاتب چلبی و غیره صریحاً بوجود سقف اشاره کرده وحتی آنرا با طاق کسری مقایسه کرده ثانیاً ژان شاردن سیاح‌فرانسوی که حدود سال ۱٦۷۰ از تبریز بازدید کرده درشکل (شماره۸) که ازاین بنا کشیده طاق نیمه‌مخروبه آنرا بطرز نمایانی مجسم ساخته است ودر سفرنامه خویش تصریح کرده که ارتفاع آنچه که از طاق مانده بحدی است که از فاصله بسیار دور اولین بنائی‌است که از شهر تبریز بچشم میخورد.عکس(۱۱)

گذشته ازاین از نظر معماری این بنا نمیتوانسته‌است بدون طاق باشد زیرا دیوارهائی‌آنچنان مستحکم که‌بعرض ۱۰/٤۰ متر ازآجر ساخته شده باشند محققاً برای نگهداری آنچنان طاقی بنا شده است.

دونالد ویلبر تحقیق جامعی درباره این بنا بعمل‌آورده وباتوجه بکلیه مدارك موجود نقشه مفروض ساختمان اصلی مسجد وابنیه مجاور آنرا رسم کرده‌است (شکل۱۰) ناحیه‌ای که‌درنقشه دوبار قلم زده شده وتیره مینماید باعتقاد ویلبرقسمتی ازساختمان اصلی‌ایوان‌بوده که ازبقایای بنای اولیه‌است ولی‌نواحی کمرنگ‌ترازبقایای‌تجدید بنائی‌است که در دوره‌های قدیم‌صورت گرفته و ناحیه‌ای که درسمت راست ایوان قراردارد ویك‌رج هاشورخورده

۱۳۱– مانند شاهزاده نادرمیرزا که بنقل ازعموی خویش مرتضی میرزا این بنارافاقد سقف دانسته است.

ظاهراً کوششی برای پر کردن شکل نقشه اصلی ایوان است . وی درمورد تزئینات داخلی بنای مزبور چنین مینویسد : « .... منابع موجود اطلاعاتی دربارهٔ تزئین داخلی سطوح دیوار ایوان میدهد ولی بآن اندازه نیست که تصور کاملی بدست دهد . جوان مصری مشاهده کرده است کـه طاق نوك محراب با طلا و نقره تزئین و نقاشی شده بود و احتمال میرود که آنچه او دیده است محراب سفالین بوده کـه جلای فلزی داشته است. کسانی که در اوایل این ساختمان را دیده‌اند ، از تزئین سفالی بر تمـامی صحن صحبت داشته‌اند... هرسطوح‌دیوارهای‌آجری داخلی سوراخهای‌چوب‌بست‌درفواصل منظم دیده میشود . سوراخهای دیگر برسطح دیوار وجود دارد، ولی تعداد آنها باندازه‌ای نیست که بتوان‌آنها را نقاط اتصالی سفال یاپوشش دیگری محسوب داشت. ایوان تابالای کف‌اصلی ازخاك خرابه‌پرشده بطوریکه اثری از ازاره دیده نمیشود ، ولی احتمال میرود که ازارهٔ اطاق از سنگ تراش یا مرمربوده است. ممکن‌است که سطوح‌دیوارهای داخلی با گچ سفیدکاری شده بوده ولی احتمال قویتر آن است که روی آنها پارچه بافته آویزان میکرده‌اند.....»[۱۳۲]

مادام دیولافوا طاق مزبور را چنین تعریف می کند:« این بنای باعظمت که۲۵مترارتفاع داردوقبل از ورود بشهر درفاصله زیادنظر مسافرین راجلب میکند، درمرکزمیدان وسیعی قرار داردودیواری بشکل کثیرالاضلاع آنرا محصور کرده‌ودارای برجهای مرتفعی‌است واطراف‌آن خندق عریض وعمیقی بوده که اکنون یك قسمت آن پرشده است . دیوار آن با مهارت خاصی ساخته شده اگر بطور مایل بآن نگاه کنند درزهای قائم آجرها بشکل موازی بنظر میآیند که تمام متساوی البعد و در هر جا فاصله مابین آنها یکسان است .

۱۳۲ــ ن.ك. به‌معماری اسلامی‌ایران دردورهٔ ایلخانان ص۱۵۹-۱۶۰.

۱۰ـ منظرهٔ شهر تبریز بطوریکه شاردن در نیمه دوم سدهٔ هفدهم کشیده است (تصویر از کتاب دونالدویلبر)

دراطراف این‌بنای‌نیمه‌خراب ابنیه‌نظامی‌جدیدی برپا شده که مخصوص سربازان ساخلوی تبریز است ویك کارخانه توپ ریزی هم هست که اکنون متروك وبدون استفاده مانده است . پلکان خرابی منتهی ببام میگردد و در بالای بام دومنزلگاه کوچکی است برای دیده‌بانها که بنوبه درآنجا باید ناظر باشند وحریق وسایر حوادث را اطلاع‌دهند. » ☆

اشارات متعددی بوجود مناریامناره‌ها دراین مسجد شده ولی هیچ یك وضوح وروشنی‌کافی ندارند مثلاجوان مصری درسفرنامه خویش بوجود دو مناره یابرج که هر کدام هفتاد ذرع بلندی وپنج ذرع‌عرض داشته‌اند اشاره میکند ولی بهیچوجه‌محل دقیق این‌مناره‌ها را ذکر نمی کند از آن گذشته در تصویرشاردن هم کوچکترین‌نشانه‌ای ازوجود برج‌یامناره بچشم‌نمیخورد وفقط‌درتصویراو دوبرج‌مدور که‌روی‌آنها گنبد کوتاهی‌قراردارددودردوطرف نمای ایوان واقع هستند ، از سطح زمین شروع شده وتاحدودخط آغاز طاق بالا رفته‌اند. بنظر میرسد که اگرهم این مسجدمناره‌هائی داشته‌تقریباً اندکی پس ازساختمان آن احتمالا همزمان باریزش طاق ویران شده‌اند.

بطور خلاصه میتوان گفت کـه این بنا بخوبی نمایشگر اوج قدرت حکومت مغول در ایران و گواه عظمت منابع‌اقتصادی واستحکام نهادهـای اجتماعی ایران درآن دوره بشمار میآید و همچنین ازخلال ویرانه‌هـای آن مهارت و چیره دستی معماران هنرمند آن روزگار بخوبی پیداست ونیز این بنا نمونه‌ای عالی ازتلفیق معماری‌اسلامی‌ومعماری ساسانی بحساب‌میآید زیرا سازندگان آن کوشیده‌اند که با نرمهـا ومعیارهای هنری زمان خویش بنائی شبیه به‌طاق کسری بسازند .

مسجد جهانشاه(مسجد کبود) :

یکی از زیباترین شاهکارهای معماری ایران مسجد کبود تبریز است

☆ سفرنامه مادام دیولافوا ترجمه فره‌وشی ص ۵۵

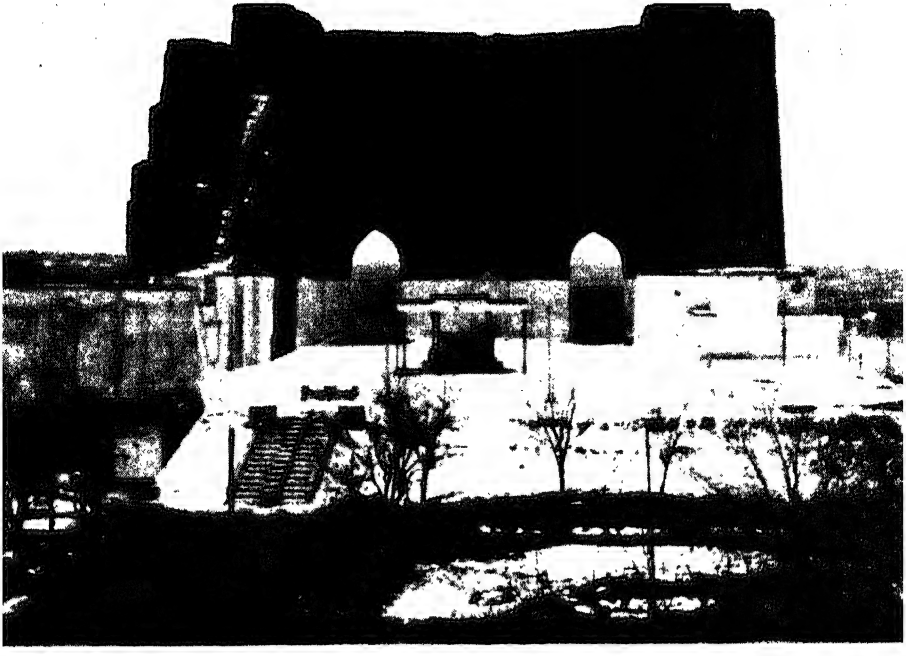

۱۲ـ ایوان وپله های مسجد علیشاه (ارك) وقبر سربازگمنام که بعد ازجنك
بین‌المللی دوم احداث شده است

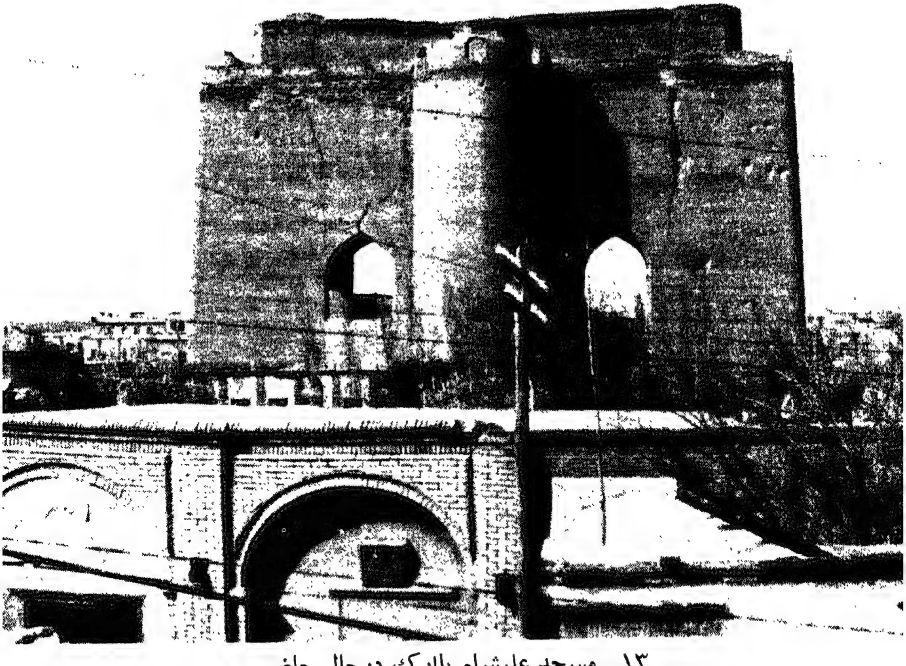

۱۳ـ مسجد علیشاه یاارك درحال حاضر

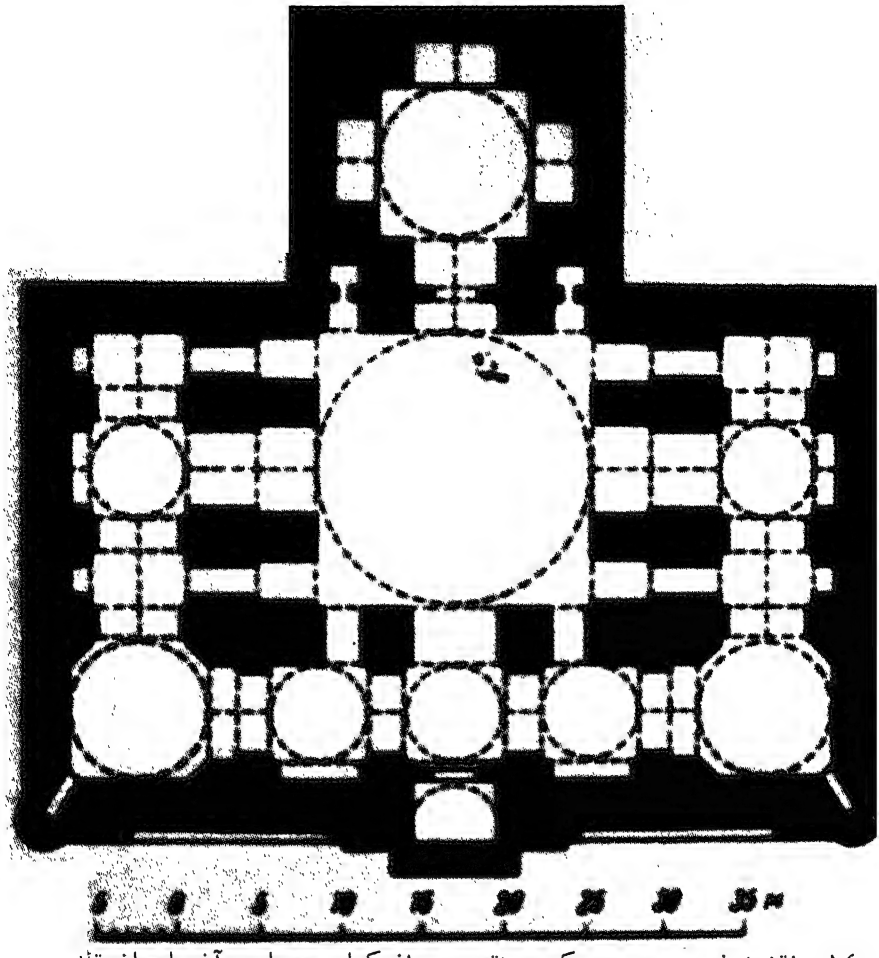

۱۴ ـ نقشه زمینی مسجد کبود (تصویر از کتاب معماری آذربایجان تالیف ل. س. یرتانیتسکی چاپ مسکو)

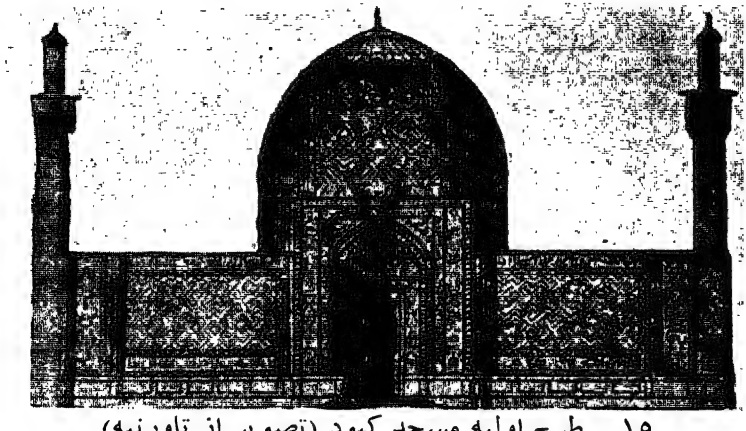

۱۵ ـ طرح اولیه مسجد کبود (تصویر از تاورنیه)

که ازیادگارهای سدهٔ نهم هجری بحساب می‌آید ، نام این مسجد را بلهجهٔ محلی(گوی مسجد) ودرفارسی کنونی مسجد کبود ضبط کرده‌اند. اما سابقاً بخاطر کتیبه‌ای که درطاق درگاه آن قرار داشته و اکنون نیز باقی است و برروی آن‌جمله «العمارة مبارکة‌المظفریه»نقرشده است آنرا مسجدوعمارت مظفریه میخواندند . بانی این مسجد میرزا جهانشاه‌بن قرایوسف ترکمان ، سومین پادشاه طایفه‌قره‌قویونلواست . (عکس شماره ١٤ و١٥)

شاهزاده نادر میرزا وضعیت این‌بنا را چنین توصیف‌میکند :«...ارتفاع طاق جلوی این‌بنا پانزده‌ذرع تبریز است ودهنه‌این طاق هفت‌ذرع‌ویك‌چارك کم، صفهٔ جلوی این طاق پنج‌پله که ارتفاع هرپله‌یك‌ذرع چارك کم میباشد طول صفه الی درمسجد چهار ذرع ونیم، دهنه در طاق مسجد سه ذرع ونیم است و طول فرش انداز این مسجد ازدهنهٔ در مسجد الی دهنهٔ طاق مسجد بیست وچهار ذرع، عرض مسجد بیست ویك ذرع‌ونیم‌است، ودور گنبدی که محیط این گنبد بوده پنجاه وپنج ذرع....»[١٣٣]

چنانکه از اندازه های این بنا معلوم میشود این مسجد برخلاف اکثر بناهای تبریز عظمت وبزرگی قابل‌توجهی نداشته اما نباید فراموش کرد که تزئینات داخلی این مسجد یکی‌از زیباترین شاهکارهای کاشیکاری ایران بحساب میآید، بطوریکه زیبائی هنرتزئینی‌آن هربیننده‌ای را مبهوت کرده است.ازبین سیاحانی که ازتبریزدیدن کرده‌اند تاورنیه فرانسوی[١٣٤] دقیقتر ازهمه ظرایف هنرکاشیکاری این مسجدرا توصیف کرده است. وی‌دراین‌باره می‌نویسد:«...دیوارهای آن[ازخارج]همه‌ازکاشی‌اعلا برنگهای مختلف‌پوشیده شده وازطرف داخل با نقش ونگارهای عالی بسبك معمـاری اعراب[١٣٥] و

١٣٣ــ ر.ك. به‌تاریخ دارالسلطنه تبریز تألیف نادرمیرزا ص٧٨و٧٩.

١٣٤ــ این جهانگرد درسال ١٠٤٦ هجری ازتبریز بازدید کرده‌است.

١٣٥ــ بنظرمیرسد که منظورتاورنیه‌معماری اسلامی باشد زیرا تاآنجا که‌نگارنده‌آگاهی دارد درکشورهای عربی کمتر چنین بناهائی رامیتوان دید.

۱۶ ـ کاشیکاری‌های درونی مسجد کبود (تصویر از کتاب معماری آذربایجان)
«چاپ مسکو»

کلمات بسیار بخط عربی ازطلا ولاجورد زینت یافته... تمام گنبد [آن] از مینای بنفشه رنگ است که روی آن اقسام گلهای صاف نقاشی شده سطح خارج هردو گنبد هم ازهمین کاشیها مستور ولی نقاشی آنها برجسته است. روی گنبد اولی گلهای سفید روی زمینه سبز و گنبد دومی ستاره‌های سفید روی زمینه سیاه وهمه رنگها به باصره لذت میدهد.» [۱۳٦] (تصاویر شماره ۱٦و۱۷)

آنچه که تاورنیه شرح داده مربوط به بیش از سیصد و پنجاه سال پیش است ولی متأسفانه بعدها این بنا تقریباً بکلی ویران شد ولی پس از چندی دوباره بطرز جدیدی تعمیر گشته است. آنچه که مسلم است درروزگار شاهزاده نادرمیرزا یعنی درحدود سال ۱۳۰۱ هجری قمری هنوز آثار قابل توجهی از این بنا بچشم میخورده زیرا وی با دقت قابل تحسینی مسجد کبود را چنین ذکر میکند: «... کاشی دیوارهای مسجد بارتفاع یك ذرع ونیم اززمین ببالا را باکاشی فیروزه رنگ که خوش رنگتر ازفیروزه اصل است کاشی کاری نموده ومیان این کاشیها را باکاشی سیاه وزرد بطور حصیربافی کاشی بری کرده بالای این کاشی را بعرض نیم ذرع حاشیه قرارداده، بقدر چهار انگشت ازاین حاشیه را باکاشی کبود کاشی نموده ومیان این کاشی را باکاشی سفید وزرد وفیروزه وسیاه بطور اسلیمی شاخ وبرگ و گل وبوته طرح سازی و کاشی بری نموده است . . . بالای این حاشیه رابعرض یك چارك حاشیه دیگری قرار داده است که متن این حاشیه را هم باکاشی کبود کاشی سازی نموده است. وسط این کاشی را باکاشی سفید بخط ثلث بسیار خوش خط که بعرض یك انگشت پهنای خطوط است سورمبارکهٔ قرآن را کاشی بری کرده است و جمیع اطراف مسجد بهمین نحو بیك میزان کاشی کاری شده است . . .» [۱۳۷] (عکس شماره ۱۸)

شاهزاده نادرمیرزا واقعاً باوسواس ودقت قابل تمجیدی تمامی ریزه کاریهای تزئینات مسجد کبود را وصف کرده وبخوبی ازعهده بیان وتشریح آن برآمده است

۱۳٦- چهل مقاله نخجوانی ص۸و۹ ونیز نگاه کنید به سفرنامه تاورنیه ذیل ماده تبریز

۱۳۷- تاریخ تبریز تألیف نادرمیرزا ص۷۹.

۱۸ ـ ویرانی مسجد کبود (تصویر ازکتاب معماری آذربایجان)

۱۷ ـ قسمتی از کاشیکاریهای نزدیك محـراب مسجد کبود (تصویر از کتاب معماریهای آذربایجان)

ولی متأسفانه در تجدید بنای این مسجد قسمت اعظم زیبائی و شکوه هنر کاشی کاری آن ازبین رفته وتنها توانسته‌اند طرح کلی بنا را تا حدودی حفظ کنند. (عکس شماره ۱۹ - ۲۰)

مسجد استاد شاگرد:

این‌مسجد که درزمان امیرحسن چوپانی بنای‌آنرا نهاده‌اند اکنون در محله‌میارمیار ودرغرب خیابان فردوسی درمحل‌مسجد سلیمانیه که‌ازبناهای قدیمی‌تبریز بوده ودراثر زلزله بکلی‌ویران شده وازبین رفته بناگردیده و تاریخ ساختمان‌آن‌بحدود سال ۷۴۲ هجری‌قمری‌میرسد وازآنجا که کتیبه‌های‌مسجد نیمی‌بوسیله خواجه‌عبدالله صیرفی که‌از خوشنویسان معروف‌بوده نوشته‌شده، بقیه‌راشاگردوی باتمام رسانیده‌است.

مسجد حسن پادشاه

اوزون‌حسن‌اولین‌پادشاه آق‌قویونلومسجدی‌عظیم باآجر وسنگ‌مرمرو کاشیهای‌مغرق[۱۳۸] بنا کرده‌بود ولیکن زلزله‌بکلی‌آن‌را ویران‌ساخت‌واکنون درمیدان صاحب‌الامر محل‌بنای سابق‌آن،مسجد جدیدی ساخته‌اند که‌بهمان نام نامیده شده‌ولی مطلقاً فاقد ارزش هنری وتاریخی‌است.

صاحب‌الامر

بنای صاحب‌الامر در شمال مهرانرود در مجاورت میدانی که بهمین اسم نامیده میشود واقع است. این بنای تاریخی شامل یك مدرسه علوم دینی و مقبره صاحب‌الامرویك‌مسجد میباشد. گنبدو دو منارهٔ آن تلفیقی ازمعماری اسلامی‌ومعماری‌دورهٔ صفوی‌بشمارمیرود. این‌بنادرزمان‌شاه‌طهماسب‌اول‌صفوی ساخته شده ولی‌متأسفانه بدست سپاهیان عثمانی ویران گردیده‌است وبعدها مجدداً تجدید بنا گردیده‌است. درحال‌حاضر دوطاق‌مرمری‌زیبا ویك‌سنگ

---

۱۳۸ – این‌نوع‌کاشیکاری بنام معرق (باغین‌بدون نقطه) مشهوراست لیکن فاضل دانشمند مرحوم عباس اقبال‌آشتیانی درشماره سال دوم مجله ایران امروزص۲۶ با دلایل مستحکمی اثبات‌کرده که آنرا باید مغرق (باغین نقطه‌دار) نوشت

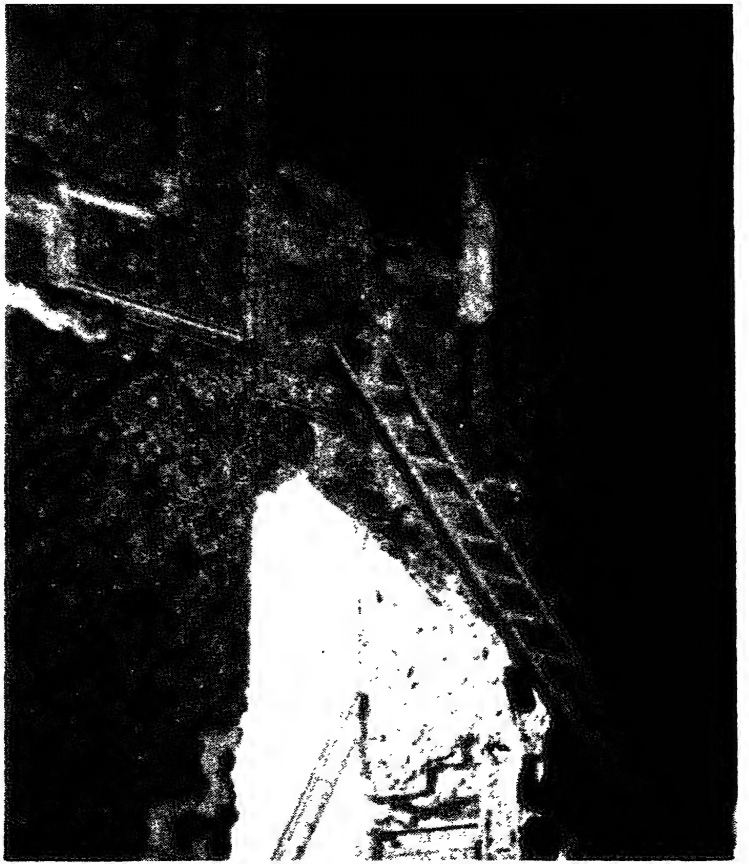

۱۹ ــ داخل سردر مسجد کبود

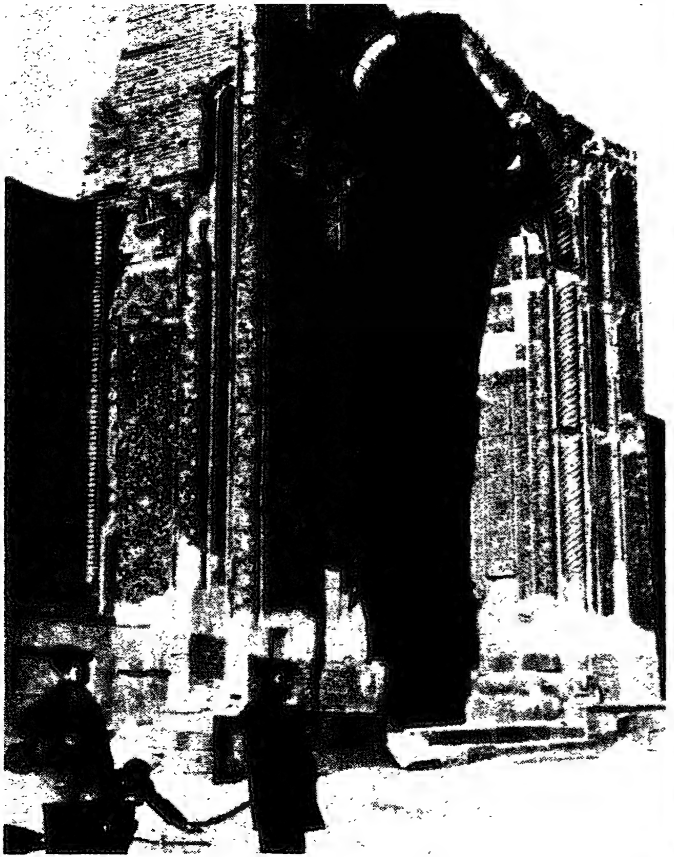

۲۰ ــ سردر مسجد کبود

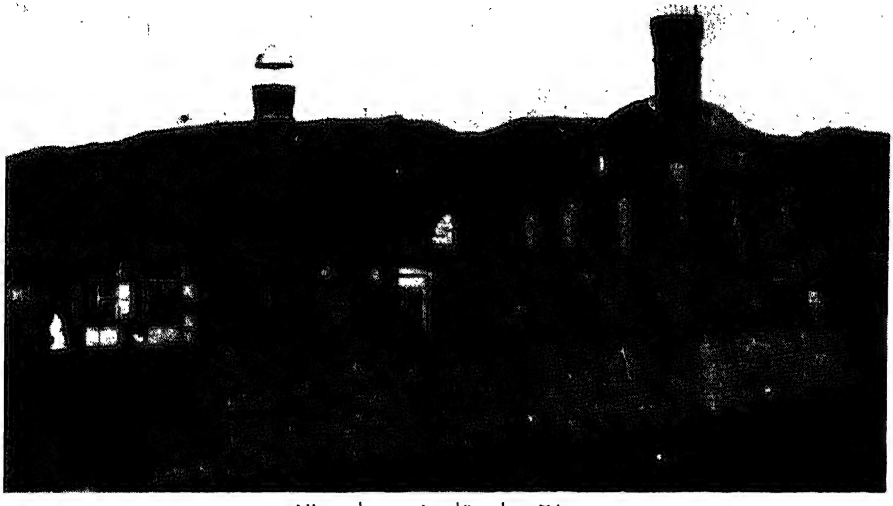

۲۱ بنای تاریخی صاحب‌الامر

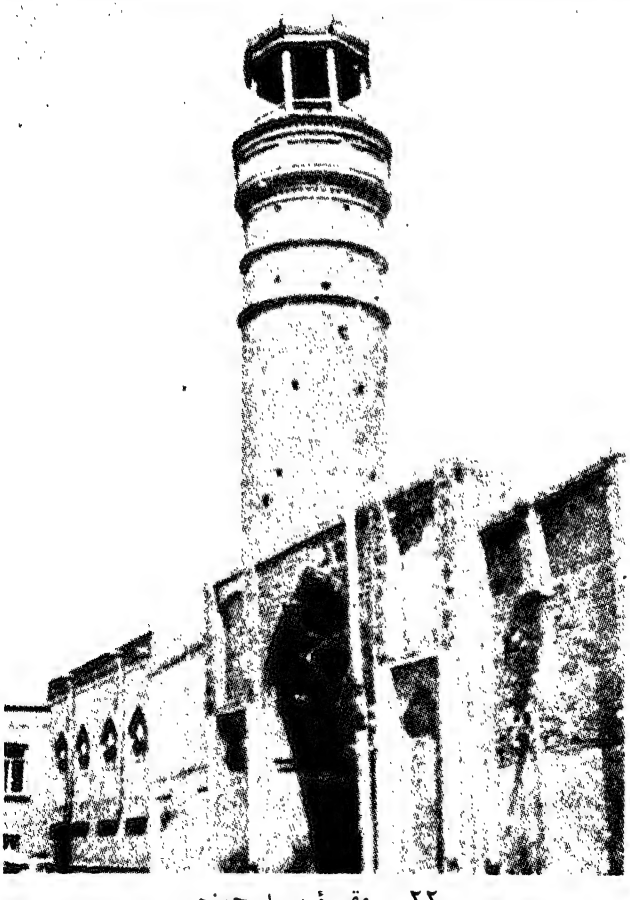

۲۲ ـ مقبرهٔ سید حمزه

نوشته که مربوط به لغو عوارض و رفاه حال مردم آن ایام میباشد دیده میشود.(عکس۲۱)

مقبره سید حمزه

این‌مقبره که در کوی‌سرخاب واقع است. سید حمزه از اولاد امام‌موسی کاظم(ع) بوده که بدست مغولان مقتول ودرهمانجا مدفون گردیده‌است. این بقعه در قسمت جنوب شرقی مسجد معروف سید حمزه قرار دارد و دارای مناره و گنبد بزرگی‌است . ازتزئینات مرمری وکاشیکاری باقیمانده این‌بنا چنین استنباط میشود که روزگاری دارای شکوه وعظمت معماری‌بوده‌است مقبره سید حمزه بسبب اهمیتش حجرات واطاقهای متعددی مخصوص اقامت وتحصیل طلاب علوم دینی‌داشته‌است. (عکس۲۲)

بطور خلاصه‌درتبریزشاید متجاوزازدویست وپنجاه مسجدقدیمی وجود داشته که مسلماً حتی ذکر نام آنها نیز خارج‌ازحوصله این مقال است . گذشته از آن در تبریز تعداد بسیار زیادی امکنه مقدسه ومقابر متبرکه و زیارتگاههای مؤمنین وجود داشته است مانند (زیارتگاه عون بن علی و زیدبن علی) که مردم تبریز آنراعینلی وزینلی مینامند وزیارتگاه معتبری بشمار میرود. این‌زیارتگاه دربالای کوهی که بهمین نام معروف است‌ساخته شده است. (شکل ۲۳)

آقای حافظ‌حسین کربلائی‌تبریزی کتاب‌بسیارقطوری‌بنام‌روضات‌الجنان و جنات الجنان در توصیف ومعرفی تاریخچه این‌بقاع نوشته است و اخیراً فاضل گرانقدر آقای جعفرسلطان القرائی پس از تصحیح و تعلیق آنرا در دوجلد بوسیله بنگاه ترجمه و نشر کتاب منتشر کرده‌است.

چنانکه در شماره‌های پیش مذکور افتاد تبریز از اوایل قاجاریه بخصوص‌زمان شاهزاده عباس میرزا نایب السلطنه که ولیعهد نشین شده و بدارالسلطنه ملقب گشت، حیاتی دوباره یافت واکثر ولیعهدان‌قاجار درآن شهر ابنیه و عماراتی ساختند که از آن میان بناهای عباس میرزا وابنیه ناصرالدینشاه که بهمت امیرکبیر ساخته شده ازهمه مهمترند .

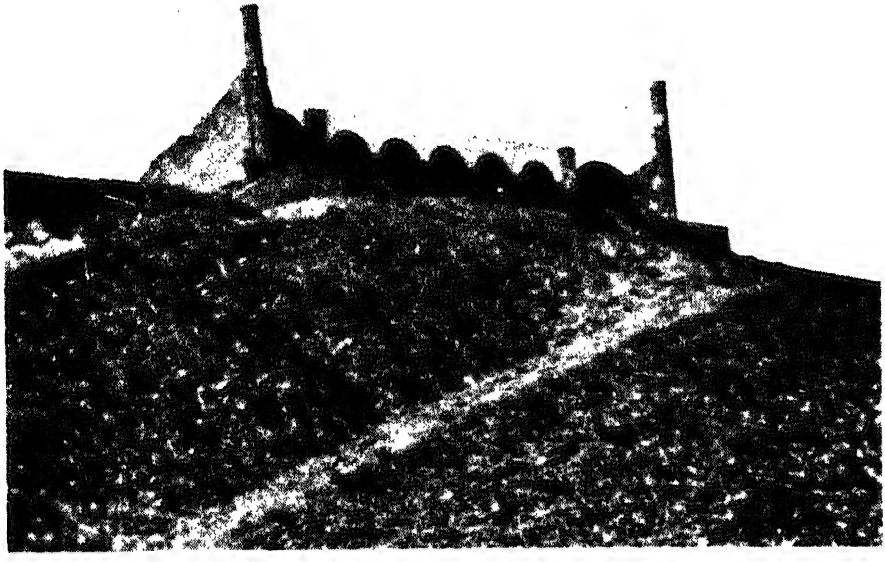

۲۳ ـ زیارتگاه عینلی و زینلی

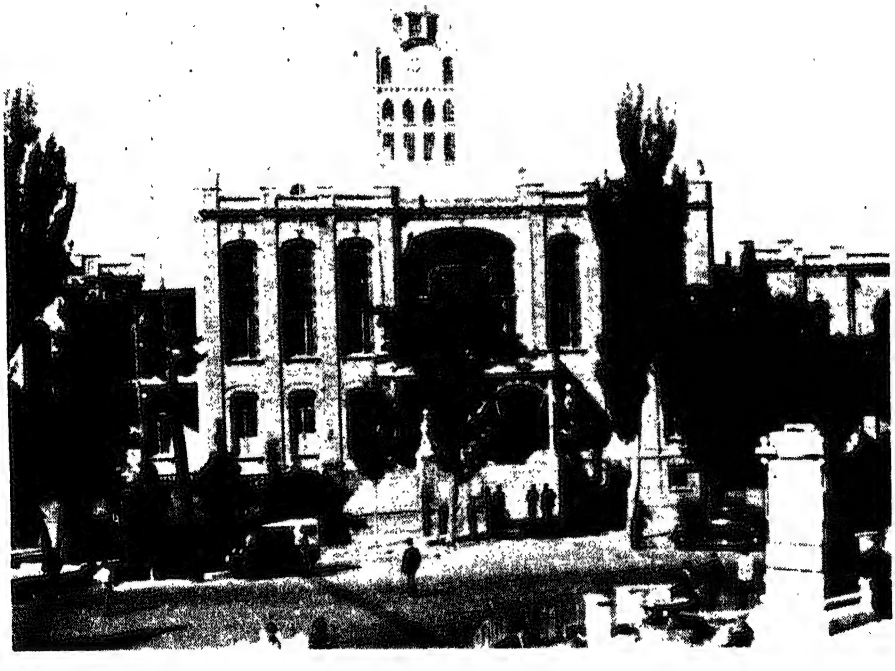

۲٤ ـ میدان شهرداری تبریز

عباس‌میرزا که علاقه‌فراوانی بآبادانی وعمارات داشت ابنیه فراوانی از خویش درتبریز بیادگار نهاد.

باغ‌شمال

یکی ازجالبترین‌کارهای عباس‌میرزا تکمیل بنای باغ‌شمال است. این بنا که درزمان‌سلطان‌یعقوب‌آق‌قویونلوبنیادنهاده شده ودردورهٔ صفویه‌مجدداً تعمیر گشته بود دراثر گذشت زمان رو بویرانه گذاشته بود، اما بهمت این شاهزاده تجدیدبناشد وی باغ‌بزرگی که‌مقدار اراضی آن چهل‌خروار تخم افکن‌است»[۱۳۹] دراطراف آن‌احداث کرد و درآن عماراتی عالی و استخری بزرگ بنیادنهاد. (عکس۲۵ و ۲٦)

دیگر ازعمارات نایب‌السلطنه ساختمان عالی‌قاپو است که‌آنرا به تقلید عالی‌قاپوی‌تبریزواصفهان‌احداث کرد که‌این‌عمارات اکنون به‌بناهای جدید تبدیل شده‌اند.[۱٤۰] (عکس۲۷)

شاه‌گلی

عمارات شاه‌گلی نیز از بناهای جالب دوران قاجار است که بوسیله شاهزاده قهرمان میرزا پسرعباس میرزا در میان استخری بزرگ که‌بدریاچه‌ای شبیه‌است. بطرز زیبائی بنا گردیده که‌اکنون هم تفرجگاه‌تبریزیان‌است. (عکس۲۸)

ازآغاز سلطنت اعلیحضرت رضاشاه کبیر تبریز نیز مانند اکثر شهرهای ایران‌مشمول برنامه نوسازی کشور واقع شد وچهرهٔ آن دگرگون گشت و اکنون بصورت‌کاملا نوینی درآمده‌است.

۱۳۹- تاریخ نادرمیرزا ص۱۸۸.

۱٤۰- استخرشاه.

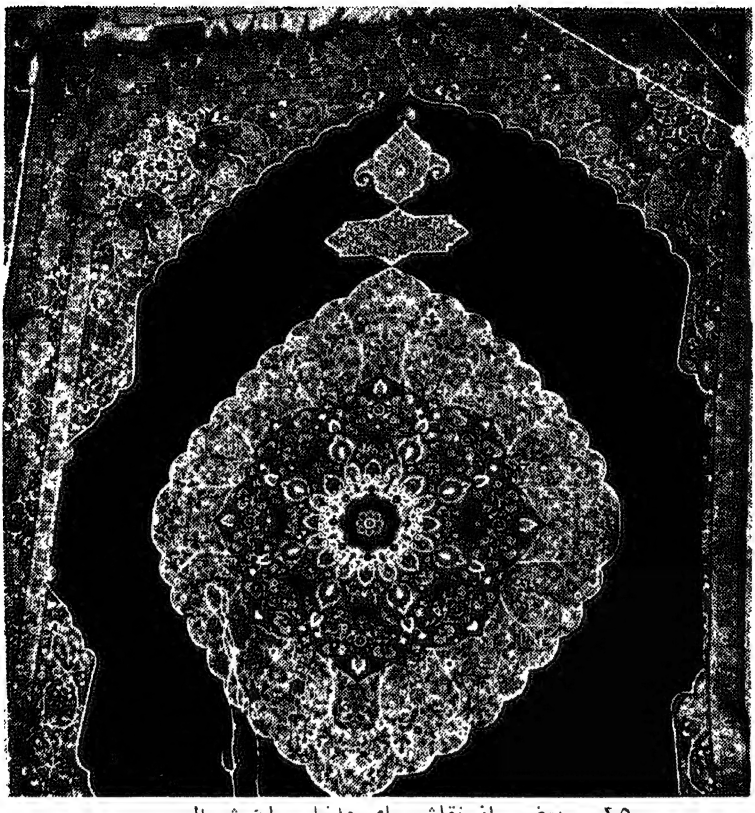

۲۵ ـ بعضی از نقاشیهای داخلی باغ شمال

۲۶ ـ عمارت مرکزی باغ شمال

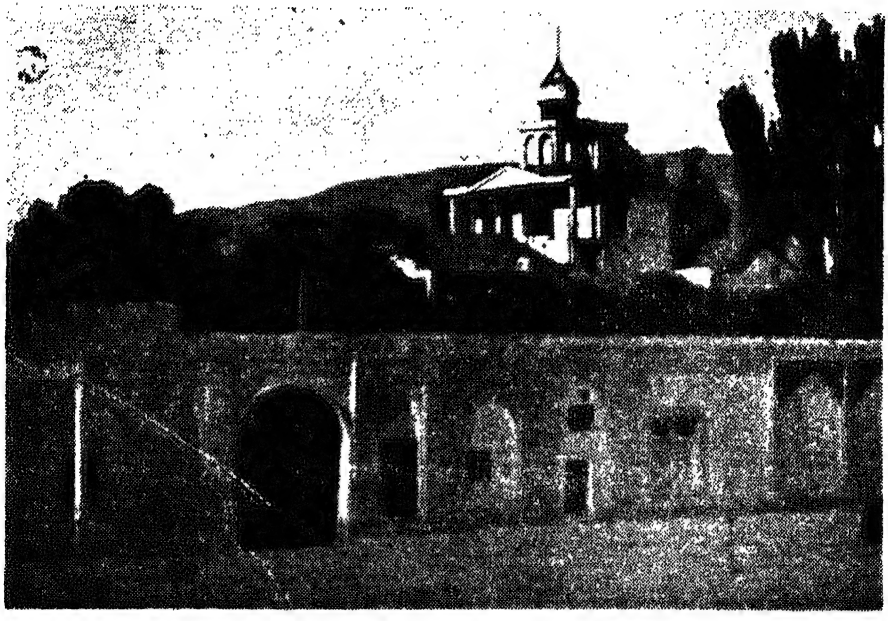

۲۷ ـ عالی قاپو و شمس‌العماره

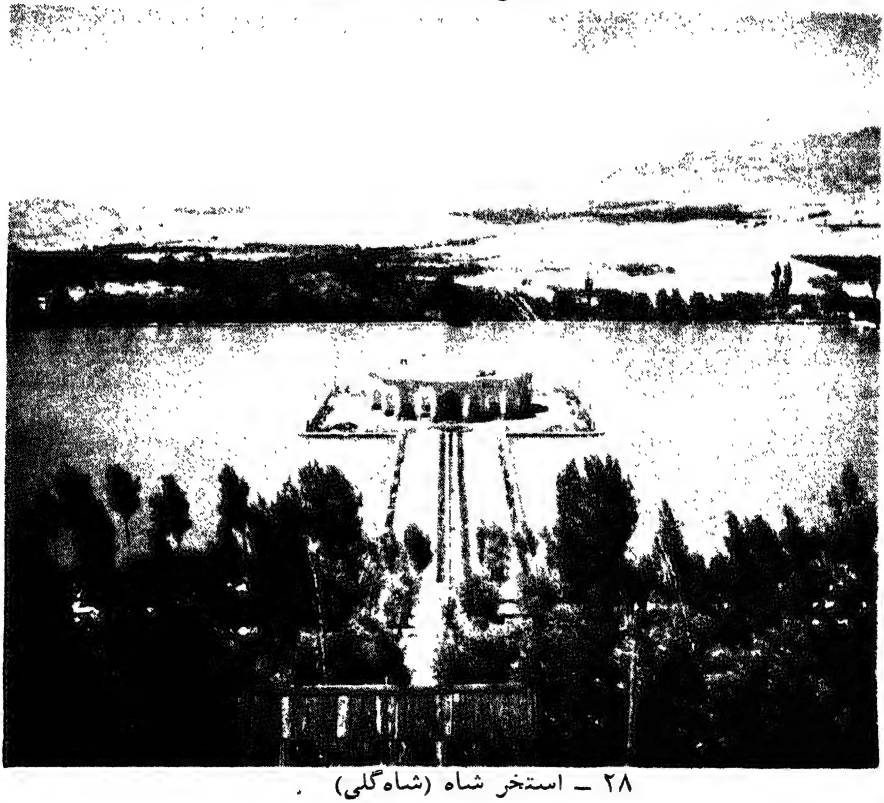

۲۸ ـ استخر شاه (شاه‌گلی)

سندی درباره

سفارت ژنرال یرملوف

به

ایـران

بقلم

سرهنگ جهانگیر قائم مقامی

دکتر تاریخ

ساختمان شهرداری

سندی درباره

سفارت ژنرال یرملوف بدایران

بقلم

سرهنگ جهانگیر قائم مقامی

(دکتر در تاریخ)

درمیان انبوه اسنادی که درگنجینهٔ گرانبهای فاضل محترم آقای کریم‌زادهٔ تبریزی موجود است. سندیست مورخ به شعبان ۱۲۳۲ هجری قمری که فرمانی خطابیست[۱] و از طرف فتحعلیشاه خطاب‌به‌عباس میرزا نایب السلطنه در مورد پذیرائی‌ازژنرال یرملوف سفیر روسیه صادرشده است.

فرمان مزبور بطول ۱۴ × ۳۲/۵ سانتیمتر ومتضمن یازده سطربخط خوش‌است که طغرا نداردوممهوربه‌مهرچهارگوش و کوچك فتحعلیشاه با سجع «السلطان‌فتح‌علی» میباشد.[۲]

اهمیت این سند بیشتر از

۱- فرمانهای خطابی نوعی‌از فرمانها هستند که خطاب باشخاص صادر میشده‌اند و طغرا نداشته وفقط بمهرپادشاه میرسیده‌اند و اختلاف آنها بانامه‌ها ومکاتبات در رکن خاتمه آنهاست‌که متضمن عباراتی حاکی‌از دستورات و روشهای معمول دیوانی می‌بودند مانند عبارت« حسب‌المقرر عمل‌نمود و.....و درعهده‌شناسند.». این‌نوع فرمانهابعد ازصفویه معمول شد ودر دورهٔ قاجاریه استعمال فراوان یافت.

۲- برای آگاهی انواع‌مهرهای فتحعلیشاه و سجع آنهابه مقاله مهرها و طغراها و توقیع‌های پادشاهان ایران از ایلخانان تاپهلوی پایان قاجاریه در مجله‌بررسیهای تاریخی ش۴ سال ٤ رجوع کنید.

متفقاً واسطه خواهند شد که امپراطور روس شهرها و نواحی از دست رفته ایران را پس دهد.[۴]

براثر این مواعید ، دولت ایران میرزا ابوالحسن‌خان شیرازی را برای سفارت بدربار روسیه تعیین کرد و سر گوراوزلی نیز آمادگی خود برای حرکت بلندن ازراه روسیه اعلام نموده و باز یادآور شد که چون بدربار امپراطور برسد دربارهٔ استرداد نواحی ایران گفتگوخواهد کرد امابا آنکه فتحعلیشاه اصرارداشت او و میرزا ابوالحسن خان همراه یکدیگر باشند ، سر گور اوزلی بعذر اینکه عده همراهان آنها زیاداست‌واین مسأله‌مشکلاتی درطول راه فراهم خواهد ساخت ، دوماه زودترحرکت کرد.[۵]

بدین ترتیب سفرای ایران و روسیه درسال ۱۲۲۹ هجری قمری بسوی روسیه حرکت کردند[۶] و سر گور اوزلی درهفتم رمضان آن سال (۲۳ اوت ۱۸۱۴) و میرزا ابوالحسن خان در حدود هفت ماه بعد (در دهم آوریل ۱۸۱۵ = ۲۹ ربیع‌الثانی ۱۳۳۰ قمری وارد سن پطرزبورگ شدند.)[۷]

در روسیه امپراطور ازمساعی و اقدامات سر گور اوزلی که در انعقاد معاهدهٔ گلستان بهمه جهت مصالح امپراطوری روسیه را محفوظ و تأمین نموده بود ، قدردانی کرد و درملاقات با او گفت: «این صلح باایران‌به‌بهترین شکلی ازحیث منافع وشرافت انجام گرفته است . من‌بانهایت میل وشعف‌آنرا قبول نموده‌ام واین غیرممکن است که من بتوانم احساسات درونی خود را بشما اظهار بدارم» و سر گور اوزلی درجواب گفته بود: « اعلیحضرتا ، این خدمت مختصرمن که سعادت مرا بانجام‌آن یاری نموده تا درایران‌بجاآورم

۴- محمود محمود : ج۱ص۱۳۱

۵- همان کتاب ص ۱۳۲ بنقل از سیاحتنامه موریر .

۶- عبدالرزاق بیك مفتون: مآثرالسلطانیه درشرح وقایع سال ۱۲۲۹ هجری‌قمری و محمد حسنخان صنیع‌الدوله. منتظم ناصری جلد سوم ص۱۰۶

۷- محمود محمود :ج ۱ص ۱۳۸و ۱۴۱ بنقل‌ازیادداشتهای سر گوراوزلی صفحه ۱۰۰

دو نظر است : یکی آنکه وجود آن صحت قسمتی از مندرجات برخی از تاریخهای دورهٔ قاجارمثل ناسخ‌التواریخ و روضة‌الصفای ناصری و فارسنامهٔ ناصری را تأیید مینماید. دیگر آنکه‌میرساند، بست و گشودامور آذربایجان وحل مشکلات و دشواریهای حاصل از روابط ایران با دولت روسیه کلاً به‌عباس‌میرزا نایب‌السلطنه واگذاربوده وفتحعلیشاه با اعتقاد راسخ ، نایب - السلطنه و دستگاه اورا دراین موارد صاحب نظرمیدانسته است.

موضوع فرمان مزبور دستوروسفارشی‌است که‌فتحعلیشاه دربارهٔ‌استقبال وپذیرائی‌ازژنرال‌الکساندر یرملوف سفیرروسیه که بانسخهٔ امضاء شدهٔ‌عهد- نامهٔ گلستان بایران می‌آمد صدوریافته است وفتحعلیشاه در ضمن آن نیز سفارش میکند «هرگاه از ایلچی مشارالیه حرفی درکار دولت سرزند او هم بمقتضای وقت‌عمل نموده‌جوابی درمقابل گفته‌باشد» وماابنك ضمن‌توضیحاتی که دربارهٔ سفارت مزبورخواهیم گفت بنقل متن وچاپ عکس فرمان مزبور نیزمبادرت خواهیم کرد:

☆ ☆ ☆

جنگهای ده ساله ایران و روسیه بالاخره بر اثرمیانجیگری و تلاش سرگوراوزلی براونت سفیرانگلیس پایان یافت[۳] وقسمتهائی ازخاك ایران درتصرف روسها باقی ماند. دولت‌ایران برای پس گرفتن اراضی مزبوراصرار می‌ورزید ولی سفیر انگلیس که‌باقتضای سیاست دولت متبوع خودمیخواست بهرنحوهست بجنگ روس وایران پایان دهد با مواعید بسیارفتحعلی شاه را حاضربه‌بستن عهدنامهٔ صلح نمود.

سرگور اوزلی وعده صریح داده بود که بعد ازبسته شدن معابد، اگر دولت ایران سفیری بدربار روسیه بفرستد، اونیز با فرمانفرمای کل قفقاز

۳ـ ر.ك به تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن نوزدهم تألیف محمود محمود جلدیکم صفحه ۱۲۳، ۱۲۵

ضمن انتخاب بسرداری گرجستان ، بعنوان سفارت فوق‌العاده به‌ایران تعیین گردید. [۱۲]

بدین‌ترتیب الکساندر یرملوف‌ومیرزاابوالحسن‌خان بسوی ایران روان شدندولی‌یرملوف برای انتظام امور قفقاز درتفلیس متوقف شد وچند تن از اعضای‌سفارت خودرا بهمراه میرزاابوالحسن‌خان روانه ایران نمود تاترتیب ورود اورابدهد واین عده بعدازعیدنوروز سال۱۲۳۲ هجری قمری درتهران بحضورفتحعلیشاه رسیدند[۱۳] وبطوریکه رضاقلیخان‌هدایت‌مینویسد: «بعداز گذرانیدن‌عریضه وهدایا ورخصت مراجعت ویافتن جواب وخلعت، مقرر شد که‌سفیر مذکور دراواسط فصل‌بهار درچمن سلطانیه بحضور سلطان‌کامکار درآید واحکام قضا نظام بافتخار نواب‌شاهزاده والاجناب نایب‌السلطنه ونواب ملکزاده عبداله‌میرزامتخلص‌به‌دارا، فرمانروای خمسه وزنجان وحسین‌خان سردار ایروان صدور یافت....»[۱۴]

باین‌منظور عسکرخان افشار ارومی بمهمانداری اوتعیین گردیدومیرزا عبدالوهاب معتمدالدوله نشاطوچندتن دیگرازمستوفیان دربار مأمورشدند به‌خمسه رفته، پس‌از ورود سفیر، اورا در چمن سامان ارخی واقع در شش کیلومتری سلطانیه پذیراشوند.[۱۵]

ازمیان فرمانهائی که دربارهٔ ورودسفیرروسیه صادرشده وصاحب‌روضة‌الصفا ودیگرتاریخ‌نویسان دورهٔقاجار بآنها اشاره‌نموده‌اند فرمانیست که مقالهٔ حاضردربارهٔ آن‌است ودرآغاز این‌مقاله نیزبآن اشاره شده‌استوچنان که گفتیم اصل‌آن ضمن گنجینهٔ بسیار گرانبهائی ازصدها فرمان ونوشته و

۱۲- ناسخ‌التواریخ کتاب قاجاریه ج ۱ص ۱۶۷ ومنتظم ناصری‌ج۳ص۱۱۵و روضة‌الصفاص ۲۲۲ج۹

۱۳-همان مدارك وهمان صفحات

۱۴- روضة‌الصفا ج ۹صفحات ۲۲۲و۲۲۳

۱۵- منتظم‌ناصری ج ۳ ص ۱۱۵

فقط قسمتی ازوظائف من بوده واین‌ها دراثر اطاعت از اوامر دولت پادشاهی انگلستان‌میباشد که بمن‌دستورداده‌شده بود . حال‌اگراین خدمات من‌مورد قبول اعلیحضرت امپراطور واقع‌شده‌است دراین‌صورت‌بدون تردیدآرزوهای قلبی ازطرف خداوند برآورد شده است. من اینك سعادتمندترین افراد بشر هستم[۸].» وبالاخره امپراطورروسیه بمناسبت‌خدمت‌بزرگی که سرگوراوزلی با فراهم ساختن مقدمات و زمینه مساعد برای انعقاد عهد نامه گلستان ، در حفظ مصالح ومنافع امپراطوری روسیه انجام داده بود، اورا باعطای‌یك‌قطعه نشان الکساندر نویسکی مفتخر نمود.[۹] میرزا ابوالحسن خان نیز از طرف دولت روسیه با گرمی پذیرفته شد[۱۰] اما در مورد نواحی متصرفی مثل ارمنستان و گرجستان وقراباغ ، روسها نه‌تنها روی موافق‌نشان ندادندبلکه امپراطور گفت « درباب رد بلاد متصرفی‌ما، گماشتگان ماهیچ یك را بقهر و غلبه‌نگرفته‌اندبلکه‌حکام‌هریك‌بطوع‌ورغبه‌بنزدینارال ماآمده‌استدعا کردند که ولایت خود را بتصرف ما دهند.....» [۱۱]

بنا براین ازسفارت میرزا ابوالحسن خان نتیجه مطلوب بدست نیامده فقط بعدازآنکه عهدنامه‌به‌امضاء وتوشیح‌امپراطور روسیه رسید، مقرر گردید سفیری از جانب امپراطور با عهد نامه ، بدربار ایران گسیل گردد و بر وفق مندرجات عهد نامه قرارهای لازم داده شود و ژنرال الکساندر یرملوف

۸- به‌نقل‌از کتاب محمودمحمود ص ۱۳۹ ج۱ وبرای‌آگاهی‌بیشتراز جزئیات‌مذاکرات امپراطور و سرگوراوزلی و جریان تشریفاتی که بمناسبت ورود او انجام شده بود بهمان کتاب‌از ص۱۳۸تاص ۱٤۰رجوع کنید.

۹- همان کتاب ص۱٤۰

۱۰- ر.ك به‌روضة الصفای ناصری چ نهم‌ص۲۲۱-۲۲۲

۱۱- همان کتاب ص ۲۲۲ و صاحب فارسنامه ناصری نیز مطالبی بهمین مضمون نوشته و اضافه کرده است که امپراطور در پایان سخن خودگفته‌بود «درباب گنجه وشیروان و طالش مضایقتی‌نیست ولی‌باید ایلچی‌مختارما که‌سردار جدید گرجستان‌است رفته بداند که رضای‌اهالی آن سامان برچیست»(کتاب اول صفحات ۲٦٤-۲٦٥)

صلاح داند دستورالعملی در خصوص هرکار بفدوی معزی‌الیه داده اورا [۹] از طریقهٔ رفتار و گفتار بـا عالیجاه ایلچی و همراهان او آگاه سازد تا معـزی الیه‌نیزازسیاق‌دستورالعمل [۱۰] آن‌فرزند سعادتمند آگاهی بهمرسانیده از آن قرار معمول دارد [یك کلمهٔ‌ناخوانا] حسب‌المقررعمل‌نموده ومراحم‌کاملـهٔ خاطرخطیر [۱۱] اقدس رادربارهٔ خود بسرحد کمال دانسته درعهده شناسد.

«تحریراً فی‌شهر شعبان‌المعظم سنهٔ ۱۲۳۲»

واما یرملوف‌پس‌ازدوماه توقف‌درتفلیس روانهٔ‌ایران شدوموریس کوتزبو **Maurice Cotzbue** نیز، که‌ازشاهزادگان‌آلمانی میبود، بهمراه هیأت‌یرملوف بایران آمد. اودرسفرنامه‌خود بنام «مسافرت بایران بمعیت سفیر کبیرروسیه درسال۱۸۱۷» تفصیل‌این‌مسافرت راشرح داده است.[۱۶] وی‌مینویسد: روزسوم مه(۱۹جمادی‌الثانی۱۲۳۲قمری) ازشهرایچمیازین‌خارج شدیم ودراواسط راه ایروان «حسن‌خان حکمران ایروان باچهارهزار نفر[۱۷] به استقبال ماآمد که غالبشان کرد بودند» [۱۸] ومؤلف روضة‌الصفای ناصری در شرح این استقبال مینویسد: حسین‌خان سردار برادرحسن خان نیز «خود درخارج شهر خیمه وخرگاه وسیع ورفیع برافراخت که مشتمل برپنج عمود طویل بود وبزمی مهنا مهیا ساخت وتا دوفرسنگ راه پیاده وسوارهٔ ایلات‌در کمال جلال‌ستاده

۱۶- ترجمه این کتاب توسط محمود هدایت بفارسی‌ودرسال ۱۳۱۰ خورشیدی بچاپ رسیده است.

۱۷- مؤلفان ناسخ‌التواریخ و روضته‌الصفای‌ناصری می‌نویسند: حسینخان‌باپنجهزار سوار باستقبال یرملوف رفت (ناسخ‌التواریخ ج ۱ کتاب‌قاجاریه ص۱۷۲و روضة‌الصفا ج ۹ ص ۲۲۶).

۱۸- ص ٦٤

دستخط پادشاهان ایران درتصرف آقای کریم‌زاده تبریزیست و معظم‌له با گشاده‌روئی وسعه‌صدری خاص آنرا برای مدتی بالنسبه دراز دراختیار نگارنده قراردادند وازاین بابت نگارنده بسیار سپاسگزار ایشان‌است. اینك متن‌فرمان مزبوررا باعکسی ازآن‌باندازه اصلی‌فرمان دراینجا نقل‌میکنیم:

محل مهر فتحعلی شاه
السلطان فتح علی

[۱] فرزندارشداسعدبیهمال نایب‌خلافت بیزوال عباس میرزا موفق ومؤید بوده بداند که چون درین اوقات که عالیجاه ایلچی بزرگ [۲] دولت روسیه وارد چمن سلطانیه می گردید و در آنجا اقامت میورزید تا هنگام نزول رایات ظفر آیات بچمن مزبوره‌قریب [۳] بیك‌ماه امتدادی می‌بودودراینمدت ازطرف‌قرین‌الشرف پادشاهی‌مطلقا بحال او نپرداختن واورا بیمحل ساختن [٤] خلاف رویه وقانون‌مینمود لهذا فدوی ارادت مآب معتمد الدوله العلیه میرزا عبدالوهاب رامأمور وروانه‌چمن مزبور فرمودیم [٥] که تاهنگام‌ورودموکب‌مسعود درآنجابوده عالیجاه ایلچی مشارالیه راملاقات واورا ازمراحم خاطر سینه آگاه و مطلع ساخته [٦] دلگرم دارد و هرگاه از ایلچی مشارالیه حرفی در کار دولت سرزند فدوی معزی الیه نیز بمقتضای وقت عمل نموده [۷] جوابی درمقابل گفته باشد چون آن فرزندارشد سعادتمند ازرفتار و کردار بااین طایفه اطلاعی کامل حاصل کرده بلدیت [۸] تامی از مزاج ایشان دارد هرنوع

مفصل آنرا در کتاب کوتزبو باید خواند[۲۶] و تاریخ‌نویسان ایرانی‌هم مطالبی دراین‌باره نوشته‌اند ازجمله عبدالرزاق‌بیگ مفتون دنبلی مینویسد :

«ازقریه سهلان تا دردولتخانهٔ نایب‌السلطنه پانزده‌هزار سرباز وبیست‌و پنج‌هزار سوار ازمجاهدین، بیست‌هزار پیاده ومجموع‌شصت‌هزار کس‌وچهل عراده توپ بازداشته بنظام‌وترتیب آرمیدند وچهل‌هزار کس ازغریب و بومی اهل‌تبریز ازاصناف وغیره بتماشاحاضر وبورود ایلچی ناظر واین‌همه‌مردم و اصناف وخلایق‌بترتیبی‌وآئینی صف کشیده‌بودند که‌نه‌جنبشی‌ازایشان‌پدیدار بود ونه‌صدائی آشکار.»[۲۷]

هیات سفارت یکهفته بیشتر درتبریز نماندند و روز ۲۳رجب از تبریز حرکت کردند وروز ۲۵ آن ماه‌به‌چمن‌اوجان رسیدند[۲۸] ودرانتظار رسیدن شاه درآنجا توقف نمودندولی در اوجان خبررسید که فتحعلیشاه بمناسبت فرا رسیدن ماه رمضان نمی‌تواند هیأت سفارت را قبل از پایان ماه بپذیرد[۲۹] بدین‌جهت‌هیأت سفارت بیشتر ازاین دراوجان که هوایش به‌مزاج آنها سازگار نشده‌بود نمانده و روز سوم شعبان (ه‌ژوئن) اوجان را ترك گفتند و به‌آهستگی بجانب زنجان وازآنجا بسوی چمن سلطانیه عزیمت نمودند وچنانکه کوتزبو نوشته است درنزدیکی‌های سلطانیه در انتظارورود فتحعلیشاه‌متوقف شدند.[۳۰] (اوائل رمضان)

مقارن این احوال فتحعلیشاه هم ازتهران بقصد چمن سلطانیه حرکت کرد(۲۷ شعبان) . بطوریکه ازنوشته ناسخ‌التواریخ برمی‌آید ، همراهان و

۲۶- ص۹۴ ص۱۰۸

۲۷- مآثرالسلطانیه ص ۳۲۹ - ص ۳۳۰ و ناسخ‌التواریخ ص ۱۷۲ و روضة‌الصفا ص۲۲۶ و ص۲۲۷.

۲۸- کوتزبو . ص۱۱۶ وص۱۱۷

۲۹- همان کتاب : ص۱۱۹

۳۰- ازصفحه ۱۲۰ تا ۱۴۲

بودند وخود با ابهتی تمام درخیمه مقام داشت .»[۱۹] کوتزبو دروصف واهمیت این استقبال چنین اضافه کرده است : «اهالی‌محل متحیر مانده بودند که این مرد متکبر که شاه را بزوراستقبال میکند [یعنی حسن‌خان سردار]، چه‌شده که بسفیری اینقدر احترام میگذارد»[۲۰]

وبعد میافزاید: «مراسم استقبال‌ماخیلی مفصل‌وباشکوه بود. بعدازسفیر عده‌ای قزاق‌باموزیك حرکت میکردسپس‌اعضای‌سفارت وعده‌دیگری‌هم‌قزاق بعدازآنهادرحرکت‌بود. مردم ایران نظیر آنراندیده‌بودند وبرای دیدن ما بیکدیگرفشار می‌آوردند» [۲۱] اما کثرت همراهان سفیر[۲۲] وشکوه حرکت هیأت سفارت‌ونیزطرزمعامله‌واستقبالی که ازطرف حسن‌خان‌سردار ازاوبعمل میآمدمردم را متوهم ساخته بود.[۲۳]

بهرحال هیأت بااین وضع وارد خاك ایران‌شدند وازآنجادیگرمیهمان دولت ایران‌بودند. فتحعلی‌شاه‌امر کرده‌بودتمام مخارج حمل‌ونقل وخواربار روزانه آنهابوسیله میهماندارپرداخته شود[۲٤] وبدین ترتیب روز١٦ رجب (١٩مه) هیأت مزبور وارد تبریزشدند.[۲٥]

درتبریز نیزازسفیر استقبال وپذیرائی گرم وشایانی‌بعمل آمد که شرح

۱۹- ج ۹ ص۲۲٦ روضة‌الصفاو به ناسخ‌التواریخ ج ۱ ص ۱۷۲ نیز رجوع کنید .

۲۰- ص ٦٦

۲۱- ص٦۹ برای‌آگاهی از جزئیات پذیرائی که در ایران از سفیربعمل آمده‌است به‌همان کتاب از ص ٦۹ تا ص۷٦ رجوع کنید .

۲۲- کوتزبو می‌نویسد : «اعضای رسمی سفارت‌یرملوف مرکب از شش‌نفر بودند و علاوه برخدمه سفارت، عده‌ای هم سرباز وقزاق و یکدسته موزیك‌نیز همراه سفارت بودو جمعاً درحدودسیصدنفرمیشدند»ص٤۲

۲۳- رضاقلی خان‌هدایت‌نوشته‌است: «مردم را در بارهٔ اوتوهمات‌وافروظنون‌متکاثر میرفت» ص۲۲٦

۲٤- کوتزبو ص ۸۱

۲٥- همان کتاب ص ۹۳

ورود او اثر کرده بودند بطوریکه کوتزبو شرح آنرا درسفرنامهٔ خودآورده بسیار مفصل وباشکوه بوده است.[۳۵]

چندروزبعد ازورودسفیر، ملاقات او وصدراعظم‌صورت گرفت‌وبالاخره روزسی‌ام رمضان (۳۱ ژوئیه) برای شرفیابی بحضورشاه تعیین گردید.[۳۶] جزئیات‌این شرفیابی‌رانیز کوتزبو درسفرنامهٔ‌خودبتفصیل‌آورده است[۳۷] ودر کتاب اومطالب ونکات دیگریهم ازقبیل شرح تماشای صدر اعظم از هیأت سفارت ومیهمانی سفیر ازاولیای‌ایران وبالاخره جزئیاتی‌ازجشن وسوارکاریها وآتش‌بازیها ذکرشده است که بسیارجالب میباشد.

اما درملاقاتهائیکه بین ژنرال یرملوف باصدراعظم واولیای دولت‌ایران بعمل‌آمد، سفیر روسیه ازدولت ایران‌خواست که اولاً بادولت روسیه متحد ودرجنگ با عثمانی که روسها دراین موقع باآنها درجنگ بودند واردشود واگردولت ایران حاضربجنگ باعثمانی‌نیست همکاری و کمك هم با آنها نکند ولی دولت ایران پاسخ داد درفصول‌یازده گانه عهدنامه گلستان ازاین موضوع ذکری نرفته است و«چون سرحدات‌ایران وولایات آل عثمان را با یکدیگراتصال است، همکاری ایران با روسیه موجب خواهد شد که‌بوسیله عثمانیها درمرزهای ایران بی‌نظمی‌ها واختلالاتی پدیدآید و بعلاوه امکان زیاد هست که منجربه بروز اختلافات مجددی بین ایران وروسیه شود.[۳۸]

دوم آنکه دولت ایران اجازه دهد نیروی نظامی روسیه از راه دریای خزرباسترآباد وازآنجا به‌خیوه‌برای‌سرکوبی‌خوارزمی‌ها برود.پاسخ دولت

۳۵-ص ۱۵۶ — ص۱۵۷

۳۶- همان کتاب ص ۱۵۹و۱۶۴

۳۷- ازص ۱۶۴ تا ص۱۷۰ به‌ناسخ‌التواریخ - ج۱ص۱۷۲ وروضة‌الصفاج۹ صفحات ۲۲۷—۲۲۹ نیز رجوع شود .

۳۸- روضة‌الصفا ص۲۸۸ ص۲۲۹ وتاریخ محمود محمود ج۱ ص۱۶۷

سپاهی که دراین سفر درركاب فتحعلیشاه به سلطانیه آمدند با ابهتو شکوه بیشتر وتعداد افزونتر ازسالهای پیش بوده است که شاه تابستان را در چمن سلطانیه می گذرانیده است و میتوان‌استنباط کردفتحعلیشاه‌برای آنکه‌قدرت وعظمت خودرا به سفیر روسیه نشان داده واورا مرعوب سازد، در این سال برتعداد واستعدادهمراهان وسپاه ملتزم رکاب خود افزوده بوده است. مؤلف ناسخ‌التواریخ می‌نویسد: شاه در «جمعه هفدهم رمضان وارد چمن سلطانیه گشت وازتوپخانه وسوار وسرباز وشاهزادگان وامرا چندان انجمن بودند که کمتروقت بدین ازدحام وانتظام سپاهی بسادیدآمد ویرملوف با لباسی دگرگون ازیك سوی بیرون شده نظارهٔ وسپاه و رسیدن پادشاه را بدان شوکت وحشمت همی کرد»[۳۱]

روز ورود شاه، توپهای‌پی‌درپی شلیك‌شد و کوتزبو که خود در آنروز درچمن سلطانیه حضور داشته است می‌نویسد : چندتن از اعضای سفارت در صف مستقبلین بودند وهمینکه چشم شاه به‌آنها افتاد « روی رکاب بلند شده مکررفرمودند خوش گلدی (خوش‌آمدی) ایرانیان میگفتند که تا حال اعلیحضرت نسبت بهیچ کسی چنین‌لطف‌ومرحمتی‌مبذول نفرموده‌اندخصوصاً تاامروزدیده نشده بود که برای کسی روی رکاب بلند شوند»[۳۲] ودراین‌روز سفیرنیز بالباس مبدل درجمع تماشاچیان‌حضوریافته بود.[۳۳] درهمین روزها هدایائی که امپراطور روسیه برای پادشاه ایران فرستاده بودنیز از راه هشترخان ودریای خزر به سلطانیه رسید.[۳٤] ولی سفیر بمناسبت تصادف‌با روزهای ماه رمضان نتوانست بحضورشاه بار یابد فقط در روز ۲۵ رمضان (۲٦ ژوئیه) از اردوگاه خود بسلطانیه وارد شد و تشریفاتی که بمناسبت

۳۱- ج ۱ - کتاب قاجاریه ص ۱۷۲
۳۲- کوتزبو : ص ۱۵۵
۳۳- ناسخ‌التواریخ ص ۱۷۲
۳٤- کوتزبو ص۱٤۳ و شرح هدایا درصفحات۱۵۷تا۱۵۹ همان‌کتاب.

گزارشی دربارهٔ بنیادهای تاریخی

ارتش خشایارشا

بقلم

محمد قلی اشتری

آغاز هزارهٔ اول قبل از میلاد را بایدسالهای پر اهمیتی در تاریخ جهان بطوراعم وملل آسیای غربی بطوراخص بحساب آورد. زیرا وقوع دو حادثهٔ بزرگ تاریخی را در این دوره میتوان ابتدای عصر جدیدی دانست. این دوواقعه یکی مهاجرت آریائی‌ها که شعبه‌ای از نژاد هند و آریائی بودند بداخل فلات پهناور ومراتع سر سبز و بکر ایران و هندوستان،[1] ودیگری استعمال روز افزون آهن در میان اقوام ساکن خاورمیانه وآسیای غربی بود. نیمهٔ اول هزارهٔ اول پیش از میلاد را میتوان در تاریخ بشر مرحله‌ای قاطع بحساب آورد زیرا دراین عصر مرکز ثقل تمدن

۱ــ تفصیل این مهاجرت را اکثر مستشرقین ومورخین نگاشته‌اند. مثلا رجوع کنید به «ایران از آغاز تا اسلام» نوشته ر. گیرشمن ترجمهٔ دکتر معین» و« تاریخ ملل شرق و یونان» نوشته آلبرماله و ژول ایزاك ترجمهٔ عبدالحسین هژیر و «ایران باستان» نوشته مشیرالدوله تقریباً همه این مورخین مبداء آریائی ها را نواحی قفقاز ذکر کرده‌اند ولی با تحقیقات جدید باستانشناسی گویا باید درصحت این عقیده شك کرد، زیرا دلایل نسبتاً متقنی بدست آمده که برطبق آن مبداء آریائیها وحرکت تمدن را ازنواحی شرقی ایران ذکر کرده‌اند.

ایران دراین مورد نیزچنین بود که درعهدنامه گلستان‌ازاین موضوع سخنی بمیان‌نیامده‌است.[۳۹]

سوم آنکه کنسولی‌ازطرف دولت روسیه دررشت مقیم شود تا بکارهای بازرگانی بین اتباع دو دولت رسیدگی کند. این پیشنهاد هم ازطرف دولت ایران قبول نشد.

وبالاخره‌چهارمین‌پیشنهاد روسها این‌بود که ارتش ایران بوسیله افسران روسی‌تحت تعلیم قرار گیرند ودولت ایران این پیشنهادرا نیزنپذیرفت.[٤٠]

درنتیجه، روسها هم با پیشنهاد ایران دائر برواگذاری نواحی واراضی که توسط روسها تصرف شده موافقت نکردند وبدین‌ترتیب نتیجه‌ای قاطع ازسفارت یرملوف بدست نیامد وهیأت‌سفارت روسیه روز۲۹ شوال‌ازسلطانیه بطرف زنجان حرکت کردند که بروسیه بازگردند ودر ۱۱ ذی قعده به تبریز رسیدند. پس از یازده روز توقف در تبریز در بیست و دوم همان ماه تبریز را ترك گفته وروز ۲٦ ازرود ارس گذشتند ودر روز اول‌ذی‌حجه (۲۹ سپتامبر) به ایروان ودرچهارم ذی حجه (دوم اکتبر) بسرحد روسیه رسیدند.[٤١] ازطرف دیگرفتحعلیشاه نیزبناچارمیرزا ابوالحسن‌خان‌رابسفارت بدربارانگلستان گسیل داشت تابی‌نتیجه بودن مذاکرات باروسیه را اعلام ومواعیدی‌را که سرگوراوزلی دربارهٔ استرداد نواحی‌ازدست‌رفته ایران‌داده بود، یادآورشود.[٤٢]

۳۹- روضة الصفا ص ۲۲۹

٤٠- محمود محمود : ج ۱ ص ۱٦۷

٤۱- کوتزبو ص ۲۱۰

٤۲- محمود محمود ج ۱ ص ۱۷۰ ص ۱۷۳ .

وصرفه آن نبود. بهمین دلیل قوم‌ماددرابتدای اسکان خویش‌مرتباً باحملات مداوم ووحشیانه آشوریان‌روبرومی‌شدوپادشاهان آشورمکرراً در کتیبه‌های خویش شرح غارتها و کشتارهای خود را داده‌اند «معمولا سفرهای جنگی آشوریان (به‌سرزمین ماد) مهاجماتی بشهرها بود . برای اسیر گرفتن افراد، غارت کردن ، سوختن ، اخذ ذخایرفلزی یا احجارنیمه قیمتی وحمل اسبان وچارپایان . سکنهٔ این نواحی برای‌نجات خود به کوههاپناه میبردند وپس ازباز گشت سپاهیان آشوری، بمساکن‌خودبرمیگشتند [اما] آشوریان فاتح ، بندرت بنتایجی که منشیان آنها ادعا کرده‌اند رسیده‌اند تقریباً همیشه‌آنان باندازه‌کافی نیرو درمیان اقوام مغلوب باقی میگذاشتند تا پس‌از مدت کوتاهی‌بتوانندمحاربه‌راآغاز کنند.» [۳]

بنیاد تاریخی یك ارتش قدرتمند

مهاجمات‌آشوریان قرنها طول کشید وقوم ماد تا مدتها این اسارت و غارت‌و کشتاروبردگی راتحمل کرد. امابررسی تاریخ‌جهان نشان می‌دهد که ملتها همیشه تا حد بخصوصی می‌توانند تجاوزرا تحمل کنند و دیر یا زود درشرایط خاص تاریخی، بپاخیزند وبانیروئی خرد کننده و ویران کننده زنجیرهای بردگی را پاره میکنند ، بعبارت‌بهتر هرگزنمیتوان ملتی رابرای همیشه در زبونی وناتوانی نگهداشت. تاریخ جهان درادوارمختلف زندگی بشر، نمایش گراین انقلابات اصیل ملی است، بتدریج باگذشت زمان اقوام ماد بیشتربفکرایستادگی ومحاربه بامتجاوزین‌آشور افتادند وبدین ترتیب

۳- « ایران از آغازتااسلام » تألیف ر. گیرشمن ــ ترجمه دکترمحمد معین- از انتشارات بنگاه ترجمه ونشرکتاب - ص ۸۶ - و نگاه کنیدبه«تاریخ ملل شرق‌ویونان» «اثرآلبرکاله وکورش نامه نوشته گزنفون .

و سیاست جهانی ازدلتای نیل وجلگه‌های بین‌النهرین به دامنه‌های زاگروس منتقل‌شد، واین‌مناطق‌مرکز اصلی مبارزه برای کسب قدرت گردید .

گروهی‌از اقوام مهاجر آریائی که متوجه نواحی‌غربی‌ایران‌شده‌بودند، در حوالی کردستان و آذربایجان کنونی ساکن شدند که دامنهٔ نفوذ آنان تاحدود ری و خراسان و گرگان کشیده شد. این‌طایفه‌همان‌قوم‌ماداست که هرودت طوایف‌اصلی آنها را چنین ذکر کرده است: « .... عده طوایف مادی شش است: بوس‌ها ، پارتاگنها، ستروخاتها، آری‌سانت‌ها ، بودی‌ها ومغها » [۲] مادها قومی صلح جو و آرامش طلب بودند که باگله‌داری و کشاورزی روزگار میگذراندند و هنوز صاحب هیچ نوع تشکل اجتماعی‌نشده ونظام بدوی‌قبیله‌ای،باتمام‌ویژگیهای‌آن، درمیان آنان،حکمفرمابود.اماخوشبختانه آنان در همسایگی یکی از متجاوزترین و زورگوترین و جنگجوترین کشورهای‌دنیای آن‌روزگاریعنی‌آشوریهاقرارداشتند.(خوشبختانه‌ازاین‌نظر که‌همین همسایگی باهمه ویرانیها و اسارتهائی که برای‌مادیها همراه داشت، بشرحی که خواهدآمد، بزرگترین نقش را در تبدیل مادیها ازقومی ساده و کشاورز بیکی از بزرگترین قدرتهای دنیای قدیمی بازی کرد .)

سرزمین‌ایران بعلت‌دارا بودن‌معادن‌سرشارآهن‌ومس ولاجورد، وازسوی دیگر بسبب وجود دشتها ومراتع وجلگه‌های سرسبز و حاصلخیز وهمچنین پرورش‌بهترین نژاداسب‌درآن‌سخت‌موردتوجه‌حکومت‌جنگجووتوسعه طلب آشوربود. البته‌دولت‌آشوردلایل‌کافی‌سیاسی ونظامی‌نیزبرای‌هجوم به‌همسایه شرقی خویش‌داشت، زیرا قدرت گرفتن قوم تازه نفس ماد از هیچ نظربصلاح

۲ــ تاریخ هرودت ــ کتاب۱ــ بند۱۰۱ــ و نیزنگاه کنیدبه « ایران‌باستان یا تاریخ مفصل ایران قدیم» تألیف‌حسن‌پیرنیامشیرالدوله ــ چاپ‌اول ــ شرکت‌مطبوعات ــ جلد۱ــ ص۱۷۵

یکی از بزرگترین دلایل پیروزی آشوریان، عدم‌وحدت بین طوایف ششگانه ماد و وجود نوعی نظام ملوك الطوایفی بین‌آنان‌بود، و این خود فرصتی گرانبهابرای کشور گشائی شاهان آشوربحساب میآمد. مثلا شمشی[۵] پنجم پادشاه آشور که درسالهای ۸۱۰ تا ۸۲۳پیش‌ازمیلاد حکومت‌میکرده، دریکی از کتیبه‌های خود، ازشکست یکی از رؤسای طوایف ایرانی «که ازمردم شمال دریاچه ارومیه»بوده، با هزار و دویست تن جنگجویان وی ذکرمیکند. ازاین کتیبه‌چنین برمیآید که دراین دوران مادیها هنوز بشکل قبایل پراکنده میزیسته‌اند و معمولا هر طایفه قوای کمی ازسواره نظام که تعدادآنها بین دوتا سه‌هزارتن‌بودداشته‌اند. بطور کلی میتوان گفت که رقابت بین سران قبایل ماد وعدم تشکیل و وحدت قومی، بزرگترین‌عامل پیروزی آشوریان بحساب میآمده است.

دیاکو یا دیوکس بگفته هرودت نخستین کسی است که کوشش‌پی گیر و همه‌جانبه‌ای را جهت متحد کردن طوایف ماد بعمل‌آورده است وی که هنوز درخویش‌قدرت مقابله با آشوریان را نمی‌دید تمام هم خود رامصروف آن کرد که از نفرات پراکندهٔ امرای مختلف‌مادی، ارتشی‌نسبتاً یکنواخت ومتحدگرد آورد. حتی وی نام نخستین شهری را که بنیاد نهاد هگمتانه یعنی محل‌اجتماع خوانده است.[۶]

«یکی ازنخستین‌کارهای دیوکس پس‌از انتخاب اوبشاهی این‌بود که قراولان ومستحفظینی‌برای خودترتیب‌داد وبعد مردم‌رابرآن‌داشت که‌شهری

۵ــ Shamshi (که در ترجمهٔ انگلیسی ایران ازآغاز تا اسلام «شمشی ادد پنجم» ذکرشده)

۶ــ ن . ك به‌ایران باستان‌مشیرالدوله ص ۱۷۷

هستهٔ اولیهٔ نخستین سازمان ارتش درمیان این قوم آرامش طلب و کشاورز ریخته‌شد، بطوریکه با گذشت زمان دیگرهجوم به‌دامنه‌های زاگروس‌برای آشوریان آسان نبود، بخصوص که چنانکه ازنقشهای هنرمندان آشوری، که تقریباً همواره شاه‌خویش راسواربر گردونه درحال‌عبورازجاده‌های نظامی نشان داده‌اند ، استنباط میشود ، عمدهٔ قوای ضربتی آشوریان‌را ارابه‌های جنگی تشکیل می‌داد و این سلاح در جاده های ناهموار و دره‌های عمیق کوهستان زاگروس، تقریبا ارزش جنگی خویش را ازدست میداد، بویژه که مادیها دارای اسبان‌تیزرو وسواران چابك بودند وچون هنوز قدرت مرکزی نیرومندی که آنانرا متشکل سازد نداشتند، بیشتر ازشیوه‌های جنگهای چریکی سود می‌جستند وبصورت سواران پراکنده ضربه‌های مهلکی‌بارتش منظم وسنگین‌اسلحه و کم‌تحرك آشور، واردآورده،بسرعت درمیان کوهها ناپدیدمی‌شدند ، این‌تاکتیك‌ارتش‌آشور رابه‌تجدیدسازمان نظامی واداشت‌و بدین ترتیب رستهٔ جدیدی درآن ارتش بنام سواره نظام‌پدیدآمد.[٤] پیدایش سواره نظام صحنهٔ جنگ را بکلی تغییر داد، زیرا از یك‌سو آشوریان امکان یافتند که تا اعماق ایران پیشرفت کنند، واز سوی‌دیگرمادیها را وادار نمود که بیش ازپیش بفکرتجهیزخود بیفتند و راه حلی اساسی برای دفع این متجاوزین بیابند.

٤- پروفسور گیرشمن مستشرق فرانسوی در کتاب خود(ایران از آغاز تا اسلام) دراین مورد چنین مینویسد :

«پیش از سلطنت آشور نصیرپال (۸۸٤-۸٦۰ قبل‌ازمیلاد) سواره نظام هنوز در قشون آشوربکار نمیرفت. قوه ضربت‌زننده وی گردونه‌های جنگی بود. ایرانیان چند قرن پیش ازآنکه‌خود را مهیای محاربه با رومیان کنند و آنانرا مجبور به تکمیل سواره نظام سازند، در جنگهای خویش با آشور ، قوم اخیر را به پذیرفتن این تغییر ملزم نمودند.

نظامی میگردید. زیرا نفرات فاقد هماهنگی و همبستگی کافی بوده و بعلت عدم وجود ستاد فرماندهی هریك از رؤسای قبایل برای سپاهیان تحت فرماندهی خود دستورات مجزا و مستقلی صادر میکردند. امافرورتیش این سیستم را درهم ریخت و سپاهی تخصصی و رسته‌ای بوجود آورد یعنی اینکه کلیه سواران و پیاده نظام را در رسته‌های متفاوت بارعایت یگان بندی و سلسله مراتب فرماندهی متمرکز ساخت و از رؤسای قبایل ماد نوعی ستاد فرماندهی مشترك تشکیل داده و خود نیز فرماندهی عالی ارتش را بعهده گرفت. وی مصمم شد که باچنین سپاهیانی بآرزوی دیرینهٔ مادجامه عمل بپوشد بهمین دلیل از اطاعت آشور سرپیچی کرده و بجنگ اورفت باوجود شجاعت و جانفشانی کم نظیر سربازان ماد بعلت عدم ورزیدگی و بخصوص که آنان هنوز با این تاکتیك جدید، یعنی جنگیدن افراد قبایل مختلف دوشادوش یکدیگر، آشنائی نداشتند، در این لشکر کشی توفیقی نیافتند، بویژه که شاه شجاع و بلندپرواز ماد خود در این نبرد کشته شد، و از آنجا که کشته شدن فرمانده در ارتشهای قدیم فاجعه‌ای جبران ناپذیر بحساب می آمد، ارتش ماد دچار پراکندگی و آشفتگی شده و پس از دادن تلفات سنگین عقب نشستند. در این هنگام پادشاهی به هوخشتر[۹] رسید که وی را باید یکی از بزرگترین سیاست ـ مداران و نوابغ کم نظیر نظامی دنیای کهن دانست. او که باهمیت و ارزش قدرت نظامی بعنوان عامل تعیین کننده و قطعی در سیاست جهانی پی برده بود، تمام تلاش خویش را مصروف اصلاحات ارتش کرد. از میان سواره نظام خود

۹ هرودوت نام این پادشاه را کوآکسار (کیاکزار) یاد کرده است ولی داریوش کبیر در کتیبهٔ بیستون نام اوراهوخشتر نوشته واین بحقیقت نزدیکتراست.

تأسیس کند.»[۷] درحقیقت تمام دوره طولانی حکومت دیوکس (بگفته هرودوت قریب ۵۳ سال) صرف برقراری اتحاد و تشکیل هسته اولیه ارتش ماد گردید بطوریکه وی تاپایان عمر باوجود کینهٔ شدیدی که از آشوریان داشت بخاطر حفظ ارتش جوان و تازه سازمان یافته خویش و جلوگیری از انهدام کامل آن از حمله بدولت مزبور خودداری کرد ولی جنگ با آشور بصورت آرزوی دیرینهٔ برای مادیها درآمده بود وهمین خود بزرگترین محور و پایهٔ اساسی تشکیل آنان بحساب میآمد.

پس ازدیوکس پسرش فرورتیش[۸] بپادشاهی رسید او قبل ازهرچیز پارس راهم باتحاد کامل واداشت واین بقدرت نظامی وی پیش ازپیش افزود، گذشته از آن اوموفق شد که قوای چریکی مادرا کاملا بصورت ارتش منظم ونوین در آورد، ارتش ماد تابیش از فرورتیش بصورت قبیله‌ای اداره میشد بدین ترتیب که درهنگام جنگ قبایل ششگانه مادهریك سپاه وابسته بخودرا که مرکب از افرادمختلف نظامی آن روزگار یعنی پیاده نظام وسواره نظام وغیره بود بصورت

۷- ایران باستان مشیرالدوله ص ۱۷۷

۸- نام این پادشاه راهرودوت فرااورتیس یادکرده ولی داریوش کبیر در کتیبهٔ بیستون اورا فرورتیش نوشته است اصولا درمورد تاریخ مادوپادشاهان آن بین مورخین قدیم اختلاف نظر شدید وغیر قابل تطبیق وجوددارد مثلا هرودوت نام پادشاهان مادرا چهار نفر بشرح زیر ودورهٔ حکومت آنان را ۱۵۰ سال یادکرده: دیوکس ۵۳ سال فرااورتیس ۲۲، کیاکسار ٤۰ سال وآستیاگس ۳۵ سال. درحالیکه مورخ دیگریونانی کتزیاس دورهٔ حکومت مادها را جمعاً ۳۱۵ سال و شاهان آنرا بدین ترتیب یادکرده است: آرباکس ۲۸، ماناداکس ۵۰، سوسارمس ۲۸، آرتی کاس ۵۰ سال، آربیان ۲۲، آرته یس ٤۰، آرتی نس ۲۲، آستی بارامس ٤۰، آس پاراس یا آس تی گاس (آستیاگن؟) ۳۵، چنانکه پیداست بین گفته‌های ابن دو مورخ اختلاف شدید است. نولدکه معتقد میباشد که چون کتزیاس فهرست خویش را با نظر اقوام ماد نوشته است آنان بعلت حساسیت قومی این چنین بتاریخ خویش افزوده‌اند.

مانند کشیده می‌شد ومیتوانست تیرهائی به‌اندازه نیزه، ویامشعلهای بزرگ فروزان راتامسافتهای طولانی برساند، پرتاب میکردند .

هوخشترازتجربه‌تلخ‌جنگ‌باآشوریهاوشکست‌ومرگ پدرش،میدانست بزرگترین‌عامل شکست همانا وجود سپاهیان چریکی ماد بوده که هرگز ازعهده نبرد با جنگجویان ورزیده وقدرتمند آشوربرنخواهندآمد،به این دلیل‌بود که درآغازحکومت،تقریبا تمامی توجه خود رابه‌تشکیل‌یك‌ارتش منظم وتربیت‌آنان معطوف کردوارتشی‌مجهز،به‌سبك قشون‌آشورترتیب داد. این ارتش رسته‌های‌پیاده نظام وسوارنظام وتیراندازان و کمانداران وآتش اندازان‌ونیزه داران‌ومسئولین‌آذوقه وغیره داشت که دارای‌بهترین نفرات و سلاحهای آن‌روزگار بودند . سوارنظام ماد تیراندازان ماهری بودند که : «. . . از کودکی‌به‌اسب سواری، تیراندازی وقیقاج زدن،مانند سواران‌پارتی چند قرن بعد، عادت کرده بودند . اسبهای مادی درقدیم معروف آفاق بود ، بخصوص اسبهای نسا (نیسایه) که‌ازحیث‌قشنگی ، تند روی وبردباری‌مانند نداشتند . . . »[۱۱] بطورخلاصه سازمان واسلحه‌ارتش‌مادی در زمان هوخشتر بدین قراربود : سربازان به دو دسته بزرگ و مجزای سواره نظام و پیاده نظام ، تقسیم میشدند . کوچکترین واحد پیاده نظام وی به‌گفته گزنفون دسته‌های پنج نفری بودند که تحت فرماندهی یك سرجوخه قرارداشتند و هردو دسته پنج‌نفری یك، جوخه ده نفری راتشکیل میدادند وترتیب‌سلسله مراتب بصورت دسته‌های صد نفری ، هزارنفری وده هزارنفری بود . اسلحه آنان را سپری از نی، که بسیار محکم ساخته‌شده بود، (جنس سپر را برای سبکی ازنی انتخاب میکردند) نیزه‌ای بلند و شمشیری سنگین و برنده و

۱۱ــ «ایران باستان» نوشته مشیرالدوله ــ جلد اول ــ ص۱۸۱

گروهی کمانداران و تیراندازان ورزیده برای نخستین بار تشکیل داد واز آنجا که اسبان مادی در سرعت واستقامت و زیبائی دردنیان آن‌روزگار مشهوربودند، پس‌ازمدتی تمرین موفق شدنیرومندترین‌سواره‌نظام‌جهان رادر آن‌ایام‌بوجودآورد. مادی‌هازره‌های‌خوب ومستحکمی‌میساختند. اولین‌قومی که‌اسب‌به گردونه‌بسته ودربار کشی ودرجنگ‌از آن‌استفاده کردند، مادی‌ها بودند(این گردونه‌هاچیزی‌ورای‌ارابه‌های‌آشوربودندزیرابسیار بزرگ‌بوده‌و حتی درحمل‌ونقل نیروها وباروبنه از آنها سودمی‌جستند). استفاده ازنفت درجنگ رانیز به‌این‌قوم نسبت داده‌اند آنان‌نوك پیکانهای‌خویش رابه کهنه آلوده‌به‌نفت، مجهز کرده وآنانرا بنوعی‌مشعل‌مشتعل تبدیل میکردندوبمدد این سلاح دراندك‌مدتی سراسر اردو گاه دشمن‌رابه‌آتش می کشیدند. بعدها یونانیان ازاین ابتکارمادیها سودجسته ونوعی مشعلهای بزرگ نفتی‌ساختند که‌بوسیله کمان‌یا گردونه بسوی دشمن‌پرتاب‌میشد. ۱۰

بدین ترتیب مادیها یك رسته آتش انداز که تقریباً نقش توپخانهٔ امروز رابازی میکرد، تشکیل دادند که رعب ووحشت‌فراوان دردل دشمنان بخصوص‌آشوریها ایجاد میکرد.

هرودوت دربارهٔ این اسلحه گفته‌است که ایرانی‌ها تیرهای بزرگ مخصوصی راباروغن سیاهی که زود مشتعل‌می‌شد،آلوده نموده ونوك‌آنرا آتش‌میزدند، وباکمان بطرف دشمن‌پرتاب می کردند که حتی باآب‌هم‌آتش‌آنان خاموش نمی‌شد. پیداست که منظور هرودوت همان «آتش‌مادی» بوده‌است که ماده اصلی‌آن نفت‌سیاه بودوبوسیله گردونه یاکمانهائی که توسط دستگاهی اهرم

۱۰ـ ر.ك به‌مجله «مهنامه ارتش» سال ٤٦ ـ شماره ۱۰ ـ مقاله «سیری درتاریخ شاهنشاهی ایران ـ سرزمین‌ماد ومادها» ـ نوشته ستوان‌یکم مجید کاتب

هم بناهای دولتی را حراست نمایند وهم به‌اعتدال‌مزاج خوبگیرند ....» [۱۳]

شکارحیوانات نیزیکی‌ازمهمترین واساسی‌ترین‌ارکان تربیت جوانان را تشکیل میداد،زیرا درواقع صرفنظر ازلذت ، این‌کارتمرینی مهم ودقیق‌برای جنگ بحساب می‌آمد. هر گاه که شاه بعزم شکاربیرون میرفت (واین واقعه چندین‌بار درماه اتفاق می‌افتاد) اکثراین جوانانرا در التزام رکاب خویش میبردو آنان بایستی: «..... کمان وتر کشی پرتیر، در کمرخود وشمشیری‌در غلاف (و؟) خنجری داشته باشند. علاوه براین ، سپری از نی ودونیزه باخود برمیداشتند که یکی را پرتاب کنند ودیگری را درصورت ضرورت بدست گیرند..» [۱٤] برای‌شاهان ماد،شکارتقریباً بمنزله‌یك‌جنگ‌بود، حتی‌همراهان خود را آرایش‌جنگی‌میدادند ودقت‌کامل داشتند که کلیهٔ جوانان وظایف خود را با دقت ومهارت‌کافی‌انجام دهند،بدینمنظورآنان را عادت‌میدادند که «..... صبح زود ازخواب برخیزند ، ازتحمل گرما وسرما هراسی به دل راه ندهند ، بـه پیاده روی عادت کنند ، دراسب سواری صاحب مهارت بـاشند ، بر گرده اسب تیراندازی نمایند ودرپرتاپ نیزه درحین تاخت جلد و چالاك باشند.» [۱۵] ازآن گذشته ازآنجا که غالباً آنان درمقابل حیوانات درنده و خشمگین و وحشتزده قرار می گرفتند،شجاع وموقع شناس وحاضرالذهن و دقیق بار می‌آمدند. عادت می کردنددرموقعیتهای دشوار خودرا نبازند ودر کوتاهترین مدت بهترین تصمیم را بگیرند . گروه دیگری کـه درشهرهـا

۱۳- کورش نامه ص۷

۱٤- همان کتاب ص ۷

۱۵ - همان کتاب - همان صفحه

خنجرو گرز تشکیل میداد و نفرات پیاده نظام کلیه قسمتهای حساس بدن خویش را بازره‌های آهنی و کلاه خود فولادی میپوشاندند. سلاح اصلی سواره نظام را تیر و کمان تشکیل میداد و شمشیر، زوبین، (نیزه های کوتاه) زره سراسر برای خود و اسبانشان (برگستوان) نیز داشتند. نیرومندی ارتش ماد بیشتر مدیون انضباط سخت و دوران طولانی تربیت سربازان بود: «... به سربازان ساده توجه مینمود که اطاعت از مافوق و تحمل و جسارت و بردباری و انضباط را شعار خود سازند. آنها را به رموز فنی سربازی، آشنا میکرد و نگهداری و مراقبت از سلاح و آمادگی و پختگی را سفارش مینمود. بسرجوخه ها فرمان میداد که خود را بمانند سربازان آماده و چابك نمایند و پنج نفری را که تحت فرمان خویش دارند، [مرتباً] بیازمایند، بسردسته های ده نفری نظم و انضباط و بسردسته‌های صد نفری و هزار نفری توصیه میکرد که از فنون و رموز کار خود، آگاهی تمام حاصل کنند. بالاخره سر کردگان و رؤسا را، بمأموریت خطیرشان آشنا میساخت. مقرر داشت که پیوسته مراقب حال خود و زیردستان خویش باشند و همان رفتاری را که زیردستان باید نسبت به آنان معمول دارند، خود نسبت بمافوق رعایت کنند.»[۱۲]

گزنفون. شرح مبسوطی راجع بتربیت کودکان و جوانان مادی و پارسی نوشته است که ذکر پاره‌ای از آن. ضروری بنظر میرسد برطبق گفته او آنان کودکان خویش را از سنین طفولیت و آغاز بلوغ و جوانی وا میداشتند که در اطراف بناهای دولتی زندگی کنند و «... این سنت، بدینجهت مجری میشد که

۱۲ــ «کورش‌نامه» ــ نوشته گزنفون ــ ترجمه مهندس رضا مشایخی ــ از انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب ــ ص۵۸

درزمان آژدی‌هاك آخرین پادشاه مادی، دربار ماد کپیه دربار آشور شده بود ، قصور عالی و باشکوه، باغها و شکار گاههای وسیع، پیشخدمت‌ها و خادمان و غلامان و کنیزان متعدد با «لباسهای سرخ و ارغوانی» طوقها و کمربند های زرین، انواع بازیها ، تفریحات ، همه نوع وسایل عیش وعشرت ولهو ولعب، آنان‌را ازکارهای مملکتی غافل میکرد بویژه که ارتش‌ورزیده ونیرومند هوخشتر، دراثرسالهای طولانی بیکاری وعاطل وباطل ماندن‌تمامی‌تحرك وخصوصیات وارزشهای‌جنگی‌خویش را ازدست داد وآن‌سربازان چالاك‌وچابك‌وجنگجو، بمردان خوشگذران‌وبیحاصلی تبدیل‌شدند . بخصوص که دوران سقوط‌ماد، با قدرت گرفتن‌قومی‌تازه نفس وجوان که بعلت زندگی‌ساده کوهستانی‌خود مردانی‌خشن ومقاوم بارآمده بودند(پارسیها)همزمان‌شد وبهمین دلیل‌میبینیم که این پدیده عجیب تاریخی بوقوع پیوست یعنی مادیها ناگهان در اوج قدرت وشوکت خویش‌درمدتی بسیار کوتاه، بسراشیب زوال ونابودی سقوط کردند وبرادران لایق پارسی آنان‌براریکه‌قدرت تکیه زدند .

پارسی‌ها نیز مردمانی آریائی نژاد بودند که تاریخ دقیق ورود آنان بایران معلوم نیست ولی باحتمال قوی آنها نیزهمزمان بـا مادها، وارد این سرزمین‌شده‌بودند ونخستین‌باردر کتیبه‌های آشوری ذکراین قوم‌آمده‌است. تاقبل ازظهور کورش‌این‌طایفه بصورت یکی ازقبایل دست‌نشاندهٔ ماد زندگی میکردند اما کورش نه تنها اوضاع پارس بلکه تاریخ جهان را دگرگون ساخت .

بدون تردید کورش کبیر از هر نظر بـزرگترین و درخشانترین چهرهٔ دنیای کهن است نام‌بزرگش در کتیبه‌ها ونوشته‌های تمام ملل جهان، به‌نیکی آورده شده وحتی تنها انسانی است که بآن پایه از عظمت رسیده است که

می‌ماندنـد تقریباً سراسر روز را به تمرینـات مداوم از قبیل تیراندازی و شمشیربازی ونیزه پرانی می گذراندند وحتی با استفاده ازحس رقابت بین جوانان،مسابقات متعددی برای آنان ترتیب می‌دادنـد . «گاهی از اوقـات [این مسابقه‌ها] درملاء عام به‌نمایش گذارده می‌شود وجوایزی بین برند گان مسابقه، توزیع می‌نمایند . قبیله‌ای که دربین افراد خود بیشترازاین جوانان ممتاز درعلم و چابکی ومهارت و رشادت واطاعت داراست ، مورد ستایش و تمجید اقران‌قرارمی گیرد.... این‌جوانان درصورت ضرورت ازطرف بزرگان شهر مأمور حفاظت [شهر] و کشف بدکاران ، تعقیب دزدان و این قبیل امور که محتاج به چابکی ونیرومندی است می‌شوند.»[۱٦]

این‌پادشاه که جلوس وی‌بتخت،مقارن بازمانی بود که مادیهاازآشوریان شکستی فاحش خورده وامیدآنان برای رسیدن باستقلال‌کامل به یأس‌مبدل شده بود ، باوجود این مشکلات از پای ننشست و بالاخره توانست پایتخت آشور رامحاصره نماید وحتی باوجودآنکه کشورش در بحبوبه جنگ بـا هجوم وحشیانه‌سکاها روبرو شدولی این قوم‌سلحشور وتازه‌نفس‌را از ایران راند وحتی نینوا، پایتخت‌آشور را بتصرف درآورد.باتصرف قسمت اعظم از قلمروحکومت‌آشور،حدود دولت ماد را به‌رود هالیس (قزل‌ایرماق) رسانید وآنرا بزرگترین دولت‌آسیائی کرد .

ولی‌متأسفانه سرنوشتی که تقریبا تمامی‌فاتحین‌جهان بدان‌دچارمیشوند، دولت ماد رانیزازپای درآورد . مادیها پس‌ازآنکه بمدد ارتش سازمان‌یافته ونیرومند خودامپراطوری‌عظیمی راتشکیل دادند، براساس این‌حکم کلی که «قدرت فساد می‌آورد»،درسراشیبی سقوط وانحطاط غلطیدند .

---

۱٦ - کورش نامه - ص۸

در یك جبهه ، درصفوف مقدم باشند . کمانداران در جناح راست هرستون و وتیراندازان درجناحین ستونها . . . . پس‌ازپیشتازان، باید سربازان‌سنگین اسلحه راه‌پیمائی کنند. برفرماندهان دسته‌هاست که شب، کلیهٔ تجهیزات هر دسته را دریك محل ، قبل‌از اینکه باستراحت بپردازند ، بیانبازند وقبل از طلیعهٔ صبح، همه تجهیزات خودرا بردارند و قبل ازسرزدن آفتاب ، همه در صفوف‌خودبانظمی‌کامل حرکت کنند . متعاقب سنگین اسلحه‌ها، سواره‌نظام تحت فرماندهی «ماراتاسی» پارسی حرکت خواهند کرد . دررأس هریگان سوار،یك رسد،سوار خواهدبود وهمان‌آرایش راخواهندداشت که پیاده‌نظام در صفوف مقدم‌دارند . متعاقب صفوف مقدم سواره‌نظام، گروه مترا کم سوارها تحت‌فرماندهی«راسباکاس»مادی‌قرارخواهد گرفت. سپس‌نوبت‌سواره‌نظام‌توای (تیگران) خواهد بود. سپس سواره‌نظام‌کادوزی وسایس ، کادوزیان درصفوف آخر قرارخـواهند گرفت. باید همه افراد مهر سکوت برلب گذارند . شب‌ـ هنگام هوشیار باشند. چه شب‌هنگام که چشمان سرباز قدرت دیدنداردباید گوش او مراقب باشد . مبادا هنگام شب نظم خودرا برهم زنید زیرا مرتب کردن صفوف ، شب‌هنگام بمراتب مشکل‌تر است از روز ، بدین لحاظ بهتر است آرایش‌جنگی خودرا شب‌نیز کم وبیش حفظ کنید وسکوت در همه‌جا حکمفرما باشد. قراولان وپاسداران شب بایدمتعدد وهوشیار باشند.پاسداران بایدآهستهٔ حرکت کنند تا خواب سربازان بیجهت مختل‌نشود و استراحت کنند، چون صبح فرارسید شیپور آمـاده‌باش از هرسو طنین‌انداز شود ، هر سربازبمحض اینکه آهنگ شیپور را شنید باید باتجهیزات، بیدرنگ‌آمادهٔ حرکت شود . هدف ما برای‌سربازان دلیربابل است جملگی‌بآن‌سومتوجه باشید وبکوشید تاپرچم «پیروزی را برافرازید»[۱۷]

۱۷- کورش‌نامه ص ۱۸۷-۱۷۸

یکی از کتب آسمانی (تورات) اورا منجی ونجات دهنده وحتی مسیح موعود خوانده است .

کورش، پس‌از آنکه توانست‌باقدرت فرماندهی ورهبری صحیح‌ازمردان ساده وروستائی پارس دلیرانی شجاع وبی‌باك وجهانگشا بسازد وبمدد آنان بسرعت امپراطوری ماد را به زانودرآورد، متوجه جهانگشائی شد. کشورهای لیدیه ، آسیای صغیر ، قسمتی ازیونان وبخشی ازسرزمین قبایل وحشی شرق ایران یکی پس‌از دیگری در مقابل نبوغ نظامی و تحرك و قدرت و جنگندگی ارتش وی، بزانو در آمدند و در مدت کوتاهی بزرگترین امپراطوری جهان گردید .

کورش درفنون‌نظامی وآرایش جنگی نیز نبوغ و روش حیرت‌آوری داشت. تصویری که گزنفون در« کورش‌نامه» خود ازیکی‌ازآرایشهای جنگی کورش بدست می‌دهد درنوع خودنمودار یکی ازعالی‌ترین طرق فرماندهی وآرایش جنگی وحرکت سپاه است و بخوبی نمایشگر قدرت ارتش کورش می‌باشد . اویکی ازفرامین کورش را که مشعر به چگونگی حرکت ارتش است، چنین نقل کرده است : «توای کریزانتاس بسمت فرمانده سپرداران منصوب می‌شوی وباید پیشاپیش‌ستونها حرکت کنی‌چون‌راه هموارو بازاست، باید صفوف ازجبهه‌حرکت کنند هر گروهان دریك‌صف باسرعت‌زیادحرکت کند . من مایلم سربازان سبك اسلحه پیشتازباشند . . . (آرتاباز) پیاده‌نظام وسواران پارسی را فرماندهی خواهد کرد و (هانداميباس) پیاده نظام‌مادسارا (امباس) فرمانده دسته‌های ارمنیان « آرت سوکاس » فرمانده هیرکانیان است.(تامبراداس) پیاده‌نظام ساسیها و«داتاماس»پیاده‌نظام‌کادوزی رافرماندهی خواهند کرد. همهٔ سپاهیان‌باید به‌نحوی حرکت کنند که پیاده‌نظام‌تیرانداز

سواران چابك تشکیل داد که در روز نبرد با شمشیرهای آخته فریاد کشان بسوی سواره نظام کروزس هجوم بردند اسبان سپاه لیدی که تا آنروز شتر ندیده بودند با دیدن هیکل‌عظیم و قیافهٔ عجیب شتران و فریادهای جمازه سواران رم کردند و سواران وحشت زده و دست و پا گم کرده و باین‌سو و آنسو میگریختندوبدین ترتیب کورش توانست بآسانی آنان‌را درهم‌شکسته وبافسانهٔ شکست ناپذیری سواره نظام لیدی پایان بخشند .

مطالب فوق روشنگر بسیاری از واقعیت‌ها است که مهمترین آنها اولا عظمت سپاه کورش است ، چنانکه خواهد ، آمد از چندین طایفه و ملت تشکیل یافته بود و دیگر رسته‌های منظم این سپاه است که بنظر میرسد کورش نظام سپاه‌وخشتررا دگرگون ساخته‌باشد، زیرا می‌بینیم که مجدداً سپاهیان بصورت قبیله‌ای و قومی و به روشی کاملا نوین درآمده‌اند و نیز قدرت بی‌نظیرفرماندهی کورش را آشکار میسازد، زیرا رهبری چنان ارتش عظیمی که ترکیبی از ده‌ها ملت گوناگون باآداب ورسوم وزبان واسلحه و روش جنگی خاص خود در چنان جنگ بزرگی به‌نوعی که به‌پیروزی‌کامل بیانجامدکاری بس خطیر و دشوار است.

همین آراستگی‌نظامی بود که‌به کمبوجیه اجازهٔبزرگترین وعجیب‌ترین فتوحات دنیای قدیم را داد واو توانست بمدد یك چنین نیروئی دولت مصر را پس از سه هزار سال استقلال و سلطنت ۲۶ سلسله بزانو در آورد . اما متأسفانه بعلت اشتباهات فراوانی، منجمله دوری ممتد از ایران و کشتار بی‌رحمانهٔ نزدیکان و سرداران کشور و لشکرکشیهای بی‌حاصل در داخل

گذشته ازاین، وی درسازمان ارتش وتسلیحات آن نیز تغییرات بزرگی داد. مثلا دریك دسته که از پانصد ارابهٔ جنگی تشکیل میشد، پانصد مرد ورزیده‌وجنگی ، دوهزاررأس اسب‌وپانصد ارابه‌ران می‌بایستی از بین‌بهترین افراد انتخاب شوند واین عده نه‌تنها قدرت ضربه‌ای‌کافی نداشتند وعملا قادر نبودند که لطمهٔ مهلك ومؤثری بدشمن وارد سازند خود نیزهرآن درمعرض خطرنیستی و نابودی قرار داشتند بدین جهت کورش تصمیم گرفت که بکلی شکل‌وفرم‌وساختمان‌ارابه‌های‌جنگی‌راتغییرداده‌وآنان‌رابه‌نحوی آماده‌سازند کـه بتوانند بعنوان نیروی مؤثری در جنگها، وارد صحنهٔ مبارزه شونـد. «کورش» چرخهای (ارابه‌ها را) قوی‌ترومحکمتر ساخت تا درمیدان کارزار مقاومت بهتری داشته‌باشد و دیرتر از محورخود منحرف [شده] یا واژگون گردد یا بشکند ، طول محور را زیادتر کرد ، محل جلوس در ارابـه را از چوب ضخیم بمانند برجی ساخت تا راننده بهتر وباآزادی بیشتری اسبها را براند . ارابه‌ران دارای کلیهٔ سلاحهای لازم بود وفقط چشمانش‌آزاد بود تـا به‌راحتی به‌بیند . دردو انتهای محورچرخها دوقطعه آهن به‌شکل‌داس‌برنده قرارداد و در زیرآن قطعهٔ دیگری‌نصب کرد تا دستجات دشمن را به‌راحتی مضمحل سازد . این‌شکل ارابه هنوز در دسته‌های سپاهیان پادشاهان پارسی معمول است » [۱۸] دیگر ازاقدامات مهم وی تشکیل دستهٔ جمازه‌سوار بود او در جنگ با پادشاه لیدی برای نخستین بار ازآنان درکارزار سودجست‌زیرا ازآنجا که سواران کروزوس پادشاه لیدی در تمام دنیا در مهارت و چابکی مشهور بوده و لرزه براندام کلیهٔ دشمنان می‌انداختند کورش بـرای درهـم شکستن آنها ابتکار تازه وعجیبی بکار برد.بدین ترتیب که گروهی جمازه

۱۸ـ کورش نامه نوشتهٔ گزنفون ص۲۰۸

نخستین کسی‌بود که درایران ارتش بمعنی‌حقیقی کلمه‌را بوجودآورد. تاقبل از وی ایران فاقد نظامیانی ثابت و ورزیده و همیشگی بود زیرا معمولا افراد ارتش را مردان داوطلب یا اجیر تشکیل میدادند اینان در زمان صلح بزراعت و کارهای شخصی میپرداختند و بمجرد پیش‌آمدن جنگی باصدور فرمان بسیج همگانی بصفوف ارتش فرا خوانده میشدند و نه تنها حقوقی دریافت نمیداشتند بلکه اکثراً موظف بودند که اسلحه و اسب و خوراك و علیق اسب خویش را شخصاً تهیه کنند و تنها احتمالا دراثر پیروزی وفتح از غنائم جنگی بهره‌مند میشدند وپیداست این روش چه اشکالات فراوانی ببار میآورد. مانند آماده نبودن سپاهیان ، وقت گیری بسیج عمومی ، هماهنگ نبودن اسلحه وتجهیزات‌سپاه، نداشتن‌انضباط وتعلیمات‌نظامی وتحرك‌کافی که هریك بنوبهٔ خود در متزلزل ساختن اساس و بنیان ارتش و روحیهٔ افراد و کاستن ارزش جنگی نفرات نقش مهمی داشت.

داریوش با رأی تیزبین و دوراندیش خود بخوبی این نقص بزرگ را دریافت وبا کوشش پیگیری درصدد تشکیل یك‌سپاه منظم وهمیشگی‌برآمد که سپاهیان جاویدان حاصل این تلاشها بود.

سپاه جاویدان‌از ده‌هزار نفر تشکیل‌میشدوبدین علت‌این‌افرادرافناناپذیر میخواندند که هر گاه یکی از آنان میمرد یامستعفی میشد و یابعللی اخراج میگردید، بلافاصله محل خالی وی ازمیان گروه‌بیشمار داوطلبان پرمیشد، زیرا از آنجا که افراد این گروه ازمیان فرزندان نجبا انتخاب شده ودارای مقامی عالی بودند و گذشته از اینکه سخت مورد توجه شخص شاه بودند از امتیازات اجتماعی و اقتصادی خاصی برخوردارمیشدند . عضویت این نیرو، افتخاری بزرگ بحساب‌آمده وخدمت‌دراین سپاه بزرگترین آرزوی تمام

صحاری بیکران افریقا که قسمت اعظم قوای وی را تلف کرد [۱۹] هم کشور را دچار آشفتگی ساخت وهم لطمات سختی به‌ارتش‌خویش واردآوردبطوری که شاید اگر شخصیتی چون داریوش کبیر به‌سلطنت نمیرسید شاهنشاهی هخامنشی خیلی زودتر از حملهٔ اسکندر منقرض میشد.

داریوش هنگامی زمام مملکت را بدست گرفت که آشفتگی عجیبی در سراسر ایران حکمفرما بود و تقریباً، نتیجهٔ کلیهٔ زحمات کورش کبیر بباد رفته بود. بعلت آنکه گئوماتای مغ‌مردم را ازپرداخت مالیات ودادن سرباز معاف کرده بود. خزانهٔ دولت تهی و سازمان ارتش از هم پاشیده شده بود و اکثرولایات ایران سربه‌شورش برداشته‌ودعوی خودمختاری‌میکردند. قسمت اعظم اوایل سلطنت داریوش صرف سرکوبی این شورشها گردید.

تأثیر دوران شاهنشاهی داریوش از نظر نظامی

داریوش را باید بنیان‌گذار ارتش نوین ایران (دردوران کهن) بحساب آورد در زمان وی ایران مجدداً عظمت و شوکت عصر کورش را یافت و سپاهیان ایران هولناکترین قوای نظامی بشمار میآمد که تا آن روزگار جهان بچشم دیده بود. تمام‌آسیای غربی وقسمت مهمی ازآسیای مرکزی و مصر وقسمتی ازشمال‌آفریقا تحت فرمان حکومت ایران بود. مسلم است که چنین مملکت پهناور وسیعی احتیاج به‌چه نیروی نظامی مهمی دارد.

داریوش بازدیادنفرات ارتش وبه‌شکوه وقدرت‌آن اهمیت فراوان میداد تعدادسربازان‌ایران‌بقدری زیادونیرومندبود که هیچ خریفی راتوانائی‌مقابلهٔ باآن‌نبود. مهمترین رکن این ارتش وهستهٔ مرکزی‌آنرا گروه ده‌هزارنفری پیادگان جاویدان (یاپیاده‌نظام فناناپذیر) تشکیل‌میداد، درحقیقت داریوش

۱۹- منجمله کمبوجیه یکبار بخاطر فتح لیبی پنجاه‌هزارتن ازسربازان خودرا بسمت صحرای مخوف لیبی گسیل داشت که همگی درزیر ریگهای روان تلف شدند و بار دیگر ازگروه عظیمی ازلشگریانش‌را تحت فرماندهی خود روانهٔ صحرای بی‌آب وعلف ناپاتا کرد که اکثریت‌آنها ازتشنگی و کم‌بود خواربار تلف شدند.

جوانان پارسی بود . داریوش برای افراد گارد جاویدان اسلحهٔ یك‌شکل و اسب وحقوق مکفی تعیین کرده ومقرر داشت که آنان‌جز بامور سپاهیگری وتمرینات نظامی مطلقاً به‌هیچ‌کاری دیگر دست نزنند و فرماندهی کلی‌آنرا نیز به‌رئیس یکی از هفت خانوادهٔ اصیل پارسی سپرد و بدین ترتیب نخستن ارتش منظم و حرفه‌ای ایران را با سازمانی دقیق و پیش‌بینی‌شده وهیأتی با شکوه بوجود آورد. افراد سپاه جاویدان که هستهٔ اصلی سپاه هخامنشی را تشکیل میدادند همیشه‌درآرایش‌جنگی‌درقلب سپاه قرارمیگرفتند وازآنجا که از زبده‌ترین جنگاوران دنیای قدیم‌بودند، قلب سپاه ایران را شکست‌ناپذیر میساختند. آنان همگی کلاههای پشمی برسر داشتند و قباهای بلند آستین‌دار ورنگارنگ میپوشیدند ، زرهی فلزی که بطرز بسیار زیبا و مستحکمی بافته شده بود وساق بندهای فولادی وسپرهای بزرگ چوبی که ببازو میآویختند، وسائل دفاعی‌آنان راتشکیل میداد . اسلحهٔ تهاجمی‌آنها را نیزه‌ای بلند و کمان وترکشی پرتیر و شمشیری کوتاه وپهن وسنگین و خنجر تشکیل میداد .

گذشته از سپاه جاویدان افواج بیشماری از کلیهٔ ملل تابع شاهنشاهی رسته‌های دیگر ارتش را تشکیل میدادند که آرایش جنگی آنها متفاوت بود، دربعضی جنگها افواج را بایکدیگر مخلوط کرده ودودسته اصلی پیاده وسواره نظام را بوجود میآوردند ، دراین صورت پیاده‌نظام مسلح به‌تیرونیزه وخنجر و کمان وفلاخن و کمند وسپروشمشیربود. افراد این‌دسته کلاه‌نمدی مدوری برسرمیگذاشتند و پیراهن چرمی بلندی دربرمیکردند که تازانوی آنها میرسید وآستین‌های بلند داشت. شلوار ایشان نیز از چرم بود و چون

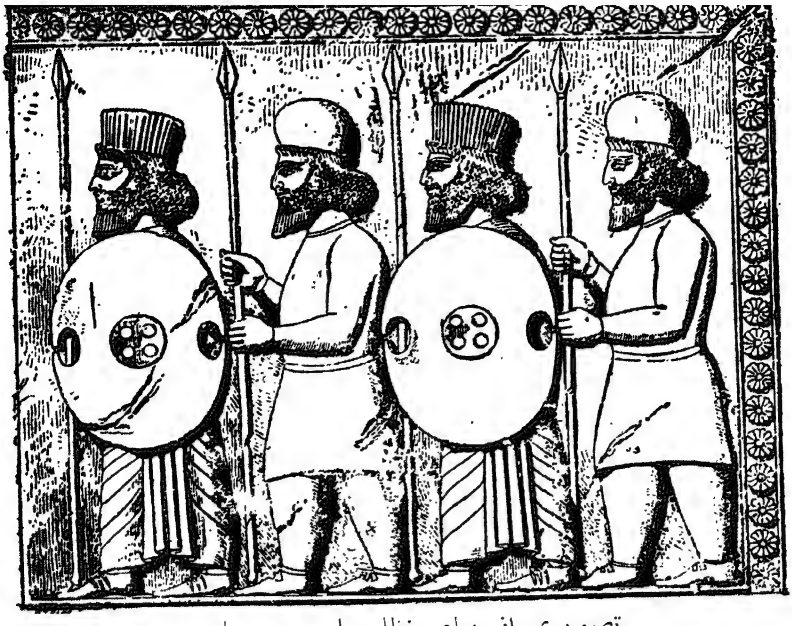

تصویری از پیاده نظام پارسی و مادی

گروهی از سربازان «سپاه جاویدان»

به‌ساق پا میرسید تنگ میشد و بساقهٔ کفش چرمی آنها منتهی میگشت . »[۲۰]
سوار نظام خود بدو دسته سبك اسلحه و سنگین تقسیم میشد ، سواران سبك اسلحه علاوه برسلاح پیاده‌نظام. زوبین کوچکی رانیزحمل‌میکردند. مهارت وچابکی آنان درسرعت وتحرك وقیقاج رفتن وتیراندازی بود . بهمین دلیل جنگ دردشتها و میدانهای وسیع برای آنان آسانتر بنظرمیآمد، وظیفهٔاساسی سواران سبك‌اسلحه حمله وتهاجم بوده .

سواره نظام سنگین اسلحه:

قسمت دیگر از سواران ارتش هخامنشی را سواره نظام سنگین‌اسلحه تشکیل‌میداد، تقریباً سراپای آنان غرق درآهن‌وپولاد بود وازدور مانندیك دژ جنگی متحرك بنظر میآمدند. زره سراسری و کلاه خود وساق‌بندهای فولادین می‌پوشیدند و حتی اسبان خویش را نیز بوسیلهٔ زره مخصوصی (برگستوان) حفاظت‌میکردنداسلحهٔاصلی آنان‌نیزهٔ بلندوشمشیر وخنجر و گرز بود . بدیهی است که این سواران بعلت داشتن سلاح سنگین فاقد سرعت وتحرك کافی بودند، بهمین دلیل وظیفهٔ اصلی‌آنان دفاع وپشتیبانی از پیاده‌نظام بود. معمولا هنگامیکه فاصلهٔ بین‌نبرد های متخاصم کم‌میشدوکار بجنگ تن‌بتن میکشید وارد صحنهٔ نبردمیشدند وچون بعلت پوشش‌خوب‌از بیشتر ضربه‌ها در امان بودندا کثرا کشتار مهیبی‌براه می‌انداختند. اما عیب بزرگ آنان این‌بود که بسبب نداشتن سرعت‌کافی بخصوص اگر پشتیبانی سواره نظام سبك اسلحه رااز دست میدادند ارتباط آنها قطع‌شده‌وبمحاصره درمیآمدند.

۲۰- تاریخ دوهزاروپانصد ساله ایران- تألیف عباس پرویز جلد۱ ص ۱۲۳

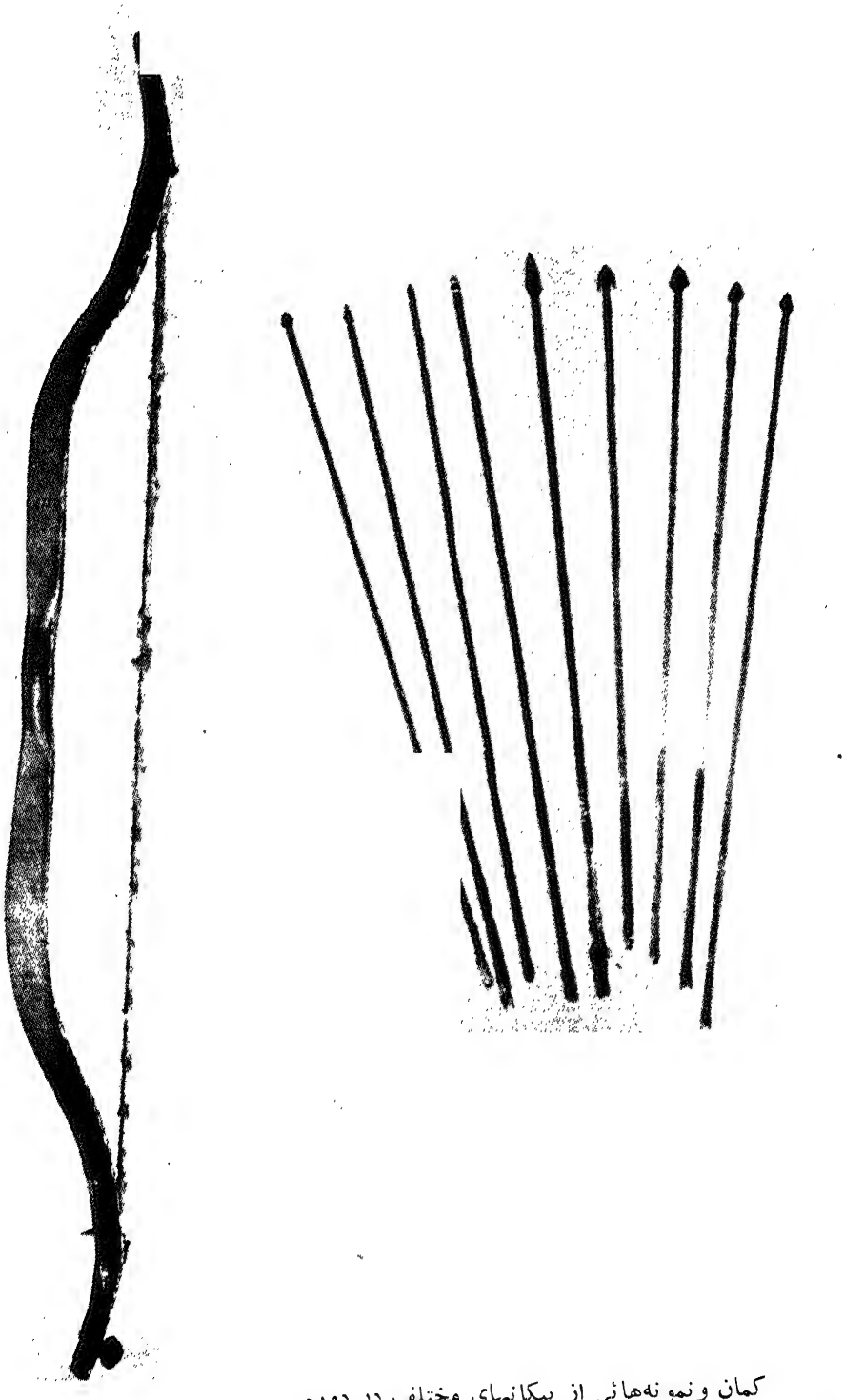

کمان ونمونه‌هائی از پیکانهای مختلف در دوره
ماد وهخامنشی – (تصویر ازکتاب زین ابزار – استاد پورداود)

حران دردامنه کوهستان زاگروس امتداد یافته به‌ساردس(سارد) رسیده واز آن نیز می گذشت وتا افسوس امتداد می‌یافت . طول این راه عظیم بیش از دوهزار وششصدوهشتاد کیلومتر بود و «...شامل صدویازده ایستگاه یامنزل بود که هریك با اسبهای تازه نفس یدکی بـرای پیکهای شاهی مجهز بود . بقول مورخان‌قدیم کاروانها نودروز ، طول‌میکشید تااین‌جاده را ازاول تاانتهم طی کنند درصورتیکه پیکهای شاهی این‌راه‌را در یك هفته‌میپیمودند»[۲۱]

این گزارش‌بخوبی اهمیت دستگاه ارتباطی وخبر گیری‌داریوش‌رانشان میدهدزیرا به‌این‌ترتیب شاهنشاه‌هخامنشی‌در کوتاهترین مدت‌ممکن‌ازاوضاع دوردست‌ترین‌مناطق کشورخویش باخبرمیشد واین درنیای‌قدیم حائزاهمیت فراوان بود گذشته ازاین دستگاه منظم ، بفرمان داریوش گروهی‌مشعلداران در بلندیها وقلعه‌ها درفواصل معین درجاده‌ها بودند که اخباربسیارفوری و کوتاهرا با علائمی شبیه (الفبای مرس) بوسیله شعلهٔ آتش و دود بیکدیگر مخابره کرده در زمانی بسیار کوتاه بپـایتخت میرسانیدند .

دیگر از جاده‌های مهمی که درآنروزگار ساخته شد یکی جـاده بابل بود که از راه کرخمیش بمصر می‌پیوست و نیز راهی که از بابل وحلوان وبیستون گذشته‌به‌همدان‌می‌پیوست. علاوه براین شاهراههای‌بزرگ واسامی تقریبا اکثر شهرهای بزرگ و مهم کشور بوسیله یك شبکه وسیع خطوط ارتباطی و جـاده‌های درجه دوم بیکدیگر وصل میشد که از آن میان باید از جاده‌ای که شوش را به‌تخت جمشید متصل میساخت نام‌برد که در حوالی بهبهان بعضی قطعات سنگ‌فرش شده‌آن کشف گردیده است .

۲۱- ایران ازآغاز تااسلام - نوشته پروفسور - گیرشمن ص ۱۵۸

گذشته ازاین نفرات،داریوش شاهنشاه بزرگ هخامنشی برای حفاظت سرزمینهای‌وسیعی که تصرف کرده بود تقریباً در تمام نقاط دور دست ایران ساخلوهائی نگهداری‌میکردودر کلیهٔساتراپهاپادگانهای‌نظامی‌بوجودآورده بود. افراد این پادگانها مستقیماً تحت فرمان فرماندهی بودند که داریوش خود ازپایتخت‌برگزیده وروانهٔ ایالات میکرد. مثلا درساخلوی مصربگفتهٔ هرودوت‌قریب ۲٤۰ هزارسپاهی جنگجووجود داشته است.

اقدامات دیگر داریوش

یکی از بزرگترین کارهای داریوش در زمینه‌تشکیلاب نظامی، ساختن جاده‌های بزرگ وطولانی وپرارزش برای‌حمل‌ونقل بوده اوبخوبی به‌اهمیت حمل ونقل نیروهای خویش پی‌برده بود ومیدانست که برای حفظ امنیت و آرامش چنان سرزمین وسیعی محتاج بوجود راههای عریض و مناسب است که بتواند در هر لحظه سپاه خویش را با سریعترین سرعت ممکن بمنطقه بروز خطربرساند. وی برای حفظ ارتباط بین مراکز مختلف شاهنشاهی وپایتخت، شبکه‌ای از جاده‌های سراسری تشکیل‌داد که‌وسعت و اهمیت‌آن چندان بود که مدتها در شاهنشاهی ایران‌پایدار ماند. این‌جاده‌ها که‌دردرجهٔ اول برای‌امور اداری بکارمیرفت مرتباً ودقیقاً بازرسی ومراقبت میشد.البته مهمترین ارزش‌این جاده‌هااز نظر،موقعیت نظامی بود ولی‌بامرورزمان ارزش فروان اقتصادی وتجاری‌نیزیافتندبطوریکه بعدهاهمین‌جادها از معروفترین شاهراههای اقتصادی جهان محسوب شدند.

باوجود گذشت قرنها بازهم میتوان مسیر این جاده‌های بزرگ راتقریبا بطوردقیق رسم کرد یکی از مهمترین این راهها جاده معروف«شاهی»بود که از شوش شروع شده واز دجله عبور میکرد پس از گذشتن از آسیای‌صغیرو

کشتی پنجاه پاروئی را در طرف دریای سیاه[۲۳] و ۳۱٤ کشتی دیگررا در دوسوی تنگه داردانل تنگه دارد انل بکمك لنگرهای بزرگ ووزین طوری ساکن نگه داشتند که درمقابل هجوم امواج وبادهای شدیدی که از جانب دریای سیاه می‌وزید مقاومت می کردند و این کشتی‌ها را باطناب بیکدیگر بستند «... طنابها را باماشینهای چوبی که درخشکی بود کشیدند واین دفعه طنابهائی که استعمال کرده بودند برخلاف دفعه اول ساده نبود ، (بلکه) طنابهای کتان را دوبدو و طنابهائی‌را که از پوست درخت بیبلوس(Byblos) ساخته بودند ، چهار بچهار تا بداده بودند طنابهای آخری ظریف و دارای یك‌پهنا بود ، ولی طنابهای کتان خیلی ضخیم مینمود ویك آرش آن یك‌تالان وزن داشت (حدود ۲۷ کیلوگرم) همینکه پل حاضر شد ، چوبهای بزرگی موافق عرض پل بریده یکی را پهلوی دیگری روی طنابها نهادند. بعد روی این چوبها را با تخته بی‌آنکه درزی پیدا شود ، فرش کردند وچون این کار هم انجام شدبراین تخته‌ها خاك ریخته پل را صاف و همواره داشتند. بعد از هرطرف پل، نرده‌هائی کشیدند ، تا اسبها از دیدن‌دریا نترسند .»[۲٤]

درجنگها برای برقراری نظم و یکنواختی معمولا سربازانی که از همه ولایات وساتراپیهای ایران‌آمده بودند در دو دسته عظیم سواره نظام وپیاده نظام تقسیم می‌شدند و این بمنظور یکنواخت‌ساختن ارتش‌انجام می گرفت . ولی گه‌گاه بفرمان شاهنشاه سپاهیانی که از سرزمینهای مختلف ایران گرد می‌آمدند هریك‌خود مستقلا درواحدهائی مجزا و جداگانه قرارمی گرفتند وجنگاوران هرسرزمین لباس‌خاص خود را می‌پوشیدند وباسلاح ویژه‌خویش

۲۳ - ن . ك به ایران‌باستان پیرنیا - ذیل جنگ ایران و یونان .
۲٤ - همان کتاب - ص۷۲۰

خشایارشا و ارتش .

خشایارشا که وارث همهٔ قدرت وشکوه حکومت هخامنشی شده وازتمام کوششها و زحمتهای کوروش و داریوش سود جسته بود میل شدیدی را که به‌جلال‌وعظمت‌پرستی داشت، درنظام تشکیلات ارتش خویش نیزاعمال کرد بدین‌ترتیب که در زمان او سپاه‌ایران‌به‌عظیمترین وبزرگترین نیروی‌نظامی که در سراسردنیای آن‌زمان‌نظیرنداشت تبدیل شد برای درك عظمت ارتش ایران و روش جنگی و نوع اسلحه و تجهیزات که قشون کشی خشایارشا را بیونان متذکرمیشویم . شاهنشاه ایران که پس‌از تردید و مشورتهای فراوان بالاخره تصمیم‌حمله به‌یونان را گرفته بود تا نامرادی پدرش را جبران کند بخوبی می‌دانست که بدون داشتن نیروی دریائی مجهزو کشتی‌های جنگنده کاری از پیش نخواهد برد[۲۲] بنابرین با کوشش و تلاش پی گیری توانست قویترین بحریه جهان‌آنروز گار را بوجودآورد .

لشگرعظیم‌خشایارشادارای‌بهترین‌مهندسین‌نظامی‌و نقشه کشان‌آنروز گار بود که درجنگهای این پادشاه کارهای حیرت‌انگیزی ازآنان سر زد . پلی‌را که این گروه مهندس از کشتی برروی تنگه دارد انل ساخت بی‌تردیکی از بزرگترین شاهکارهای‌نظامی ومهندسی جهان بشمار می‌رود. آنان۳٦۰فروند

۲۲ - البته دلایلی دردست‌است که‌داریوش کبیرنیز به تشکیل‌نیروی دریائی‌توجه‌تام داشته است. مثلا هرودوت‌تعداد کشتی‌های داریوش‌رادر لشکرکشی به یونان وجنگ‌ماراتن ٦۰۰ فروند نوشته وپیداست که این نیروی دریائی بس عظیم است ولی خشایارشا جداًهم خود را مصروف تقویت نیروی دریائی ساخت زیرا میخواست بهر قیمت که شده آرزوی پدرش‌را که گوشمالی دادن یونانیها بود برآورد بهمین دلیل توانست عظیم ترین ناوگان جهان را بوجود آورد .

اردو کشی شرکت کرده بودند . از بسیاری نظرها این جنگ از پدیده‌های عجیب تاریخ دنیای کهن است اولا از نظر تعداد نفرات شاید تا زمان خویش بزرگترین لشکر کشی تاریخ جهان باشد. عدهٔ سپاهیان خشایارشا را مورخین بصورتهای مختلف ذکر کرده‌اند . هرودوت تعداد آنها را چنین ذکر کرده‌است (پیادگان ۱/۷۰۰/۰۰۰ نفر سواران ۱۰۰/۰۰۰ نفر، ملوانان و افراد نیروی دریائی ۵۱۰/۰۰۰ نفر و جمع کل آنها ۲/۳۱۰/۰۰۰ تن)[۲۶] . بطور قطع این رقم سخت اغراق آمیز است و چنانکه گذشت این مبالغه بیشتر بخاطر نشان دادن شجاعت و پایداری یونانیان و اهمیت جنگ آنان بوده است زیرا وقتی در نظر بگیریم که این افراد با اسبان خویش به چه مقدار نفرات و قوای امدادی و خدمه و مسئولین تهیه آذوقه وغیره احتیاج دارند رقم سپاهیان خشایارشا تقریبا به حدود پنج میلیون نفر میرسد و حرکت این عده در جاده‌های قدیم و با در نظر گرفتن امکان دنیای کهن از نظر حمل و نقل و خوراك سربازان و علیق اسبان و حتی کنترل و اداره سربازان و حفظ ارتباط بین نیروها عملا غیر ممکن می گردد .

ولی از آنجا که ایرانیان از عهد کورش به‌بعد به جلال و شکوه و تعداد نفرات ارتش خویش اهمیت فراوان می‌دادند و بویژه خشایارشا در این زمینه از همه اسلاف خویش تند رو تر بود و با مقایسه کردن نوشته های سایر مورخین میتوان گفت که نفرات این سپاه بطور قطع بیش از ۸۰۰/۰۰۰ یا یك میلیون نفر نبوده‌است و اگر ملوانان و خدمتگذاران و مسئولین آذوقه وغیره را کسر کنیم در حدود چهارصد تا پانصد هزار نفر مرد جنگی باقی می‌ماند که در صفوف مختلف میجنگیدند و تدارك و تهیه و حرکت این تعداد نیرو

۲۶- «ایران درعهد باستان» - تألیف دکتر محمد جواد مشکور- ص ۲۱۷

می‌جنگیدند . دراینصورت ارتش عظیم ایران به‌مجموعهٔ رنگارنگ وزیبائی تبدیل می‌شد که شکوه وجلال وهیبت خاصی داشت . یکی از عجیب‌ترین و بزرگترین اردو کشیهای جهان که با این تاکتیك صورت گرفت لشگر کشی خشایارشا به‌یونان بود . هنگامی که داریوش موفقیتی آنچنان که میل‌داشت درجنگ ما را تن بدست نیاورد تا دم مرگ بزرگترین آرزویش جبران‌این عدم پیروزی بود و پسرش خشایارشا پس‌از مدتها تردید و دو دلی ومشورت عازم جنگ با یونان شد متأسفانه منابع فارسی در مورد این اردو کشی بی‌نظیر وعظیم‌همگی‌سکوت کرده‌اندو آنچه‌برای ما بجا مانده‌فقط نوشته‌های یونانیان‌نظیر هرودوت و کتزیاس و گزنفون ودیودور و ژوستن و کرنلیوس نپوس‌وغیره‌است‌وپیداست که بعلت احساسات ملی ووطن پرستی‌نویسندگان آن‌نمی‌توان به‌این‌منابع‌اعتماد کرد. تقریبا کلیه‌آنان این‌جنگ‌رابزرگترین واقعهٔ تاریخ دانسته‌اند. البته واضح است که‌برای کشور کوچکی چون‌یونان این‌نبرد دارای اهمیت‌وارزش بوده است‌ولی برای شاهنشاهی ایران‌حادثه‌ای بسیار معمولی بنظرمی‌آمد باوجودآنکه ،چنانکه گذشت، به‌اکثر گفته‌های این مورخین نمیتوان اعتماد کرد[۲۵] ولی نوشته هرودوت بخصوص آنها که سپاهیان ایران را توصیف می‌کند برای نشان دادن نفرات وتجهیزات و سازمان‌بندی تشکیلات ارتش ایران در زمان خشایارشا بسیار قابل اهمیت و جالب توجه است . در این لشکر کشی سربازان ایران را اهالی ٤٧ ملیت مختلف که‌همگی‌تحت فرمان‌شاهنشاه ایران زندگی‌می کردند تشکیل‌میداد که هریك با لباس و اسلحه و روش جنگی خاص زادگاه خویش در این

۲۵- مثلا تمام مورخان‌بخصوص هرودوت بدلیل جانبداری از هموطنان خود در تعداد سپاهیان ایران در نبرد ماراتن وهم درجنگ خشایارشا بسیارغلو کرده‌اند

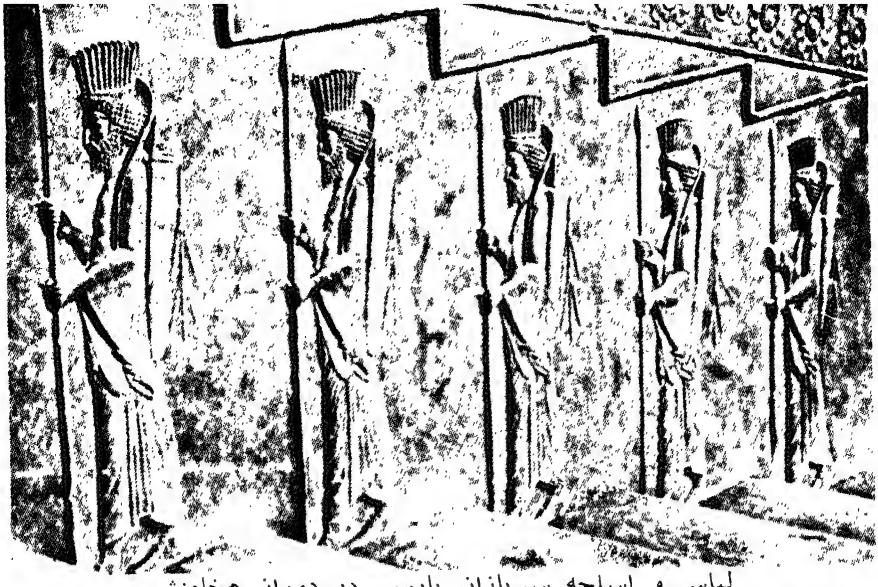

لباس و اسلحه سربازان پارسی در دوران هخامنشی

نیز بی تردید بزرگترین لشگر کشی دنیای قدیم بوده است . بنا به نوشتهٔ هرودوت ترتیب تقسیم‌بندی حرکت این‌جنگجویان بشرح زیربوده‌است :

۱ – پارسی‌ها – که قلب‌سپاه را تشکیل میدادند زبده‌ترین وبرگزیده ترین وشجاعترین افراد این‌ارتش را تشکیل میدادند بخصوص کـه وجود تعداد ده‌هزارنفری سپاه جاویدان به‌این گروه شکوهی فوق‌العاده می‌بخشید لباس آنـان بدین‌ترتیب بود « کلاه‌نمدین که خوب مالیده‌وآنرا تیاله می‌گفتند برسر ، قبائی آستین‌دار رنگارنگ دربر ، زرهی که حلقه‌های‌آهنین آن به فلسهای ماهی‌شباهت داشت‌برتن،شلواری از چرم که ساقهارامیپوشیده درپا داشتند ....»

اسلحه آنان را سپری سبك کـه آنرا از ترکه‌هـای بید بسافته بودند . ترکشی پراز تیرهائی که از نوعی‌نی مخصوص ساخته‌شده ونوك آنهابه‌پولاد آبدیده وتیزی مسلح بود ، کمان بلند وزوبینهای کوتاهی که همواره‌آنرا در دست داشتندو قمه‌ای کوتاه که آنرا از سمت راست کمربند خویش می آویختند ، تشکیل میداد « سپاهیان پارسی را اتانس[۲۷] همسرآمس‌تریس[۲۸] زن‌خشایارشا فرمان‌میداد »

۲ – مادیها – ازآنجا که اقوام ماد و پارس در اصل از یك ریشه و بـا یکدیگر برادربودند آداب و رسوم وپوشش و سلیح آنـان شبیه یکدیگر بود و در حقیقت اسلحه پارسیها که وصف‌آن آمد اسلحهٔ خاصی بوده است «فرمانده مادیها تیگران هخامنشی بود . »

27 — Otaness
28 — Amestris

مخصوص بومی وقمه‌های کوتاه وبسیار تیز وتبرزین برنده وهولناکی بنام ساگاریس[۳۵] تشکیل میدادفرمانده‌هردو گروه‌باختریهاوسکاها «هیستاسپ[۳۶] پسرداریوش از آتادختر کورش‌بود» .

۷ ـ هندی‌ها که ملبس به لباسی ازپنبه‌بودند و کمانی از نی وتیرهائی نیز ازهمان جنس که‌نوك آنها با فولاد آبدیده مجهز بود و شمشیری‌بسیار محکم وبرنده وزیبا داشتند (اصولا هندیها در فولادسازی بسیار متخصص بودند وتیغ هندی تا همین اواخر نیز معروف‌بود) «رئیس‌آنهاقاپ‌نازاتر[۳۷] پسر ارته‌بات[۳۸] بود . »

۸ ـ آریائیها (هراتیها) که کمانی پارسی داشتند وسایر سلیح آنهاشبیه به باختری‌ها بود و «رئیس آنان را سی‌سامنس[۳۹] پسر هی داپ‌نس[۴۰]می ـ نامیدند . » البته پارتیها ، خوارزمیها ، سغدیها ، گنداریها ، ودادی کس ها نیز تقریبا باهمان تجهیزات وپوششها دراین گروه قرار داشتند .

۹ ـ کاسپیائیها ـ که بر روی لباس خویش جلیقه‌ای زیبا از پوست بز می پوشیدند و بتیر و کمانی از نی و قمه ای کوتاه و پهن مسلح بودند . «رئیس‌آنها آریومرد[۴۱] برادر آرتی‌فیوس[۴۲] بود » .

۱۰ ـ سرنگی‌ها (ساکنین زرنگ یا زرنج یا سیستان) که‌دارای لباس

35 — Sagaris
36 — Histaspes
37 — Phapnazatres
38 — Artabate
39 — Sisamnes
40 — Hidapnes
41 — Ariomarde
42 — Artepheuse

۳ ـ کیس‌سی‌ها که‌همان اقوام قدیمی واصیل ساکن فلات ایران‌بودندو سلیح ولباس آنـان نیزکاملا شبیه به پارسی‌ها ومـادیها بود بایـن تفاوت که بجای کلاه تیار مخصوص پارسی ها ، کلاه بلند ونوك تیز مخصوصی به سر مـی گذاشتند که خود آنـرا میتر[۲۹] می نامیدند . فرماندهی آنان بعهده «آمافس[۳۰] فرزند اتانس[۳۱] بود» . هیرکانیها (ساکنان‌دشت گرگان وشمال خراسان) نیز با همان اسلحه وپوشش دراین واحدآرایش داده شده بودند وفرماندهی آنان با مگاپان[۳۲] بود .

٤ ـ آسوریها ـ خودی بسیار زیبا و مخصوص بخـود داشتند کـه آنرا بطرزبسیارعجیب‌وزیبائی‌ازسیم‌های‌مسین‌بافته‌بودند ومسلح‌به‌سپر ،نیزه‌وقمه، علاوه‌برآن، گرزخاصی‌داشتند که‌میخهای‌زیادی‌برروی‌آن‌می کوبیدند. لباس آنان را نیزپیراهنی سراسری‌از کتان‌بافته‌تشکیل‌میداد که‌برروی‌آن‌جوشنی می‌پوشیدند . کلدانیها نیز بـا همین هیئت در گروه آسوریهاقرارداشتندو «فرمانده هر دو (دسته) اوتاسپس[۳۳] پسر آرتاچه[۳٤] بود » .

٥ ـ باختریها که به کلاه خودی شبیه به خود پارسیها و کمانی محکم وپیکانهای کوتاه مسلح‌بودند .

٦ ـ ساك‌ها (سیکت‌ها و یا سکاها) کلاههای بلندنمدپن ونوك تیزبرسر می گذاشتند وشلواری رنگین بپا می کردند . سلاح اصلی آنان را کمان

29 — Mitre
30 — Amaphes
31 — Otaness
32 — Megapan
33 — Otaspes
34 — Artache

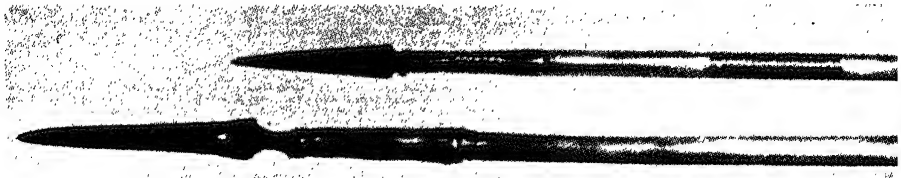

نمونه ای از نیزه و زوبین در دورهٔ هخامنشی (تصویر از کتاب زین ابزار ـ استاد پورداود)

شمشیر وکنده‌کاری غلاف‌آن در دورهٔهخامنشی

بسیار زیبا و رنگارنگ بودند و نیم چکمه ای از چرم گاو که تا به زانو میرسید در پای داشتند و کمان و تیر وزوبینی چون مادیها داشتند فرمانده آنان «فرن‌دات[٤٣] پسر مگامبیز (بغابوخش) بود».

۱۱ - پاکتیك‌ها لباسی به فرم بوعی از پوست بز دربر داشتند و به تیر و کمان و قمه مسلح بودند. «فرمانده اینها را آرتینت[٤٤] پسر ایتامتر[٤٥] می‌نامیدند»

۱۲ - اوتیان و میسین و پاریکانین[٤٦] که ساکنان نواحی جنوب غربی ایران (بلوچستان و پاکستان) بودند وآنان نیز مانند پاکتیک‌ها آرایش داشتند و فرمانده آنان آرسامنس[٤٧] پسر دایوش بود.

۱۳ - اعراب که عبائی می پوشیدند و بر روی آن کمربندی چرمین می‌بستند، آنان کمانهای بسیار بلندی داشتند که آنرا از شانه راست خویش می‌آویختند وبعلت‌بلندی بطرف چپ کشیده می‌شد.

۱٤- حبشی‌ها که ملبس به لباسهائی ازپوست حیوانات وحشی بخصوص شیر وپلنگ بودند، کمانهائی بسیاربلند ازشاخه‌های نخل که طول آن در حدود چهار گزبود داشتند ونیزهائی بلند ازنی‌میساختند. نوك این تیرهارا بجای پولاد یاآهن ازسنگ نوك تیزی مجهزمیکردند. زوبین‌هائی بلند که نوك آنها به شاخ تیز شدهٔ غزال منتهی میشد، داشتند و گرزی سنگین که آنرا میخ کوبی می کردندنیزحمل میکردند«ایشان وقتی که بجنگ‌می‌روند، قبل‌ازجدال نیمی‌ازتن‌خود را گچ میمالند ونیم دیگررا ورمیلون[٤٨] فرمانده اعراب وحبشیهای ساکن شمال مصر آرسام پسرداریوش ازآرتس تن دختر کورش بود»

43 — Phrendate
44 — Artynte
45 — Ithamatre
46 — Paricaniens-utiens-myciens
47 — Arsamenes
48— Vermillon(ترکیبی ازگوگردو جیوه)

اساسی ترین و مهمترین قسمت نیروی دریائی شاهنشاهی را مصریها تشکیل میدادند، آنان بادویست کشتی‌سه ردیفی کـه هریك غول شنـاور و جنگنده‌ای را بخاطرمی‌آورد درپیشاپیش‌خط حملهٔ ایران قرارداشته ومانند لباس ملوانان مصری را « زرهی سراسری، شمشیری‌دراز، کلاه خودی بافته، سپر گودشده بالبهٔ پهن، نیزهٔ خاصی که فراخورجنگ دریائی سـاخته شده بود وزوبین سیخ دار وبزرگ تشکیل میداد»[۵۱]

فنیقی‌ها، آناتولی‌ها ویونانیهای تابع ایران نیز باکشتیهای سه ردیفی‌تقریباً شبیه ناوهای مصری خود به‌ناوگان‌بزرگ پیوسته بودند که مجموعاً تعداد آنها به‌یکهزار و دویست کشتی بزرگ جنگی میرسید علاوه بر این تعداد کثیری کشتیهای نسبتاً کوچك وتندرو که در حدود سی تا پنجاه پارو زن داشتند ونیز گروه کثیری کشتیهای باربر،برای حمل سرباز وآذوقه واسب که جمع آنها درحدود سه هزار فروند میشده در این نیروی دریائی عظیم شرکت داشتند.

فرماندهی این نیروی بزرگ را خشایارشا به چهار دریا سالار مـورد اعتماد خودش سپرده بود- «اکمنس برای مصریها،آریا بیگنس پسرداریوش ودختر گبریاسس (گویریاس) برای یونان و پرکساس پس فرزندآسپاتینس ومگاباز پسرمگابات برای بقیهٔ نیروی دریائی»[۵۲]

این نیروی عظیم زمینی و دریائی باترتیب وشکوه خاصی بسوی یونان حرکت کرد اومستد حرکت آنراچنین توصیف‌میکند« ...این‌سپاه‌بزرگ‌از میان کشورهاآرام براه افتاد ، نخست‌کاروان باروبنه میرفت و درپی‌آن‌نیمی ازتیپ‌های پیاده روانه می‌شدند. پس ازفاصله‌ای هزارسوار برگزیده و سپس هزار پیاده برگزیده می‌آمدند که نیزه های سرپائینشان با زیورهای زرین

۵۱- تاریخ‌شاهنشاهی‌هخامنشی- نوشته-۱- ت،اومستد - ترجمه دکتر محمدمقدم-ص۳۳۰
۵۲ - تاریخ شاهنشاهی هخامنشی تألیف او مستندس ۳۳۳ ونیزنگاه کنیدبه تاریخ‌هرودوت ذیل قوای بحریه خشایارشا ونیز تاریخ ایران باستان مشیرالدوله‌ص۷۴۲

۱۵- حبشیهای شرقی که درصفوف هندیها قرار داشتند و اسلحه‌آنان نیز شبیه به هندیها بود فقط بجای خود کلاهی پوستی برسرمیگذاشتند که ازپیشانی اسب با گوشها ویال کنده شده بود. گوشهای اسب راست می‌ایستاد ویال اسب جای پرهای خودرا میگرفت وبه‌آنان هیبتی‌ترسناك می‌بخشید. برای دفاع نیزسپرهائی ازپوست درنا داشتند.

۱٦- لیبی‌ها که لباس ازپوست حیوانات دربر کرده ونیزه‌هائی داشتند که انتهای‌آنرا می‌سوزاندند «رئیس‌آنها ماساگس[۴۹] پسرآریز[۵۰] بود».

چنانکه گذشت خشایارشا میدانست که بجنگ دولتی دریانورد میرود زیرا ساکنین اصلی یونان را بیشترساحل نشینان وجزیره نشینان مدیترانه‌تشکیل‌میدادندوازدیرباز بعلل‌جغرافیائی‌بادریاوخوی وخصایص‌آن نیك‌آشنابودند وازمدتهاپیش، بعلت‌نیازطبیعی، قایق‌های‌خویش‌رابسینهٔ‌پهناور دریا میانداختند. گذشته ازهمهٔ اینها جنگ ماراتن وسارم موفقیت داریوش امپراطور نیرومند هخامنشی برای خشایارشا سندی بس بزرگ و تجربه‌ای گرانبها بود زیرا ضعف نیروی دریائی بزرگترین عامل شکست داریوش محسوب میشد. بهمین دلیل شاهنشاه ایران داشتن بحریه‌ای نیرومند را بزرگترین وقوی‌ترین ضامن پیروزی خویش بحساب می‌آورد وبخوبی‌آگاه بود که لشگر کشی به یونان بدون اتکاء به نیروی نیرومند دریائی بیهوده وغیرممکن‌است بهمین دلایل وی درآغازحکومت، هم خویش‌را مصروف‌تهیهٔ کشتی‌های جنگی وملوانان‌آزموده نمود.

وسعت کشورهای تابع شاهنشاهی وتنوع آنها این امررا آسان مینمود زیرا گروهی ازچابکترین وزبده‌ترین دریانوردان دنیای آن روزگار چون فینیقی‌ها ومصری‌ها تحت تسلط ایران میزیستند وحاضر بودند که در این لشگر کشی سهمی‌قابل توجه داشته باشند.

49— Massages

50— Oarize

بخش دوم

انارمانند بازشناخته می‌شد . پشت سر آنها ده مادیان‌را که در دشت « نسا » درمادیار آمده بودند، میآوردند. هشت‌اسب‌سفید گردونهٔ مقدس اهورامزدارا می کشیدند. گردونه ران خود پیاده میرفت بعد گردونهٔ خشایارشا (نمایندهٔ اورمزد در زمین) بااسب‌های نسائی حرکت میکردپس‌از آن یك هنگ‌دیگر مرکب از هزار پیاده برگزیده و هزار سوار برگزیدهٔ دیگر با نیزه های سر بالا که به‌زیورهای زرین انار مانند مزین بود، حرکت میکردند. سپس ده هزارنفرسپاهیان‌جاویدان بانیزه‌های زرین‌وسیمین‌وپس از آنها نیمهٔ‌دیگر لشگرحرکت میکرد. »

خشایارشا باچنین قدرتی شهرهای یونان‌را یکی پس‌ازدیگری فاتحانه می گشود وحتی بیشتر این پیروزیها ، بدون برخـورد نظامی بدست میآمد زیرا اهالی شهرهای یونان بادیدن چنان ارتش شگفت انگیزی از ترس سر اطاعت فرود میآوردند وتسلیم می‌شدند. اهالی آتن وحشت زده رسولانی بهرسو برای درخواست کمك فرستادندو کوشیدند که‌سپاهی حتی‌المقـدور کافی وجنگنده فراهم‌آورند. وجود اسپارتهای مبارزدر صفوف‌یونانیان وزنهٔ سنگینی بحساب میآمدند .

تنگهٔ ترموپیل بامدافعان اسپارتی خود بفرماندهی‌لئونیداس جنگجوی دلیر وبزرگ، برگ‌برندهٔ یونانیان بود. آنان امیدواربودند که بعلت‌تنگی معبر،خشایارشاه نتواند از کثرت نفرات خویش که بزرگترین برتری‌سپـاه ایران‌بحساب می‌آمد، استفاده کنند وازآن گذشته قادرنباشد سواره نظـام وپیاده نظام خویش را مشترکاً بکار برد جنگی که‌یونانیان‌آنرا بزرگترین حادثهٔ تاریخ جهان به حساب آورده اند ولی از طرف مورخین ایرانی ، بسیارمعمولی‌وباسکوت برگزار شده‌و در هرحال تأثیری عظیم در اوضـاع اجتماعی دنیای کهن داشته است بدین ترتیب‌آغاز گشت . بررسی چگونگی این نبرد ونتایج‌آن خود به‌زمان کافی نیاز دارد و امیداست درآینده این فرصت‌بدست آید.

فهرست مقالات

سال پنجم مجلهٔ بررسیهای تاریخی

پیام های اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر بزرگ ارتشتاران در کنگره ایران شناسی دانشگاه‌تهران و کنگره ابوالفضل بیهقی در دانشگاه مشهد

شماره‌سوم

فـرمـان اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر بزرگ ارتشتاران بمناسبت روز تاریخی ارتش

شماره‌چهارم

پیام اعلیحضرت همایـون شاهنشاه آریامهر بزرگ ارتشتاران بمناسبت گشایش جلسات سخنرانی و بحث در باره زبان فارسی

شماره چهارم

آ

آئین نامهٔ نظامی (کتاب مشق سرباز)
سرهنك ۲ یحیی شهیدی
ش ٦

آب تخت جمشید درزمان هخامنشیان ازکجا تامین میشده است .
مهندس علی حاکمی
ش ۲

الف

اسنادی درباره تاریخ مشروطه ایران
محمد گلبن
ش ۳

اعلان‌ها واعلامیه‌های دوره قاجار
سرهنك دکتر جهانگیر قائم مقامی
ش ۲

اعلان‌ها واعلامیه های دوره قاجار
دکتر محمد اسماعیل رضوانی
ش ۲

ر

روابط ایران باکشورچین پیش‌از اسلام
دکتر علاء الدین آذری
ش ۵

روابط ایران وعثمانی
دکتر نظام‌الدین مجیر شیبانی
ش ۳

روابط ایران وهلند درزمان صفویه
دکتر خانبابا بیانی
ش ٦

روابط ایلخانان مغول بادربار واتیکان
دکتر علاء الدین آذری
ش ۲

ز

ریکورات چغاز بیبل
محمود کردوانی
ش ۲

س

سخنی کوتاه پیرامون اوضاع اجتماعی واقتصادی ایران درروزکار ساسانیان
دکتر عنایت‌الله رضا
ش ۵

سکه شناسی
محمد مشیری
ش ۵

سندی درباره تاریخ ایران
سرهنگ دکتر جهانگیر قائم مقامی
ش ۱

سه آرامگاه برجی ازدوره سلجوقی
نوشته دیوید استروناخ ویانگ
نرجمه سروان مجید وهرام
ش ۱

سیمای تاریخ وفرهنگ ایران درموزه های تاریخ وباستانشناسی اتحاد جماهیر شوروی
دکتر پرویز ورجاوند
ش ٦

ش

شاهنامه فردوسی وتاجنامه های ساسانی
دکتر محمد محمدی
ش ۲

شصت‌وچهار سند درباره واقعه هرات
ایرج افشار
ش ۲و۳

ص

صفحه‌ای ازتاریخ مشروطیت ایران
محسن فرزانه
ش ٤

ف

فرمانی‌ازدوران ابوالمظفرجهانشاه قره‌قویونلو رکن‌الدین همایونفرخ
ش ۳

ك

کمانداری وتیراندازی درادبیات فارسی
ابوالقاسم جننی عطائی
ش ۱

گ

گزارشی درباره ارتش ایران دردوره قاجار
دکتر احسان‌اله اشراقی
ش ۲

گزارشی در بارهٔ بنیادهای تاریخی ارتش خشایارشاه
ش ٦

ل

لغت روزنامه ونخستین روزنامه چاپی درایران
محمد گلبن
ش ۵

ب

بافندگی وبافته های ایرانی ازدوران کهن
علی سامی
ش ۳ و ٤

بررسی اوضاع اجتماعی ایران از خلال جامع‌التواریخ رشیدی
دکتر شیرین بیانی
ش ۳

برگزیده هائی‌ازورزش نظامی دردورهٔ صفویه
سرهنگ ستاد نصرت‌الله بختورتاش
ش ٥

پ

پهلواها یا پهلوانان
دکتر محمد جواد مشکور
ش ۳

پیشینه تاریخی شطرنج
مجید یکتائی
ش ۱و۲

ت

تاثیر حقوق ایرانی روزگار ساسانی در گسترش حقوق اسلامی
محمدعلی امام شوشتری
ش ٤

تحقیقی درباره شغل ووظیفه منشی‌الممالکی
سرهنگ دکتر جهانگیر قائم مقامی
ش ۲

ترکان غز ومهاجرت ایشان بایران
دکتر محمد جواد مشکور
ش ٤ و ٥

توقیع وطغرا وتطور آنها درتداول دیوانی
سرهنگ دکتر جهانگیر قائم مقامی
ش ۳

ج

جغرافیای تاریخی وآثارباستانی تبریز
سروان مجید وهرام
ش ٤و٥و٦

چ

چند تلگراف تاریخی ازعین الدوله به وانی فارس
سروان محمد کشمیری
ش ٦

چند سند ازمجموعه اسناد
میرزا ملکم خان ناظم‌الدوله
سرهنگ دکتر جهانگیر قائم مقامی
ش ۱

چند فرمان تاریخی
سرتیپ محمود کی
ش ٥

چند فرمان تاریخی
محمد علی کریم زاده تبریزی
ش ٥و٦

چند نامه از حکیم‌الممالک
حسین محبوبی اردکانی
ش ٤

ح

حافظ ابرو
دکتر خانبابا بیانی
ش ٤

حصار ودروازه های قزوین
سرهنگ۲ یحیی شهیدی
ش ٥

فهرست اسامی نویسندگان مقالات

در سال پنجم مجلهٔ بررسیهای تاریخی

آ

آذری ـ دکتر علاء الدین
روابط ایران باکشورچین پیش ازاسلام
ص ۵

آذری ـ دکتر علاء الدین
روابط ایلخانان مغول بادربار واتیکان
ص ۲

الف

امیراقی ـ دکتر احسان اله
گزارسی درباره ارتش ایران دردوره قاجار
ص ۲

افشار ـ ایرج
معرفی نسخه اصلی وقفنامه رشید الدین فضل اله
ص ۱

افشار ـ ایرج
شصت‌وچهار سند درباره واقعه هرات
ص۲و۳

امام شوشتری ـ محمد علی
تأثیر حقوق ایرانی روزگار ساسانی در گسترش حقوق اسلامی
ص ٤

اشتری ـ محمد قلی
گزارشی دربارهٔ بنیاد های تاریخی
۱ ارتش خشایارشا
ص ٦

ب

بخنورتاش ـ سرهنك ستاد
برگزیده هائی ازورزش نظامی‌دردوره صفویه
ص ٥

بیانی ـ بانو دکتر شیرین
بررسی اوضاع اجتماعی ایران ازخلال جامع‌التواریخ رشیدی
ص ۳

بیانی ـ بانو ملکزاده
معرفی یك اثر مهم هنری وتاریخی (مدال بهرام سوم ساسانی)
ص ۱

بیانی ـ دکتر خانبابا
حافظ ابرو
ص ٤

بیانی ـ دکتر خانبابا
روابط ایران وهلند درزمان صفویه
ص ٦

ج

جنتی عطائی ـ دکتر ابوالقاسم
کمانداری وتیراندازی درادبیات فارسی
ص ۱

م

معرفی چند سکه ازدوران قاجار
محمد مشیری
ش ۲

معرفی نسخه اصلی وقفنامه رشید الدین فضل الله
ایرج افشار
ش ۱

معرفی یك اثر مهم هنری وتاریخی (مدال بهرام سوم ساسانی)
بانو ملکزاده بیانی
ش ۱

مفرغهای لرستان
نوشته پرفسور واندنبرگ
ترجمه سرهنگ۲ یحیی شهبدی
ش ۳

مهرها ونشانهای استوانه‌ای ایران باستان
رکن‌الدین همایونفرخ
س ۱

میترائیسم وسوشیانس مهر
مجید یکتائی
ش ٦

ن

نامه هائی ازمیرزا آقاخان کرمانی
سروان محمد کشمیری
ش ۱ و ۲

نبرد های آق قلعه
سروان محمد کشمیری
ش ٤

نشانیهائی ازگذشته دورگیلان ومازندران
جهانگیر سرنیپ پور
ش ٤

نقش بز کوهی برروی سفالهای پیش از تاریخ ایران
غلامرضا معصومی
ش ۳ و ٤

و

واحد های جغرافیائی ونخستین کانون های حکومتی ایران
دکتر کاظم ودیعی
ش ۱

وضع‌دادرسی وقضاوت درکشورهای باستانی
خاور زمین
علی سامی
ش ٦

کشمیری ـ سروان محمد
نامه هائی از میرزا آقاخان کرمانی
ش ۱ و ۲

کشمیری ـ سروان محمد
نبردهای آق قلعه
ش ٤

کی ـ سرنیپ محمود
چند فرمان تاریخی
ش ٥

گ

گلبن ـ محمد
اسنادی درباره تاریخ مشروطه ایران
ش ۳

گلبن ـ محمد
لغت روزنامه ونخستین روزنامه چاپی درایران
ش ٥

م

مجد شیبانی ـ دکتر نظام‌الدین
روابط ایران وعثمانی
ش ۳

محبوبی اردکانی ـ حسین
چند نامه از حکیم‌الممالك
ش ٤

محمدی ـ دکتر محمد
شاهنامه فردوسی وتاجنامه های سدسانی
ش ۲

مشکور ـ دکتر محمد جواد
پهلواها یا پهلوانان
ش ۳

مشکور ـ دکتر محمد جواد
ترکان غز ومهاجرت ایشان بایران
ش ٤و٥

مشیری ـ محمد
سکه شناسی
ش ٥

مشیری ـ محمد
معرفی چند سکه ازدوران قاجار
ش ۲

معصومی ـ غلامرضا
نقش بز کوهی برروی سفالهای پیش از تاریخ ایران
ش ۳ و ٤

و

ودیعی ـ دکتر کاظم
واحدهای جغرافیائی ونخستین کانون های حکومتی ایران
ش ۱

ورجاوند ـ دکتر پرویز
سیمای تاریخ وفرهنك ایران درموزه های تاریخ وباستانشناسی اتحاد جماهیر شوروی
ش ٦

وهرام ـ سروان مجید
ترجمه سه آرامگاه برجی ازدوره سلجوقی نوشته دیوید استروناخ ویانگ
ش ۱

وهرام ـ سروان مجید
جغرافیای تاریخی وآثار باستانی تبریز
ش ٤ و٥ و٦

ه

همایونفرخ ـ رکن الدین
فرمانی‌ازدوران‌ابوالمظفرجهانشاه قره‌قویونلو
ش ۳

همایونفرخ ـ رکن الدین
چهرها ونشانهای استوانه‌ای ایران باستان
ش ۱

ح

حاکمی ـ مهندس علی
آب تخت جمشید درزمان هخامنشیان
ش ۲

ر

رصا ـ دکتر عنایت‌اله
سخنی‌کوتاه پیرامون اوضاع‌اجتماعی‌واقتصادی ایران درروزگار ساسانیان
ش ٥

رضوانی ـ دکتر محمد اسماعیل
اعلان‌ها واعلامیه های دوره قاجار
ش ۲

س

سامی ـ علی
بافندگی وبافته های ایرانی ازدوران کهن
ش۳ و٤

سامی ـ علی
وضع دادرسی وقضاوت درکشورهای‌باستانی خاور زمین
ش ٦

سرتیپ پور ـ جهانگیر
نشانیهائی ازگذشته دورگیلان ومازندران
ش ٤

ش

شهیدی ـ سرهنگ۲ یحیی
آئین نامهٔ نظامی (کتاب مشق سرباز)
ش ٦

شهیدی ـ سرهنگ۲ یحیی
ترجمه مفرغهای لرستان بقلم پرفسور واندنبرگ
ش ۳

شهیدی ـ سرهنگ۲ یحیی
حصار ودروازه های قزوین
ش ٥

ف

فرزانه ـ محسن
صفحه‌ای ازتاریخ مشروطیت ایران
ش ٤

ق

قائم مقامی ـ سرهنگ دکتر جهانگیر
اعلان ها واعلامیه های دوره قاجار
ش ۲

قائم مقامی ـ سرهنگ دکتر جهانگیر
تحقیقی درباره شغل ووظیفه منشی‌الممالکی
ش ۲

قائم مقامی ـ سرهنگ دکتر جهانگیر
توقیع وطغرا وتطورآنها درتداول دیوانی
ش ۳

قائم مقامی ـ سرهنگ دکتر جهانگیر
چندسنداز‌مجموعه اسناد میرزا ملکم خان ناظم الدوله
ش ۱

قائم مقامی ـ سرهنگ دکتر جهانگیر
سندی درباره تاریخ ایران
ش ۱

قائم مقامی ـ سرهنگ دکتر جهانگیر
سندی درباره سفارت ژنرال یرملوف‌به‌ایران
ش ٦

ک

کردوانی ـ محمود
زگورات چغازنبیل
ش ۲

کریم زاده تبریزی ـ محمد علی
چند فرمان تاریخی
ش ٥ و ٦

کشمیری ـ سروان محمد
چند تلگراف تاریخی از عین الدوله بـه والی فارس
ش ٦

ی

یکتائی ـ مجید
پیشینه تاریخی شطرنج
ش۱ و۲

یکتائی ـ مجید
میترائیسم وسوشیانس
ش ٦